

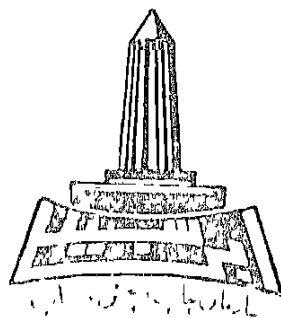
دکتر زهرا ی خانلری (دکیم)

داسټیار دانشکده ادبیات

راهنمای

ادبیات فارسی

(فرهنگ احادیث و اصطلاحات)



اراس دما دوهرا رودوست و دنيچاه سجه در اړدي بهست ۱۳۴۱
در جالخانه دانسگاه طبع سد

از همین مؤلف

پروین و پرویز (رمان)

رالد (رمان)

داسانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی درنده جایزه بونسکو

ترجمه

رنجهای جوانی ورنر ایر آندره‌موروا نویسنده فرانسوی

شبهای روشن » داسانوسکی نویسنده روسی

بیست داسان » لیرادلو نویسنده ایتالیایی

ناشر : کتابخانه ابن سینا

چاپ اول

حق چاپ محفوظ

به یاد
« آرمان »

یسرک عربز نا کامم که در هشت سالگی
در گذشت و من ، پس از دو سال ، هنوز مرگ
او را باور ندارم .

شوق او به کتاب خواندن و آموختن
نکته های ادبی مرا به این کار برانگیخت .
افسوس که کتاب را با اسبیدی فراوان
آغاز کردم و باغم و دردی بی پایان به انجام
رسانیدم .

رهرای خالمری (کیا)

بهمن ماه ، ۱۳۴۰

در کتاب

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همه کسانی را که با ادبیات فارسی سروکار دارند، راهنمایی باشد و هر کس بتواند برای رفع مشکلاتی پدید آمده‌ای در هر مورد به آن مراجعه کند و از آن به عنوان مددی برای حافظه بهره‌ور گردد.

در ادبیات فارسی خاصه در شعر غالباً به نکته‌هایی بر می‌خوریم که اشاره به واقعدهای تاریخی یا دنیایی است و شاعر از آن واقعدها با اشاره به شخص یا دستان به سبب و استعاره یاد کرده است. در این لحاظ شعر و غزل شاعر حر با دانستن آن دستان و سبب آن مشخص می‌شود. نکته از این در شعر فارسی همیشه به علوم و مکتب از نجوم و منطق و الهیات و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و در آن مفهوم شعر به حاج آسایی با این اصطلاحات و اشارات است.

موضوع کتابهای مهم علمی و ادبی فارسی از تاریخ و جغرافیه و عرفان و هند و نجوم و ریاضی و فلسفه و روشهای مختلف ادبیات نیز غالباً مورد اشکال است و نام مؤلف و تاریخ تألیف و مطالبی که آن کتابها منعکس است در خاطر ما نمی‌ماند و عمده برای رفع این مشکل می‌باید که به باخدا رجوع کند.

این کتاب برای رفع این گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده‌ای به آسانی بتواند موضوع اشکال را با بهام را در آن بیابد و به

ب

مختصرترین عبارتی از نکته مفصود مطلع شود .

مطالبی که در این کتاب جمع آوری شده از قرار ذیل است :

۱- ترجمه حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یا عربی آثار برجسته ای دارند .

۲- نام بزرگان تاریخی که به طرفی در نظم و نثر ادبیات فارسی به آنها وسوانح زندگیشان اشاره شده است .

۳- نام و احوال اشخاص بزرگ داسانی که در ادبیات فارسی مورد تمجید و ستایش و اشاره واقع شده اند .

۴- نام و احوال پیغمبران و بزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که در ادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

۵- نام و عنوان و موضوع کتابهای مهمی که دانشمندان و ادیبان ایرانی به زبان فارسی یا عربی تألیف کرده اند باز کر آخرین و متداول ترین چاپ آنها .

۶- اصطلاحات مهم علم هیئت و نجوم که در شعر فارسی آمده است .

۷- اصطلاحات معروف منطق و الهیات که در شعر فارسی به

آنها برسی خوریم .

۸- نکته های اصلی و مهم علم عروض .

۹- اصطلاحات و تعریفات علم قافیه .

۱۰- اصطلاحات و تعریفات مهم علم بیان و صنایع بدیع

شک نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی

می توان تألیف کرد که شامل چندین جلد باشد و نگارنده خود زمینه چنین

تألیفی را فراهم آورده است و امیدوار است که موفق بنابد و آن را بزودی

ج

به پایان برساند، اما آن تألیف هدف و غرض دیگری دارد و مؤلف در این کتاب پیشمرجنه نربیی را در نظر گرفته است تا جنبه تحفیمی، یعنی نخواستگی است کتابی بسازد که مورد مراجعه محققان باشد، بلکه به سر فصل آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورد احتیاج و استفاده علاقه مندان به شعر و ادب و تاریخ ادبیات ایران است و خاصه دانش آموزان و دبیران و دانشجویان را به کار می آید، در اینجا فراهم بیاورد و این نکات را به نیوهای مرتب کند که در هر مورد یافتن آنها با مراجعه به این کتاب هرچه آسانتر انجام بگیرد و به این سبب چه در سواد مندرج در کتاب و چه در توضیح و بیان هر ماده بتوانست به اختصار گویند و گمان می کنند که برای منظوری که در بیس داسنه است از این مقدار تجاوز بسیار جایز نیست.

در این کتاب ممکن است نقصها و خطاهائی راه یافته باشد که مؤلف امیدوار است با یادآوری خوانندگان دانشمند و مطالعاتی که خود به عمل خواهد آورد در جاهای آمده بر طرف شود. همچنین غلطیائی در چاپخانه بوجود آمده است مانند شکستنکی حروف با چاپخانه شدن عنوانها که بیست و نه آنها در غلطنامه یادآوری شده است.

حروف را هنما در بالای صفحه ها بر حسب حروف اول آخرین ماده در صفحه تنظیم شده است و برای هر نوع مطالب و هر یک از رشته های علمی و ادبی در برابر هر ماده علامتی اختصاری قرار گرفته که خوانندگان فهرست آنها را در صفحه جدا گانه ملاحظه خواهند کرد.

رهرای ساماری (۱۰۱)

پنجم ماه . ۱۳۴۰

نشانه‌های اختصاری

ب	بزرگان علم و ادب
ک	کتاب
ش — ت	اشخاص تاریخی شاهنامه
ش — د	اشخاص داستانی شاهنامه
د	اشخاص داستانی
تن	تاریخ انبیاء
ب	علم بدیع و بیان
ع	علم عروض
و	علم قافیه
ط	منطق و الهیات
فج	هیئت و نجوم

فهرست مطالب

صفحه	سطر	غلط	درست
۷	۱۰	رجوع به	رجوع شود به
۸	بالای صفحه	ا ب ن	ا ب ل
۱۲	۲۱	سیر الملوك داسره الملوك	سیر الملوك داسره ملوك
		الفرس	الفرس (
۲۰	بالای صفحه	ا و ب	ا و
۲۳	۱۳	لما بالالهاب	لما بالالهاب
۲۷	۲	بوده است	بوده اند
۲۷	۱۵	فامیلائی	فامیلائی
۲۹	۷	داد اسمد	داسمد
۳۸	۱۵	است	ازد
۴۱	بالای صفحه	ا س م	ا س ن
۴۲	»	ا س ن	ا س ب
۵۶	۳	ازار	از
۶۰	۱	ده می رود	ده می رود
۶۱	۱۹	دورا	دور را
۶۵	۱۲	اعل	نعل
۶۸	۱۹	اطعمد	اطعمد
۶۹	۱۶	فسمس	فسمس
۷۰	بالای صفحه	ب و ر	ب و ز
۱۰۲	۸	بخیر الرمان	بخیر الرمانی
۱۰۵	۷	اماو	اما
۱۱۳	بالای صفحه	ب ی ه	ب و س
۱۱۴	»	ب ج ا	ب ی ه
۱۱۶	۸	دوازده	دوازده
۱۶۳	۵	ده ده	ده ده
۱۷۰	۱	دلال	دلال

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۷۲	۷	شعر بمت	ببت
۱۷۲	۹	فر نظام	فرو نظام
۱۷۶	۹	رسید	رسیدی
۱۷۶	آخر	دیگر	دیگر از آنرا و
۱۷۸	۱۰	رما	رمل
۱۸۹	آخر	ریاضی	ریاض
۱۹۴	۱۲	یاری	بازی
۲۰۴	۱۱	بزغله	بزغاله
۲۰۶	۱۰	سر	سفر
۲۰۸	بالای صفحه	س ا م	س ل م
۲۰۸	ما قبل آخر	سام	سلم
۲۲۹	۱۰	نویسندگان	نویسندگان بر
۲۳۵	۳	رضوان	رضوی
۲۶۲	۸	مگوی و	مگوی
۲۹۳	۱	فصا	فصل
۳۰۲	۱۷	قس	قبس
۳۱۰	۵	وس اورسین	ویس ورامین
۳۱۴	آخر	و وعدة الابرار	و وعدة الابرار
۳۴۵	۲۰	مجمع النواریح	مجمع المواریح
۳۴۸	۱۷	محمد بن غاز	محمد بن غازی
۳۵۲	۱۰	جمله	حلمه
۳۵۲	۱۸	فکمه	نکمه
۳۷۹	۱۹	به حسام الدین حلمی	به حسام الدین حلمی ارادت
			می ورزند
۳۸۲	۱	دالہفات	تألہفات
۴۲۴	۷	چارم	چهارم

آباء علوی (نیچ) کتابه از هفت کوکب که به عقیده فدما درسرنوشت
انسان نائیر دارند .

به من نامتفقد آباء علوی

حو عیسی زان ابا کردم زآبا

«حاقانی»

آب حیات (نس) آبی که خضر در طلب آن به ظلمات رفت و از آن نوشید
و عمر حاودان یافت .

دوشن وقت سحر از غصه نجانم دادند

واندر آن طلعت سب آب جهانم دادند

«حافظ»

آب حیوان رجوع سود به آب حیات .

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست

گل بگشت ارنگه خود باد بهاران راحته شد

«حافظ»

آب خضر (نن) رجوع سود به آب حیات .

آبی که خضر حیات ازو یافت

در سبکده جو که جام دارد

«حافظ»

آب زندگی (تن) رجوع شود به آب حیات

معنی آب زندگی و روضه ارم

جز طرف جو باروسی خوشگوار چیست

«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم

خلیل الله افروخته شد، ولی به امر خدا آتش برابر ابراهیم گلستان شد.

بارب این آتش که بر جان من است

سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

«حافظ»

آتش طور (تن) آتشی که در کوه طور بر موسی ظاهر شد و آن بجای نور الهی

بود و کوه از آن باره باره گشت.

مددی گر به چراغی نکند آتش طور

جاره نره شب وادی ابمن چه کنم

«حافظ»

آتشکده آذر (ك) از تذکره های معروف. تألیف لطفعلی بیگ آذر

بیگدلی منبخلص به «آذر»؛ که در سال ۱۱۷۴ تألیف یافته است. در این

تذکره، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری

و نمونه ای از اشعارشان ضبط شده است. چنانکه خود مؤلف می گوید

شاعران را بر حسب بلادشان تقسیم کرده است، بدون رعایت سبب زمان

و تقدیم مرتبه ابن نرینیب بر حسب حرف اول نام شهر و حرف اول منبخلص

شاعر است. آتشکده شامل دو مجمره است: مجمره اول در ذکراحوال

و اشعار شاعران مقدم است؛ شامل بریک شعله در ذکراحوال و اشعار

شاهزادگان و شاهان و اسیران هر دیار از ترك و باجیک و بیه اخگر در ذکر

شاعران ایران و نوران و هندی و هراخگر ساهل چند سرارده است؛ ساهل اسم
ولايتها؛ وبكك فروغ در احوال زنان عرولاست.

مجموعه دوم در بیان حالات شاعران معاصر مؤلف، ساهل برد و برنویز
برنویز اول درد در افکار شاعران معاصر، و برنویز دوم درد در اشعار و احوال
مؤلف است. (جاب تهران)

آتشکده برزین با آذر برزین مهر یکی از ساهل آتشکده برزین
زردستان درد و روه ساسانی که در خراسان واقع بود و آتشکده خانی است و برزین
و برزین کران بوده است.

درد ساسان ز فروغ لاله نوی آتشکده برزین است

"ماه المرح نوی"

آتش وادی ابمن (ن) نوی که در وادی اسن نویز و المرح
سید و خطاب آمد: انی انالله.

زاس وادی اسن که منم حرم نویز

نویز اسن که اسن نویز نویز

۱۹۱۰

آثار الباقیه عن القرون الخالیه (۱۱) تألیف دانشمند ایرانی
ایرانی، ابوریحان بیرونی، که آن را در سال ۱۰۷۳ هجری قمری در نام نابوس
بن و سید بن خاندان است. کتاب در بیان تاریخ است و موضوع آن تاریخ
مختلف مال و اعیان آنهاست. مؤلف سید ابوریحان مال و اعیان مختلف را شرح
می دهد، و از اسلاف سادات، ایجاد سادات و ریز، انام شمس، در برد
مال مختلف را می داند، و از میان زبان بنی اسرائیل و ملوک
اسور و بابل و ملوک هیتی و ساسانی و سادات ایران را می داند
و در حدیث شریف و روایات ساسانی و سادات ایران را می داند.

بعد از اسلام می بردازد .

ابوریحان در شرح مساحت مختلف از منابع استفاده اش نام می برد
همه جا از حمزه اصفهانی ، طبری ، ابن خرداد به ، و از منجمان بزرگ مانند
ابو یوسف بلخی مطالبی نقل می کند . ابوریحان در ضبط اخبار حمیفی دقت
بسیار مبذول می دارد و در حائلی که به چند قول مختلف بر می خورد ،
آنها را با هم مقایسه کرده سعی برین آدها را انتخاب می کند .

در هیچ ناربتخی نمی توان اسناد و روزها و عقاید سال را به سوطان
از این کتاب یافت . (حاب اروپا)

آدم (ابوالبشر) (س) انسان نخستین ، که خداوند او را از خاک
آفرید و بر طبق آیات قرآن ، پس از چهل روز ، روح به کالبد او دمیده
شد . همه ملائک به فرمان خدا آدم را سجده کردند جز ابلیس . خدای تعالی
آدم را در بهشت جای داد و حوا را از گلوی حب او آفرید ؛ و انسان را
از خوردن گندم ، و به روایت دیوانه از خوردن سبب منع کرد . ابلیس به
کمک سار به بهشت رفت ، و آدم و حوا را فریفت ، ناگندم خوردید .
حق تعالی بر ایشان خشم گرفت و درخت طوبی را فرمود تا شاخه های خود
را به هم آورد و آدم و حوا را برگرفت و از بهشت بیرون انداخت . آدم
به هندوستان بر کوه سرنادیب فرود آمد و صد سال در آنجا طاعت کرد
و گرسنت نا بویه او قبول شد .

من ملک بودم و فردوسی برین جا بزم بود

آدم آورد در این دهر خراب آبادم

«حافظ»

آذریکدلی (ت) لطفعلی بیگ . متوفی ۱۱۹۵ - از شاعران قرن

دوازدهم هجری. در اصفهان مولهسد و دمارن فننه افعان با خانواده خود به قم هجرت کرد و چهارده سال در آنجا اقامت داشت. پس از پایان تحصیلات به شیراز و سکه سر کرد و دربار کسب به خراسان رفت و هنگامی که همنون نادر از همد به کسب آمد، آذر به کدای شاه اورد و نادران رفت و سپس به اصفهان بازگشت. پس از ولایت نادر در مدتی شاه و او را هم شاه و شاه سلطان دوم و شاه اسماعیل سوم سر برده پس از آن عزت او بار برد و به سرودن شعر پرداخت و همنون شعر را برد، پس آن استاد اصفهانی آشوب و در قصیده و غزل از مدح نادر سرود. از آثار او همنون «پوشش و زلفخا» است. دیگرند دره آتشکده که دارد، دره های مهر و تاباری است.

آذر گشسب (ب) آذربایجانی بوده است در شهر تبرک آذربایجان که در

دوره ساسانیان عمادنگاه خاص ساسانیان و سیه دان بوده است.

همنون که هر چند داری ز است

در سوتی که در آذر گشسب

سرودن

آرش کمانگیر (س) نام پهلوان اداسی که در این روایات

باسمائی دراست که به نوحه بود و برای تعیین سر ادال و توران، درین از ادال

باساری انداخت که در کنار «جیحون» مرود آمد.

او خوانند آرش را کمانگیر

که از ساری ده روایت داشت که سر

بواندازی به جان من ز کوراب

نفسی هر ساعی حد در ادناب

«اروین» «ارین»

آزر (نن) پدر ابراهیم پنجم، که پیشه بت‌دراسی داشت .

بود با نوهدر و سواس شیطان

چنان چون با سر تعلم آزر

«ابوری»

آزری (بن) منسوب به آزر بت‌دراس پدر ابراهیم خلیل .

دگر به روی کسبم دیده بر نمی‌بایند

خلیل من همه بتهای آزری بشکست

«سعدی»

آفتاب (نج) در اصطلاح نجومی گاهی خورشید را «آفتاب» می‌خوانند .

آفتاب در فلک چهارم فرار گرفته است .

آغاجی (ت) «ابوالحسن علی بن عباس آغاجی بخارائی» از امران

معروف دربار سامانی و معاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی (۳۶۶-۳۸۷)

و دقیقی شاعر است . آغاجی در شعر فارسی و عربی دست داشته است .

از آثارش تنها بعضی اشعار و قطعات برآکنده باقی است .

آملی (ت) علامه محمد بن محمد بن محمود آملی وفات ۷۳۵ هـ

از عالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو، سلطان محمد خداپسند،

مدرس سلطانی بوده و با فاضل عضدالدین اسحق مناظره داشته است .

علامه آملی شیعی مذهب بود و سفری به بیت الحرام کرد و گویا پس

از سرگسلطان ابوسعید در هرج و مرجی که رخ داد از سلطانیه به سرار شهر هجرت

کرد و در همانجا وفات یافت .

از آثار معروف او کتاب «نفایس الفنون» است که گویا در اواخر

عمر تألیف کرده و به نام ابواسحق ابن جو ساخته است . دیگر از آثار او

«شرح کلمات «نون ابوعلی سینا» و «شرح کلمات کتاب طب سید شرف الدین»

ایلافی و «سرح مختصر الاصول ابن حاجب» و «تهذیب الاصول علاء الدحلی»
علائقه آملی در فنون و علوم مختلف اسناد بود .

آیین اکبری (ک) تألیف شیخ ابوالفضل دکنی وزیر و دبیرکار
الدیرساره (رجوع شود به ا دبیرنامه) .

آیینیه اسکندر (س - د) با آئینه سکندر اسکندای بود دیربالای
سار اسکندریه، که از باغهای اسکندر در کنار دریای روم بود، نصب شده
اوضاع نرنک و تشبیهها را از حدسمل نشان می داد . تسمی برابر غفلت
باسانان فرنگیان آن را دراب اندامند و اسکندریه را برهم زدند .
در شعر فارسی گاهی «آئینه سکندر» - «رادف» «حام چم» آمده است .
(رجوع به ابن کلمه)

آینه سکندر حام می است بنکر

با درو عزمه دارد احوال ملک دارا

«حافظ»

آینه اسکندری (ل - ا) ارحمه الله فتح دهنوی امیر خسرو دهلوی که
آن را در سال ۹۹۹ هـ، نگاشت اسکندریه که نظامی ساخته است .

ابجد - ر - و - ج - ه - و - د - ه - س - ا - ح - د -

ابراهیم (ن) ابراهیم حلال الله از معبران و پسر ازیر پسرانش
بود . ابراهیم معروف و مردم را از بت پرستی باز می داشت و به دین حق
خدای بخاند دعوت می کرد ، ولی سرود دعوت او را نپذیرفت و برانجام
به راهشائی انداخت ، و در آن که ابراهیم را دیند و در آن اندامند .
دندمان خدای تعالی از سرشده و آسمان گشت و او را هم بجات ناف .
ابراهیم خاند که را با ت و حیرت الاسود بدورمان مدد در آن - اند
نادر اسود و از آن دعوت می شد ابراهیم از هاجر در حید دسری

بافت به نام اسمعیل ، وحون نذر کرده بود که اگر بگری با بد قربان کند، به هنگام چهار سالگی اسمعیل ، از خداوند فرمان رسید که باید به عهدش وفا کند. ابراهیم و اسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود . از آن پس قربانی کردن در کعبه فرض شد .

بمان ز آنس غوغای حادثات مصون

حنان کز آنس نمرود بود ابراهیم

«انوری»

کلکس از بهر شرف نسلیم تیغ آمد بلی

سرنیت بفرود اسماعیل را سلیم او

(خاقانی)

ابراهیم موصلی (ب) ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به بمون بدل کرده است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود . پدر ابراهیم به کوفه مهاجرت کرد . ابراهیم در کوفه منولد شد و پس از آن به موصل رفت و در آنجا اقامت گزید و به موصلی شهرت یافت . علم و فن موسیقی را در موصل و سپس درری نزد جوانویه نام زردنسی آموخت و دختر او شاهک را به ازدواج خود درآورد . وی در دربار هارون الرشید، خلیفه عباسی، مقامی عالی داشت و از پیشتوانان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می رود . - وفات ۱۸۸ -

ابلیسی (س) از ملائکة مقرب که حون از امر خدا سر بیجید و آدم را مانند دیگران سجده نکرد ، از درگاه خدا رانده شد و پس از آن آدم و حوا را فریب داد و به خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن

ابن‌ان از بهشت گردید .

گفته بدسکال خون ابلبس دور کردم از آن چو خلد جناب

«مسعود سعد»

ابن اثیر (ب) ابوالحسن عزالدين علی بن محمد وفات . ۶۳۰ -
از سورخان بزرگ ده دوران جوانی را در موصل و بغداد و شام به تحصیل
و فن و ادب گذراند و پس از آن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن اثیر
معاصر با اسماعیلی مغول بود و وفایع زمان فراحسائمان و خوارزمشاهیان
را تا اواخر امام سلطان جلال‌الدین مینگری صیقل داده است ، از آثار
معروف او کتاب «کامل النوار بیخ» است

ابن اسفندیار کاتب (ب) بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار
کاتب از نامان مشهور ایرانی در اواخر قرن سیم و اوایل قرن هفتم .
روزگار جوانی را در خدمت ملوک آل باوند گذرانده است . مدتی
در بغداد بود ، پس از آن به ری آمد ، در مدت توقف درری به کتاب
امام ابوالحسن پرداختی داشتند مشهور بر حور و آن را از عربی به فارسی
ترجمه کرد و همای ناریج طبرستان فرار داد . پس از آن به آمد و از آنجا
به خوارزم رفت و چند سال در آنجا بسر برد و یکی از ترجمه‌های ابن مقفع
را در آن زمان به نشر به دست سپ شاه بود و آن را به فارسی ترجمه کرد .
این اسفندیار کتاب ناریج طبرستان را در سال ۶۱۳ تألیف کرد و از این
سال بیعت اطلاعاتی از او در دست نیست .

ابن بابویه (ب) شیخ ابوجعفر محمد بن علی قمی معروف به شیخ
مردوف . وفات ۳۸۰ از تلمیذان بزرگ سعد و محمدیان معروف که دارای
کتاب بسیار می‌باشد . وی به «رب حافظه معروف و درشل احادیث
مورد اعتماد بوده است . از تألیفات مشهور او کتاب «درن لایحه الفقه»

است که مرجع علمای شیعه است. مقبره ابن بابویه در شهرری واقع است.
ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. در زمان سلطنت محمد بن
 ملک‌شاه سلجوقی در خدمت رکن الدونه خمارتکین، والی پارس، به شغل
 استیفا مشغول شد و به کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت،
 کتابهای بسیار مطالعه کرد و مدارک قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب
 فارسنامه را در تاریخ و جغرافیای فارس تألیف کرد و به نام سلطان محمد ساخت.

ابن حسام (ت) مولانا محمد بن حسام الدین خوسفی قهستانی.
 وفات ۸۷۵- از ساعران قرن نهم. قصایدی در مناقبت خاندان پیغمبر دارد
 اثر معروف او حماسه دینی «خاورنامه» یا «خاوران‌نامه» است که موضوع
 آن داستانی است در شرح احوال و سفرها و حمله‌های حضرت علی بن ابیطالب
 به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با قبادساه خاورزمین.
 شاعر این منظومه را در سال ۸۳۰ به پایان رسانیده است.

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد. از جغرافی نوستان مشهور
 اسلامی و کتاب مشهورش «المسالك والممالك» است که در حدود سال
 ۳۳۲ هجری تألیف یافته است.

ابن سینا (ب) رجوع سود به ابوعلی سینا.

ابن طبیب (ت) ابوالفرج عبدالله بن الطیب الحائلی. وفات ۴۳۵-
 از حکیمان مشهور قرن پنجم. بر کتابهای ارسطو و جالینوس شروحی
 نوشته است. از کتب او «تفسیر مقولات ارسطاطالیس» و چند رساله در مباحث
 کلام مسیحیان است. آثار او همه به زبان عربی است.

ابن عرب‌شاه (ت) ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالله بن عرب‌شاه.
 وفات ۸۵۴- این عرب‌شاه با خانواده خود به امرامیر تیمورد رسال ۸۰۳ از دمشق
 به سمرقند کوچ کرد. در سمرقند نزد میرسید شریف جرجانی به کسب علم

پرداخت و کتاب سرزبان نامه سعدالدین و راوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد. پس از آن به مملکت خوارزم و استرخان وادرنه سفر کرد. مدنی منشی سلطان محمد اول پادشاه غنمانی گردید، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و آخر در تنهر فاهره ساکن شد.

از آثار او کتابی است به نام «عجائب المقدور فی نوائب تیمور» در تاریخ اسیر تیمور. دیگر از تألیفات او «فآ کهنه الخلفاء» است به زبان عربی در حکم و آداب و بند و اندرز به سبک کلمله و دهنه و شامل ده باب است. (حاج میرزا ۳۳۲ قمری)

ابن العمید (ت) ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسن قمی. وفات ۳۶۰ — از وزیران و ادیبان معروف آل بویه. پدرش دبیرماکان کاکای بود که پس از کشته شدن ساکان به اسارت افتاد و بعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد. ابن العمید بعد از پدر به وزارت ابن الدوله دیلمی رسید و تا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند.

ابن العمید در بلاغت شهرت داشته و در نوشتن ماسخ معانی دقیق و صنایع لفظی را با هم جمع کرده است.

ابن فارسی (ت) ابوالحسن احمد بن فارس الرازی. وفات ۳۹۰ — از فاضلان و عالمان بزرگ لغت و اسامی بدیع الزمان همدانی. از آثار او کتاب «المجمل» در لغت و کتاب «الصاحبی» که آن را به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است. این کتاب شامل بحتهائی در زبان عربی و اختلاف لهجه های عربی است.

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی، از محدثان و جغرافی دانان مشهور قرن سوم. از معروفترین آثار او «کتاب البلدان» است در جغرافی که آن را به سال ۲۹۰ به زبان عربی

تألیف کرده و علی بن حسن شیرازی در حدود سال ۳۰۰ هـ آن را خلاصه کرده است .

ابن فندق (ت) رجوع شود به بیهقی «ابوالحسن»
ابن قتیبه (ت) ابوعبداله محمد بن مسلم الکوفی المروزی
الدینوری. وفات ۲۷۶- از دانشمندان بزرگ قرن سوم که خود او در کوفه
متولد شده و پدرش در مرو . علت انتساب او به دینور اقامت او در این
شهر و داشتن سمت قضا در آنجا است . ابن قتیبه در علوم ادبی و تاریخی
شهرت بسیار داشته است و از مهمترین آثارش کتاب «ادب الکاتب»
و «کتاب المعارف» و «عیون الاخبار» است . ابن قتیبه در علوم حدیث
و قرآن و کلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ت) رجوع شود به ابوعلی مسکویه
ابن مقفع (ت) روزبه پسر دادویه معروف به عبدالله بن مقفع .
وفات ۱۴۲- روزبه معروف به عبدالله بن مقفع از دانشمندان مشهور ایرانی
که در بصره تربیت شد . جندی کاتب داوود بن یوسف از حکام بنی امیه
بود و پس از انقراض دولت اموی به خدمت عبسی بن علی رسید و به دست
او اسلام آورد و به عبدالله موسوم شد و در سال ۱۴۲ به دمشق سفیران بن
معاویه ، عامل بنی عباس ، در بصره کشته شد .

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان بهلوی و عربی آشنائی
کامل داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان بهلوی به عربی
ترجمه کرده است . از کتابهای مشهوری که او به عربی ترجمه کرده است :
کلیله و دمنه ، خداینامه ، سیرالملوک یا سیره ملوک الفرس ، آئین نامه ،
گاهنامه ، کتاب مزدک ، کتاب التاج است .

از آنارسهم ابن مسفع کتاب «ادب الکبیر» و «ادب الصغیر» را نیز نام
باید برد .

ابن الندیم (ت) ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم. وفات ۳۸۵ هـ —
از دانشمندان معروف زبان عربی و سناریه شناس العزیز بالله خلیفه فاطمی .
ابن الندیم احاطه کاملی بر کما بهای مختلف داشته است . از آثار او « کتاب
الفهرست » است که درباره جمیع علوم اسلامی و علماء و کتب مشهور
نوشته شده است .

ابن هندو (ت) ابوالفرج علی بن حسین بن هندو. وفات ۴۲۰ هـ —
حکیمان معروف قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . بعضی او را اهل ری
و بعضی اهل طبرستان می دانند . ابن هندو مدنی را در بغداد گدازاند
و بعد به گرگان رفت و حندی در خدمت شمس المعالی و ابوس و نسکار
و سیرش فلک المعالی سر برد و پس از آن به نینا پور رفت .
از آثار او در حکمت « الکلام الروحانی » « الرسالة المشوفا فی المدخل
الی علم الفلسفه » و « کتاب النفس » است .

ابن یامین (نن) برادر یوسف که پس از او نزد یعقوب از همه
برادران عزیزتر بود و در طبق روایات ، شنکاسی که یوسف عزیز مصر شد
و برادران یوسف برای خرید غله به مصر آمدند ، یوسف دستور داد که رطل
طلارا در انبان ابن یامین بگذارند تا به ابن یامین بدهد خود نکهدارد
و در نتیجه یعقوب را به مصر بکنند .

حو یوسف نسبت کز و حطلم رهانده

مرا چه ابن یامین چه بهودا

«خاقانی»

ابن یمن فریوسدی (ت) امیر محمود بن امیر یمن الدوله طغرانی :

وفات ۷۶۹ - از شاعران قرن هشتم هجری . پدرش شاعر بود و در خدمت خواجه علاءالدین محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر در خراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمن هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی در اوایل ، خواجه علاءالدین و بعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد ؛ و با علاءالدین محمد به گرگان رفت و طغا تیمور حکمران گرگان را مدح گفت و به خراسان و هرات رفت و به مدح اسرای سربداران و آل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعر آن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معز‌الدین حسن کرت واقع شد ، به اسارت افتاد .

این بمین مذهب شیعه و ذوق عرفانی داشته و برابر تجربه‌های گوناگون قطعه‌های سودمند اخلاقی و اجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به بانزده هزار بیت می‌رسد . بیشتر شهرت او در قطعات اخلاقی است . (دیوان ابن یمن - چاپ تهران - ۱۳۱۸ شمسی)

الابیه عن حقائق الادویه (ک) کتابی به زبان فارسی در خاصیت دواها . تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی که در آن نام ۵۸۵ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخه منحصراً این کتاب در کتابخانه وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را در سال ۷۴۷ به اتمام رسانده است و این نسخه قدیمترین نمونه خط فارسی است .

ابواب الجنان (ک) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی . منوی ۱۰۸۹ هـ - که در دوره صفویان تألیف یافته است . (چاپ تهران)

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری. قسمت عمده عمر خود را در شیراز گذراند و مورد لطف اسکندر بن عمر شیخ میرزا نواده امیر تیمور قرار گرفت. حرفه ابواسحق حلاجی و از سریدان شاه نعمه الله ولی بوده است. ابواسحق شاعر اطعمه و اغذیه است. دیوانش شامل مقدمه ای است به نثرو قصاید و غزلیات و رباعیات و مثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجو، حافظ، عراف، عبید، سعدی و دیگران سروده است. همچنین رساله ای از نظم و نثر آمیخته به نام «ساجرای برنج و بغرا» و «داسنان مزعفر و بغرا» دارد.

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه و سنوڪ طبایخی است از نظر لغت مهم است. دیگر رساله منظومی دارد به اسم «کنز الاسماء» که شامل ۱۰۸ بیت است. (دیوان بسحق اطعمه — چاپ اسلامبول و تهران).

ابوالبشر (نن) رجوع شود به آدم

ابوجعفر محمد بن جریر طبری (ب) رجوع شود به طبری

ابوحفص سفدی (ن) ابوحفص حکیم بن احوص سفدی سمرقندی.

ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته اند. وی از سوبسفنی دانه ای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست.

سعری که به وی نسبت می دهند این است:

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا

حوندارد یاری بار چگونه رودا

ابوحنیفه اسکافی (ن) از شاعران قرن پنجم. دیهفی در او آخر سلطنت

فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و او را جوانی فاضل و فیهی داسمند

خوانده است . ابوحنیفه اسکافی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست . بعضی از اشعار او در تاریخ بیهمی و لباب الالباب عوفی نقل شده است .

ابوحنیفه دینوری (ت) ابوحنیفه احمد بن داد و نند دینوری . وفات ۲۸۱- از دانشمندان بزرگ قرن سوم هجری . تحصیلات خود را در مدارس بصره و کوفه انجام داد و زبان عربی را بخوبی آموخت . پس از آن در اصفهان به تحصیل علم نجوم پرداخت و در ادب و هندسه و حساب و نجوم استاد گشت . ابوحنیفه در مسائل مختلف تألیفاتی به زبان عربی دارد که مهمترین آنها کتاب «اخبار الطوال» درباره تاریخ و کتاب «النبات» در علم طبیعی و کتاب «الشعر والسنعراء» و «کتاب الوصایا» است .

ابوحیان توحیدی (ت) علی بن محمد بن العباس . وفات . . ۴- از معتزله و فیلسوف و نویسنده مشهور ایران در قرن چهارم . ابوحیان مدنی در خدمت ابن العمید و صاحب بن عباد بسربرده و با ابوعلی مسکویه نویسنده بزرگ رابطه داشته است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و در نظر روان عربی استادی داشت . چنانکه او را «جاحظ نانی» لقب داده‌اند . از آثار معروف او کتاب «المقابسات» است که آراء فلاسفه بزرگ آن عهد را در باب مسائل مختلف و بحث‌های فلسفی ذکر کرده است . دیگر کتاب «الامتناع والموانسه» و کتاب «الهوامل والشوامل» است .

ابوریحان بیرونی (ت) رجوع سود به بیرونی

ابوزید البلخی (ت) ابوزید احمد بن سهل البلخی . وفات ۳۲۲- از نویسندگان و فیلسوفان بزرگ ایرانی که در فلسفه و کلام و تفسیر استاد بوده است . وی در تفسیر به ظواهر آیات اکتفا می‌کرد . کتابهای معروف

او «حدودالفلسفه» و کتاب «اخلاق الاسم» و کتاب «صورالاقالیم» است در جغرافیا. اخیراً ترجمه قسمتی از این کتاب به فارسی به دست آمده است که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد.

ابوسعید ابی الخیر (ت) فضل الدین ابی الخیر محمد بن احمد مبهنی-وفات. ۴۴۵ هـ. از عارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم. در فریه مهنه از فراء خاوران خراسان منولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت ابوعبدالرحمن سلمی نائل شد. ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید و بهان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد. در مجالس وعظی که ترتیب می داد، اشعار فارسی می خواند؛ و می توان گفت که وی اولین سخنگوئی است که افکار عارفانه را با شعر بیان کرده است. در تفسیر و حدیث و فقه و ادبیات نیز اطلاع کامل داشت. دوی از نوادگان شیخ درباره او کتابهایی نوشته اند. یکی محمد بن منور که کتاب «اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید» را در شرح حال او تألیف کرده و دیگر کمال الدین محمد که در کتاب «حالات و سخنان سید ابوسعید ابوالخیر» شرح حال و گفتار او را بیان کرده است.

ابوسلیک گرگانی (ب) از شاعران قرن سوم و معاصر عمر ولیث صفاری. بنو جهری او را در شمار استادان بزرگ خوانده است. ابیاتی از او در تذکره عا ضبط است.

ابوالشرف ناصح گلپایگانی (ب) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن المنسی الجرفادفانی. از شاعران و دبیران فاضل در بار الخ بیگ که به وصابت ابوالقاسم علی بن حسن وزیر الخ بیگ به ترجمه تاریخ بمینی

پرداخت و این کتاب را در سال ۶۰۳ به پایان رسانید .

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که در دربار نوح بن نصر سامانی سی زیسته است. اولین شاعری است که مشنوی ساخت ، منظومه‌ای به ابوشکور نسبت داده‌اند به نام «آفرین نامه» که در حدود سال ۳۳۶ سروده شده و ابیات متفرقی از آن باقی است .

ابوطاهر خاتونی (ب) وفات ۵۳۲ هـ - علت شهرت او به خاتونی آن است که وی متصدی اسور و سنوفی گوهر خاتون زوجه محمد بن ملک‌شاه بوده است. ابوطاهر از فاضلان و اعیان دولت سلجوقیان بوده و در شاعری و نویسندگی فصاحت و ظرافت داشته است. از آثار او «مناقب الشعرا» بوده است که اکنون در دست نیست ولی دولت‌شاه از آن نام برده است .

دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آنهم موجود نیست .

ابوطیب مصعبی (ت) ابوطیب محمد بن حاتم المصعبی. از کاتبان نصر بن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت و مطابق نقل نعلبی در «یتیم‌الدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد . ابوطیب از شاعران زبردست در زبان فارسی و عربی بود .

ابو الهتاهیه (ت) اسمعیل بن قاسم. وفات ۲۱۱ هـ - از ایرانیانی که به عربی شعر سروده‌اند. ابن ساعر در ادبیات عرب مقام مهمی دارد و در مدح و غزل اسناد بوده است .

ابوالهلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی در عروض به پارسی نوشته که از قدیم‌ترین کتابها در علوم ادبی پارسی است. اشعاری از او در ترجمان البلاغة و حدائق السحر به عنوان شاهد آورده شده است .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی محمد بن احمد البلخی. از نویسندگان

نیمه دوم قرن چهارم و از قدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامه مشغول گردیدند و بنا به گفته ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، شاهنامه اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و ششمرستند به روایات کتبی بوده است با شفاهی.

ابوعلی بلعمی (ب) رجوع سود به بلعمی

ابوعلی سینا (ت) سیح رئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا.

وفات ۴۲۸ - ابوعلی سینا یزشک و فیلسوف و نویسنده ایرانی که مقام وزارت داشت و از برترین حکیمان و عالمان جهان بشمار می آید. پدرش اهل بلخ بود. ابوعلی ابتدا در بخارا پرورش یافت و در ده سالگی قرآن و بسیاری از علوم ادب را آموخت و منطق و اقلیدس و المجسطی را نزد ابو عبدالله النانی که از رجال مشهور قرن چهارم بود، آموخت. پس از آن به مطالعه علم الهی و طبیعی و طب و ریاضی پرداخت و در ۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد و بر اثر معالجه نوح بن منصور شاه سامانی، به دربار سامانیان راه یافت و چون کار سامانیان بر اثر غلبه آل افراسیاب آشفته شد، به کرمانج پناهنده شد و در آنجا خدمت خوارزمشاه به کران علی بن مأمون محمد رسید و نزد او تقرب یافت. پس از آن بدری و همزمان رفت و در حدود ده سال در همدان ماند و بر اثر معالجه مرض قولنج سمن الدوله دیلمی، پسر فخرالدوله دیلمی، به دربار او راه یافت و پس از حمدی به مقام وزارت رسید. بعد از سمن الدوله در زمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدوله که دوبه به زندان افتاد. پس از رهائی از زندان به اصفهان رفت و به خدمت علاءالدوله که دوبه در آمد. و شمه جا در سفر و حضر و حتی در سفرهای جنگی با او بود. تا در سال ۴۳۸ که با علاءالدوله به همدان رفت، در آنجا در گذشت و همایون درگذشت.

ابوعلی سبنا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می‌توانست با شغل وزارت و کارهای سیاسی و رنج سفر، بی‌وسنه به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف بپردازد. ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه و طب و ریاضی استادی داشت و در همه رشته‌ها تألیفات فراوان از او در دست است.

آثار ابوعلی سبنا بسیار متعدد است و در حدود ۲۴ کتاب و رساله از او نام می‌برند که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است. از معروفترین آثار ابوعلی سبنا کتاب شفا، قانون، انوارات، نجاب، دانشنامه علائی است.

شیخ علاوه بر مقام شامخی که در علوم مختلف داشت، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است.

از جمله رسالات ادبی او کتاب «اسباب حدوث الحروف»، یا «مخارج الحروف» است که به وسیله دکتر پرویز خانلری استاد دانشگاه به فارسی ترجمه شده و در چاپخانه دانشگاه به چاپ رسیده است.

اشعار فارسی که به ابن سینا منسوب است بیست و دو قطعه می‌باشد که در تذکره‌ها ضبط است. اشعار عربی او بین از فارسی است و مفصاید معروفی دارد از قبیل فصیله عینیه و فصیله شکوائیه و جزاینها

ابوعلی مروزی (ب) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم. ابوعلی مروزی مداح علاءالدین اسکندر بانی محمد بن علاءالدین نکش خوارزمشاه (۵۹۷-۶۱۷) بوده است. عوفی دو قصیده از او در باب الالباب آورده. رباعیاتی هم به نام او ثبت است.

ابوعلی مسکویه (ت) ابوعلی الخازن احمد بن محمد بن یعقوب

معروف به ابن مسکویه. وفات ۴۲۱ هـ - ابوعلی مسکویه از نویسندگان بزرگ و از مورخان مشهور اسلامی است. وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست و جندی خازن کتابخانه ابن العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت.

ابوعلی به طب و فلسفه و کتب بسیار علاقه داشت و آثار فراوانی در این علوم از او باقی است. از جمله: الطهارة فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل التلب، آداب العرب و الفرس، جاویدان خرد، و از مهم‌ترین آثارش «تجارب الاسم» در تاریخ است.

ابوالفتح بستی (ت) نظام الدین عمید ابوالفتح علی بن محمد.

وفات میان ۴۰۱ و ۴۰۳ هـ - ابوالفتح ارشاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم، مدتی در بستان سمت دبیری بایتنوز، امیر بستان، را داشت. چون ناصرالدین سبکتکین برناموز غلبه کرد، ابوالفتح را به دبیری خود خواند و ابوالفتح با نابان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در ابتدای سلطنت محمود نیز در سعل خود باقی ماند، سپس مغضوب سلطان فرار گرفت و از دربار او رفت. ابوالفتح در تهر و نر عربی اسناد بود و دو دیوان فارسی و تازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست. بعضی از اشعار فارسی او در لباب الالباب و مجمع الفصحاء نقل شده است.

ابوالفتح رازی (ب) جمال الدین حسین بن علی بن محمد بن

احمد الخزاعی. وفات در حدود ۵۰۵ هـ - ار عالمان بزرگ سیه و از مفسران مشهور. وی از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی است که از پررکان صحابه حضرت رسول ص بوده است. اجداد ابوالفتح در ابران سکونت اختیار کردند و ایرانی شدند و عده‌ای از آنان در نیشابور و عده‌ای در ری اقامت کردند. ابوالفتح در ری به وعظ اشتغال داشت و همانجا وفات کرد.

از آثار معروف او «روح الجنان» است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است. دیگر «شرح الشهاب» و «رسالة حسینیة» است در مسئله امامت.

ابوالفرج اصفهانی (ت) ابوالفرج علی بن الحسن الاصفهانی.
وفات ۳۵۶- از ادیبان بزرگ عرب در قرن چهارم و معاصر آل بویه. از آثار معروفش کتاب «الآغانی» است که مورد توجه صاحب بن عباد و عضدالدوله دیلمی قرار گرفت. این کتاب اطلاعات دقیقی و سودمندی درباره شاعران عربی زبان و موسیقی دانان و اسعاری که به الحان موسیقی خوانده می شده و همچنین داستانها و روایاتی درباره رجال و امیران آن روزگار دربردارد
ابوالفرج رونی (ب) ابوالفرج بن مسعود رونی. از شاعران دوره دوم غزنوی که در دربار سلطان ابراهیم بن مسعود (۴۵۱-۴۹۲) و پسرش مسعود بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸) سرودی برده و ابسان را مدح کرده است. با مسعود سعد دوستی داشته و یکدیگر را در شعر ستوده اند.

ابوالفرج در شعر سنوۀ نوی پدید آورد و سبک دوره اول غزنوی را کنار گذاشت. قصایدش با نغزل شروع نمی شود و جز در چند مورد از ابتدا به مدح محدود می بردارد. در اشعارش لغات عربی و افکار علمی و استعارات و تشبیهات فراوان دیده می شود و به اوزان دشوار و ردیفهای دشواری بردارد. سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد، خاصه انوری قرار گرفته است. (دبوان ابوالفرج رونی - حباب دهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) رجوع سود به بیهقی

ابوالفضل دکنی (ت) ابوالفضل بن مبارک. وفات ۱۰۱۳. - شاعر ابوالفضل پسر شیخ مبارک و برادر شیخ فیضی دکنی. پدرش اهل بمن بود و خود در سال ۹۵۸ در دکن مسوول شد و سمت وزارت و پیشکاری

اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه در اصل عرب بود و در هندزاده شده بود ، به اصلاح زبان فارسی علاقه بسیاری داشت و بسیار کوشید که نثر فارسی را از لغات عربی منزّه کند و لغات دری بجای آنها بگذارد ، از نثر و سبک نمر را تغییر داد ، نامه هائی را که از دربار دهلی به اطراف سی فرستاد به سبک تازه سی نوشت . بعنی در آنها لغات عربی بسیار کم و گاهی سراسر لغات فارسی خالص بکار می برد .

از آثار شیخ ابوالفضل « اکبرنامه » است در تاریخ ساهی اکبرشاه و خانواده او و « آیین اکبری » در روش حکومت اکبرشاه . دیگر تذکیر و تهذیبی از کلیله و دمنه است به نام « بهار دانش » . ابوالفضل در سال ۱۰۱۳ کشته شد .

ابوالهیث طبری (ت) از شاعران ابتدای عهد غزنوی . از حال او اطلاعی در دست نیست . ابیاتی از او در باب الالبات و مجمع الفصحاء و ترجمان البلاغه ضبط است .

ابوالمعالی رازی (ب) وفات ۵۴۱ هـ - از شاعران معروف قرن ششم و دوره سلجوقی . فحاشائی در مدح ابوالفتح مظفر دارد که وراثت بر دیار ق و سنج را دانست و بدست باطمینان به قتل رسید . در باب الالباب و هونس الاحرار اسعاری از او باقی است . وی سده سیمه دانست و حضرت علی و آل او را مدح کرده است .

ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی (ت) وفات در نیمه دوم قرن ششم - از منشیان دربار غزنوی . ابوالمعالی مورد لطف بهرامشاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۷) بوده و سمت دبیری او را داشته است و سی از او در دربار خسرو ملک سم و زار ب یافته است ولی سرانجام بر اثر سعادت دشمنان

مغضوب گشته و به حبس افتاده است .

از آنرا و ترجمه کليلة و دمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه اش مورد توجه منیرسلان قرن سشتم به بعد قرار گرفته است .

ابو معشر بلخی (ت) جعفر بن محمد عمر معروف به ابو معشر وفات ۲۷۲- از ریاضی دانان و منجمان قرن سوم و از شاگردان یعقوب بن اسحق کندی، فیلسوف مشهور عرب، ابو معشر ابتدا فلسفه آموخت و بعد به علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال و آراء وی متمسک می شدند . ابو معشر صاحب تألیفات بسیار است . از آن جمله کتابی از او باقی است به نام «رساله در اتصال کواکب و فرانات» . دیگر کتاب «الموالید و الادوار و الالوف»

ابو منصور محمد بن عبدالرزاق (ت) وفات . ۳۵۰ - از بزرگزادگان طوس که در حدود سال ۳۳۵ از جانب ابوعلی احمد بن محمد بن مظفر بن معناه چغانی، سپهسالار خراسان، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی بر پادشاه ساسانیان طغیان کرد، ابو منصور جزو سوریان درآمد ، پس از آن بجای بوعلی سپهسالار خراسان شد . چندی بعد ، از عمال ساسانی شکست خورد و به ری و آذربایجان گریخت سرانجام با پادشاه ساسانی صلح کرد و به طوس بازگشت و باز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد با رکن الدوله دیلمی افتاد و به گرگان خوانده شد . و شمشیرین زباز از این حال آگاه شد و او را بوسیله یوحنا طبیب مسموم کرد .

ابو منصور بر اثر علاقه مفراط به ابران و تاریخ ابران ابو منصور المعمری را مأمور ندوین شاهنامه کرد و همین کتاب که به نشر فراهم آمده بود ، مأخذ مهم شاهنامه فردوسی و دقتی گشت .

ابومنصور موفق بن علی هروی (ب) از نویسندگان قرن پنجم .
از آثار معروف او کتاب «الابنیه عن حمایق الادویه» است که آن را در سال
۴۴۷ به زبان فارسی تالیف کرده و نام ۸۵ دارو را در آن ذکر کرده
است . نشر کتاب بسیار روان و ساده است .

ابوالهؤید باخی (ت) از شاعران دوره سامانی و نیمه اول قرن
چهارم . مولدین بلخ است و از کسانی است که پیش از فردوسی به
تصنیف ساهنامه پرداختند . ابوانمود باخی اولین کسی است که قصه
یوسف و زلیخا را به فارسی مغلوم ساخته و وی از آن چیزی در دست نیست .
کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سامانیان به آن
اشاره کرده است و آن «عجایب البلدان» در عجایب دنیاست .

ساهنامه ابوالهؤید کتاب بزرگی به نثر پرده است و شامل بسیاری
از روایات و داستانهای ایرانی است اغلب آنها در ساهنامه فردوسی و سایر
مطومه های حماسی ذکر شده است . این کتاب بررک و مفصل از زبان
رفته و تنهائی که از آن در دست مانده و بسیاری از کتاب کرباسی است
که صاحب تاریخ سبستان در کتاب خود آن را نقل کرده است . این شمش
از بدستورین و طبع های ممتور زبان فارسی است که از قرن چهارم مانده است .

ابوالهیشم (ت) حواجه ابوالهیشم احمد بن حسن جیرجانی . از
شاعران و فاضلان اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . وی از معتمدان
مذهب اسماعیلی بوده و ناصر خسرو در «جامع التوحید» از او یاد کرده
است . از اشعار ابوالهیشم تنها فحشدهای باقی است که حاوی برهمنشهایی
در باره مسائل فلسفی بدون جواب است که به آنها ناصر خسرو و شاعر
و نویسندة اسماعیلی آن را سرخ کرده است . همچنین ابوسعد محمد بن
سرخ نیشابوری ، شاگرد ابوالهیشم ، کتابی در شرح علمای از

ابیات آن نوشته است .

این شرح که در نیمه اول قرن پنجم تألیف یافته و جواب پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است، از نظر فلسفه و کلام و از حیث انشاء پارسی در شمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابوالفداء (ت) اسمعیل بن علی بن محمود ملقب به الملک الموبد والملک الصالح صاحب حماة . وفات ۷۷۴- از اسیران فاضل که در دمشق متولد شد و پس از کسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملک الناصر پیوست و از جانب او به اسارت حماة رسید و به لقب الملک الصالح والملک الموبد ملقب گشت .

ابوالفداء در فقه و طب و حکمت و هیئت خاصه در بارخ و جغرافی اسنادی داشت . از آثار معروفش در جغرافی کتاب «نقویم البلدان» و در تاریخ «المختصر فی اخبار البشر» و در فقه «کتاب الحاوی» است . دیگر کتاب «الکناش» و «الموازین» را نام برده اند .

اتصال (نچ) رجوع شود به اجتماع .

انصال نجوم خاطر او فیهض طبع مرا نوید گراست

«خاقانی»

اثر (نچ) طبفه ای از آسمان بالای کره هوا که آن را کره آتش نیز گویند

برشوند از یل آتش که اثرش خوانند

پس سر مائده جنت ماوی ببند

«خاقانی»

اثر اخسیکتی (ت) اثیرالدین . وفات ۶۰۸- از شاعران مدیحه

سرای قرن ششم که از ریاضی و فلسفه هم با اطلاع بوده است . در معاصر

ومداح رکن الدین ارسلان بن طغرل (۵۵۵-۵۷۱) بوده است . دیگر

از سمدوحان او شمس الدین اتابک اعظم ایلد گزواتابک جهان پهلوان
نصرة الدین محمد بن ایلد گز و مظفر الدین اتابک فزل ارسلان بن ایلد گز
فرمانروای آذربایجان بوده است. انیر در شیوه سخن سرایی از انوری و سنائی
ببروی کرده و چند فصیده به سبک خاقانی سروده است و با سجیر بیلقانی
رقابت داسه و یکدیگر را به معرض ناتصریح هجاء گفته اند. ابریه آوردن
ردیفهای دشوار و معانی صعب علاوه داسنه است.

(دیوان انیر -- چاپ نهران)

اجتماع (نج) حالت ماه است هنگام «سحاق» که در آن حال کوره
ماه از همه وقت به خورسید نزدیکتر می شود و درست در مقابل او قرار
می گیرد. این حال را «انصال» نیز گویند.

ماه را نیکوئی همی گفتیم که دریغی به اجتماع و سحاق

«انوری»

احتراق (بج) اجتماع سیاراب را با آفتاب احتراق گویند. سکر اجتماع
ماه را که «سحاق» خوانند

بیرون سد از احتراق بهرام و آورد به شاه ماه پیغام

احسن التواریخ (ک) تألیف حسن بیگ روملو از فاضلای رمان
شاه طهماسب. این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در
آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۴ و سلطنت شاه طهماسب شرح داده شده
است. (چاپ کلکنه)

احیاء العلوم (ک) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان
عربی. موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است و غزالی خلاصه
آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را «کیمیای سعادت»
نامیده است.

اخبار الطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی ، تألیف ابوحنیفه احمد بن دادونمدبنوری . در این کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می شود و به قتل افسین و سرگ معصم در سال ۲۲۷ پایان می پذیرد .

ابوحنیفه وقایع را از هم جدا نمی کند و رتبه مطالب را نمی گساید ، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند . وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند و حوادث تاریخی را به اختصار می گوید و بیشتر به وضع اجتماعی و شرح اسرار و حکمرانها و ارتباط خلفا و ممالک دست ننشاند و فرستادن ابران و حکمرانان می پردازد . مخصوصاً نهضت های سیاسی و مذهبی و انقراضها و پیشرفت ها را بسیار دقیق شرح می دهد .

سبک نوشته کتاب اخبار الطوال بسیار ساده است .

اخلاق الاشراف (ك) رساله ای به نثر آبیخته به نظم . از آثار عابد زاکانی که آن را به سال ۷۴ هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انعقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده با بنانی سیرین آن را برای نمودن فساد جامعه نگاشته و سراسر آن را با حکمت و پند آبیخته است . این کتاب شامل هفت باب در فضایل اخلاقی یعنی حکمت ، شجاعت ، عفت ، عدالت ، سخاوت ، حلم ، حیا و وفا ، است .

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال الدین محمد بن اسماعیل دوانی که به خواهرس سلطان خلیل سلطان پسر اوزون حسن آق قویونلو در نیمه دوم قرن نهم تألیف یافته است . بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن «لواعب الاشراف فی مکارم الاخلاق» است به گفته خود مؤلف از اخلاق

ناصری تألیف خواجه نصیرالدین طوسی اقتباس شده و حاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می باشد . انشاء کتاب متکلفانه و مصنوع است . (حاج لاهورولکهنو)

اخلاق محسنی (ک) کتابی در صفات پسندیده و بیانی اخلاقی درجهیل باب ، تألیف حسین واعظ کاشفی که آن را به نام ابوالغازی سلطان حسین بابقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان رواج بسیار داشته است .

اخلاق ناصری (ک) کتابی در حکمت عملی و اصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی که آن را در حدود سال ۴۳۳ به زبان فارسی و بنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعیلیه در فهرستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را از کتاب اخلاق ابن مسکویه به نام «الطهاره» اقتباس کرده و در قسمت دوم به تدابیر الممازل ابن سینا و در قسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

در مقاله اول از حکمت و شجاعت و عفت و عدالت بحث می کند و حکمت را به هفت نوع تقسیم می کند: ذكاء ، سرعت فهم ، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، بحفظ ، تدبیر . مقاله دوم در تدبیر منزل و مقاله سوم در سیاست مدن است .

اخوان الصفا (ت) دسته ای از حکمای ایرانی در قرن چهارم هجری . این دسته خواسته اند که عمائد فلاسفه یونان را با مبانی دین اسلام سازش دهند و به فرقه خاصی بسنجند و بگویند ، بلکه بسیاری از مباحث دینی را با عقاید فلاسفه مطبق می کردند و می گفتند انظار کرده اند با درستی از ادیان و علوم دشمنی نداشته و آداب و اخلاقی را برادران داشته

قرارداده و به همه کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب الصغیر (ک) تألیف عبدالله بن المقفع که نویسنده در تألیف آن از من کتابهای بهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب بدان نویسنده گان عرب معروف بوده و ابن قنیه در کتاب «عین الاخبار» از آن نام برده‌است .

ادب الکبیر (ک) معروف به درة التیمة تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف در تألیف این کتاب از کتابهای بهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب بین مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفاده آنان قرار گرفته است . اثر تمدن و فرهنگ ایرانی در این کتاب به خوبی نمایان است و نویسنده در چند مورد به گفته‌های حکیمان ایران استنهاد کرده‌است .

ادریس (نن) از بنامبران . گویند که علم نجوم معجزه اوست و از طوفان نوح خبر داد و چون عمرش به هشتصد و سصت و پنج سال رسید ، از ملک الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانه آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است ، باز گشت و در بهشت ماند .

بمیرای دوست پیش از مرگ اگر عمر ابد خواهی

که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

«سنائی»

ادیب پیشاوری (ت) سید احمد بن شهاب رضوی متوفی ۱۳۴۹

قمری — ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی مقدمات علوم را در پیشاور آموخت و در جنگی که میان اقوام هندی با فوای دولتی در گرفت ، پدر و خویشانش به قتل رسیدند و او موفق شد که خود را به کابل برساند . ادیب پیشاوری پس از جندی اقامت در کابل به غزنین و هرات و تربت شیح جام و مشهد سفر کرد و نزد دانشمندان

معروف به تحصیل پرداخت. درسی سالگی نزد حاج ملاهادی سبزواری به کسب دانش مستغول گشت و در سال ۱۳۰۰ هجری به تهران آمد و در همانجا اقامت کرد. ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب و ابران احاطه داشت. دیوان او مشتمل بر ۴۲۰ بیت فارسی و ۳۷ بیت عربی است به ضمیمهٔ دو رسالهٔ یکی در بیان فضایای بدیهیات اولیه، دیگر در تصحیح دیوان ناصر خسرو بک سنوی دارد بنام و بصیرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰ بیت است.

(دیوان چاپ تهران)

ادیب صابر (ت) شهاب الدین صابر بن اسمعیل نرندی. مشغول در حدود ۵۴۰ هـ از شاعران قرن ششم واصلی از برمد است ولی بعد به سرو و بلخ و خوارزم رفت و مدتی سلطان سمج را مدح گفت و از طرف او به رسالت نزد انسر رفت و حندی در خوارزم ماند. وقتی که انسر دانست که ادیب صابر نهانی خبرهایی از دربار او برای سمج می فرستد دستورات نا او را در جیب خون غرق کردند.

ادیب صابر، در سپک شاعری بیشتر بر و عمصیری و فرخی است، و بارید و طوطا مساعره داشته است.

دیوان ادیب صابر مشتمل است بر قصاید و غزلیات.

(چاپ تهران)

ادیب الممالک فراهانی (ب) میرزا صادق حکیم. وفات ۱۳۳۶ هـ. ف. از فرزندان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمد شاه قاجار. ادیب الممالک از آزادخواهان به شمار می رود و مدنی روزنامه ادب را انتشار می داد. در ابتدای جوانی «پروانه» به خلق داد. «ادیب» را الشعرائی یافت و به «ادبیری» مشهور گشت. ادیب الممالک در عصر

مسروطیت و انقلاب و کشمکش‌های سیاسی بی‌زیست. از اینرو اشعار فراوانی در انتقاد اوضاع زمان و اجتماع خود دارد. ادیب الممالک در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد بوده است. دیوان او شامل قصاید و قطعات و اشعار جد و هزل و مدح و ذم در انتقاد جامعه و تحریک حس مبین پرستی است.

(دیوان - جاب نهران)

ادیب نیشابوری (ت) شیخ عبدالجواد وفات ۱۳۴۴ ه. ق -
سبح عبدالجواد فرزند ملاعباس نیشابوری که در چهار سالگی از مرض آبله از بک چشتم نابینا گشت و با وجود ضعف بینائی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن، مقدمات علوم دینی برداشت. سپس فنون ادبی را آموخت و پیشتر اوفاب را به مطالعه ادبیات فارسی و عربی صرف کرد. علاوه بر این در فنون رباضی و هیئت و طب دست یافت. دیوانش قریب شش هزار بیت دارد. رساله‌ای هم در جمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای در شرح معانی سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسه ابی تمام نوشته است. اشعار او به نام لالی مکنون در مشهد به چاپ رسیده است.

اژاله (زحاف) (ع) در مسفعان افزودن الف است قبل از نون که می‌شود مسفعان و آن را مزال خوانند.

اردشیر بابکان (ش - ت) پسر ساسان از دختر بابک، مطابق نقل شاهنامه، ساسان پسردار پس از کشته شدن پدر به هندوستان گریخت و فرزندان او تا چند پشت در هندوستان ماندند. پسر چهارم به اسم ساسان به پارس آمد و نزد بابک حاکم اسخر به سرستانی رسید. شبی بابک خواب دید که ساسان بر پیل زبان ننشسته و هر کس به نزدش

می‌آید او را نمازی برد . بابک ساسان را خواست و چون دانست که از نژاد شهریاران است ، دختر خود را به وی داد و از او اردشیر به وجود آمد ، او را بزرگ کردند و فرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازه اردشیر را شنید او را از بابک خواست و جوانی سایسته اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با سراردوان کرد ، او را به نگهبانی اسبان شاهی برگماشت . اردشیر با کلنار کنیزك اردوان به یارس فرار کرد و طرفداران بابک را جمع کرد و به جنگ اردوان رفت و او را شکست داد و دخترش را گرفت و به یارس برگشت . شهر «خره اردشیر» را ساخت و بر تخت ساهی نشست . دختر اردوان به خونخواهی پدر خواست اردشیر را زهر دهد ، شاه دریافت و او را به وزیر خود سپرد تا هلاک کند . وزیر چون دانست ملکه داردارد ، فرمان را به دارن بست و او را نگاه داشت تا تنایور به وجود آمد . چون ساپور به شفت سالکی رسید ، اردشیر از این راز آگاه شد و از دانستن حنان سری خشنود گشت .

رساله پهلوی «کارنامهک ای اردشیر ای بایکان» در شرح وقایع زمان ابن بادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است و فردوسی مفاد آن را در شاهنامه به نظم آورده است .

اردشیر دراز دست (ش - د) اردشیر دراز دست لقب بهمن ، شاه ایران بود .

سندستم که بر پای الساده

رسیدی تا به زانو دست بهمن

«موجهری»

اردوان (ش - ن) آخرین پادشاه استکانی که بابک نیای اردشیر از طرف او فرمانروای اسنخر بود . اردوان چون آوازه اردشیر نواده بابک

را شنید ، اورا از بدر خواست و عزیزش داشت ، اما ناگهان براو خشم گرفت و به نگهبانی اسبان وادارش کرد . اردشیر با کنیزك اردوان به اسم گلنار فرار کرد و لشکری جمع آورد و به جنگ اردوان رفت و او را کشت و دخترش را به زنی گرفت .

ارژنك، ارتك (ش - د) نام كتاب منسوب به سانی نفاش كه دارای تصاویر زیبا و دلاویز بوده است .

نش چون نامه ارژنگ زیبا

میان چون خامه سانی مصور

«مسعود سعد»

ارسال المثل (ب) : آن است كه شاعر مثل معروفی را در شعر

بیاورد با مصراعى بگوید كه حكم مثل پیدا كند و قبول عامه باید

بابط می گفت ماهی در تب و ناب

باشد كه به جوی رفته باز آید آب

بط گفت چو من قد بد گشتم تو كباب

«دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب»

ارسال المثلین (ب) آن است كه شاعر در يك بیت دو مثل آرد ،

یعنی هر يك از دو مصراع شعر يك مثل باشد .

چنین كنند بزرگان چو كرد باید كار

چنین نماید نهمنیر خسروان آنا

(عصری)

ارسطا طاليس (ت) رجوع نشود به ارسطو

ارسطو (ت) حكیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر .

ارسطو به معلم اول معروف است .

ارکان اربعه رجوع شود به چهار ارکان.

ارکان عروض (ع) ارکان از اصطلاحات عروض و شامل سبب و وند و فاصله می باشد. رجوع شود به این کلمات.

ارم یا ارم ذات الهماد (نن) باغی که سداد ساخت و در روزگار مانند نداشت. و در شعر فارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش جو از لطف هوا

زلف سنبل ز نسیم سحری می آسفت...

«حافظ»

ارمن (د) نام سرزمینی است که بر طبق داستان خسرو و شیرین، بهین با نوعمه شیرین بر آن حکومت می کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصه موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظر الیک» پروردگارا، خود را بمن بنما تا بسوی تو بنگریم. جواب آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با تو آن عهد که در وادی اومن بستیم

همچو موسی ارنی کوی ده میقات بریم

«حافظ»

از احیف (ج زحاف) (ع) رجوع شود به زحاف.

ازرقی (ب) ابوبکر زین الدین بن اسمعبل وراق هروی. وفات

در حدود ۶۴۵ - از شاعران زبردست قرن پنجم. پدرش اسمعبل وراق

همان کسی است که فردوسی بس از فرار از غزنین به خانه او رفت.

ازرقی در دستگاه شمس الدوله ابوالقوارس طعانشماه بن ارسلان سلجوقی که

در زمان سلطنت السب ارسلان حاکم خراسان بود، بهرب یافت و او را مدح

گفت. از مسدوحان دیگر ازرقی بهرانشاه بن فاورد از سلجوقیان کردمان بود.

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جمله آناری که به او نسبت داده‌اند «الفیه و شلفیه» منظوم است . دیگر قصه «سندباد» است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی در آوردن تشبیهات غریب و وصف و تصویر دقیق اسبها ، استادی داشت . و در مدح لحن مبالغه آمیزی بکار می‌برد . (دیوان ازرقی — چاپ تهران — دانشگاه)

ازهری هروی (ن) ابومنصور محمد بن احمد . متوفی . ۳۷۰ - از عالمان بزرگ ادب و لغت ، در عربستان به جمع لغت مشغول گشت و بسیاری از لغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فرا گرفت . از آثار مشهور او در لغت کتاب «التهذیب» است .

اساس الاقتباس (ک) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به نصیرالدین که آن را در سال ۴۲۰ تألیف کرده است . خواجه نصیرالدین در تنظیم این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریک از بخش ها را مقاله نامیده است . این مقاله ها درباره مدخل منطق ، مفولات عشر ، عبارات ، علم قباس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می باشد .

اساس الاقتباس پس از کتاب شفای ابوعلی سینا بهترین و جامعترین کتابی است در فن منطق که مؤلف در آن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . این کتاب را رکن الدین محمد بن علی فارسی استرآبادی که از فاضلان نزد یک عصر خواجه بود ، به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران — ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است در سببی که آخر جزء باشد . فاعلاتن می شود فاعلاتان ؛ و بجای آن فاعلیبان می گذارند و آن را مسبغ می خوانند .

استرابادی (ت) مبرزاً مهدبخان اسنرابادی منشی نادرشاه که سرآمد منشیان آن دوره بود و در نویسندگی فدرت و بیخنگی داشت ولی در بعضی آثارش بصع و تکلف مبتداست. از آثار معروف او «جهانگشای نادری» و «دره نادره».

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به مناسبت کمال شباهت در یکی از صفات به جای لفظ دیگر به کار ببرند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که میان این دو در صفت شجاعت هست. و بعضی گفته اند که استعاره عبارت است از مبالغه در تشبیه یعنی به جای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین آن تک است و در استعاره همیشه ادات تشبیه محذوف است، چنانکه در این شعر نهنک برای «اسب» واژدها برای «آدمند» استعاره شده است.

همی ناخت اندر میان دو صدف نهنکی بزبر از دهائی بد لطف

استغنائی نیشابوری (ب) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری. از ساعران قرن چهارم و معاصر آل بویه و آل سادان. از حال او اطلاعی در دست نیست. از آثارش اسامی تراکنده ای باقی است.

استقبال (نچ) حالت ساه در شب «بدر» که در آن حال ساه با خورشید مقابل پیدا می کند.

اجتماع ساه بود امروز و استقبال بخت

کاو فناد این ذره را با حوول و خورشید التقا

اسحق (بن) پسر ابراهیم خلیل الله. اسحق دوسر دامت بدنام عیص و یعقوب. یعقوب رده گوسفندان را دوست داشت و اسحق سنگار را. روزی اسحق از پسران گوسفت بریان خواست و چون یعقوب رده بریان کرده

راز و دتر فراهم کرد ، اسحق او را دعا کرد و بیغمبری به او و اولادش رسید .
اسحق موصلی (ت) ابو محمد اسحق بن ابراهیم موصلی . وفات
 ۳۵۰- اصلاً ایرانی و از خاندانهای معروف فارس و پسر ابراهیم بسر ماهان
 ارجانی ، او نیز به مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی در دستگاه
 خلافت مأمون و معتصم عباسی سی زیست ، در علم موسیقی و ریاضی استادی
 کابل بود و در فن حدیث و لغت و نجوم مهارت داشت . شعر نیز می سرود .
اسد (نچ) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل
 نمبر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در نیش خرچنگ استاده

کمان کردار دم بر سر نهاده

اسدی طوسی (ت) ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی . از شاعران
 بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را
 در سال ۴۵۸ به نام ابودلف حکمران اران و نخجوان ساخته است . اسدی
 در انقلابات خراسان و غلبه سلاجقه ، به آذربایجان رفت و با عده ای از
 سلاطین آنجا آشنا شد . از سمدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان
 و سجاع الدوله ابوسجاع اند . از آثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا
 «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد از گرشاسب نامه تألیف کرده و نام
 آن را ذکر کرده است . دیگر از آثار منظوم او فصائد مناظرات می باشند
 شامل مناظره آسمان و زمین و مرغ و مسلمان و غیره

اسدی به تاریخ ۴۴۷ نسخه کتاب الابنیه ابومنصور موفقی هروی
 را به خط خود استنساخ کرده و آن قدیم ترین نسخه خطی فارسی است که
 در دست است و در کتابخانه ملی وین موجود است .

اسرار التوحید (ك) اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید .

از آثار شبوای زبان فارسی. مؤلف این کتاب محمد بن منور از نوادگان سیخ ابوسعید است که این کتاب را درباره احوال و اخبار و کرامات جد خویش نگاشته و روایات و اطلاعاتی در آن جمع آورده و به ابوالفتح غیاث الدین محمد بن سام شاه غوری (منوفی سال ۵۹۹ ه) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب بین سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ ه انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده است و کلمات و ترکیبات سهجور عربی در آن کم است. (چاپ تهران - ۱۳۳۲)

اسرار الحکم (ک) کتابی در حکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان و حکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب پیشتر به اثبات توحید و اصول عماد اسلامی پرداخته است. این کتاب مکرر چاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلامه یونانی به معنی آئینه نجوم. آلتی است مدور که دوائر و خطوط بسیار بر آن منقوش است و برای تعیین ارتفاع آفتاب و ستارگان به کار می رود.

نگاه کردم از دور من تلی دندم

که چاه زروب مابد از آن بلند عقاب

که گرم نجم بروی سود، چنان بیند

بروج حرخ که بی غم سود از اسطرلاب

(مسعود سعد)

اسفزاری (ن) ابوحانم المظفر بن اسمعیل اسفزاری. وفات ۵۱۵ ه. از دانشمندان بزرگ قرن پنجم و معاصر حکیم عمر خیام. در علم هندت و ریاضی استاد بود. از آثارش سه رساله در دست است. به نام «اختصار اصول اولیوس» به عربی و رساله «آثار علوی یا کائنات جوو» «الشبهه»

به فارسی . کتاب « کائنات جو » را به نام فخرالملک بن نظام الملک نوشته و شهردان بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را در کتاب نزهت نامه علائی در فصل آنار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین الدین محمد اسفزاری از مورخان معاصر دوره تیمور که به شغل انشاء و ترسل اشغال داشته و کتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش — د) پسر گشتاسب و ملقب به روئین نن که به فرمان بدر به جنگ ارجاسب رفت و پس از گذشتن از هفتخوان و فتح روئین دژ، ارجاسب را کشت و از بدر بخت و ناج خواست . بدر برای دفع الوقت او را نزد رستم فرساده تا آن پهلوان نامدار را دست بسته به درگاه آورد . رستم به ابن ننگ تن در نداد و کار به جنگ انجامید . در این جنگ ، پس از دلاوریهای دوحریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را با تیری که از چوب گز ساخته بود ، کور کرد و اسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم و اسفندیار از قطعه های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش — د) بنا بر روایت شاهنامه پسر داراب از دختر قیصر روم که نزد بدر بزرگ تربیت یافت و با دارا پسر دگر داراب، شاه ایران ، جنگ کرد . در این جنگ ، دارا مجروح شد و چون اسکندر آن خبر را شنید ، خود را به بالین دارا رساند و زار گریست و خواست که پزشک حاضر کند ، اما سودی نکرد و دارا پس از وصیت جان داد . اسکندر پس از دارا بنا بر وصیت او دخترش « روشنگر » را به زنی گرفت و به هند و مصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به او نشان داد که در آن چشمه آبی بود ، که هر کس از آن

بخورد، هرگز نمی‌مبرد. هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت، درروشنائی کوهی دید. از کوه بالا رفت. اسرافیل را دید، صوری به دست و منتظر فرمان که درصور بدمد. اسکندر را آواز داد که برای تاج و گنج آنقدر آزار به خود راه ندهد. اسکندر باناله فرود آمد و به طرف باختر رفت. مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یا جوج و مأجوج که کوسه‌ایشتان به اندازه‌ای است که یکی را بستر و دیگری را روی پوش سارند. اسکندر با عده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یا جوج و مأجوج رفت و به فرمان او دیوارهای بلندی ساختند از آهن و سنگ و گچ و قیرو با ساختن این سد مردم را از شر یا جوج و مأجوج رهانید.

اسکندر نامه (ک) یکی از پنج مثنوی معروف نظامی، داستان سرای بزرگ ایران در قرن هشتم، که شامل دو قسمت است. قسمت اول شرفنامه است که نظامی آن را به نام انا بک نصره الدین ابوبکر بن محمد جهان بهلوان از انا بکان آذربایجان ساخته است و قسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان صاحب موصل. کتاب شرفنامه شامل داستان اسکندر است، از تولد تا فتح ممالک و مراجعت به روم، و اقبالنامه در حکمت و بیغامبری اسکندر است. در این کتاب، نظامی به داستان اسکندر در شاهنامه فردوسی نیز نظر داشته است.

اسکندر نامه (ک) کتاب مفصلی به نشر، مشتمل بر افسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالفرقین. این کتاب ظاهراً در عصر صفویه تدوین شده و از افسانه‌های عامیانه ایران است که رواج بسیار دارد و چندین بار به چاپ رسیده است.

اسکندر نامه (ک) کتابی در داستان اسکندر به نشر، از آثار قرن

هشتم هجری.

(درباره این کتاب رجوع کنید به «سبک شناسی» ملک الشعراء
بهار - جلد دوم)

اسمهیل بن حماد جوهری فارابی (ت) رجوع سود به جوهری
اسیر (ت) سیرزا سید جلال اسیر اصفهانی . وفات ۱۰۷۹ - از سادات
اصفهان و معاصر شاه عباس ثانی . اساس شعر را بر مضامین دیقی و خیال
بردازی نهاده و مورد تقلید طرفداران سبک هندی قرار گرفته است . اسیر
دارای غزلهای لطیف است و فصاحتی در مدح خاندان ییغمبر دارد .

اشارات (ك) الاشارات والتنبيهات آخرین و بهر بن کتاب در حکمت،
تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا که شامل دو قسمت است . قسمت اول
در علم منطق و قسمت دوم در علم طبیعی و الهی . خواجه نصیرالدین
طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است بنام «حل مشکلات الاشارات»
اشارات و تنبيهات (ك) ترجمه کتاب الاشارات والتنبيهات ابوعلی
سینا به زبان فارسی که ظاهراً در حدود قرن ششم به فارسی درآمده است .
اشباع (ف) از حرکات قافیه . حرکت دخل مانند حرکت باء
در دو کلمه شمایل و فبایل در این شعر سعدی

حسنم بدست دور ای بدیع شمایل ماه من و سمع جمع و میر فبایل
اختلاف حرکت دخل جابز نیست مگر وقتی که روی به حرف
وصل پیوندد .

مثال از سعدی :

ای نفس اگر به دبدۀ تحمیف بگیری
درویشی اختیار کنی بر نوانگری
سردی گمان مبر که به اینجه است وزور و کتف
با نفس اگر برائی دانم که شاطری

اشتقاق (ب) آن است که شاعر الفاظی به کار برد که از یک اصل مشتق باشد. مانند کلمه های مداین و مدین در این شعر

سنمدم من که برپای ابستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
رسد دست تو از مشرق به مغرب
ز اقصای مدائن تا به مدین

(موجهری)

اشعة اللمعات (ک) - کتابی به زبان فارسی در شرح کتاب لمعات شیخ فیخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۸۸۶ آن را به خواهرش امیر علیشیر نوائی تالیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی در مقدمه کتاب می گوید که چون عده ای از قبول عقاید مندرج در کتاب لمعات عراقی امتناع کردند، او ناچار به تفسیر و شرح آن دست واز کتابهای دیگر نمایش صوفیه از استفاده کرده است. بنابراین بعد از مقدمه، نکته های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال و جواب شرح داده و به این طریق کتاب را تفسیر می کند و به فطوح مملع عربی و فارسی آن را ختم می کند.

اصحاب کهف (ن) کهف به معنی غار است و اصحاب کهف هفت تن بن بودند که در عهد دوازده ساله در غار پنهان شدند و از برس او شبانه گریختند. در راه شبانی با انسان همراه شدند، خواستند که سکه شبان را به شهر بازگردانند، ولی سکه به سخن در آمد و گفت « من سزآن دس را می طلبم که شما می طلبید. » دست از او باز داشت و همگی به غاری رفتند و خوابیدند. پس از سهصد و نود سال بیدار شدند، یکی از انسان به شهر رفت تا طعاسی فراهم کند، حین سخن به نام دوازده تن بود، لباح

او راپیش فرمانروای شهر برد. فرمانروا زبان اورانمی فهمید، دانشمندی را حاضر کرد که زبان او را دریافت و واقعه را درك کرد. همگی برای زیارت آن عده به غار رفتند تا ایشان را با تجلیل و احترام به شهر بیاورند، ولی اصحاب کهف به این اسر تن درندادند و دعا کردند باخدای تعالی مرك برایشان فرستاد.

سگ اصحاب کهف روزی چند بی نیکان گرفت و مردم سد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی الاصطخری معروف به کرخی از دانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب سنه‌وری به زبان عربی در جغرافیا دارد به نام «المسالک والممالک»

اصفهان‌ی (ت) ابوالفتح محمود بن محمد بن قاسم اصفهان‌ی از مترجمان و ریاضی دانان قرن چهارم که ترجمه کتاب المخروطات اپولونیوس را که به توسط هلال بن ابی هلال الحمصی و نابت بن قره انجام گرفته بود، تکمیل کرد و تفسیری بر آن نوشت.

اضافه (ط) از مفولات عشر. مفهوم اضافه، وجود چیز است که بصورش با تصور چیز دیگری توأم باشند و بدون آن دیگری به عمل در نیاید، مثل تصور پدری و پیری؛ که بدون یکدیگر ممکن نیست.

اطناب : (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد

من وتوایم من وتو که در جهان نبود

من و ترا به هنر جز من و تو ناروقرین

اعتدال (نج) دو نقطه از منطقه البروج است که زمین چون در گردش خود به دور آفتاب به آن نقاط برسد، سب و روز در آن یکسان می شود. اعتدال برد و گونه است اعتدال ربیعی - اعتدال خریفی

اعتدال خریفی (نج) اول بایز که در آن سب و روز مساوی می‌شود
 اعتدال ریهی (نج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود
 اعتماد السلطنه (ت) مبرز محمد حسن خان صنیع الدوله علی‌مقدم
 سراغه‌ای. محمد خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین
 شاه که در سال ۱۳۰۵ هـ لقب اعتماد السلطنه یافت. هر سال کتابی زیر نظر
 صنیع الدوله در مطبعه دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامه «ایران» نیز به ریاست
 او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه‌های کوچک دیگر
 مانند «سرات السفرو و سنکوه الحضر» در سرگذشت مسافرت شاه در اردوی
 ماهی و «روزنامه علمی» مصور و روزنامه «شرف» در زبان او به همت
 او انتشار یافت.

از آثار اعتماد السلطنه کتاب مرآت البلدان، مطلع الشمس، الآثار
 والآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری، خبرات حسبان است.

اعنات (ب) آن است که گونده در کلام ملزم به جبری شود که
 لازم نیست و آن را الرام مالا لزم گویند مانند ما قبل و قبال در این شعر
 چشم بدب دورای بدیع ما قبل

ماه من و سبع جمع و میر قبا بل

که سعدی تا آخر غزل باء ما قبل لام را الرام کرده است

اغراق (ب) آن است که گونده در وصف کسی با چیزی سالغند
 آه سعدی ابر کند در سنک نکتند در نو سنکدل ابری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب وندیم و ناخبر از کان عروض

ده وزن (به عقیده سمس فیس مؤلف المعجم فی معانی الاسعار العجم) به وجود
 می‌آید که بنای همه اسعار عرب و عجم بر آن نهاده شده است و عروضیان
 آنها را «افاعیل» می‌خوانند از این قرار: فعول، فاعان، فاعیل،

مستفعلن، فاعلاتن، مفاعلتن، متفاعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن .
از ترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می شود . ترکیب یک سبب
و یک وند ، دو سبب و یک وند ، یک وند و یک فاصله .

از ترکیب یک وند و یک سبب صورتهای ذیل حاصل می شود :
۱- اگر وند بر سبب مقدم باشد، وزن فعولن به وجود می آید، مانند

مخور غم

۲- اگر سبب بر وند مقدم باشد، وزن فاعلن به وجود می آید، مانند

غم مخور

از ترکیب دو سبب و یک وند سه صورت حاصل می شود . از این قرار :
ترکیب دو سبب و وند مقرون سه صورت دارد

۱- اگر وند مقرون بر دو سبب مقدم باشد، مفاعیلان به وجود می آید .

مانند محور غم رو

۲- اگر دو سبب بر وند مقرون مقدم باشد، مستفعلن به وجود می آید،

مانند رو غم مخور

۳- اگر وند مقرون در میان دو سبب قرار گیرد، فاعلاتن به وجود

می آید، مانند غم مخور رو

ترکیب دو سبب و وند مفروق نیز سه صورت دارد

۱- اگر دو سبب بر وند مفروق مقدم باشد، مفعولات به وجود

می آید . مانند دل شد تازه

۲- اگر وند مفروق بر دو سبب مقدم باشد، فاع لاتن به وجود می آید .

مانند تازه شد دل

۳- اگر وند مفروق میان دو سبب قرار گیرد، مس تفع لن به وجود

می آید . دل نازه شد

ترکیب یک و ت و یک فاصله دو صورت دارد

- ۱- اگر و ت در فاصله مقدم شود، مفاعلتن به وجود می آید. مانند بتاچکنم
- ۲- اگر فاصله بروند مقدم شود، متفاعلتن به وجود می آید. مانند
چکنم بما

در اصول عروض پارسی بخش از هفت جزء با فعل ارا فاعل ده گانه فوق
استعمال نمی شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلان، مستفعیلن، مفعولاب،
فاع لاتن، سس نفع لن، فعولن

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست و شش است از این قرار:

مفاعیل، مفاعیل، فعولن، فاعلن، مفعولن، مفعول، مفعول،
مفاعلن، فاع، فاعلات، فاعلان، فعلاب، فعلن، فعلن، فاعلان،
فعالن، مستفعیلن، فعولان، مفعولان، فعول، فعل، فعلان،
مفاعیلان، فاعلیان. (فعولن) هم در اصول به شمار آمده است و هم در فروع

افسر (ت) سدیخ رئیس محمد هاسم میرزا. وفات ۱۳۵۹ ق.

محمد هاسم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزواری متولد شد و در همان
شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب و هندسه
ارداخت. علوم معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد
حاجی سبزواری آموخت. افسر در مجلس شورای ملی از دوره دوم نادره
نهم نمایندگی داشت و چندین بار عهده دار نبایب ریاست مجلس بود.
افسر رئیس انجمن ادبی ایران است. وی در اشعار خود اغلب مضامین
نو و اوزان غیر مبتذل اخسار کرده و در نقد شعر نیز دست داشته است.

(دیوان افسر - جاب تهران)

افضل الدین کاشی (ت) افضل الدین محمد بن حسن بن رفی دانهانی
وفات ۷۰۷-۷۰۸ افضل الدین معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن

هفتم واهل مرق از توابع کاشان . بابا افضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد. مانند جاودان نامه ، و «ترجمه رساله نفس ، ارسطو» المفید للمستفید ، ره انجام نامه ، انشاء نامه ، رساله عرض ، رساله در منطق و غیره . بابا افضل از کسانی است که مطالب علمی و فلسفی را به فارسی محکم و سوجز نوشته است و با آنکه لغات فراوان پارسی بجای اصطلاحات عربی به کار برده است ، بهیچوجه از فصاحت و روانی ترجمه نکاسته است . عبارات درنر او بسیار کوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند ، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی . وفات ۵۳۲ هـ از نویسندگان آخر قرن ششم که در سلط غزان بر کرمان در آن شهر می زیست . وی معاصر ملک دینار بود که در سال ۵۸۳ هـ به کرمان اسبیلادافت و شاهد کشاکشهای عمال انابک فارس ، سعد بن زندگی ، و فطربالدین مبارز و سلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه از فصل آخر کنابش برمی آید ، بعد از شروع انفلابات کرمان چند سال سمت کنابت بمران طغرلشاه را داشت . پس از آن جلای وطن اختیار کرد و رو به سوی خراسان نهاد و در کوبنان متوقف شد و پنج سال آنجا ماند . پس از آن به بزد رفت و در سال ۵۸۴ هـ به کرمان بازگشت . از آثار او کتاب «عقد العلی للموقف الاعلی» و «بدیع الزمان فی وفایع کرمان» و «المضاف الی بدایع الزمان فی وفایع کرمان» است .

اقبال (ت) . عباس اقبال آشنیانی . وفات ۱۳۳۴ ش - عباس اقبال در سال ۱۳۱۴ قمری متولد گردید و تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون نهران به پایان رساند و در کتابخانه عمومی وزارت معارف به کار مشغول شد . سپس در مدارس علوم سیاسی و نظام و دارالمعلمین عالی به تدریس

پرداخت ، پس از آن سفری به پاریس کرد و از دانشگاه سوربن به اخذ لیسانس در رشته ادبیات نائل آمد . پس از بازگشت، در دانشگاه نهران به تدریس پرداخت و در سالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه و ابتالبا اجرای وظیفه می کرد، نادر سال ۱۳۳۴ در رم فوت کرد . از جمله کارهای برارزشی اقبال انتشار مجله «بادکار» در سال ۱۳۲۳ است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت و حمدین کتاب از ابن ربان به فارسی ترجمه کرده است . همچنین در تصحیح و بحثیه بسیاری از کتابهای ادبی و تاریخی ایران کوشش کرد . از جمله تألیفات او «خاندان نوبختی» و «تاریخ مفصل ایران» و «فابوس و سمگیر زبانی» و «ابن المفتح» و «بحرین و جزایر خلیج فارس» و حمد دوره جغرافیا و تاریخ عمومی و تاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (ب) علامه محمد اقبال لاهوری - وفات ۱۳۵۷ هجری قمری - از شاعران بزرگ پاکستان که به زبان فارسی شعر گفته و اشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه های عمیق است . اقبال در اشعارهای انگلستان و آلمان تحصیل کرده است ، از ادرو افکار تمدن مغرب زمین را با اندیشه های دینی شرفی در شعر آیدخته است . آثار او در مجموعه هایی به نام «جاوید نامه» ، «پیام شرق» ، «اسرار و ربوز» ، «ارمغان حجاز» چاپ شده است .

افتران (بج) رجوع نمود به ورا

اقوا (ق) از عیوب یافته . اختلاف حد و دوحه است

منال اختلاف حدو :

هر وزیر و مفسی و ساعر که او طوسی بود

حون نظام السلک و غزالی و دردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصه هجران تو دل پر دارم

پیوسته از آن دیده به خون تر دارم

اکبر نامه ناتاریخ اکبری (ک) تاریخ مفصلی تألیف سیخ ابوالفضل دکنی، وزیر اکبرشاه، که آن را در آخر قرن دهم هجری در هندوسان و درباره تاریخ پادشاهی اکبرشاه و نیموربان هند تألیف کرده است. این کتاب در سه جلد است و جلد چهارم آن به نام «آئین اکبری» است درباره روش حکومت و سیاست کشورداری اکبرشاه.

البرز (ش - ت) نام سلسله کوهی که در شمال نهران واقع است و بر طبق داستان شاهنامه، رستم کیفباد را از آنجا همراه آورد و برنخت شاهی نشاند و سیمرغ زال را بر فراز آن پرورش داد.

اگر کیفبادم ز البرز کوه	به زاری فناده سمان گروه
نباوردی من به ایران زمین	نبستی که بر بند و شمشیر کین
ترا این بزرگی نبودی و کام	که گوئی سخنها به دستان سام

«ارشاهنامه فردوسی»

الغفات (ب) آن است که نوبسند در اتنای بیان مطلب، از

غیبت به خطاب توجه کند باده عکس

از غیبت به خطاب :

قرین و مثل ندارد و گرنه می گفتم

بود مندم افران و فدوه امثال

خدا بگانا در مدحت نوروز دیگر

کنم حدیث که تفصیل دارد این اجمال

از خطاب به غیبت :

ما را جگر به تیر فراق تو خسته شد

ای صبر در فراق بتان نیک جوشنی

الست (ن) یعنی «آباد نسیم» اشاره به آیه قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بر بکم» یعنی «آبادن برورد کار شما نیست» «فالوابلی!» یعنی گفتند که «آری» و در شعر فارسی به معنای روزا زل آمده است
بروای زاهد و بر درد کشان خرده مگر

که ندادند جزاین نحفه به ما روز الست

«حافظ»

امام فخر رازی (ت) رجوع شود به فخر رازی

امامی هر وی (ت) ابو عبد الله محمد بن ابوبکر بن عثمان . و نات ۶۶۷ -
از ساعران قرن هفتم و معاصران سعدی . امامی با مسجد همکرو ساعران دیگر
سؤال وجواب منظوم داشته و اشعاری در مدح امیران و وزیران در آن دارد .
از مسجد الدن همکرو شعری منقول است که در «رئی امامی» کتابی است
ما گرچه به نطوق دلوطنی خویش نسیم

بر نمکر کنندهای سعدی نسیم

در نیوه ساعری به اجتماع امم

هر لزمین و سعدی به امامی نسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکره دولتشاه و آینه کده آذرو جمع
القصص ضبط است . و نسخه خطی دیوان او هنوز به حاب برسیده است .
امهات سنایی با اسباب اربعه (نچ) کتاب از چهار عنصر (آب و باد
و خاک و آتش)

امیدی نهرانی (ت) ارجاسب رسول ۹۲۵ از ساعران عهد شاه
اسمعیل صفوی و از شاگردان حکیم جلال الدین دوائی . اشعارات فارس

قصیده است و قسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورف می باشد، درموزه برستانها وجود دارد. درمجمع الفصحاء و آتشکده اشعاری از او آمده است.

امیر خسرو دهلوی (ت) امیر خسرو بن امیرسلف الدین محمود دهلوی. وفات ۷۲۵- از شاعران بزرگ ایران که در هند و سمان (شهر دهلوی) اقامت داشته و شاهان هند را مدح کرده است. امیر خسرو در حلقه ارادت یکی از مرشدان صوفیه هند به نام شیخ نظام الدین اولیاء درآمد.

امیر خسرو در شعر ارسنائی و خاقانی و نظامی و سعدی پیروی کرده، خاصه در غزل پیروی سبک سعدی بوده است، ولی خود او با وجود پیروی از شاعران دیگر می گوید: «جلد سختم دارد شیرازه شیرازی» در شعر لحن خاصی دارد که به تدریج صورت نازهای بافته و به سبک هندی معروف شده است. دیوان اشعار امیر خسرو بر پنج قسم است.

۱- تحفة الصغر که در دوران جوانی سروده و مرکب است از قصاید غزلیات، ترجیع بند و در آن سلطان غیاث الدین بلبان (۶۶۴-۶۸۶) و پسرش و شیخ نظام الدین اولیاء را مدح کرده است.

۲- واسطه الحیوة که در آن قصایدی در مدح شیخ نظام الدین اولیاء و نصره الدین سلطان محمد، پسر بزرگ (بلبان مقتول ۶۷۳)، و سلطان معز الدین کبچباد (۶۷۶-۶۸۹) دارد.

۳- غرة الکمال که در مقدمه آن از شعر فارسی و محسنات آن سخن گفته و از شاعران بزرگ ایران، مانند سنائی و خاقانی و سعدی و نظامی نام برده و شیخ نظام الدین اولیاء و سلطان معز الدین کبچباد و جلال فردوز شاه (۶۸۹-۶۹۵) و جانشینهای او رکن الدین و علاء الدین را مدح کرده است.

۴- بقية النقیه که قسمتی از آن در مدح علاء الدین محمد نسا

(۶۹۵-۷۱۵) و سرش و اسیران دیگر است و در زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهاده الکمال که شامل قصاید در مدح سلطان غیاث الدین تغلق (۷۲۰-۷۲۵) و در سرمد سلطان قطب الدین مبارک شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دوره آخر زندگی شاعر است .

قصاید اسیر خسرو بسیار طولانی است و در بسیاری از آنها قصاید خافیه را در نظر داسمه است و به نظامی هم عقیده خاصی داشته و به تقلید از او خمسه‌ای ساخته است ، شامل برمنطوبه‌های زیر :

- ۱- مطلع الانوار
- ۲- سپهرین و خسرو
- ۳- مجنون و لیلی
- ۴- آئینه اسکندری
- ۵- هست بهیست

اسیر خسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است . از نامهای مشهور او « حزائن الفتوح » است ، دیگر « رسائل الاعجاز » در فن انشاء .

اسیر خسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مفهوم هند نامید

کلیات اسیر خسرو در ملوی چاپ شده

امین احمد رازی (ت) از بدو دره نویسان قرن یازدهم و دهام شاه طهماسب . وی اسیر خواجده مرزا احمد است ، در سال ۹۳۰ از جانب شاه طهماسب ، کلانتری‌ری را دانسته است ، نامی درجه‌رانی و شرح حال

بزرگان و رجال ادب دارد، به نام «هفت اقلیم»

امینی نجار (ن) ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلعخی الامینی
النجار. از شعرا و عصر محمود غزنوی. از زندگینش اطلاعی در دست
نیست. قصیده‌ای از او در باب الالباب عوفی ضبط است.

انفعال (ط) (از مفعولات عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن
تأثیر از غیر. مثل گرم شدن آب از آتش

انقلاب (نج) دو نقطه از منطقة البروج است که زمین چون در
گردش خود به دور آفتاب به آن نقاط می‌رسد، شب و روز به حد اعلای
نقاوت با هم می‌رسند. انقلاب بردو گونه است: انقلاب صیفی، انقلاب
شمنوی.

انقلاب شمنوی (نج) با انقلاب زمستانی در روز اول زمستان است
که روز به منتهای کوتاهی و شب به منتهای بلندی می‌رسد.

انقلاب صیفی (نج) یا انقلاب تابستانی در روز اول تابستان است
که روز به منتهای بلندی و شب به منتهای کوتاهی می‌رسد.

انگشتر سلیمان (تن) انگشتری که سلیمان در دست داشت و به وسیله
آن بر انسان و جانوران پادشاهی می‌کرد و دیوی آن را بود و چهل روز
بجای سلیمان بر تخت نشست.

از ملک تو گریابم انگشتری زنهار

صد ملک سلیمانم در زیر نگین پائند

«حافظ»

انوار (ت) سید علی بن هرون بن ابوالقاسم الحسینی الشیرازی.
وفات ۸۳۷ — سید قاسم الانوار شاگرد شیخ صدرالدین اردبیلی از اجداد صفویه
بوده است. وی مدنی در گیلان اقامت کرد، بعد به خراسان رفت و در

هرات ساکن شد. در زمان سلطنت تیمور و فرزندش ساهرخ در هرات سی زیسته است، ولی به سبب سوءظنی که میرزا با سنقر دسرشا هرخ به او پیدا کرده بود، از هرات به سمرقند رفت و نحب حمایت میرزا الغ بیگ قرار گرفت، بعد به خراسان بازگشت و در خرچرد از ولایت جام افامت کرد و همانجا وفات یافت.

از آثار قاسم الانوار دیوان غزلیات او و دو مثنوی «انیس العارفین» و «انیس العاسقین» است. (نسخه خطی کتابخانه مدرسه عالی سبهاالار) **انوار التنزیل و اسرار التأویل (ک)** یا تفسیر بیضاوی. تفسیر بسیار معتبری از قرآن به زبان عربی تألیف ناصرالدین البیضاوی از عالمان و مفسران مشهور عصر مغول. تفسیر بیضاوی در میان عالمان و فاضلان بسیار معبر و مورد استفاده بوده است، و به سبب همین تفسیر معروف است که بیضاوی به مقام قاضی القضای رسیده است. شیخ بهائی بر این تفسیر حواشی و تعلیقات مفصل نوشته است.

انوار سهیلی (ک) یکی از مهم ترین آثار ادبی زبان فارسی، تألیف سلا کمال الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر سبیح احمد سهیلی از امیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است. این کتاب از روی کتاب کلبه و دمنده ابوالمعالی منشی اسماء گردیده و مانند آن بر از اشعار و امثال عربی است، مؤلف انوار سهیلی حواشی است که کتاب را به شیوه ساده بنویسد و به جای امثال و اشعار عربی و عبارات دشمنوع، اصطلاحات ساده تر و امثال فارسی به کار برد تا فهم آن آسانتر گردد. با انتخاب شیوه نگارش کتاب تابع سبک متکلف ورن بهم نجرى است و ار لفاظى و عبارت بردازى خالى نیست.

انوشیروان (ش - ت) خسرو اول از شاهان ساسانی، پسر قباد.

نام او در عربی به صورت «کسری» آمده و در ادبیات فارسی نیز غالباً به همین صورت به کار رفته است. در زمان پدرس، قباد، مزدك آئین نوی آورد و قباد دین او را پذیرفت ولی پس از حندی از او رو برگرداند و کسری به فرمان پدر مزدك و مزدكبان را کشت و چون به سخت نشست به کشورداری و آبادی پرداخت، دختر خاقان چین را گرفت و دوسنی ایران و چین را اسوار ساخت. در زمان انوشیروان تنطرنج از هند به ایران آمد، همچنین به دستور انوشیروان، کتاب کلمله و دمنه بوسیله برزویه طبیب به ایران آورده شد و به زبان بهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه است که در قرن دوم هجری ابن مقفع آن را به عربی برگرداند. انوشیروان باقیصر روم جنگید و برای پیروز شد و مصر را باز گزارد ایران کرد.

در ادبیات فارسی، انوشیروان نمونه داد گری و رعیت بروری است.

انوری (ت) اوحدالدین محمد بن محمد وفات ۵۸۳ هـ - انوری

ملقب به حجة الحق در ربه بدنه از ولایت ابیورد منولد شد. در جوانی در طوس به تحصیل همت گماشت و علاوه بر ادبیات، در ریاضی و فلسفه و حکمت نیز مهارت یافت. به آثار ابوعلی سینا علاقه بسیار داشت و بعضی از آنها را به خط خود نوشت. انوری به نجوم هم علاقه خاص داشت و می گویند که در افتران کواکب سال ۵۸۳ پیشگویی باد سختی را کرد که حقیقت نیافت.

انوری غبر از سنجر بسیاری از رجال معروف از قبیل ابوالحسن عمرانی و قاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح گفته است. انوری از قصیده سرایان معروف قرن ششم است. وی ابتدا در شعر خاوری نخلص می کرده و در قصیده سرائی از حیث فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است. غزلباتش بسیار لطیف و دل انگیز

است و در هجو نیز ماهر بوده است .

انوری در تغبیر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقه تازه او استفاده از زبان محاوره است در شعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد و گاه دارای معانی دقیق و مستحکم می‌شود . شاعران پس از انوری همه او را به استادی ستوده‌اند .

دبوان انوری چندین بار جاب شده است .

انیس العارفين (ك) منظومه‌ای عرفانی از آثار سید قاسم الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نمر درحمد خدا و ۵۰۷ بیت است . موضوع کتاب پاسخ به پنج سؤال است . این سؤالات عبارت است از نفس ، روح ، قلب ، عمل ، عشق ، که شاعر در توضیح هر یک داسنایی آورده است . از جمله داستان ملاقات شیخ صفی‌الدین جد صفویه با شیخ سعدی شیرازی است . ابن مثنوی از حیات سبک بیان و ادای سعادی ، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین و بوستان سعدی .

اوحید الدین کرمانی (ب) — شیخ ابوحامد اوحیدالدین کرمانی وفات ۶۳۵ — اوحیدالدین از عارفان معروف ایران و از پیروان و ساگردان شیخ محی‌الدین بن العربی . از اوحیدالدین آثار فراوانی در دست نیست . مثنوی « مصباح الارواح » از او باقی است و قطعات پراکنده‌ای در مجمع الفصحا از او نقل شده است .

اوحیدی مراغه‌ای (ن) رکن‌الدین اوحیدی اصفهانی وفات ۷۳۸ — از شاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی از عمر خود را در اصفهان بسر برده است . در عرفان به یک واسطه سرید عارف معروف شیخ ابوحامد اوحیدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده و تخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی در دوره سلطنت آخرین ایلخان مغول، ابوسعید، می زیسته،
و او و غبات الدین محمد را مدح گفته است. دیوان اوحدی مرکب
است از قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات. در غزل عرفانی
نیز دست داشت. از آثار دیگر او مثنوی «منطق العشاق» است که
آن را در سال ۷۰۶ به نام «وجه الدین شاه» نبیره خواجه نصیر الدین
طوسی ساخته است. دیگر مثنوی معروف «جام جم» است.

اوستا (ك) کتاب دینی زردست بیغمبر ایرانی که ساسل پنج
جزء است:

- ۱ - یسنا که گاتا (سرود زرتشت) جزو آن است ۲ - ویسپرد
- ۳ - وندیداد ۴ - بشت ۵ - خرده اوستا

آقای بورد اود اسناد دانشگاه تهران اوستا را به فارسی امروز
برگردانده و تفسیر کرده اند (از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبی).
اوصاف الاشراف (ك) کتابی در عرفان و سلوک به زبان فارسی،
تألیف خواجه نصیر الدین طوسی که آن را بنابه خواهی و زبردانشمند،
خواجه بهاء الدین محمد جوینی، تألیف کرده است.

(جای تهران)

اهریمن (بن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناباکی و تیرکی که
بمویسته با اهور سردا، خدای پاکی و صفا و نور، در جنگ است. اهریمن
گاهی اشاره به دیوی است که انگشتر سلیمان را به دست آورد و چهل روز
بجای او بر تخت نشست. شیطان هم گاهی در فارسی اهریمن خوانده می شود.

سن آن نکین سلیمان به هیچ نیستانم

که گاهگاه در انگشت اهریمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت). متوفی ۹۳۴ - از جمله شاعران دربار سلطان حسین و امیرعلیشیرنوائی. اشعار وی در هندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

اهلی شیرازی (ت). وفات ۹۴۲ - از شاعران قرن دهم و از معاصران نساء اسمعیل صفوی. اشعارش شامل قصاید و غزلیات است. قصاید متعددی در منقبت بیغمبر اسلام دارد. از آثار اهلی مشنوی «سحر حلال» است که آن را در جواب تجنیسات و مجمع البحرین کاتبی به دو بحر و دو قافیه سروده است. دیگر «شمع و پروانه» و مجموعه رباعیاتی به نام «سافی نامه» است.

ایاز (ت) نام غلام نرک سلطان محمود که محبوب او بود و به زیرکی و ملاحمت معروف بود. ادب فارسی به عنوان محبوب و معتوق محمود ذکر شده است.

دست دل سخنون و خم طره لیلی

پیشانی محمود و لفبای ایاز است

«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد.

عشق دیدم که در مقابل صبر

آیس و پنبه بود و سبک و سبوی

«سعدی»

ایجی (ت) مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ايجی وفات

۷۵۶ هـ - از عالمان معروف فارس و از قضیه ايج. معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسله آل مظفر است. فاضل عضدالدین فقهی سافعی است که به منصب قضا اشتغال داشته است. آثار بسیار در فلسفه و کلام و مذهب و اخلاق به زبان عربی دارد که از معروفترین آنها کتاب

«المواقف فی علم الکلام» است و از متون معتبر علم کلام به می رود .
ایران شاه بن ابی الخیر (ت) از شاعران اوایل قرن پنجم و معاصر
 سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در
 حدود سال پانصد هجری به نظم آورده است .

ایرج (ش - د) پسر فردون ، از شاهان سلسله پیشدادی .
 چون فردون کهنور خود را بهان سران نفسم کرد و ابران و عربسان
 را به ایرج داد ، برادران که از سهم خود ناراضی بودند ، بروی حسد بردند
 و او را کشتند و سرش را نزد پدر فرستادند .

ایرج (ت) ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک وفات ۱۳۰۴
 شمسی - ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک فرزند غلامحسین میرزا پسر
 برادر فتحعلیشاه ، از شاعران معروف معاصر . تحصیلات فارسی و عربی را
 در تبریز انجام داد و زبان فرانسه آموخت و مورد نسوینی مرحوم حسنعلی
 خان امیر نظام گروسی فرار گرفت . در نوزده سالگی وارد خدمت دولتی
 شد ، ابتدا در گمرک مشغول شد سپس به ریاست کابینه وزارت معارف
 و ریاست دفتر ایالتی آذربایجان و معاونت حکومت اصفهان منصوب گشت ،
 و سرانجام به معاونت مالییه خراسان نائل آمد . ایرج سفری هم به اروپا
 کرد و پس از بازگشت در تهران به مرض سکنه قلبی در گذشت . ایرج
 در ده سال آخر عمر خود در شعر سبک خاصی اختیار کرد ، افکار تازه و
 مضامین نو را در شعر وارد کرد . وی اشعار هزل آمیز بسیار دارد و روانی
 و سادگی اشعارش سبب شده است که بعضی از آنها زبانزد خاص و عام
 گردد . دیوان ایرج چندین بار به چاپ رسیده است .

ایطاء (ق) از عبوب قافیه . ایطاء بر دو قسم است : ایطاء جلی
 ایطاء خفی . ایطاء جلی آن است که قافیه تکرار شود : مانند :

در این زمانه بسی نیست از تونیکو تر نه بر تو بر شمنی از رهبت سستف تر

ابطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار کنند .

آن شنیدم که وقت زادن تو همه خندان بدند و بو گریان

تو چنان زی که وقت مردن تو همه گریان شوند و تو خندان

ایلاقی (ت) ترکی کنی ایلافی . از حال و اطلاعی در دست نیست ،

وی از ناحیه ایلاقی نزدیک چاه در ماوراء النهر است . در ترجمان البلاغة

و در حدائق السحر و مجمع المصحاء اسعاری ارحسین ایلافی نقل شده که

در قرن چهارم بی زبانه است و گویا همین شخص باشد .

این (ط) از مفولات عسر مفهوم « این » نسبت جسم است به

مکان ؛ یعنی « کجا بودن » .

ایوب (نن) از بیغمبران که در صبر و تحمل رنج مشهور است .

در روایت است که خدای تعالی او را به بلاها مبتلا کرد و صبرش را آزمود

ابتدا مال او را گرفت و فقیرش گردانید سپس فرزندانش را بردید و خود او بیمار

شد و در بدنش کرم افتاد . اما او ناله و صیحه نکرد ، پس خدای تعالی او را

بخشود و جنته آب زبر باد . ایوب خود را با آب سست

و صحت یافت و آن حنمه بدعس ایوب معروف شد که مردمانی خود

را در آن می سست ، فایده یافت . صبر ایوب در ادبیات فارسی مثل است

ابهام (ب) آن است که گویا در استعمال یک لفظ دو معنای

نزدیک و دور را در نظر گیرد

ز گریه مردم جسم نیستند در خون است

ببین که در طلب حال مردمان خون است

سأهد بر سر لاله « مردم » است که در معنی آن می بینیم و معنی

در گران انسان است .

پ

بابا افضل کاشی (ت) رجوع سود به افضل الدین کاشی

باباطاهر (ت). وفات در حدود ۱۰۴۰- از شاعران عارف قرن پنجم. اصلش از همدان است و از زندگیش اطلاعات فراوانی در دست نیست. از آثار او مجموعه کلمات قصاری است به عربی، شامل عمایده متصوفان دیگر مجموعه دوبیتی های عارفانه و لطیف اوست که به لهجه لری سروده شده و از نوع «فهلوبات» است. باباطاهر در این دوبیتی ها از وحدت عالم وجود و تنهایی و ناحبزی و بردشانی و انتیاف معنوی خود گفته گو کرده است. ترانه های باباطاهر در کمال سادگی و بی پیراکی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چند بار در تهران به چاپ رسیده است.

بابا فغانی (ت) وفات ۹۲۵- از شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم

و معاصر صفویه. تولد او در شیراز است و پس از چندی به هرات عزیمت کرد و در آنجا به خدمت مولانا جامی رسید و از هرات آذربایجان رفت و مدتی در تبریز اقامت کرد و در دربار سلطان یعقوب آف فونیلو تفریب یافت و در سلک شاعران دربار او قرار گرفت. پس از فوت سلطان یعقوب و آشفتگی اوضاع به شیراز و بس از آن به خراسان رفت و در آنجا عزیمت گزید. غزل های بابا فغانی بسیار پربسوز و حاکی از دردمندی است که بیرون بسیار یافت

خاصه در هندوستان. دیوان بابافغانی — جاب بهران
بابا کوهی (ت) ابو عبدالله علی. وفات ۴۴۲ هـ — از عارفان و مرشدان
 قرن چهارم هجری. بابا کوهی پس از طی مراحل اولیه سلوک در شیراز
 به سفر پرداخت و در نیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید
 ابی‌الخیر رسید، سپس به بغداد رفت و با منصور حلاج ملاقات کرد و از
 آنجا به شیراز مراجعت کرد و منزوی شد و در صومعه‌ای به عبادت پرداخت.
 جامی درباره او گوید:

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

(دیوان بابا کوهی — جاب شیراز)

باخرزی (ب) ابوالقاسم علی بن ابوالحسن بن ابی‌الطیب باخرزی.
 متولد ۴۸۸ هـ — از شاعران و نویسندگان قرن پنجم. پس از آموختن علم
 دین به علوم ادبی روی آورد و در شعر و نثر عربی و فارسی مشهور شد.
 عوفی او را کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند. دیوان
 عربی باخرزی مشهور است و عوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را
 به نام «طرب‌نامه» ذکر کرده است. اثر معروف او کتاب «دبابة القمر
 وعصره اهل العصر» است.

باخرزی (ت) سیف‌الدین ابوالسعالی سعد بن مظفر باخرزی.
 وفات ۵۲۹ هـ از شاعران و اخراجان قرن ششم و از مستنسخ‌موفید. مدب درازی
 از عمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقه
 کبرویه گردید. سیف‌الدین باخرزی معاصر شیخ فریدالدین عطار و شیخ
 مجدالدین بغدادی بوده است. رساله‌ای به فارسی در معنی عشق دارد
 و در نظم و نثر آناری از او باقی است.

باه (تن) در داستان سلیمان . باد فرمانبردار او بود و او را از شهری

به شهری می برد .

اندر آن موکب که بر پشت صبا بندند زین

باسلیمان چون برانم من که سورم سرکب است

«حافظ»

باربد (ن) رامشگر معروف دربار خسرو پرویز

... خاصه که به هر طرف نشسته است صد باربد از هزار دستان

«خاقانی»

بایقرا (ب) رجوع شود به سلطان حسین بایقرا

بت آوری (تن) اشاره به بتهائی که آزر بت تراش، پدر ابراهیم

بیغمبر، می تراشید و در شعر فارسی کنایه از خوبرو است .

دگر بروی کسم دیده بر نمی ناسد

خلیل من همه بتهای آری بستگست

«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع جب و خرم است که حذف

سیم و عی و لن باشد . می ماند فا، بجای آن فع می گذارند و آن را ابتر گویند

در فعولن حذف فعو است که می ماند لن، بجای آن فع می گذارند

و آن را ابتر خوانند

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که بر انواع اوزان اطلاق

می شود ، خلیل بن احمد که واضع علم عروض است، در شعر عربی پانزده

جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :

طویل ، مدد ، بسیط ، وافر ، کامل ، هزج ، رجز ، رمل ، سریع ،

منسرح ، خفیف ، مضارع ، مقتضب ، مجنت ، متفارب .

(به هریک از این کلمات رجوع شود)

بدایع الزمان فی وقایع کرمان (ک) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی ابن کتاب شامل اطلاعاتی است درباره جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان از دوره قبل از اسلام و فتح آن بدست مسلمین و استیلای صفاریان و غزنویان و آل بویه و سلاجقه و ورودی و انقلاب پس از آنها و تسلط ملک دینار و سمرانش و تسلط ملوک شبانکاره و اتابکان فارس و خوارزمشاهیان . بدایع الزمان مورد استفاده حافظ ابرو و اغلب مورخان واقع شده است .

حاج بهران

بدر (نج) حالتی از ماه که نمی از آن که به جانب زمین است کاملاً روشن است و این حال در شب چهاردهم ماه ظاهر می شود .
فرص مه چون هلال و بدر شود لعل یکران و فرص خوان نو باد
«ابوالمرح رونی»

بدر چاچی (ت) از شاعران دوره مغول که شهرتش در هندوستان بیس از ابران است . اهل چاچ (از شهرهای ترکستان) است . از شعرهای او قطعاتی در تاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است .
بدیع بلخی (ب) ابومحمد بدیع بن محمد بن محمود بلخی از شاعران قرن چهارم . هدایت او را معاصر سلطان محمود غزنوی می دانند و منظومه ای به نام «بندنامه انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی از آن را در تذکره مجمع الفصحا آورده است .

بدیع الزمان (ب) ابوالفضل احمد بن حسن . وفات ۸۹۳- ازادبان و نویسندگان قرن چهارم هجری . اولین کسی است که ترمیم جمع عربی ساخت و سبک مقامه نویسی را به وجود آورد . بدیع الزمان علوم ادبی

را در همدان نزد ابن فارس رازی فراگرفت و بعد به خدمت صاحب بن عباد رسید. بدیع الزمان از لحاظ حافظه و احاطه بر لغت و شعروادب در عصر خود ممتاز بود و در نظم و شعر عربی استاد. مقامات بدیع الزمان مرکب از پنجاه و یک مقامه است

براق (تن) اسبی که حضرت محمد ص در شب معراج بر آن نشست
براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج رونی»

برج (نج) یکی از قسمتهای دوازده گانه منطقه البروج

برج ثور است مگر شاخ سمن که گلش را شبه پروین است

«ابوالفرج رونی»

برجیس (نج) ستاره مشتری

دارد از لطف تو برجیس و ز قهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزنامه (ك) بزرگترین منظومه حماسی به زبان فارسی

که به تقلید شاهنامه فردوسی ساخته شده است. این منظومه شامل روایاتی است درباره خاندان رستم و برزو پسر سهراب. داستان برزنامه کم و بیش شبیه داستان رستم و سهراب است، جز آنکه پایان عم انگیز سهراب را ندارد. مأخذ منشور کتاب ذکر نشده اما روایات آن در بعضی از منظومه های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده است. تاریخ نظم برزنامه کاملاً صریح نیست و آن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب معروف به عطائی رازی نسبت می دهند، که از شاعران قرن پنجم و دربار غزنویان است و مسعود سعد در سرگاو

(۴۷۱) مرثیه‌ای ساخته است. نظم برزوانامه بسیار محکم و سلیس است و گونه‌ده در وصف سیدانهای جنگ و پهلوانان قدرت بسیار بکار برده و در تقلید فردوسی در نظم شاهنامه از دیگر حماسه‌سرایان پیش افتاده است. **برهان** (ب) محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی مؤلف کتاب «برهان فاطع» و از معاصران سلطان عبداللہ قطب الدین شاه پادشاه سبعی مذهب هند است و کتاب خود را در سال ۱۰۶۲ به نام او تألیف کرده است.

برهان قاطع (ک) کتابی است در لغت فارسی تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را در سال ۱۰۶۲ در حیدرآباد دکن به نام عبداللہ قطب‌شاه از شاهان هند تألیف کرده است. مؤلف در کتاب از چهار فرهنگ که مورد مراجعه و استفاده او بوده است، نام می‌برد.

۱- فرهنگ جهانگیری ۲- مجمع‌الفرس سروری

۳- سرمد سلیمانی ۴- صحاح الادویه حسین ابزاری

برهان فاطع به ابن سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که بهینس اراو تألیف نموده، استفاده بسیار کرده است، جامع لغات بیشتری می‌باشد. مجموع لغات برهان در حدود بیست هزار و دویست کلمه است.

(برهان فاطع - چاپ تهران)

برهانی (ن) اسرارالشعر عبدالملک برهانی. وفات در حدود ۶۵۰ هـ. از شاعران عهد سلجوقی، در دربار الباسلان می‌زیست و مورد اعتماد او بود. برهانی پدر اسرار معزی شاعر معروف است که در زمان قوت، پسر خود را به سلطان ملک‌شاه سدرده است.

بزرجمهر (ش - ب) با بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان.

در ادبیات فارسی بارها به عنوان نمونه دانش ولیافت و تقوی از او نام برده شده است .

بزم نوشیروان سپهری بود کز جهانش بزرگمهری بود

«بطامی»

بزرگمهر قانی (ت) امیر ابوسنصور بزرگمهر فسیم بن ابراهیم قانی از شاعران وادیبان عصر غزنوی . در شعر عربی و فارسی استاد بوده است . ابیاتی از اشعار عربی او در لباب الالباب عوفی ضبط است .
بسام کورد (ن) بسام کورد به روایت تاریخ سیستان از خوارج بود که به نزد یعقوب آمد و قصه کشنه شدن عمار خارجی را به دست یعقوب ، به شعر فارسی سرود . بسام کورد را از جمله نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده اند .

بستان الاسیاحه (ك) تألیف حاجی زبن العابدین شیروانی . این کتاب در سال ۱۲۴۷ هـ تألیف یافته و در حکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان و قفقاز و آذربایجان و خراسان و افغانستان و هند و کشمیر و بدخشان و ترکستان و ماوراءالنهر و خلیج فارس و یمن و حجاز و مصر و شهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را در کتاب شرح می دهد ، حاجی شیروانی شبعه و درویش نعمه الهی بوده است .

بسحق اطعمه (ت) رجوع شود به ابواسحق اطعمه

بسیط (ع) از بحر شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعّلین فاعلن . این بحر در شعر فارسی سداول نیست و گاهی مثال آن را عروضیان به نکلن ساخته اند . مثال بحر بسیط مخبون : «مستفعّلین فاعلن ۲ بار در هر مصراع»

روزم سیاه چرا گرتو سیاه خطی اسکم عقیق چرا گرتو عقیق لبی
بشار بن برد (ت) از بزرگترین ساعران ابرانی قرن دوم هجری
 و از شاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می سروده است. وی
 در مباحثات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و استال مشهور و در
 بغیر سبک شعر عربی بسیار مؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بود و سرانجام
 به جرم ارنداد در سال ۱۶۷ کشته شد.

بشار مرغزی (ت) از ساعران قرن چهارم هجری که قصیده خمربه
 معروفی دارد که در دست است.

بقراط (ت) طبیب و حکیم یونانی، بنا کرد فیثاغورث
بلعمی (ت) ابوعلی محمد بن ابوالفضل البلعمی. وفات ۳۶۳- وزیر
 معروف منصور بن نوح بن نصر سامانی که به امر ابن بادشاه مأمور بر رسمه
 کتاب «الرسول والملوک» معروف به تاریخ بلبری شد. مدرس ابوالفضل
 بلعمی وزیر مشهور اسمعیل بن احمد سامانی و حاکم و تعمیر بوده است. ابوعلی
 محمد نیز مانند پدر علاوه بر مقام بزرگ سیاسی، در دانش و ادب نیز
 مقامی عالی داشت. ترجمه بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است.
 قسمتی که در باره ایران است، در تهران به چاپ رسیده است.

بلقیس (تن) ملکه سبا که سلیمان خبر قدرت او را شنید و او را
 شهر او کرد. بلقیس چون دانست او پدیدار است به در کاخش روانه
 شد، ولی سلیمان از خدا خواست که تیغ بلقیس، پیش از آن خود
 او به درگاه حاضر شود. به فرمان خدای تعالی تیغ بلقیس در مجلس
 سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان آورد و به نجاتش درآمد.

حضرت بلقیس بانوی سبا بر سر عیسی و مسیح در راه آمد

شاهان

بنات النعش (نچ) از صور فلکی هفت ستاره؛ که نعش آن چهار ستاره است به شکل تخت در چهار گوشه و بنات آن سه ستاره است که به طول واقع شده است. بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می خوانند.

بنات النعش گرداوه می گشت خواند دست مرد حب فلاخن

«موحرری»

بناکتی (ت) ابوسلیمان داوود بناکتی یا فناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر. وی از مورخان دوره مغول و ملک الشعراى دربار غازان خان بوده است و چون از نزدیک با خارجبانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می آمدند، سروکار داشت اطلاعات جامعی درباره مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد.

بوالبشر یا ابوالبشر (تن) رجوع نمود به آدم

به صفای صفی^۳ حق آدم که سرانپیا و بوالسراست

«انوری»

بوزجانی (ت) ابوالوفاء محمد بن محمد. وفات ۳۸۷- اهل بوزجان نیشابور که در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت و از آنجا به عراق رفت و به تألیف کتاب مشغول گشت. ابوالوفاء از مترجمان و ریاضی دانان مشهور قرن چهارم است. وی بسیاری از کتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده و خود نیز در ریاضیات و نجوم تالیفات دارد و از واضعان علم مثلثات است. از آثار او کتاب المجسطی است که شامل هفت جزء می باشد. دیگر «کتاب الکامل». «کتاب الهندسه» و «کتاب فی مباحث حاج الیه الکتاب والعمال من علم الحساب».

بوستان (ك) منظومه معروفی از آثار شاعر بزرگ ایران سعدی، که آن را در سال ۶۵۵ به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی ساخته است. بوستان شامل چندین باب است درعدل و انصاف، احسان و بخشش، عشق و مستی، تواضع و فروتنی، تسلیم و رضا، آداب تربیت، مکر و برعافیت، نوبه و انابه، مناجات و ختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را با حکایات و تمثیل های شیرین سی آهزد و از وقایع سفر دراز خود سواهدی ذکر می کند.

بهار (ت) محمد تقی ملک الشعرا وفات ۱۳۳۰ هـ شمسی - محمد تقی ملک الشعرا متخلص به بهار فرزند سرزا محمد کاظم حبوری ملک الشعراء آستان قدس رضوی. بهار در سال ۱۳۰۴ ق در مشهد متولد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۸ روزنامه (نوبهار) را منتشر کرد و در سال ۱۳۳۳ از مشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و به تهران آمد و روزنامه نوبهار را در تهران منتشر ساخت. و در ۱۳۳۵ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدبریت روزنامه ایران را به عهده داشت. بهار در هیچده سالگی پس از فوت پدر لقب ملک الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار در عالم سیاست مبارزانی کرد. تبعیدها و زندانها و محرومیتها دید و درباره همه این حوادث انشعاری سرود. بهار در سال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ و ادبیات اشغال و رزید، پس از آن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تهران منصوب شد. کم کم از زندگی سیاسی کناره گیری کرده به توسعه آثار ادبی پرداخت. کتابهای «مجموع التواریخ و القصص» و «تاریخ سیستان» و «جوامع الجاهلیات عوفی» را تصحیح کرده با حواشی و تعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه

بر احاطهٔ برادریات فارسی و عربی به خط و زبان پهلوی نیز مسلط بود و چند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند بادگار زریران و رسالهٔ مادیگان شترنگ

از مهمترین آثار بهار دیوان اوست در دو جلد، شامل فصاحت و و طعانت و غزلیات. بهار در فصیده پیر و سبک خراسانی است. از آثار سهم د بگرا و سه جلد کتاب سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی است که بوسیلهٔ وزارت فرهنگ به چاپ رسیده است.

آثار پراکنده مانند مقالات سیاسی و ادبی و تحقیقی فراوان دارد که در روزنامه ها و مجله ها منتشر شده است.

دیوان - چاپ تهران

بهارستان (ک) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین با بقرا ساخته است. ابن کتاب به سبک گلستان سعدی می باشد و به نقل از آن به هشت روضه نفیس شده است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته های تربیتی و اخلاقی است و نثرش به صنایع لفظی آراسته است. چاپ تهران

بهاء ولد (ت) سلطان العلماء بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بلخی. وفات ۶۳۱ - از بزرگان مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت و چون سخنوری او موجب توجه مردم گردیده بود، سلطان خوارزمشاه او را به ترک خراسان واداشت. گویا وجود اختلاف نظر بین امام فخر رازی و بهاء ولد در این کار بی اثر نبوده است، زیرا که خوارزمشاه به امام فخر رازی ارادت می ورزیده است. بهاء الدین در حدود سال ۶۱۰ از خراسان مهاجرت کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد. شیخ کتاب «اسرارنامه» را به پسر او

جلال‌الدین هدیبه کرد . بهاء ولد سپس به بغداد و از آنجا به مکه رفت
و چند سال در سلطیه ماند و به دعوت علاء‌الدین کبچباد سلجوقی به قونیه
رفت و در آنجا به وعظ و ارشاد پرداخت و مریدان بسیار یافت و با زمان
مرگ همانجا ماند . از آثار معروف او «المعارف» است .

بهرام (نچ) کره سربخ

بهرام تافت از فلکک بنجمین همی

چونانکه دیده سرخ کند شرزه‌ژبان

«اوری»

بهرام گور (ش - ت) بهرام پنجم سر نزد کردستانی . پدرش
اورا نزد منذر بن نعمان فرمانروای حیره فرستاد تا تربیت سود . چون بهرام
هنر و فرهنگ آموخت و از مرگ پدر خبر یافت و دانست که بزرگان بکی
از شاهزادگان را به نام خسر و بر تخت نشانده‌اند ، داسی هزار سوار به
ایران آمد . ابرانیان باج شاهی را میان دو تن برداشتند تا حرکت از
دو شاهزاده که آن را برداشت بر تخت بنشینند . بهرام سیران را دست
و باج را برگرفت و بر سر نهاد . بهرام کور در دوران شاهی بیروزیهایافت
وداد بسیار کرد .

در ادبیات فارسی بهرام به رعیت پروری و نجل و خوشگذرانی
شهرت دارد و مثل است . در شاهنامه فردوسی داستانهای متعددی از سکار
و مجالس بزم بهرام و سرکشی و رسیدگی به وضع مردمان و طبقات مختلف
ملت و دادگری او آمده است .

منظومه «هفت گنبد» با «بهرام نامه» نظامی نیز درباره اوست .

سرانجام بهرام هنگامی که در بی کورخری سیاحت ، بدبالاتی
فرورفت و ناپدید شد . رباعی ذیل از ختام اساره بر سر گذشت و عاقبت اوست :

آن قصر که بهرام در او جام گرفت
 آهو بچه کرد و گرگ آرام گرفت
 بهرام که گورسی گرفتنی همه عمر
 دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
 «خیام»

بهرامی (ت) استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی. وفات اوائل قرن پنجم - از شاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که در علوم ادبی اسناد بود. نظامی عروضی کتابهای «غایه العروضین و «کنز الفافیه» و «خجسته نامه» را در علم عروض به او نسبت داده است. اسعاری از او در تذکره ها و کتابهای ادب ضبط است.

بهمن (ش - د) یا اردشیر دراز دست پسر اسفندیار، که چون پدرش به دست رستم کشته شد، رستم پرورش او را به عهده گرفت و به او هنر آموخت و چون پسر عزیزش داشت. اما چون بزرگ شد، نامه ای به گشتاسب فرستاد و او را از کار بهمن آگاه کرد. گشتاسب بهمن را خواند و بهمن پس از گشتاسب به شاهی رسید. وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید، رستم در این زمان به حيله برادرش شغاد کشته شده بود. در گنج خاندان رستم را گشاد و گنجها را غارت و زال را اسیر کرد. فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیر گشته است، به جنگ بهمن آمد ولی شکست خورد و به دست او کشته شد. بهمن از کار خود پشیمان گشت و زال را آزاد کرد.

شنیدم من که بر بای ایستاده رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

بهمنجنه بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روز را جشن می گرفتند. ابن جنس ناچندون پس از اسلام نیزه معمول بوده است.

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه

ای درخت ملک بارت عزوبیداری تنه

"منوچهری"

بیان الادیان (ک) تألیف اسیر ابوالمعالی محمد بن عبیدالله از سادات

علوی و معاصر ناصر خسرو که ابن کتاب را به زبان فارسی در سال ۴۸۹

تألیف کرده است. بیان الادیان از جمله قدیمترین و مهمترین کتابهای

زبان فارسی در سال ونحل است چاپ بهران

بیان و تفسیر (ب) آن است که شاعر با نوپسندۀ کلام مجملی ماورد

و پس از آن به تفسیر بردارد

دو کس رنج بیهوده برد و سعی بمفایده کرد، یکی آنکه مال کرد

کرد و نخورد و دیگر آنکه علم آموخت و عمل نکرد.

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه و در اصطلاح شعر عبارت

است از حداقل شعر که از دوباره ساخته شده و دارای وزن و قافیه واحدی

باشد. هر باره یک بیت را مصراع گویند.

بیت الاحزان (نن) یا بیت الحزن

(رجوع شود به کلبه احزان)

ای ز وصلت خانه ها دارالشفای وی ز هجرت بنما بیت الحزن

"سعدی"

بیدل (ن) ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل. وفات ۱۳۳۳ - از

شاعران فارسی زبان هند و از نوکان جغتائی که در هند متولد شده و در

آن کشور تربیت یافته است. بیدل آثار فراوانی به نثر و شعر دارد و در

شعر صاحب شبهه خاصی است. در غزل عرفانی اسامی دارد و اشعارش

با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است. از آثار معروف او مثنویهای عرفات، طلسم حیرت، طور معرفت است. دیوان اشعارش شامل غزل و قصاید و ترجیعات و مستزاد و هزلیات است.

بیرونی (ت) ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی وفات ۴۴۰- از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی. ابوریحان در سال ۳۶۲ در بیرون، حوالی خوارزم، متولد شد و تحصیلات خود را در خوارزم انجام داد سپس به دربارنمسالمعالی قابوس بن وشمگیر رفت و مورد توجه او قرار گرفت و کتاب «آثار الباقیه» را در سال ۳۹۱ به نام او تألیف کرد. ابوریحان به خوارزم بازگشت و به دربار خوارزمشاهیان آل ماسون پیوست و مورد احترام قرار گرفت و هنگامی که سلطان محمود غزنوی به گرگانج دست یافت، ابوریحان را به غزنین برد. ابوریحان در سفرهای سلطان محمود به هند با او همراه بود و با دانشمندان هندی مصاحبت و معاشرت کرد و از عقاید و علم آنها استفاده بسیار کرد و زبان سانسکریت را آموخت. بعد از سلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند و کنایهائی به نام او تألیف کرد.

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ بکصد و سهزده عدد شمرده است در مسائل هیئت، نجوم، تاریخ و جغرافیا، فیزیک، اسرار و احادیث، داروشناسی.

از جمله آثار معروف او کتاب «تحقیق مالمهند من مقوله مقبولة فی العقل او مردوله» در ذکر عقاید هندوان، «قانون مسعودی» در هیئت و نجوم به نام سلطان مسعود، غزنوی «الدستور» به نام شهابالدوله ابوالفتح مودود بن مسعود، «الجماهر فی معرفة الحواهر» در تحقیق فیزیکی بنام مودود بن مسعود، «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» به نام ریحانه دختر حسین خوارزمی «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»

ابوریحان در دوزبان باری و عربی استاد بود و از مفاخر عصر خود به شمار می‌رفت .

بیژن (ش - د) بهلوان ایرانی ، بسرگیو که مطابق روایت شاهنامه ، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین او را فریب داد و به دشمنی راهنمائی نمود . کرد که دختر افراسیاب در آن خیمه گاه افراشته و جشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شد و منیژه نیز شبیه وی گشت و او را به جادر خود خواند و پس از آن به کاخ خود برد . چون افراسیاب از وجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر و در جاهی زندانی کرد و منیژه را سروپا برهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هر روز بر سرچاه می‌رفت و نانی را که از گدائی به دست آورده بود به بیرون می‌رسانید . سرانجام رستم درجاسه بازرگانان به جستجوی بیرون به شهر توران آمد و به راهنمائی منیژه بر سرچاه رفت و بیژن را نجات داد و به ابران آورد .

تربا چون منبزه بر سرچاه دو چشم من بدو چون چشم بیژن

« سرچهری »

بیستون نام کوهی نزدیک کرمانشاه که در داسنان خسرو و شیرین فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن مشغول شد .
آواز نبشه اششب از بیسمون نیابد

گویا به خواب شب برین فرهاد رفته باشد « وحشی »

بیهمی (ت) ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بن الحسن البیهمی معروف به ابن فندق وفات ۴۵۰ ه از دانشمندان قرن هشتم و اهل بیهمی (سبزوار حالبه) . بیهمی معاصر شهرسنائی صاحب ملل و نحل بوده و در صغر سن زبان عمر خیام را در یافته است .

باقوت درمعجم الادباء هفتاد وچهار کتاب ازتألیفات او را ذکر می‌کند که متأسفانه از همه آنها جز چند کتاب در دست نیست. از آثار بیهقی «تاریخ بیهق»، «کتاب نحو»، «جوامع الاحکام»، «شرح نهج البلاغه» «تتمه صوان الحکمة»، «ذیلی بر تاریخ بمبئی» است موسوم به «مشارب التجارب وعوارب الغراب» که مشتمل بر فواید تاریخی ایران است در صد و پنجاه سال، یعنی از همانجا که تاریخ یمینی خنم می‌شود. دیگر از تألیفات او کنابی است در امثال عرب موسوم به «غرر الامثال و درر الاقوال».

بیهقی (ت) ابوالفضل محمد بن حسین وفات. ۷۰۷ - از نويسندگان بزرگ قرن پنجم و معاصر غزنویان. بیهقی در فربه حارث آباد از فراء بیهق متولد شد و تحصیلات خود را در نیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمود بن سبکتکین وارد شد و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت و نوزده سال منشی رسائل غزنویان بود و در زمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدنی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد و پس از آزادی انزوا اختیار کرد و به تصنیف کتاب پرداخت. از آثار او یکی «زینة الکتاب» است که گویا در فن کتابت بوده و اکنون در دست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام «تاریخ آل سبکتکین» که قسمتی از آن به نام «تاریخ مسعودی» در دست است.



پازند (ك) حون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود
و موجب خطا و اشتباهاتی می‌شد، برای آنکه رسالاب و کتابهای مذهبی
درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می‌کردند.
این گونه نقل متن پهلوی به خط اوستائی بازند خوانده می‌شود.

ای خوانده کتاب زند و پازند زن خواندن زند تا کی و چند
از فعل منافقی و بی باک از قول حکیمی و خردمند
«ناصر خسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم
نه من از خلوت تقوی به در افتادم و سن
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت
«حافظ»

پروین (نیچ) رجوع نمود به نردا
آسمان گویم فروش این عظمت کاندرا عشق
خرمن سه به جوی خوسه بروین به دوجو
«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) وفات ۱۳۲۰ شمسی - دختر یوسف اعتصامی
(اعتصام الملک آستینانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین در سال
۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسه اسرپکائی

تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت . پروین در سال ۱۳۲۰ در سن سی و پنج سالگی فوت کرد . اشعار او ابتدا در مجله بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱۴ به طبع رسید . دیوانش شامل قصاید و مثنویات و قطعات است . پروین در قصیده از سبک شاعران خراسان پیروی کرده و مضامین اجتماعی و واقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیمت خاطر بیچارگان نکته های لطیف و حکیمانه بکار برده است که اغلب آنها را از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیور بیان می کند .

دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است

پریشان (ک) کتابی به نثر تألیف قاضی شاعر بزرگ قرن سیزدهم هجری . این کتاب به سبک گلستان سعدی نوشته شده و شامل پند و اندرز و قصه و همچنین حاوی مطالبی است درباره احوال مؤلف . چاپ تهران **پسر نوح (تن)** فرزند نوح پیغمبر که با مخالفان پدر همراه شد و در طوفان غرق گشت .

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

«سعدی»

پوربهای جامی (ت) از شاعران دوره مغول که وجیه الدین زنگی و طاهر فربومدی را مدح کرده و به خدمت صاحب دیوان جوینی هم رسیده است دولت شاه قصیده ای شامل ۲۸ بیت از او نقل کرده که حاوی لغات مغولی و ترکی است . همچنین از پوربها قطعاتی مربوط به واقعه انهدام نیشابور بر اثر زلزله سال ۶۶۶ و تجدید بنای آن در سال ۶۶۹ به حکم آبا قاخان باقی است که بر از صنایع لفظی می باشد

پیر پیر کسی است که در خانقاه تربیت سالکان را برعهده دارد .

این شخص باید اجازه ارشاد از سنا یخ صوفیه داشته و از علم طریقت
و شریعت اطلاع کامل داشته باشد .

دوش از مسجد سوی مدخانه آمد پیرما

حیست باران طر دفت بعد از این ند پیرما

«حافظ»

پیراهن یوسف (تن) چون برادران یوسف بر او حسد بردند ، از
یدر اجازه خواستند تا او را به صحرا برند ، همنکه از جسم پدر غایب
شدند ، یوسف را در چاهی انداختند و کبوتری را کشند و پیراهن یوسف را از
خون او رنگین کردند و نزد پدر بردند و گفتند که گُرک یوسف را دریده
و گواه پیراهن خونین اوست . یعقوب پس از آن آنقدر در فراق یوسف
گرددست که کور شد ، اما یوسف بوسیله کاروانی از حاه بیرون آمد و به
مصر رفت و برابر تعبیر خواب پادشاه ، عزیز مصر گشت . در سالهای
فراوانی گندم اندوخت و در سالهای فحطی از ذخیره به کار برد و فروخت .
برادران یوسف برای خرید غله به مصر رفتند و پس از چند نوبت خرید ،
یوسف خود را به آنها معرفی کرد و پیراهن خود را برای یعقوب فرستاد .
وقتی که برادران از مصر خارج شدند و سوی کنعان رفتند ، یعقوب بوی
پیراهن او را نسید و چون پیراهن را به او دادند ، بد حشمت خود مالید
و اینها گشت .

بوی پیراهن یوسف که کند روستن جسم

باد گوئی که بر در غم دلمان آرد

«سعدی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می سنوم

سادی آورد کل و باد صبا شد آرد

«سعدی»

پیرکنهان (تن) اشاره به یعقوب
 شنیده‌ام سخنی خوش که پیرکنعان گفت
 فراق بار نه آن می‌کند که بتوان گفت

«حافظ»

پیرمغان کنایه از پیشوای طریقت و مرشد عارفان
 مشکل خویش بر پیرمغان بردم دوش
 کوبه تأیید نظر حل معما می‌کرد...

«حافظ»

و

تاتار ولانی که در شعر فارسی به داشتن مشکک خوب معروف است .

در آن چمن که نسیمی و زد ز طره دوست

چه جای دم زدن نافه های تاتاری است

«حافظ»

تاج القراجم (ك) تاج التراجم یا تفسیر اسفرا بنی از تفسیرهای مهم
به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفر شاهبوز آن را در قرن
هفتم تألیف کرده است .

این کتاب دارای چند مجلس است که در هر مجلس سوره ای تفسیر
شده است .

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبار البشر (ك) تاریخی به
زبان عربی در چهار جلد تألیف ابوالفداء . این کتاب شامل دو قسمت است:
تواریخ قدیمه و تواریخ اسلامیة .

قسمت اول دارای یک مقدمه و پنج فصل است در تاریخ انبیا
و ملوک ، شامل چهار طبقه : فراعنة مصر ، ملوک یونان و روم ، ملوک
عرب قبل از اسلام ، امم مختلف .

قسمت دوم تواریخ اسلامیة از زمان حضرت محمد شروع می شود
و به وفات سال ۷۴۹ باندان می بندد .

ابوالفداء در قسمت اول به اختصار می گوید ولی تاریخ حضرت

محمد را با تفصیل بسیار شرح می دهد. وی مطالبی از نواربخ دبگران نقل می کند و از ایران همه جا با احترام نام می برد و عظمتش را می ستاید. نر کتاب ساده و خالی از اغراق است.

تاریخ اکبری (ک) رجوع شود به اکبرنامه

تاریخ بخارا (ک) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی است که آن را به نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس از دو قرن یعنی در اوایل قرن سشم به وسیله ابونصر بن احمد بن محمد نصرالقبایوی به فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی از مطالب کتاب را که لازم نمی دانسته، حذف کرده و مطالب و اخبار سودمندی به آن افزوده است. ترجمه این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است و پس از آن محمد بن زفر بن عمر ترجمه قباوی را در تاریخ ۵۷۴ تلخیص کرده و به نام صدرالصدور صدر جهان برهان الدین عبدالعزیز بن مازه حاکم بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون در دست می باشد. گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده و حوادث تا غلبه مغول و تسخیر بخارا به دست چنگیز بر آن افزوده شده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است درباره بخارا و فتح آن به دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان. مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی از فلاح و صنعت و اوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا بهش از اسلام و از عادات قدیم محلی نیز گفتگو کرده است. نثر تاریخ بخارا بسیار ساده و بی بیرایه است. (جای تهران)

تاریخ بداونی (ک) کتابی در تاریخ عمومی هند تألیف عبدالقادر

بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهارمصد و پنجاه سال سلطنت اکبرشاه شرح داده است. تاریخ بداونی از معتبرترین تواریخی است که در هند نوشته شده است.

تاریخ برامکه (ك) تاریخ برامکه حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی و مترجم آن محمد بن حسین بن عمر هروی می‌باشد، زمان ترجمه کتاب معلوم نیست و مترجم همه حکایات را با نقل از «ابوالقاسم غسان گرد آورنده اخبار آل برمک» شروع می‌کند. موضوع اصلی کتاب شرح سجاد و سیر وجود و سخای خاندان برامکه است که به صورت حکایت آمده است و بیشتر حکایات مربوط به نین از بهترین افراد ابن خاندان یعنی بجمی و دوپسرش فضل و جعفر می‌باشد. نشر فارسی کتاب بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت از نوع انشاء قرن پنجم است.

(حاج تهران)

تاریخ بلعمی (ك) تألیف ابوعلی محمد بن ابوالفضل بلعمی وزیر منصور بن نوح بن نصر. این کتاب ترجمه‌ای است از «تاریخ الرسل والملوک» تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که ده سال ۳۵۲ انجام گرفته است. بلعمی در ترجمه کتاب طبری تغییراتی داده است. سلسله روایت و اسناد پیاپی را که برای خواننده فارسی زبان ملال‌آور است حذف کرده و بجای آن از منابع و تأخذ جدیدی که غالباً بدرواداد پهلوی متکی بوده، استفاده کرده است. بلعمی سبک سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده، بلکه وقایع را بر حسب ترتیب اقوام و سلسله‌ها مرتب کرده است.

تاریخ بلعمی از نمونه های بسیار قدیم نشر فارسی است و ساده و طبیعی و دور از صنایع لفظی می‌باشد.

(حاج تهران)

تاریخ بنا کتی (ک) «روضه اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب»

بألف ابوسلیمان داوود بنا کتی که در سال ۷۱۷ هجری به زبان فارسی تألیف یافته است. مؤلف در تألیف این کتاب بیشتر از همه از جامع النوارین رشیدی استفاده کرده است. این تاریخ شامل نه قسمت است.

۱- انبیاء و اولیاء . ۲- پادشاهان قدیم ایران . ۳- پیغمبر اسلام و خلفا . ۴- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی عباس . ۵- یهودیان . ۶- مسیحیان و فرنگیان . ۷- هندیان . ۸- چینیان . ۹- مغولان .

گرچه مؤلف در قسمتی که به سلسله خارجی اختصاص دارد ، به اختصار پرداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت و حقیقی بدست می دهد و در کمتر تاریخی درباره اماکن و نفوس و حوادث تاریخی بمرون از دایره اسلامی تا این حد بحث شده است . شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه و خالی از تعصب است .

تاریخ بیهق (ک) تألیف ابوالحسن بیهقی . موضوع تاریخ بیهق

عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر و رجالی که به آن منسوب اند ، از هر دسته مانند عالمان ، شاعران ، ادیبان ، وزیران ، حکیمان ، پزشکان ، سادات ، انساب خانواده های مشهور که از قدیم در آنجا اقامت داشته اند و همچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائی شهر و وجه تسمیه آن و تقسیمات دوازده گانه شهر در زمان عبداللّه طاهر . مؤلف در ضمن تاریخ بنای هر شهری داستانها و اتفاقاتی را که در آنجا

افتاده است ، نقل می کند ، مانند سفرهای اشخاص بزرگ چون هارون الرشید و سامون و ساختن مسجد جامع . مؤلف در ضمن وقایع همه جا حدیثهای نبوی و آیات قرآن و اشعار عربی می آورد و سنوات تاریخ را به عربی ذکر می کند . عبارات فارسی در تاریخ بیهقی اغلب با جمله های

مطول عربی آساخته و فرمانها و مثالها به عربی نقل شده است .
(چاپ تهران)

تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) (ک) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی ؛ از تواریخ معبر دوره غزنویان . اصل ابن کتاب تاریخ آل سبکتکین نام داشته و سی مجلد بوده است . تنها قسمتی که اکنون از ابن تاریخ بزرگ در دست است ، قسمتی است به نام « تاریخ مسعودی » حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتکین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل ماسون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبه سلاجقه . تاریخ بیهقی از مهمربن کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف در آن تنها به حوادث سیاسی دوره غزنویان اکتفا نکرده ، بلکه کوشیده است که وقایع را با استدلال شرح دهد و علت فضا با و جنگها را بنویسد . بیهقی احکام و فرامین و نسخه ها را عیناً نقل می کند و برای آنکه کتاب جالب شود ، وقایع را با حکایات تاریخی می آویزد . اغلب به ذکر شاعران و اشعاری می پردازد که در کتابهای دیگر درج نشده است . مؤلف آنچه را که شرح می دهد ، با خود شاهد آن بوده یا از راوی معتمدی نقل می کند و همه جا درستی اخبار را تأیید می کند . تاریخ بیهقی مستند به مدارک صحیح است و از بهترین مدارک تاریخی دوره غزنوی به شمار می رود . سبک انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف و نمونه عالی از روش انشاء دربار غزنوی است .

(چاپ تهران)

تاریخ جلالی - رجوع نمود به تقویم جلالی .

تاریخ جهانگشا (ک) از تواریخ دوره مغول به زبان فارسی ، تألیف علاء الدین عطاءالملک جوینی . این تاریخ در سال ۶۵۸ تألیف شده و

شامل سه جلد است در وقایع دوره مغول نا سال ۶۵۵
جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع جنگ
معروف به یاسا و فتوحات چنگیز و سلطنت او گمای فآن و دوره نیابت
تورا گینا خاتون و سلطنت گیوک خان و جغای .

جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و سلوک
فراختای و گورخانه .

جلد سوم در وقایع تاجگذاری و جلوس منکوقاآن و وقایع سلطنت
و تفصیل حرکت هلاکوبه بغداد و قلع و قمع اسمعیلیه .

در بابان بعضی از نسخه های جهانگشا فصلی در واقعۀ فتح
بغداد بدست هلاکو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به
جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه ها نیست .

مؤلف به سراسر فلمرو مغول سفر کرده و بسیاری از وقایع را که به
چشم دیده یا از مستبران شنیده ، در تاریخ خود شرح داده است . جوینی
به ذکر حوادث اکتفا نمی کند ، بلکه سبب ایجاد فتنه ها و شکستها
را می گوید و فتح نامه ها را عیناً ضبط می کند و درباره مذاکرات و ادیان
نیز گفتگو می کند .

تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم
روایات آن دقت بسیار بکار برده و برای جالب ساختن تاریخ ، حکایات
تشریفی به آن آمیخته و سواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی با
عربی آورده است .

سبک انشاء جهانگشا به سادگی بیبقی و بلغمی نیست ، نا اندازه ای
منکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی در آن فدای لفظ نشده است .

(چاپ تهران)

تاریخ الرسل والملوئ (ک) تألیف ابوجعفر محمد بن جریر طبری مورخ بزرگ قرن سوم و چهارم اسلامی . این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم ، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال ۳۰۲ هجری . طبری در این تاریخ سبک سالنامه نویسی بکار برده است و وقایع را بر حسب سنوات تقسیم کرده نه بر حسب اقوام . وی درباره وقایع و حوادث چندین روایت اعم از موافق و مخالف را نقل می کند و سلسله روانه را به شخص مورد اعتمادی می رساند . طبری در این کتاب بیشتر جنبه وقایع نگاری را در نظر داشته است و به تمدن و مظاهر اجتماعی و عادات و رسوم و علل وقایع توجهی ندارد .

تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را از صحیح ترین مدارک سمعیه و به آن استناد کرده اند . تاریخ طبری در زبان ساسانیان به وسیله ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله بلعمی و به فرمان امیر منصور بن نوح ساسانی در سال ۳۵۲ هجری به فارسی ترجمه شده و این ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است .

تاریخ رشیدی (ک) رجوع شود به جامع التواریخ

تاریخ سیستان (ک) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یا سه نفر به قیوت ابن تاریخ را به پایان رسانده اند ، زیرا که سبک نوشته ابتدای کتاب با انتهای آن یکای متفاوت است . تحریر اصل کتاب در اوایل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملک الشعراء بهار تألیف کتاب یکبار در عصر بغیوب و یکبار در عصر خلیف بن احمد و غلبه سلطان محمود غزنوی انجام گرفته و یکبار هم در عصر طغرل سلجوقی و بار دیگر در حدود ۷۲۵ که پایان کتاب است .

در تاریخ سیستان از بنای شهر و آبادانی، ناسها، حدود و توابع، رستاقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان و پیغمبران و در ضمن داستانهای مذهبی شرح داده شده است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به حمله‌های جنگی و قراردادها و علت زد و خوردی پرداخت و صحنه‌ها و مناظر جنگ را وصف می‌کند. تاریخ سیستان تا آمدن امیر پیغو به سیستان به یکک نحو و به قلم یکک نویسنده است ولی در اینجا مطلب بریده و ناتمام می‌ماند و در صفحه بعد به طریق دیگر و با تاریخ دیگر شروع می‌شود. تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ۴۴۸ است و تاریخ قسمت بعد از ۶۴۰ آغاز می‌شود. از اینجا سبک نوشتن تاریخ بکلی عوض می‌شود. سندها که نا اینجا به عربی نوشته شده بود، از این پس به فارسی است. وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح داده شده است، از این پس به فهرست واری می‌شود. باز از سال ۶۹۵ فهرست نویسی تمام می‌شود و مطالب با عنوان شروع می‌گردد.

صاحب تاریخ سیستان از تواریخ و مؤلفان آنها نام می‌برد و در نقل روایات و شرح داستانها جنبه اختصار را رعایت می‌کند. سبک نوشته تاریخ سیستان بسیار ساده و در قسمت اول کتاب عاری از لغات نامستعمل عربی است. (چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ک) تاریخ به زبان فارسی تألیف بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب آملی معروف به ابن اسفندیار، از کاتبان مشهور ایرانی. این کتاب در سال ۳۱۳ هـ تألیف یافته است. مؤلف چنانکه خود گوید در تألیف تاریخ طبرستان از کتابهای مختلف مانند کتاب امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای از ابن المقفع و کتابهای دیگر استفاده کرده است. تاریخ طبرستان شامل چهار قسم و هر قسم

شامل چندین باب است در بنیاد طب‌رسان و خصایص و عجایب آن و ذکری
ملوک و علماء و حکماء آل و ستم‌گیر و آل باوند. در تاریخ طب‌رستان جز حوادث
تاریخی، حکم و مواعظ و اشعار و امثال نیز از کتابهای مختلف نقل شده
است. انشاء ابن کتاب ساده و روان است. (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ک) رجوع شود به «تاریخ الرسل والملوک»

تاریخ قم (ک) تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی. اصل این
کتاب به زبان عربی است و در سال ۳۷۸ در زمان صاحب بن عماد وید
نویسی او تألیف یافته است و ترجمه آن به فارسی در سال ۸۰۵ به توسط
حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی صورت گرفته است. مؤلف مطالب
کتاب را بر حسب فهرست بسیار منظم بیان می‌کند و عوادل و اتفاقاتی
را که در معرفی شهر احوال لزوم را دارد در نظر می‌گیرد. مؤلف خود می
گوید که بدشیر اخبار را در مدت حکومت برادرش در قم به دست آورده
و قسمتی را از مردم قم شنیده است و در ضمن نام کتابهایی را که از آنها
استفاده کرده، ذکر می‌کند. نویسنده در تألیف تاریخ قم به ادب و استفاده
تألیف حمزه اصفهانی نظر داشته است و از آن روایاتی نقل می‌کند.
همچنین از کتاب سبر الملوک العجم و تاریخ خلفا روایاتی دارد. مؤلف
بسیار از مطالعات و مقایسه روایات متعدد، آنها را با هم سنجیده و قول
درست‌تر را انتخاب کرده است. دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم
به کار رفته است، کمتر در تواریخ دیگر شهرها دیده می‌شود. انشاء برجسته
تاریخ قم بسیار ساده و روان است. ترجمه دارای لغات و عبارات عربی است و ولی
مطالب تاریخ بسیار صریح و روشن است. (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ک) «عند العلی للمؤلف الاسلامی» تألیف علی الدین

ابو حامد، احمد بن حامد کرمانی معاصر سلاجقه کرمان در کتاب را در سال

۵۸۴ به باندان رسانده است. این کتاب شامل پنج قسمت است: درذکر آخر دولت آل سلجوق و ایام فترت ملک کرمان، ورود آیات ملک دبنار به کرمان و گرفتن ملک و ظفر یافتن، شرح اخلاق ملوک و ذکرممالک کرمان، نهای صاحب قوام الدین، ذکرمحسن و شرح خاندان او، شرح حال مؤلف. مؤلف در این کتاب بیشتر به شرح اوضاع سیاسی کرمان و زمامداران آن می پردازد و تاریخ را باپند و اندرز می آمیزد و سفرها و زندگانی خود را در غربت و ناراحتیها و سپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می دهد. سبک نوشتن تاریخ کرمان ساده نیست، بلکه شامل صنایع و تکلفات ادبی است و در آن نثر با اشعار مفصل آمیخته است (چاپ بهران)

تاریخ گزیده (ک) تألیف حمدالله مستوفی قزوینی که آن را در سال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث الدین محمود، فرزند خواجه رشیدالدین فضل الله، تألیف کرده است. تاریخ گزیده تعلیف و تلخیصی است از جامع النواربخ رشیدالدین فضل الله به انضمام تلخیصی از تواریخ دیگر. این کتاب مستعمل است بریک مقدمه و شش باب که هربابی به فصول مختلف تقسیم شده است. مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ در نزد طبقات مختلف می پردازد و از ابتدای آفرینش و عقل کل و نفس و هولی و صور و عناصر بحث می کند، سپس تاریخ پیغمبران و قبایل عرب و خلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می دهد. تاریخ گزیده دارای وسعت مندرجات است، اما مؤلف درباره هیچیک از مطالب به شرح و بسط نپرداخته و به علت حوادث توجه ندارد و در نقل وقایع، جز تاریخ زمان خود، به اختصار می گویند. سبک تاریخ گزیده بسیار ساده و روان است. (چاپ تهران)

تاریخ مسعودی (ک) رجوع شود به تاریخ بهقی

تاریخ معجم (ک) «المعجم فی آثار ملوک المعجم» ابن کتاب به زبان فارسی و تألیف شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال ۶۸۴ به نام انابک نصره‌الدین احمد شاه لرسنان تألیف یافته‌است. کتاب درباره تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث تا آخر عهد ساسانیان. مؤلف در ضمن تاریخ ایران از بهمنبران و فلاسفه و حکمای دنان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می‌برد. در تاریخ معجم مانند تاریخ و صاف جنبه ادبی برجسته تاریخی غلبه دارد. عبارات مصنوع و متكلفانه است. همه جا خطبه‌ها و مناجات‌هایی به شاهان ساسانی ایران نسبت می‌دهد، آمیخته به جمله‌های عربی و شعر فارسی. در شرح وقایع به اختصار می‌نویسد و درباره بعضی از شاهان به ذکر نام منابع می‌کند. از مورخینی مانند ابن الحنفی، ابن فیهب، جریر طبری روایت دارد (چاپ تهران)

تاریخ و صاف (ک) «تجزیه الامصار و ترجیه الاعتصار» تاریخی به

زبان فارسی تألیف شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به و صاف الحضرة که آن را ذبای بر تاریخ جهانگشای جویونی می‌داند. این تاریخ در پنج جلد و شامل تاریخ اباخانان مغول و ایران اطراف است تا اواخر عهد ابوسعید بنیادرخان. تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می‌شود، یعنی از سال ۶۵۶ شروع می‌شود و به سلطنت سلطان علاءالدین و قطب، الدین ختم می‌گردد.

مؤلف در روس تاریخ نویسی از تاریخ جهانگشا به می‌آورد است‌های سبک انتیاء ندارد. کتاب به شرح است و در این راه ادراک به الله ندارد و رفته‌است، نامی که تاریخ ملال آور می‌شود. نویسنده جز برای و نایع

از ساعران و شعرهای آنان گفتگویی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می کند. در بیان سرح وقایع به شکایت از روزگاری بردازد و پند و اندرز می دهد و اغلب وارد بحثهای فلسفی و مذهبی می شود و گاه مجبوری گردد که نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه می شمارد. با وجود روش اغراق آمیز مولف، تاریخ و صاف تاریخ پرارزنی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است.

تاریخ هرات (ك) «روضات الجنات فی تاریخ مدینه الهرات» تألیف معین الدین محمد اسفزاری مورخ دوره تیموری که این کتاب را به نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده است. تاریخ هرات شامل وقایع تا سال ۸۷۵ هجری است که نویسنده در آن شهر هرات و نواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسله ملوک کرت و انقراض آن را بدست تیمور و تاریخ تیموریان را تا سلطنت سلطان حسین ابوالغازی به تفصیل شرح داده است. (چاپ نهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از ملازمان دربار سلطان محمود غزنوی است. این کتاب در شرح حال سلطان محمود بنین الدوله و پدرش سبکتکین است و به همین جهت به تاریخ یمینی معروف است. تاریخ تألیف کتاب اوایل قرن پنجم است ولی در قرن هفتم و بسال ۶۰۳. ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد المنشی الجرفادقانی که در زمان اتابکان آذربایجان می زیسته، آن را به فارسی ترجمه کرده است. و در آغاز قرن بازدهم هجری منینی شرحی به زبان عربی بر آن نوشته و به «الفتح الوهبی» موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی است مشتمل بر شرح سلطنت سلطان محمود بن سبکتکین و کمی از احوال آل سامان و اندکی از تاریخ آل بوند. و فایده

باعبارت‌های سلیس بدون اختلاط با داسنان بیان می‌شود. شرح وقایع جزئی، روابط شاهان با دول و امیران معاصر، و عزل و نصب حکام و منشیان و فرمانها و جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است. مترجم تاریخ بمینی در ترجمه ساده‌گی اصل کتاب را کاملاً حفظ نکرده و گاهی به تطویل می‌پردازد و فصاحت عربی را از اصل کتاب نقل می‌دهد. تاریخ بمینی از مهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی است و نشرش نمونه‌ای از نشر مصنوع فارسی در آغاز قرن هفتم است.

تاسیسی (ق) از حروف قافیه. الفی که با فاصله منحرکی قبل از روی قرار گیرد مثل قاصر. بیشتر شاعران آوردن الف تاسیسی را لازم نمی‌دانند و اگر رعایت شود، آن را لزوم مالا بلزم می‌خوانند. مثال از شعرا نوری

گرچه در بسنم در مدح و غزل بکبارگی
ظن مبرکز نظم الفاظ و معانی قاصر
بلکه در هر نوع از افران من داند کسی
خواه جز وی لیر آن را خواه کلی ماهر

مثال عدم الترام در شعر خاقانی

نشاند بردن انده جز به انده نشاند کوفت، آهن جز به آهن
دلهم آبمن خرسندی آمد اگر شد مادر روزی سرون
تیمت شهری در حدود حبن ده دستک آن معروف بوده است.
نو بهار آمد و آورد دل و یاسمن

باغ دم‌جوت تبت و رایغ بسان مدنا

(سهروردی)

تبصرة العوام (ك) فی معرفة مهال الانام الیف سراج و الخیری

الداعی الحسینی رازی که آن را در اوائل قرن هفتم و شروع حمله مغول نوشته است. تبصرة العوام به زبان فارسی و دارای بیست و شش باب است در ذکر مقالات مربوط به فرقه های مختلف مذهبی که در ضمن آن از صوفیه و مشایخ صوفیان اطلاعاتی به دست می دهد. (چاپ بهران)

تثلیث (نج) آن است که میان دو برج یک سوم دوره فلک یعنی چهار برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر آنکه هر برجی به برج پنجمین نظر کند. تثلیث بعضی از سیارات سعد است مانند تثلیث ماه و مشتری.

به تثلیث بروج و ماه و انجم	به تربیع و به تسدس ثلاثا
به تثلیثی که جاسعد فلک راست	به تربیع صلیب باد بروا
که بهر دین بیت المقدس	مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

تجارب الایم (ک) کتابی در تاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن را در شش جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول و پنجم و هشتم آن در دست است. جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می شود و با جنگ جمل پایان می یابد.

جلد پنجم از وقایع سنه ۳۳۴ شروع می شود و پس از ذکر اخبار ایران و عرب و کشورهای دیگر به وقایع سال ۳۳۶ ختم می شود. جلد ششم دنباله مطالب جلد پنجم است تا سنه ۳۷۰ و پادشاهی عضدالدوله دیلمی.

منظور ابن مسکویه در جمع آوری اخبار فقط ذکر احادیث نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که در زندگی بشر مؤثر بوده و تجربه ای از آن بدست می آید. ابن مسکویه به ناربخ، تنها مانند مورخ نظر نمی اندازد بلکه مانند فیلسوف و روانشناس وقایع و پیشرفته ها و شکستها را مورد تجزیه

و تحلیل قرار می دهد و مطالبی از بین آنها برمی گزیند که جامع و مفید بر است . می توان گفت به فلسفه تاریخ توجه بینش دارد و همه جا علل شکست با پیروزی را شرح می دهد .

سپک ادبی کتاب کاملاً بی تکلف و از عبارت بردازی خالی است .

تجارب السلف (ك) تألیف محمد بن فخرالدین هندوشاه نخبجویی که آن را به سال ۷۲۴ به نام انابک نصره الدین تألیف کرده است . تجارب السلف ترجمه ای است از کتاب «منة الفضلاء فی الماریخ الخلفاء والوزراء» معروف به «تاریخ فخری» تألیف ابن الطفیلانی (۱) در سال ۷۰۱ تألیف یافته است) . هندوشاه در این کتاب نظر ترجمه ساده و تحت اللفظ نداشته بلکه از اصل کتاب اقتباس کرده است ، زیرا که قسمتهائی را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایه ها و داستانهای آورده که در اصل کتاب نبوده است . ولی نسخه کتاب مانند کتاب الفخری است . هندوشاه در این کتاب از ترجمه تاریخ طبری و التامیل ابن ابی ونفشه المصنوع و جوامع الحکایات عوفی و کتابهای دیگر که مورد استفاده اش بوده است نام می برد .

تجارب السلف نثری ساده و سلیس و انشائی بلیغ و شیرین دارد .

تجاهل العارف (ب) آن است که ساعر عمداً خود را در مطلبی جاهل نشان بدهد .

گلی با سوسنی با سرو یا ماهی نمی دانم

از این آنفیه بیدل حه می خواهمی نمی دانم

تجلی (نن) در لغت به معنی آشکار و روشن شدن و جلوه دردن است و در ادبیات فارسی لاه کتابه از تجلی خداست در دل سالکان طریقت پس از طی منازل سلوک و رسیدن به مقام فناء فی الله ؛ و لاه لانه از ظهور

نور الهی است بر کوه طور که موسی از آن بیهوش گشت .

آن سهیل است برق هبیت او

که تجلیش سکنه طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی

بایکدیگر مشابهت و مجانست داشته باشد . تجنیس بر هفت قسم است:

تجنیس تام ، تجنیس ناقص ، تجنیس زائد ، تجنیس مرکب ، تجنیس مکرر ، تجنیس مطرف ، تجنیس خطی .

۱- تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد

و در معنی متفاوت . مانند کلمه های گور در این شعر

بهرام که گورسی گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۲- تجنیس ناقص آن است که دو کلمه در نوشتن مانند هم باشد

ولی در حرکت اختلاف داشته باشد . مانند خَلق و خُلُق

بُرد بیاور که بُرد آمد و هنگامه کرد

آب چمن چون برفت آنس سوزان بیار

۳- تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دو کلمه مجانس

حرفی اضافه بردیگری باشد . مانند باد و باده در این شعر

بیا که قصه امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

۴- تجنیس مرکب آن است که دو کلمه مجانس یکی بسیط

و یکی مرکب باشد . مانند

امروز شمع انجمن دلبران یکی است دلبران هزار بود دلبران یکی است

۵- تجنیس مکرر با مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یک یا دو حرف از دیگری پیشتر داشته باشد. مانند زار و نزار، کفار و نزار، ای بت شیرین لبان تا چند ازین گفتار نلخ

رورمن چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶- تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام و جان

۷- تجنیس خطی یا مصحفی آن است که دو کلمه، و طبع نظیر از نقطه، به یک شکل و صورت نوشته شود. مانند تیمار و ییمار، نوشیدن و نوشیدن در دولت تو اسب معالی بناخیم

وز نعمت تو نرد امانی بباختیم

تجنیسات (ك) از مثنویهای کاتبی نسباً بوری که در کلمات آخر مصرعها صنعت جناس را رعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق، و شامل بند و اندرز است و در بیان این ده باب فصیحی در نصیحت به فرزند دارد و در خانمه از شاعرانی مانند سطار و مولوی و فردوسی و نظامی و ساعران دیگر مشوینهای ذکر می کند. مثنوی تجنیسات مشکف و خالی از سوراخ است و کاتبی در آن بیشتر به لفظ و صنعت پرداخته است.

تحفة الاحرار (ك) یکی از منظومه های عفت اورنگ انر مولانا عماد الرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ هـ ساخته است. این کتاب به یک مخزن الاسرار نظامی و بر همان وزن است و دارای دهاجاه ای است در بناجات خدا و شفقت بیغمبر و مدح خواجدهاء الدین مؤسس سلسلهٔ نقشبندی و بیست مقاله در آفرینش جهان و مسائل دینی و شرح حال علماء و سلاطین و وراثت جوانی و ببری که هر یک از این مطالب با کادها و مدحها آمیخته است. ل نکته های اخلاقی است.

تحفه سامی (ك) کتابی در شرح حال قریب به هفتصدتن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده‌اند . ابن کتاب تألیف سام مبرز پسرشاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال ۹۵۷ ق تألیف یافته است .
(چاپ تهران)

تحفه العراقین (ك) از آثار منظوم خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم . این مثنوی در حدود سه هزار بیت دارد و در شرح سفر شاعر است به عراق عجم و عراق عرب و مکه معظمه . خاقانی در این منظومه اغلب بزرگان و دانشمندی را که هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده و آداب و رسوم بعضی از کشورها را شرح داده است . مثنوی تحفه العراقین به نام جمال الدین محمد موصلی سروده شده است . (چاپ تهران)

تخت بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکه سبا، که دیوان آن را برداشته نزد سلیمان بردند

نشستم از برش چون تخت بلقیس

بجست او چون یکی عفریت هائل

«منوچهری»

تخت طاقدیس تخت خسرو پرویز .

به گرداگرد تخت طاقدیسش دهان تاجداران خاك لبسش

«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد .

چون تخت طاقدیسی ساز کردی بهشت از طاقها آواز کردی

«نظامی»

تخلیج : (ب) آن است که شعر بروزنهای ناخوش و بحور نفیل

گفته شود

ای بت من جیرا همی سوزی سرا پس هر دمی می زنیم بی گنه
 تخنیق (زحاف) (ع) در مفاعیلن مانند خرب است که می شود
 فاعبل ؛ و بجای آن مفعول می گذارند ، در زبان عربی فقط در اول بیت
 می آید ؛ و در فارسی در سایر اجزاء بیت هم جایز شمرده می شود . این
 مفعول را مخنق گویند .

تدارك (ب) آن است که شاعر یک معنی را به نفی یا به اثبات آورد
 سپس آن را به وجهی تدارك کند ، یعنی شرطی در میان آرد که آن صفت
 متبادل شود .

کجا توانم مالم کعبته بن عدو

بلی اگر تودهی سر را به حق باری

تذکرة الاولیاء (ک) از آثار مشهور شیخ فریدالدین عطار که
 در اواخر قرن ششم تألیف یافته است . این کتاب در بیان مقامات
 عرفان است و مؤلف در آن سرگذشت نود و شش تن از اولیای مشایخ صوفیه
 را باز در مکارم اخلاقی و سخنان حکمت آمیز بیان آورده است . این
 کتاب از جهت بیان مکارم و اخلاق مشایخ طریقت و حالها و حکونگی
 اوضاع ایشان ورنجها و سجاهدات و سخنان حکمت آمیز و پندهای بسیار ثنایی
 بسیار مهم و سودمند است . نویسه کتاب نیز نمونه نرسبهار روان و سیرین
 زبان فارسی است . (چاپ لیدن)

تذکرة بزم آراء (ک) تألیف سیدعلی بن محمود حسینی که آن را
 در سال ۱۰۰۰ به پانان رسانده است . این تذکره شامل شرح حال
 شاعران فارسی زبان است از زمانهای قدیم تا عصر مؤلف . مؤلف در تألیف
 این تذکره مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمه آن را
 اقتباس کرده ولی هیچ نامی از آن نبرده است .

تذکره الشعراء (ک) (تذکره دولتشاه) کتابی معروف به زبان فارسی، در شرح حال عده بسیاری از شاعران و منتخباتی از اشعار ایشان تألیف دولتشاه سمرقندی که آن را در سال ۸۹۲ تألیف کرده است. در این کتاب علاوه بر شرح حال شاعران، مؤلف از امیران و بزرگان که سمدوح شاعران قرا گرفته اند، نیز ذکر کرده و در خاتمه کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خود را آورده است. (چاپ تهران)

تذکره میخانه (ک) کتابی در شرح حال شاعرانی که ساقی نامه ساخته اند، تألیف ملا عبدالنبی فیخرالزمان قزوینی که آن را در سال ۱۰۲۸ در هندوستان به نام سردارخان خواجه بادگار تألیف کرده است.

در این کتاب شرح احوال هفتاد و یک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبرشاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبرشاه یا جهانگیر یا اسیران دکن منتسب بوده اند، با اصلاً به هندوستان نرفته اند با اهل قزوین و هموطن مؤلف بوده اند. مؤلف این هفتاد و یک شاعر را بر سه مرتبه تقسیم می کند و شرح حال ایشان را با نام و نسب و تاریخ وفات و دیوان شعر و تعداد ابیات آن و نمونه ساقی نامه یا کلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می کند. مؤلف در همه این اطلاعات به اتخاذ کتاب اشاره می کند و از خود نیز ساقی نامه ای با تخلص «نبی» می آورد. سبک نوشته کتاب ساده و از تکلفات منشیانه دور است.

(چاپ تهران)

تذکره نصرآبادی (ک) تذکره ای تألیف میرزا محمد طاهر نصر آبادی اصفهانی که آن را در سال ۱۰۸۳ و به نام صفی میرزا معروف به شاه سلیمان فرزند شاه عباس ثانی تألیف کرده است. تذکره نصرآبادی شامل شرح حال و آثار قریب هزار شاعر عهد صفوی است. این تذکره مورد

استفاده تذکره نویسندگان دیگر مانند آذر بیکدلی صاحب آنشکده قرار گرفته است. (چاپ نهران)

تذکره هفت اقلیم (ک) تذکره‌ای مشتمل بر جغرافیا و ترجمه احوال رجال ادب تألیف امین احمد رازی که آن را در زمان شاه طهماسب صفوی در مدت سیس سال نوشته و به سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. در تذکره هفت اقلیم شرح احوال رجال بر جغرافیا غلبه دارد و مورد استفاده محققان قرار گرفته است.

ترازوی انجم (نج) رجوع شود به اسطرلاب

به سمر سهر انجمن ساختند نرازوی انجم برافراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که رویه زمین است یک چهارم آن روشن است. این حالت یک بار در شب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است و بار دیگر در شب بیست و دوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود.

همچنین در اصطلاح نجوم ربع آن است که میان دو برج یک چهارم دوره فلک یعنی سه برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارم نظر کند.

به تنلیت بروج و ماه و انجم	به تربیع و به تسلسل نلانا
به تنلیتی که جاسعد فلک راست	به تربیع صلیب باد پروا
که بهر دبدن ببت اله قدس	مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«حافظی»

ترجمان البلاغه (ک) از کتابهای مهم علم بلاغت، در معانی معانی و بیان و منابع لفظی و معنوی. ابن کاتب را به فرخی سپاسی

نسبت داده‌اند ولی ابن نسبت درست نیست . مؤلف در این کتاب پس از ذکر هریک از صنایع لفظی و معنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌آورد . کتاب ترجمان البلاغه مورد استفاده رشیدالدین وطواط در حقائق السحر قرار گرفته است . در نسخه معتبری که در کتابخانه اسلامبول پیدا شده است ، کاتب در پشت نسخه ابن کتاب را تصنیف محمد بن عمر الرادویانی دانسته است که یکی از ادیبان قرن پنجم و ابتدای ششم است .

ترجمه تاریخ طبری (ك) رجوع شود به تاریخ بلعمی

ترجیع بند (ب) مجموع چند رشته شعر است که هر رشته دارای یک وزن و یک فافیه باشد و در آخر هر رشته بینی با قافیه جداگانه مکرر می‌شود و ابن بیت ترجیع بابر گردان است . مانند ترجیع بند فرخی:

زباغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید

کلید باغ ما را ده که فردا مان بکار آید

کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید

تولختی صبر کن چند آنکه قمری بر چنار آید...

بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی

ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی

ترصیع (ب) آن است که در دو قطعه کلام، الفاظی در برابر هم آورده شود که به وزن و حروف آخر مساوی باشد . مانند منور و مقرر و نجوم و رسوم در این شعر:

ای منور به تو نجوم جلال وی مقرر به تو رسوم کمال

ترک در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است

اگر آن ترك شیرازی بدست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعر با وزن و قافیه واحد که در آخر هر رشته بینی با وافیه جدا دانه آورده می شود. این بیت در ترکیب بند تکرار نمی شود و هر بار بینی دیگر با وافیه دیگری آورند اما و در ترجیع بند همان بیت تکرار می شود.

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف در خانه زلیخا در دست داشتند و چنان مفتون زیبایی یوسف شدند که دستهای خود را بجای ترنج با کارد بردند و از آن پس دیگر زلیخا را از اینکه به یوسف دل داده بود، سرزنش نکردند.

گرش بینی و دست اردنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

«سعدی»

تسلیس (نج) آن است که میان دو ستاره یک تسلیس دوره فلک یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج سومین نظر کند.

مه به تسلیس زحل کرده نظر با آفتاب

وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

«ابوری»

تشبیب (ب) در قصیده قبل از شروع به بیان مقصود انشعاری که در مغالزه با وصف طبیعت و بهار و خزان می آورند و بعد داده می شود اصلی می رسند. این مقدمه، قصیده را تشبیب گویند.

تشبیه (ب) از محسنات بدیع و در اصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی است. در تشبیه چهار جزء وجود دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان او چون مروارید است به سفیدی» در این جمله دندان مشبه است، مروارید مشبه به، چون ادات تشبیه، سفیدی وجه شبه. تشبیه بر چند قسم است. تشبیه مطلق، تشبیه تفضیل تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه بکنایه. تشبیه مطلق تشبیهی است که بدون قید و شرط باشد مانند-

تبی خون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل آن است که گوینده مشبه را بر مشبه به برتری دهد:

خواستم گفتن که دست وطبع او ابراست و کان

عقل گفت ابن مدح باشد نیز با من هم پلاس

دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه

طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه آن است که گوینده یک صفت از خود و یک صفت

از طرف را به چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز که شد بار دگر ابر بهار

از بهر صفای بوستان و گلزار

چون چشم من و دهان نولؤلؤ خیز

مانند کف راد ملک گوهر بار

تشبیه عکس آن است که گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند،

این را به آن و آن را به این.

دل من چون دهن تنگ بتان دهن تنگ بتان چون دل من

تشبیه مشروط آن است که در آن شرطی وجود داشته باشد.

گردل و دست بحروکان باشد دل و دست خدا بگمان باشد
تشبیه اضممار آن است که به ظاهر قصد تشبیه در آن رعایت نشده
است، ولی در حقیقت تشبیه باشند.

گرنور مه و روشنی شمع تراست
این کاهن و سوزن من ار بهر جرات
گرنمع نوئی مرا حرا باید سوخت
ورماه توئی مرا حرا باید کاست
تشبیه کنانه: آن است که ارارکان تشبیه در آن به ذکر تشبیه
به اکتفا شود. مثال:

بیا که لعل و گهر در نثار مقدم نو
ز گنج خانه دل می کشم به سخن چشم

«۱۰۹۱»

در اینجا فطره‌های اشک به «لعل و گهر» تشبیه شده است.
تشهیت (زحاف) (ع) در فاعلان آن است که آن را مفعول است.
و آن را مشعت خوانند.

تصوف (رجوع نمود به عرفان)
تضمین (ب) از صنایع شعرو آن است که بیتی یا مصرععی از شعر
دیگران در سرخودش آورند؛ چنانکه رشید و طواط شعر عنصیری را در همین
کرده است. و اگر بجا افتد مستحسن است.
نمود تنغ تو آنا رفتح و گفت فلک
«چنین نماید سمنیر خسروان انا»

تضمین مزدوج (ب) آن است که دلام دارای دو لفظ باشد.

کاملاً بهم شبیه باشد و در حقیقت سیجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان

گر شمارانه بس این سودوزبان ما را بس

حافظ

تهریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد و مقصودش گونه

زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدار مرا گفت چرا غمگینی غمگین کدام دلبر شیرینی

برجستم و آئینه به دستش دادم گفتم که در آینه که رامی بینی

تفتازانی (ت) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر بن عبداللہ التفتازانی.

وفات در حدود ۷۹۱- از دانشمندان و حکیمان دوره نیموری. در فربه تفتازان نزد بک نسا در خراسان به سال ۱۷۲۲ متولد گردید و در خوارزم که مرکز علم و ادب بود اقامت کرد. امیر تیمور چون به شهرت و مقام علمی تفتازانی پی برد، دس نور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را با خود به سرخس برد و منصب تدریس را به او واگذار کرد. پس از آن او را به سمرقند پایتخت خود احضار کرد و مورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیه عمر را در همانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را در سال ۷۴۸ در هرات به نام ملک معزالدین حسین کرت تألیف کرد، دیگر «المختصر» که آن را به جانی بیگ خان مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به زبان عربی است و بیشتر در منطق و صرف و نحو عربی و فلسفه و کلام و تفسیر و فقه می باشد. منظومه ای از او باقی است که ترجمه ترکی از بوستان سعدی است.

تفسیر تربت جام (ک) تفسیر قرآن مجید. خلاصه و اقتباسی است از

تفسیر بزرگ ابوبکر عتیق سورآبادی که در قرن پنجم هجری نوشته شده و یک نسخه از آن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزه تهران است. (جای تهران)

تفسیر سورآبادی (ک) مؤلف ابن تفسیر «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی السورآبادی» است که از معاصران البارسلان سلجوقی بود، ابن تفسیر از نمونه های خوب نشر فارسی در قرن پنجم است.

تفسیر طبری (ک) جامع البیان فی تفسیر القرآن. معروف به تفسیر کبیر. از تفسیرهای معروف قرآن تألیف مورخ و ادیب و فقیه بزرگ اسلامی محمد بن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ هـ). تفسیر طبری ناعهد مؤلف بزرگترین کتابی بوده که در این علم نوشته شده و بزودی کسب شهرت کرده است. تفسیر طبری در عهد سامانیان به فرمان ابوصالح منصور بن نوح و به همت عده ای از دانشمندان به فارسی ترجمه شده است.

اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.

تفسیر کبیر (ک) رجوع شود به تفسیر طبری

الفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ک) تألیف دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی که آن را در سال ۴۳۰ در غزنین به خواهش رحانه بنت الحسین خوارزمی نگاشته است.

ابوریحان در این کتاب اطلاعاتی درباره نجوم و ریاضی داده است و با سوجزترین عبارات در هندسه، حساب، هبئت، احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است. می توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی در این بنیج فن است.

کتاب الفهیم به دوزبان فارسی و عربی نوشته شده و ابوریحان در

تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کار برده است ، چنانکه تشخیص اصل از ترجمه دشوار است و پیدا نیست کدام یک را اول نوشته است . کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است . در باره تاریخ و ادب و رسوم و طرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده است . ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات عربی کلمات فارسی بکار برد ، بنحوی که هم عبارت مفهوم باشد و هم بلیغ . رویهمرفته ایجاز و فصاحت و یختگی در معانی و لفظ ، این کتاب را بی نظیر ساخته است .

(چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی را در نظر گیرد و بعد آن را تفسیر کند .

بد ناسی حیات دو روزی نبود بیش

آنهم کلیم با تو بگویم چنان گذشت

یک روز صرف بستن دل شد به این و آن

روزد گریه کردن دل زین و آن گذشت

تقطیع (ع) عبارت است از تقسیم شعر به اجزاء و نهادن هر جزء در برابر جزوی از افاعیل که در وزن با آن برابر باشد . در تقطیع ملفوظ شعر معتبر است نه مکتوب یعنی حروفی که در لفظ آید ، اگرچه نوشته نباشد ، در تقطیع حرفی محسوب می شود و حرفی که در لفظ نیست اگرچه در نوشته باشد ، اعتبار ندارد .

تقویم جلالی (نج) تقویمی که در زمان سلطان سلک شاه سلجوقی

ویه اسروی وضع شده است و به مناسبت لقب او که جلال الدین بوده است آن را تاریخ جلالی یا تقویم جلالی خوانده اند .

چون در تقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت انتقالی زمین که گردش یکک دور تمام به دور خورشید است، جزئیات را به حساب نمی آوردند، روزاول فروردین به تدریج تغییر می کرد و از اول نحویل شمس به برج حمل می گذشت و تقریباً هر چهار سال یکک روز جلوتر می افتاد. چنانکه در زمان ملکشاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی در نوزدهم فروردین واقع بود.

بر فرمان ملکشاه چندتن از دانشمندان بزرگ زمانه که از آن جمله عمر خیام نیشابوری بود، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده گانه برحسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد و نوروز که آغاز سال است همیشه ثابت بماند.

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی روزه که نامهای آنها همان نامهای ایرانی باستان (فروردین، اردیبهشت... الخ) بود، تقسیم می شد. پنج روز باقی مانده را به آخر اسفندماه می افزودند و آن را خمسۀ مستترقه (یا پنجه دزدیده) می خواندند و هر چهار سال یکک بار روزنشمی به آن اضافه می کردند.

ماههای این تقویم را همیشه باقید صفت جلالی می آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که بارزگاری بعد از آن متداول بود و اکنون هم در بعضی از روستاهای ایران معمول است، اشتباه نشود.

اول اردیبهشت ماه جلالی بلبل گوینده بر ما بر فضبان

«سعدی»

تقی الدین محمد کاشی (ت) تقی الدین محمد سرترتوف الدین علی حسینی کاشانی. از تذکره نوبسان دوره صفوی و معاصر شاه عباس اول. اثر معروف او تذکره «خلاصة الاشعار وزبدة الافکار» است درباره

شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این
نسر عسجدی:

باران قطره قطره همی بارم ابروار
هر روز خبره خیره از این چشم سیل بار
زان قطره قطره قطره باران شده خجل
زان خیره خیره ، خیره دل من ز هجر بار

تکملة روضة الصفا (ك) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند در شش
جلد تا پایان سلسله نیموری است . رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ را
ادامه داده و تاریخ شاهان قره قوینلو و آق قوینلو و تاریخ صفویه و نادرشاه
و قاجاریه را تا اوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته و بر آن افزوده
است . این تاریخ به تکملة روضة الصفا معروف است .

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد ، خار سازد کرا منبر نسازد ، دار سازد
تنبيه الغافلین و تذكرة العارفين (ك) در وافع ترجمه ای است از
نهج البلاغه حضرت علی . مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکرالله شریف
کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری) است .

تنسيق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی
ذکر کند .

شاه گیتی خسرو دشمن کتس لشکر شکن

سایه یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنین (نج) به تشدید نون - از صورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار .

نمود اندر شمال خویش تنین به گرد قطب دنبالش چوپرچین

توجیه (ق) از حرکات قافیه. حرکت ماقبل روی ساکن که در
ابن صورت روی را مفید خوانند. مانند حرکت خ در کلمه مفخر:

زهی بقای نو دوران ملک را مفخر.

اختلاف توجیه جابز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد.
تور (ش - د) طبق روایات باستانی ابران پسر میانه فریدون
که هنگام تفسیم کشور فریدون، سرزمین ترك و چین نصیب او شد، ولی
از سهم خود ناراضی بود و بهمین جهت به همدستی برادر بزرگ خود،
سام، به ابران لشکر کشید و برادر کهنتر را کشت.

دگر تور را داد توران زمین ورا کرد سالار نرکان حن

« از شاهنامه فردوسی »

التوسل الی النرسل (ك) مجموعه‌ای از منشآت بهاءالدین محمد بن
مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که در قرن ششم سی زبانه
است. مؤلف خود منشآت خویش را جمع‌آوری کرده و بدنام بهاءالدین
وزیر ساخته است.

این کتاب مشتمل است بر دیباچه و دو فصل مقدمه و سه قسم،
در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف
کتاب و مدح بهاءالدین وزیر و مختصری در سبکهای مختلف نویسندگان
و نمونه فرمانها و عهدنامه‌هایی که از جانب سلطان به امیران و شاهان
اطراف نوشته شده و نامه‌های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات
و اخلاق مردم و دربار و رجال نیمه دوم قرن ششم.

کتاب التوسل الی النرسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف
انشاء و نشر فارسی را در اعصار مختلف نشان می‌دهد و خود از بهترین
نمونه‌های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته و بسیار پیچیده و یکدست

است. (چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعه شعری بگوید و در اول هر مصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی بیرون شود. مانند کلمه محمد را این شعر معشوقه دلم به تیر اندوه بخشست

حیران شدم و کسم نمی گیرد دست

مسکین تن من ز بار محنت شد پست

دست غم دوست پشت صبرم بشکست

تهمتن (ش - د) لقب رستم بهلوان نامدار شاهنامه

تهمورس (ش - د) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که بادیوان جنگها کرد و برایشان غالب شد. بنا بر روایت شاهنامه، پشتم رشتن و فرش بافتن را او آموخت و مرغان و جانوران را اهلی کرد.

تهمینه (ش - د) از زنان داستان شاهنامه، دختر شاه سمنگان که عاشق رستم شد و به همسری او درآمد و بعدها پسری از او آورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بر بازوی پسر بست تا بتواند خود را به پدر بشناساند. اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد.

تیر (نج) کره عطارد است

تیر زشت سپهر پیر مقوس هم بشود زود و در کمان بنماید

تیه (نن) بیابانی که موسی و بنی اسرائیل در آن راه گم کردند و سرگردان شدند و چهل سال در آن ماندند و خدای تعالی برایشان سن و سلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را بر آن زد، آب روان شد. بین که کوکبه عمر خضر و ار گذشت

توباز مانده چو موسی به تیه خوف ورجا «خاقانی»



ثرم (زحاف) (ع) در فعلون مجموع قبض و ثلم است . عول
می ماند بجای آن فعل می گذارند و آن را ائرم می خوانند .
ثریا (نچ) از منازل قمر که به فارسی پروین نام دارد و شش ستاره
است مانند خوشه انگور و به این سبب در شعر فارسی آنرا «خوشه پروین»
می خوانند :

ثریا چون منیزه بر سر جاه دوششم بدو چون چشم بزم

«منوچهری»

و به تازی آن را «نجم» نیز گویند

ثعالبی (ب) ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری .
وفات ۲۹۷ هـ - از نویسندگان و مورخان معروف ایرانی در قرن چهارم که
آثار مهمی به زبان عربی دارد . مانند «تبهمة الدهر» و «تسمة الیتیمه»
در شرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف . اثر معروف و مهم او «غرر
اخبار ملوک الفرس و سیرهم» می باشد در تاریخ ایران قدیم . همچنین کتاب
«الاعجاز و الایجاز» و کتاب «التمنیل و المحاضرة»

ثلم (زحاف) (ع) در فعلون حذف فاء است که می ماند عولن ؛ بجای
آن فعلن می گذارند ؛ و آن را ائلم خوانند

ثمود (نن) نام فبیلده ای از فرزندان سام بن نوح که بت می پرستیدند
و خداوند صالح را برایشان بفرستاد . قوم ثمود از صالح معجزه
خواستند که از میان کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به

فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم نمود گفتند که مصالح سحر کرده است
وبه او نگرویدند ، پس شتر بسرچشمه ایشان رفت و همه آبها را خورد ،
ایشان شتر را داشتند . در این هنگام صدای سهیلی از آسمان برآمد و قوم
نمود از وحشت آن بردند .

این همان چشمه خورشید جهان افروز است

که همی تافت بر آراستگه عاد و نمود

«سعدی»

نور (نج) از صوره های دوازده دانده فیلیکی در منطقه البروج و به شکل
دلو . برج نور برابر ماه اردیبهشت می باشد .

به سماخ نور بر شکل نرنا حوروار بدگون باردمنوبر

«انوری»

ج

جام جم (ش - د) بنا برداستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همه جهان را در آن سی دید. بنا بر روایت شاهنامه، کیکاوس برای آذایی یافتن از کارببزن هنگام نوروز در آن نگریست و بهرن را درین جامی در توران زمین بدورستم را به رهانیدن افرستاد.

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه نمایی کرد

«حافظ»

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم

گفت آن روز که ابن گنبد مینایی کرد

«حافظ»

جام جم (ك) مشنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر مشنوم اوحدی سراغهای، شاعر قرن هشتم که آن را به تفلید حاشنه سنائی سروده و به نام سلطان ابوسعید بهادر ابدیخانی و وزیر او خواجه غبات الدین محمد ساخته است. (چاپ نهران)

جامع البیان فی تفسیر القرآن (ك) رجوع نمود به تفسیر طبری

جامع التواریخ (ك) تألیف رشید الدن فضل الله وزیر و محقق

و مورخ بزرگ دربار مغول که آن را در سال ۷۱۰ به دستور غازان خان

و پسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب سه جلد است.

جلد اول در تاریخ مغول سه جلد دو فصل. جلد دوم در تاریخ عمومی عالم

شامل دو قسمت ، جلد سوم در بیان صور اقالیم و مسالک الممالک (این قسمت کتاب ازین رفته است)

رسیدالدین فضل الله در تاریخ خود دفت بسیار بکار برده است .
 منها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه مقدمات جنگ و پیغامها و علت
 شکست ها را شرح می دهد . چون مؤلف خود در دربار مقام مهمی
 داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است . مشاهدات و تجربیات
 و گفتگوها را با دقت مورد توجه قرار می دهد . مخصوصاً از خانواده مغول
 اطلاعات گرانبهایی بدست می دهد که اسناد و مدارک آن بوسیله غازان خان
 در اختیار او گذاشته شده است و ازین رو جامع التواریخ را می توان کتاب مهم
 و معتبری دانست سرشار از مدارک حقیقی و درست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ک) تألیف ناصر خسرو قبادبانی نویسنده و ساعر
 بزرگ اسمعیلی قرن پنجم . این کتاب شرحی است بر فصیحه خواجه ابوالهثیم
 جرجانی از معتقدان مذهب اسمعیلی . فصیده شامل هشتاد و هشت بیت
 و هفتمین سؤالهائی است درباره مسائل دینو اردینی و حقایق علمی و اصول
 عقاید اسمعیله . ناصر خسرو بنابر خواهش عین الدوله ابوالمعالی علی بن
 الاسود الحارث امیر بدخشان این فصیده را در سال ۴۶۲ شرح کرده است .
 به این ترتیب که نکات بیهوده را آورده و به تفصیل به شرح و تفسیر
 آن پرداخته و کتابی مفصل از آن ساخته است .

ناصر خسرو خود در مقدمه کتاب می گوید که چون بنیاد کتاب
 بر کثایس مشکلات دینی و معضلات فلسفی بوده نام آن را «جامع الحکمتین»
 گذارده است . (چاپ تهران)

جامع عباسی (ک) کتابی در احکام فقه تألیف شیخ محمد بن
 حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دوره

صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی و به نام این پادشاه تألیف کرده است . شیخ بهائی خود کتاب را به بیست باب تقسیم کرده ولی پس از باب پنجم یعنی باب حج فوت کرده و کتاب ناتمام مانده است و نظام الدین ساوجی از شاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته و بر کتاب افزوده است . این کتاب بارها در ایران به چاپ رسیده است .

جامی (ن) نورالدین عبدالرحمن جامی . وفات ۸۹۸ — از شاعران معروف قرن نهم ، پدر وی نظام الدین دشتی منسوب به محله دست اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است . عبدالرحمن از دو نظر جامی تخلص کرده است . یکی به مناسبت تولدش در ولایت جام و دیگری به مناسبت ارادتش که به شیخ الاسلام جامی دانشمند است . جامی از خردسالی با پدر به هرات و سمرقند رفت و در آن شهرها به کسب علم و ادب پرداخت . پس به عالم عرفان وارد شد و پس از کسب فیض از استادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و فاضل زاده رومی به تربیه ارشاد رسید و در سلک رؤسای طریقه نقشبندی که مؤسس آن بهاءالدین نقشبند بود ، درآمد .

جامی به سکه سفر کرد و پس از زیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد .

جامی را می توان از آخرین شاعران متصوف ایران دانست . در فنون مختلف و علوم دین و ادب و تاریخ اسناد بود و در شعر به سعدی و حافظ توجه داشت ، از نظامی نیز پیروی کرده و به تمایذ او خمدادی ساخته است . جامی در اشعار خود ابوالغازی سلطان حسین باقر او وزیر او امیرعلیشیر نوائی و سلطان ابوسعید نیموری و جهان شاه در او و سلطان

محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است .

جامی به بسیاری آثار نظم و نثر معروف است . از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید و غزلیات و سرانجام و ترجیع بند و رباعیات و رباعیات است . جامی دیوان خود را بر سه قسمت تقسیم کرده و آنها را فائحه الشباب، واسطة العقد، خاتمه الحیات نام گذارده است . دیگر از آثار او «هفت اورنگ» به تقلید خمسة نظامی است شامل : سلسلة الذهب ، سلامان و ابدال ، تحفة الاحرار ، سبعة الابرار ، يوسف و زليخا ، لیلی و مجنون ، خردنامه اسکندری .

از آثار متنوع جامی : نقد النصوص ، نفحات الانس ، لوائح ، لوائح ، نواعيد النبوة ، اشعة الممعات . بهارستان می باشد . گذشته از اینها، جامی رسالانی در مسائل مختلف دارد مانند «سناسک حج» و «رساله بهلیلویه در علم دین و رساله در اخلاق صوفیان به نام «تحمین مذهب صوفیان» و «رساله در علم قوافی» و «رساله موسیقی» و تجنیس الخط و منونات و معربات و در صرف و نحو «فوائد الضیائیة» معروف به «شرح ملاحامی» و در تاریخ «تاریخ صوفیان» . اشعار و افکار جامی در خارج از ایران مانند هندوستان و عثمانی تأثیر بسیار داشته است .

حب (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف دو سبب یعنی عی و لن است که می ماند مفا ؛ و بجای آن فعل می گذارند و آن را محبوب گویند .

جبلی (ت) مدح الزمان عبدالواسع بن عبدالجاسع غرجستانی جبلی وفات ۵۵۵ هـ - از شاعران قرن ششم که در ناحیه غرجستان تولد یافت و در دربار بهرامشاه عزنوی و سلطان سنجر بسر می برده و پیوسته مورد احترام آنها بوده است . عبدالواسع اشعاری در مدح ابن شاهان و همچنین شاهان غوری و خوارزمی سروده است . چنانکه از اشعار او پیداست ، در علوم

زمان خاصه ادب و شعر مهارت داشته و کلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می سروده. عوفی او را «ذوالبلاتین» نامیده و ملمعاتی از او نقل کرده است. اشعارش تبادل فحشیده و غزل و ترجیع بند است. (دیوان عبدالواسع - چاپ نهران)

جبهه (نچ) منزل دهم از منازل و هر که ده معنی بهستانی شیر است و دارای چهار سناره روشن می باشد.

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خین می کنند می مانند فعلان؛ پس از آن فعلا را می اندازند، می شود: بن؛ بجای آن فع می گذارند و آن را می جحوف خوانند.

جدع (زحاف) (ع) دره فعلولات حذف و عو و و با کن کردن است که می شود لات؛ و بجای آن ناع می گذارند؛ و آن را می جدوع خوانند **جدی** (نچ) از صورت های دوازده دانه یکی در دوازده برج و به شکل بزغاله. برج جدی برابر ماه دی است.

حشم بزغاله بر آن خوسه که خرمن کرده سب

داس دژ دندان ز راه کهکشانشان انکاسه

«حاقانی»

جَدی (نچ) سناره ای روشن بر دب اصغر و نزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به چشم ببینیم ببحر کت و بابت می نماید، برای یافتن قبله از آن استفاده می کنند.

همی برگشت گرد قطب جدی چو ثرد با برن مرغ مسمن

«ما و جهری»

جرجانی (ت) ابوبکر عبدالماهر بن عبدالرحمن جرجانی. وفات ۷۱۴ هـ یا ۷۱۵ هـ - عبدالماهر جرجانی از ادیبان بزرگ و از اساتید علم نحو

و، «عانی و بیان». تألیفات مهمی دارد. از آنجمله کتاب «الجمل» معروف به «جرجانی» در فقه و کتاب «المغنی» در شرح ایضاح ابوعلی فارسی «والمقتصد والعماء» در صرف و کتاب «دلائل الاعجاز» «واسرار البلاغة» در معانی و بیان.

جرجانی (ن) زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی. وفات ۳۱۵ هـ — جرجانی از پزشکان معروف قرن ششم و معاصر خوارزمشاهیان مدتی در خراسان و چندی در خوارزم در خدمت ابوالفتح قطب الدین محمد و پسرش آتسز بود. جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم و آثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست. همه طب را مورد مطالعه قرار داده و مهمترین آثار طب خود را به زبان فارسی نوشته است. از آثار مهم فارسی او «ذخیره خوارزمشاهی» و کتاب «خفی علائی» و «بادگار» و «اغراض» است. کتاب «خفی علائی» تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله آتسز خوارزمشاه نوشته شده. کتاب «بادگار» در یک جلد در طب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و «اغراض» نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابو محمد آتسز تألیف شده است.

جرجانی (ن) میرسید شریف علی بن محمد الجرجانی وفات ۸۱۶ هـ از عالمان مشهور قرن هشتم که در سال ۷۴۰ در سمرقند متولد شد و به خدمت شاه شجاع معرفی گردید و به تدریس در مدرسه دارالشفاء پرداخت تیمور هنگام فتح سمرقند او را با خود به ماوراءالنهر برد و او مدتها در مجلاس تیمور با سعدالدین تفتازانی به مباحثه می پرداخت. جرجانی پس از مرگ تیمور به سمرقند بازگشت و همانجا وفات یافت.

بیشتر تألیفات میرسید شریف به زبان عربی است از جمله حاشیه‌ای بر «مطول» کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است و دیگر کتاب «التعریفات»

در ذکر اصطلاحات صوفیه . از آثار فارسی مدرسید شریف بکی رساله معروفی است در صرف و نحو عربی موسوم به «صرف سیر» دیگر رساله‌ای در «نطق به نام «الکبری فی المنطق» سوم رساله‌ای اسف به نام «رسالة الوجود» (رسالة الوجود - چاپ تهران)

جریر طبری (ت) رجوع ننود به طبری
جسم (ط) جوهری که در اوست بعد باشد یعنی دارای درازا و بهنا
وستبری (یا طول و عرض و ضخامت) باشد .

جیم (ش - د) رجوع ننود به جمشید .
گفتم ای مسندجم جام جهان بنت کو
گفت افسوس که آن دولت بمدار بخت
«حافظ»

جمال الدین اصفهانی (ت) جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی وفات ۵۸۸ هـ از شاعران قرن ششم . مولدش اصفهان بوده و پیشتر عمر خود را در آنجا گذرانده است و به آذربایجان نیز رفته و با نظامی گنجوی ملاقات کرده است . جمال الدین به نمریسان سلجوقی را مانند ارسلان بن طغرل و طغرل بن ارسلان و نصرة الدین جهان پهلوان و بعضی از ملوک آل باوند را که در بازندگان حکومت داشتند و دو خانواده آل خجند و آل صاعد را که از خانواده‌های بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده است . دیوان جمال الدین شامل قصیده و غزل و مدح و حکمت و وعظ است . از پیروان انوری و سید حسن غزنوی و رشید و طواط می‌باشد و با خاقانی و معین و ظهیر مشاعره داشته است . بیشتر قصایدش بی غزل با مدح شروع می‌شود ، کمتر به وصف طبیعت می‌پردازد ، ولی غزلیاتش در ردیف اول نثریات عصر اوست .
(دیوان جمال الدین - چاپ تهران)

جهشید (ش - د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس
دوختن و کسنتی رانی و بزنیکی را به مردم آموخت، گوهر را استخراج کرد
و تختی گوهراتمان ساخت، جشن نوروز را او برپا کرد و پس از این کارها خود
ببینی بر او جیره شد تا ضحاک بر او دست بافت و بمانش را با اربه دونیم کرد
صدر دویله بابیه سنت جمشید خنک تویه سابه رخس رستم

«انوری»

جنس (ط) از کایات خمس. آن است که در جواب ماهو (چیت) واقع شود مانند حیوان وقتی که ببرسم. انسان یا گاو یا گوسفند با اسب چیت؟ در جواب گفته می شود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو و گوسفند و اسب و انسان است.

جنیدی (ت) ابو عبدالله محمد بن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم. او را در شمار شاعران دستگاه صاحب بن عباد ذکر کرده اند. ثعالبی دویست عربی و بک قطع یارسی از او نقل کرده است.
جوامع الحکایات و لوامع الروایات (ک) از معتبرترین کما بهایی که به زبان فارسی تألیف یافته و مؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکره لباب الالباب است که آن را در حدود سال ۶۳۰ و به نام نظام الملک فوام الدین محمد بن جنیدی وزیر شمس الدین التمش تألیف کرده است. جوامع الحکایات مستعمل بر حکایتهای ادبی و اشعار و امثله است در چهار مجلد و هر مجلد دارای بیست و پنج باب. این کتاب از لحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است، زیرا که عوفی منابع استفاده خود را ذکر می کند و اسنادی را نقل می کند که در کتابهای دیگر نیست و به همین جهت مورد استفاده بسیاری از مؤلفان مانند حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده و امین

احمد رازی در هفت اقلیم و منهاج سراج در طبقات ناصری قرار گرفته است.
سبک انشاء کتاب جز دیباچه که دارای نثر مصنوع است، به نثر ساده و روان می باشد ولی دارای ترکیبات عربی است.

جواهر الاسرار وظواهر الانوار (ک) کتابی در شرح مثنوی مولانا جلال الدین رومی به قلم کمال الدین حسین بن حسین خوارزمی. قسمت عمده این کتاب مقدمه ای است شامل تاریخ و اصطلاحات و هادی حوفیه.
جودی (نن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان بر آن قرار گرفت. (قرآن)

طوفان حوادث اگر آفاق بگبرد

برسده او باش که جودی نجانست

«انوری»

جوزا (نج) از صورت های دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل دو بیکر ایستاده. برج جوزا برابر ماه خرداد می باشد.
جوزا صفت دو گانه هزار آفتاب زاد

هر گه که رفت هم او در بر سخنان

«خاقانی»

دو بیکر باز چون دو یار در خواب بد نکد بگرید چیده چو دولا

«فخر الدین اسماعیل گران»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جبار است که از صورت های جنوبی منطقه البروج است و آن صورت مردی است کمر بسته و نیمه بر بردست گرفته و کمر او را «نطاق» گویند.

خورده ام تیر فلک باده بده ناسره ست

عفده در بند کمر تر کنس جوزا فکنم

«سایه»

جوza سحر نهاد حمابل برابرم

یعنی غلام ساهم و سو گندی خورم

«حافظ»

جوهر (ط) از سهولات عشر. موجودی که به خودی خود وجود

داشته باشد. مانند سنگ، درخت

جوهری (ن) اسمعیل بن حماد جوهری فارابی. وفات ۳۹۸-

از عالمان لغت است و برای جمع آوری لغات، مدتی در میان قبایل عرب
بسیربرد. پس از آن به نیشابور رفت و در آنجا به تدریس پرداخت.
از آثار مشهور او «الصحاح فی اللغة» است که از کتابهای مهم لغت به
شمار می رود.

جویا (ت) میرزا داراب بیگ جوبای تبریزی وفات ۱۱۱۸- از

شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم. مولدش در کشمیر و از
معاصران اورنگ زیب است. جویا رباعی از غنی از استادان مسلم شعر
فارسی در هند می دانند. وی در غزل بدو صائب است. کلیاتش شامل
قصیده و مثنوی و قطعه و غزل است.

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب

چاپ شده است.

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد البخاری الجوباری

از شاعران دوره سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است.

جوینی (ت) علاء الدین عیلاملک بن بهاء الدین جوینی وفات ۶۸۱-

از تاریخ نویسان معروف ایرانی در دوره مغول پسر بهاء الدین و برادر
شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی که از خاندانهای معروف و متنفذ
زمان مغول بوده است. علاء الدین مدت بیست و چهار سال در بغداد

حکومت کرد ولی او و برادرش شمس الدین گرفتار سعادت مجدالملک
بزدی و زبرآقا خان شدند و بنا به دستور آقا خان، علاءالدین در بغداد نویف
و گرفتار شکنجه گشت و سرانجام در سال ۶۸۱ وفات یافت . در مهم او
تاریخ جهانگشاست .

جهانگشای جویسی (ك) رجوع شود به تاریخ جهانگشا

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دوره سلطنت نادرشاه

تألیف مهدیخان بن محمد نصیر استرآبادی منشی نادرشاه است که در سفرها
با او همراه بوده است و وقایع سلطنت او را تا زمان مرگ یعنی تا سال
۱۱۶۰ شرح داده است .

(چاپ تهران)

چاه بیزن (ش - د) جاهی ده بېرن پهلوان ابرانی به فرمان
افراسیاب در آن افکنده شد و نیزه دخنر افراسیاب و معشوق بیزن هر روز
ذاتی از گدائی به دست می آورد و از بالای چاه برای اوسی انداخت.
تنبی چون حاه بیزن تنگ و تارکک

جو بیزن در میان چاه او من
تردا چون نمزه بر سر حاه
دو چشم من بدون خون چشم بیرون

«وردوسی»

چاه یوسف (ن) جاهی که برادران یوسف او را در آن افکندند
بین که سیمب زنیخان توجه می گوید

هزار یوسف مسمری فتاده در چه ماست

«حاول»

چرخ اثیر (نچ) رجوع نمود به اثیر
شهاب کلک تو باد دو دولت نو به سیر
همان کند که به دیوان شهاب چرخ اثیر

«ابوری»

چشمه حیوان (تن) رجوع شود به آب حیات
زهر سفرنوش کن اول چو خضر یس برو و چشمه حیوان طلب

«خاقانی»

چشمه خضر (تن) رجوع شود به آب حیات

زبان در آن دهن پاک گوئیا که مگر

میان چشمه خضر است ماهی گوبا

«حافظی»

چگل نام سهری است در ترکستان که در سفر فارسی مردم آن به

زیبائی سل شده اند

صفای خلوت خاطر از آن سمع چگل جویم

فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم

«حافظ»

چهار ارکان (نج) با جار ارکان عبارت است از آب و خاک و باد

و آتش

سبهر سل نو اراتصال هفت اختر

زمانه مثل تو از امتزاج جار ارکان

«انوری»

چهار امهات (نج) کنایه از چهار عنصر (آب و خاک و باد و آتش)

به صد فران بنزاند یکی نمجه چودو

ز امتزاج چهار امهات و هفت آنا

«حافظی»

چهار مقاله عروضی (ک) با جمیع النوادر، کتابی به زبان فارسی،

تألیف احمد بن علی النظمی العروضی سمرقندی که آن را در سال ۵۵۱ هـ

به نام ابوالحسن حسام الدین علی ساهزاده غوری تألیف کرده است.

کتاب چهار مقاله پس از مفهومی در حکمت و طبیعیات به چهار

مقاله تقسیم می شود: در مایه علم دبیری و کیفیت دبیر کامل، مایه

علم شعر و صلاحیت شاعر ، ماهیت علم نجوم و غزالت منجم ، ماهیت علم طب .

نظامی عروضی کتابتن را به کیفیات و عواملی مخصوص کرده است که به دربار بستگی دارد و در این کتاب تأثیر علوم و فنون را در اداره کشور و لیاقت درباریان و نفوذ ایشان را در ساهان شرح می دهد و طبقه خواص را به چهار طبقه دبیر ، شاعر ، منجم ، طبیب ، تقسیم می کند . مؤلف مطالب کتاب را با تسواهد تاریخی می آمیزد و در ضمن توضیح مقالات نام بسیاری از کتابها را می برد و اشعار و نوشته شاعران و نویسندگان را ذکر می کند .

نظامی عروضی در حکایات گاهی خود شاهد واقعه بوده و سرگذشت اشخاص را چنانکه از خود آنها شنیده است نقل می کند و گاهی هم از اشخاصی که خود ناظر و فایع بوده اند . کتاب چهار مقاله اهمیت تاریخی و جغرافیائی دارد . سبک انشاء آن بسیار موجز و سلیس است و یکی از آثار بر کزیده نثر فارسی به شمار می رود .

(چاپ تهران)

ح

حاج ملاهادی سبزواری (ت) رجوع نشود به سبزواری

حافظ ابرو (ت) شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید الخوافی. وفات ۸۳۴ - از سورخان بزرگ‌دوره تیمور که به فولی در هرات و به فولی در خواف متولد شده ولی در همدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیر تیمور و در جنگها ملزم ر کتاب او بوده است و بعد از مرگ تیمور به خدمت خود در دربار شاهرخ و بعد بایسنقر ادامه داد. آناری درباریخ و جغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام «زبدۀ التواریخ» به امر بایسنقر در سال ۸۲۹ تألیف کرده است ولی مجموع چهار جلد تاریخ او را «مجمع التواریخ سلطانی» خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی، جغتائی (زبان درباری) و عربی آشنا بوده و شعر هم می‌سروده است و کتابهای تاریخی و جغرافیای او، چون بیشتر مربوط به وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یا مربوط به سفرها و سیاحتهای شخصی او بوده است. سند اصلی تاریخ نوبسانی چون سرخواند و خواند سیر فرار گرفته است.

حافظ شیرازی (ب) شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین معروف به

لسان‌العذب. وفات ۷۹۱ - شمس‌الدین محمد حافظ برزگرین غرل‌رای ایران که در اوایل قرن هشتم در سبزاز متولد شد و همانجا به تحصیل علوم و کمالات پرداخت و در مجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضوری یافت و به مطالعۀ فوائدین ادب و دیوانهای ساعران عربی پرداخت

و چون قرآن را از برداشت ، حافظ تخلص کرد . پدر حافظ بهاءالدین در عصر ابابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد و حافظ در زمان جوانی به خدمت دیوانی در دربار شاهان اینجو و آل مظفر درآمد . به خصوصاً حافظ در نزد ابواسحق اینجو که حکومت فارس را داشت ، تقرب بسیار یافت و او را مدح کرد تا دولت ابواسحاق به دست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد . حافظ از شاهان آل مظفر ، امیر مبارزالدین و شاه شجاع و شاه سجی و شاه منصور را در غزلهای خود یاد کرده است . حافظ همه عمر را در شیراز گذرانده و سفرهای کوتاهی به اصفهان و بزد کرده است . یکبار نیز از طرف محمود شاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد ، ولی به علت طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت . وفات حافظ در سال ۷۹۱ در شیراز اتفاق افتاد .

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات و مثنوی ساقی نامه و چند قصیده است . این سخنور بزرگ با آنکه در زمانی پرفتنه و آشوب زندگی می کرد در اشعارش متانت و بردباری آشکار است و هرگز در مدح غلو نکرده است . حافظ از روح عرفان بهره کامل داشته و مضامین عاشقانه را با مدعانی عرفانی آمیخته و این شبوه را به درجه کمال رسانده است . دیوان حافظ بیس از همه آثار غرلسرایان دیگر نزد فارسی زبانان شهرت و رواج دارد و از این جهت خواجه حافظ شیرازی محبوبترین شاعر ایران شمرده می شود .

دیوان حافظ چندین بار در ایران به چاپ رسیده است

حالنامه (ك) رجوع ننود به گوی وحوکان

الحاوی (ك) بالیف دانسمند و طیب علیقدر ادرانی ابو بکر محمد

زکریای رازی . این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می رفته

و در علم طب حکم دائرة المعارفی را داشته است . درسی جزو نوشته شده و نسخه ترجمه شده به لائبن به ۲۵ جزو می رسد ولی از متن عربی آن در حدود نصف باقی است . شاگردان رازی پس از او این کتاب را از روی یادداشتهای اسناد خود سرسب کرده اند . کتاب شامل انواع معرب و فنون مختلف علم طب است و همچنین حاوی یادداشتهائی می باشد که مؤلف در مدت معالجه و عمل از نجارب شخصی برداشته است .

حبشی ولایت زنک با زنکبار که مردم آن سیاه چهره اند و در شعر فارسی لشکر حبشی یا خادم حبشی کنانه از شمس و لشکر روم یا خادم روم کنانه از روز است .

ناروز و شب دو خادم رومی و زنکی اند
هر یک به صدق غمخوار در میان اوست
خورشید روم پرور و ماه حسن نکار
سایه نسیم صاحب طوبی نشان اوست
«ساقی»

حبیب السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که در آن و اواخر از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسماعیل صفوی یعنی سال ۹۲۰ شرح داده شده است . این کتاب در سه جلد است و مؤلف آن شهاب الدین بن همام الدین معروف به خواندمیر است که آن را در سال ۹۲۹ تألیف کرده است .
(چاپ بهران)

حجر الاسود (نن) سنک لعبه

خال سیاه او حجر الاسود است از آنک

ماند به خال وزلف به خیم خاتون درون

«ساقی»

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ک) کتابی در بحث معانی و بیان و صنایع شعر از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشاره اسمز خوارزمشاه در سال ۵۵۱ هـ شروع کرد و در زمان سلطنت ابل ارسلان بدلیان رساند. رشیدالدین وطواط پس از مطالعة کتاب «درجهان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر و جامعتر در محاسن نظم و نثر تألیف کند. رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می‌پردازد و بعد شواهدی از فارسی و عربی ذکر می‌کند و از شاعرانی مانند معزی و عمعی و ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان و ناصر خسرو و انیساری من باب مثال سی آورد (حاج بهران)

حدود العالم من المشرق الى المغرب (ک) از کتابهای معتبر جغرافیا که در سال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به «ابوالحرب محمد بن احمد فریغون» تقدیم شده است که از آل فریغون است که در کوزکانان اقامت داشتند و به دست سلطان محمود غزنوی از میان رفتند. این کتاب در تفهیم شهرها و بلاد و نواحی و اقوام مختلف و احوال آنهاست و بسیار سودمند می‌باشد.

حدود قوافی (ق) حدود قوافی پنج است: متکاف، متراکب، متدارک، متواتر، مترادف

۱- متکاف: قافیه‌ای است که دارای چهار حرف متحرك و یک ساکن باشد. و در شعر خوش آیند نیست.

گربار من غم دلم بخوردی زین بهترک به حال من نگردی

۲- متراکب: قافیه‌ای است که دارای سه حرف متحرك و یک ساکن باشد

نوهم چو صبحی و من شمع خلوت سحر

تبسمی کن و جان بین که چون همی سپرم

«حافظ»

۳- متدارك : قافیه‌ای است که دارای دو حرف متحرك و يك ساكن باشد .

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نکذرد
۴- متواتر : قافیه‌ای است که دارای یک متحرك و یک ساكن باشد .

بن آن روز را پدر نسناختم ندانستم انون که در دافتم
۵- مترادف : قافیه‌ای است که دارای دو حرف ساكن باشد مانند
زسم منوران در آن بهن دنت

زمین شناسی و آسمان گشت هشت

حديقة الحقيقة و شريعة الطريقة (ك) از مهمربن آثار حکیم سنائی ساعر معروف قرن ششم، شامل ده هزار بیت، که در سال ۵۲۵ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . در توحید ذکر کلام باری، ذمت نبی، صفت عقل، فضیلت علم، ذکر نفس، صفت افلاک، مدح بهرامشاه غزنوی، حکمت و امثال، صفت نصیف کتاب، کتاب حدیقه سراسر شامل مدوا و اندرز و مطالب عرفانی و بیان مقام دانش و عمل است و در حقیقت سرمدتق و راهنمای بزرگی است برای افراد و اجتماع . این کتاب از نظر اهمیت موضوع در زمان حیات ساعر شهرت یافت و ادیبان و مشایخ صوفیه به آن توجه کردند، چنانکه نصرالله منشی معاصر حکیم سنائی در تلبیله و دمنه از اشعار حدیقه بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است، بطوریکه خاقانی مشنوی تحف العراقرین و نظامی بخشن الاسرار را به سبک آن ساخته اند .

حديقة الحقيقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذو (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف عین است که می ماند مستف
 بجای آن فعل می گذارند ؛ و آن را احذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم نبود که تک با دو حرف
 را در شعر بکار نبرد مانند این شعر فانی که بدون الف است .

برد ز گبنی برون ربیع حولشکر
 لشکر دی ملک وی نمود مستخر

دهر زدم سرد بس به خوشش مستوش

سهر ز بزمهرینس به سبغ مستر

و در آخر قصیده گوید :

گفته به مدحت قصیده ای و الفانی

جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام و نون است که
 می ماند مفاعی و بجای آن فعولن می گذارند و آن را محذوف خوانند .

در فاعلاتن حذف نون و تاء است که می ماند فاعلا و بجای آن
 فاعلن می گذارند و آن را محذوف خوانند . در فاع لاتن مانند فاعلاتن است
 در فعولن حذف نون و لام است که می ماند فعو بجای آن فعَل
 می گذارند و آن را محذوف خوانند .

حذو (ق) از حرکات وافییه . حرکت ما قبل ردف و فید مانند
 حرکت بهم و دال در کلمه های مست و دست . اختلاف حذو جایز نیست
 مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات قافییه (ف) حرکات حروف وافییه شش است : رس ، اشباع ،
 حذو ، توجیه ، مجری ، نفاذ . حرفهای اول این شش کلمه را برای آنکه
 به یاد سپرده شود در کلمات « راحت من » جمع کرده اند .

(به این کلمات رجوع شود)

حروف قافیه (ق) حروف با قبل و با بعد حرف روی شریک بدنامی خوانده می شود و تابع احکامی است که به تحصیل در زبانهای علم قافیه آمده است. این حروف جز حرف روی هشت حرف است. به این ترتیب: ردف، قند، نأسیس، دخیل، وصل، خروج، مزد، ناره. که چهار حرف: ردف و قند و نأسیس و دخیل بیس از روی ترازوی دارد و چهار حرف وصل و خروج و مزد و ناره بعد از روی. (به شریک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ب) شیخ محمد علی محمد بن ابی طالب حزین لاهیجی. وفات ۱۱۸۰ — اجداد شیخ علی حزین در لاهیجان افتاد دانسته ولی او در سال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد. و در دوران احسان و هجوم افغانها بر اصفهان، خانواده خود را از دست داد و خود پس از نجات از بیابان سختی در سال ۱۱۳۵ از اصفهان گریخت و پس از مدتها سرگردانی مغری به مکه کرد و از شهرهای یمن، بغداد، تبریز، آمل، اردبیل، آذربایجان، نهران دیدن کرد و به اصفهان بازگشت و در سال ۱۱۵۶ در هندوستان عزیمت نمود و بنام عمر را در آنجا گذراند.

از آثار معروف او تذکره حزین است که شامل تاریخ حال و مدتی از شاعران معاصر او و «تاریخ حزین» که مربوط به سوانح عمر مؤلف است قبل از عزیمت به هندوستان و «مدد العمر» که حوادث زمان نویسنده و انقلاب اصفهان را نشان می دهد و مجموعه اشعار وی.

حساب ابجد یکی از دروسهای حروف الفبا است که در دالایی

حرفهای کلمات زبر باشد:

ابجد، هوز، حطی، لملن، سمن، قرتب، دهخدا، دالایی

هر یک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و

عشرات و مآت است . حروف

ا ب ح د ه و ز ح ط ی (۱ تا ۱۰)

ک ل م ن س ع ف ص (۱۰ تا ۹۰)

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ (۱۰۰ تا ۱۰۰۰)

نوشن اعداد به حروف ابجد به وسيله ترکیب این حروف حاصل

می شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳۴۰ را می توان چنین نوشت : « غنم »

گاهی نیز عدد منظور از حاصل جمع حروف مع عدد به دست می آید : مانند

عبارت « الخیر فی ما وقع » که ۱۱۶ یعنی تاریخ قتل نادر از آن حاصل می شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر در گریز از بغزل به مدح ،

کلمات خونس آید و مطبوع استعمال کند .

حلی کو بند برودل به ، هوای دگری نه

نکنم خاصه در اناام انا بک دو هوایی

« سعدی »

حسن تعلیل (ب) از منابع شعری که شاعر برای مطلبی که آورده ،

دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع

چوب را آب فرو می نبرد حکمت چیست

سرسس آید ز فرو بردن پرورده خوبس

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار

کند که مورد پسند خواننده واقع نشود ، مانند این شعر امیرمعزی :

شاهها ادبی کن فلک بد خورا کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به جوگانس زن وراسب غلط کرد به من بخشش اورا

حسن دهلوی (ت) رجوع سود به دهلوی

حسن غزنوی (ت) اشرف الدین ابوبه محمد حسن بن محمد حسینی غزنوی. وفات ۵۵۷ هـ. ملقب به اسرف از و'عظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر و مداح بهرامشاه غزنوی بوده و در سمرقند و سمنان با او همراهی کرده است ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده و از غزنین به بغداد و مکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف خیاب الدین محمود سلجوقی واقع گردیده است. سپس حسن غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلجوقه را مدح کرد و سپس به خراسان رفت و در بازگشت در قصه «آزادوار» از ولایت جوین وفات یافت.

دیوان اشعار سعد حسن غزنوی چهارمست دارد و شامل قصائد و غزل و ترجیعات در انواع موضوعها مانند مدح و رثاء و وصف و غزل است. کلامش ساده و منسجم و خالی از ابهام است. (حاج نهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر در ابتدای شعر، مطلب را طوری بیروRAND که مفهوذ از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود و الفاظ به گوش خوش آید.

دولت جوان و بیخت جوان و ملک جوان

ملک جهان گرفتن و دادن کنون جوان

حسن و دل یا دستور عشاق (ک) منظومه‌ای بالغ بر پنج هزار بیت است. مولانا یحیی سبیک نسابوری معروف به فحاحی در سال ۸۴۰ آن را ساخته است. خود شاعر نام این منظومه را «دستور عشاق» گذاشته و ای چون موضوع آن داستان عشق حسن و دل است به مثنوی «حسن و دل» معروف شده است. موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» با شاهزاده‌ای به نام «حسن». شاعر در این داستان به شرح مشاهدات عاشقان را در نظر داشته و در بیان آن مختصر با «دل» سخن می‌گوید.

سبک شعر در این منظومه متکلفانه و دارای صنایع بدیع و اطناب و اغراق است و شاعر یک بار هم آن را در رساله منشور کوچکی بنام «حسن و دل» تلخیص کرده که برخلاف متنوی آن بسیار موجز نوشته شده است.

حشو (ب) کلامی است زائد در میان جمله که از حیت معنی به آن احتیاج نباشد و بر سه قسم است: حشو قبیح، متوسط، و سلیح. حشو قبیح زشت است و دوری از آن لازم می باشد. مانند رمده چشم و صداع سر در این شعر

لر سی نرسم به خدمت معذورم

زیرا رمده چشم و صداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است

مانند کلمات «ای ماهرو» در این شعر

نو رود کی را ای ماهرو کنون بینی

بدان زمانه ندیدی که ابن چینان بود

حشو سلیح سست و بیهوده است مانند جمله « ذکرش به خبر باد »

در این شعر

دی بمر سی فروش که ذکرش به خبر باد

گفتا سراب خور که غم دل برد زیاد

حمدالله مستوفی (ت) ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی.

وفات . ۷۵۰ - از خانواده های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته اند و جدا علای آنها امین الدین نصر مستوفی بوده است . حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل الله به کار مشغول گشت و بر حسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین و زنجان و ابهر گردید . حمدالله مستوفی غالباً در مجالس رشیدالدین حضور می یافت و در مباحث علمی و تاریخی

شرکت می کرد . از آثار معروفش «ظفرنامه» به نظم و «نزهةالملوب» و «تاریخ گزیده» است .

حمزة اصفهانی (ت) ابو عبد الله حمزه بن حسن اصفهانی . وفات در حدود . ۳۵ - از مورخان بزرگ و ادیبان قرن چهارم و پنجم در اصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته است . حمزه در علم نحو و فقه نیز اسماذ بوده است . از آثار او کتاب معروف «تاریخ سنی ملوک الارض والانبیاء» کتاب «کبارالبشر» و «الامثال» و «کتاب النبیة علی حدوث التصحیف» است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج ؛ به شکل بره است نیم خفته ، برج حمل برابر با ماه فروردین است .
در بره مریخ گرزگاو افریدون به دست

وز مجرّه شب در پس کاویان انکبخته

«اقای»

ز آتش غبرت حوان نو دمدم بر فلک نور و حمل بران است

«انوری»

حنظله بادغیسی (ت) وفات در حدود . ۲۲ - از معروفترین شاعران دوره طاهری است که در نیشابور در دوره حکومت عبداللّه بن طاهر سی زبیب . اشعاری از او در تذکره ها باقی است .

حوا (تن) دوسن بسرمخلوق خدا و همسر آدم که در بهشت می ربست و به اغوای ابلیس گندم خورد و از بهشت رانده شد و به بنده فرو افتاد .

حدیث عسق اکر کوئی نامست

کماه اول ر حوا بود و آدم

«سعدی»

حور(تن) حور جمع حوراء بمعنی زنان سیاه چشم بهشت . این کلمه که به صغۀ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی بمعنی مفرد می آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می شود .

صحبت حور نتخواهم که بود عن فصور

با خدال تو اگر با دگری بردازم

«حافظ»

حورالعین (نن) رجوع شود به حور

باغ بهراسته گلزار بهشت گلبن آراسته حورالعین است

«الفرج روی»

حوت (نح) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به

شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسد است .

بمانده ماهی از رفتن به ناکام بوگشتی ماهی است افتاده در دام

«ارویس ورامین»

حیة الحوا (نچ) از صورتهای فلکی که در شمال منطقه البروج است .

به صورت ماری است که مار افسای او را به هر دو دست گرفته و مار سرودم بلند کرده است .

شجاع او و حنة الحواى او...

الا که تابود بر بن ملک روان

«موجهری»

خ

خاتم سلیمان (نن) رجوع شود به اندک تر سلیمان .

آرچه شیرین دهان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

«خافق»

خاقانی (ن) افضل الدین ابوبدیل بن علی خاقانی. وفات ۵۹۵ هـ.

از سخن سرایان بزرگ ایران . نخست خفایقی لقب داشت ولی بعد به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهر بن فریدون شروانشاه ، خاقانی تخلص یافت . پدرش علی نجار و مادرش کنیزک رو می بود که به دین اسلام درآمد . اولین بار نزد خاقانی نزد شروانشاه به وسیله ابوالاعلی گنجوی انجام گرفت . وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیر اخستان درآمد . خاقانی پس از مدتی که در دربار شروانشاه زیست ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد ، ولی شروانشاه به او اجازه نداد و ابن امر موجب دل‌تنگی خاقانی گشت . عاقبت به سفر مکه رفت و در مراجعت هنگام ورود به اصفهان فحش‌های در وصف اصفهان ساخت خاقانی به دربار شروانشاه بازگشت ولی به علت سعادت حسودان به اسر شاه به حبس افتاد . پس از آن در حدود سال ۶۰۶ باز به حج رفت . در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به حریت روی آورد و در تبریز اقامت کرد و در همانجا درگذشت .

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهجا فخرالدین سنوچهر بن فریدون نروانشاه و خاقان کبیر جلال الدین ابوالمظفر اخسمان بن سنوچهر و علاءالدین اتسز بن محمد خوارزمشاه و نصیره الدین اسبهمد اعظم از فرمانروایان طبرستان و غیاث الدین محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه و زکریا الدین ارسلان بن طغرل و سیف الدین اتابک سنهور حکمران سماخی و مظفر الدین قزل ارسلان و علاء الدین تکس بن ایل ارسلان می باشند.

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکر و از اسنادان بزرگ زمان و از فحش سرایان درجه اول ابران داشت که در شعر ابتکارانی داشته است. از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند و طولانی است. اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی بر لغات عربی و اصطلاحات فلسفه و طب، گاهی از سادگی بیرون می آید. فصاحتش بیشتر به وصف طبیعت و بهار و خزان و صبح شروع می شود و جنبه وصف در این فسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه در اشعار او اغلب زاده احساس و قوه تخیل خود اوست. غزلیات خاقانی شامل اییات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می شود.

از آثار خاقانی جردیوان فصاید و غزلیات او منوی «نحفة العرافین» است. (دیوان خاقانی جاب تهران)

خالد (ب) امیر فخرالدین ناج الافاضل خالد بن ربیع الملکی، وفات نیمه قرن ششم - از شاعران خراسان و کاتبان سهو قرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۵-۵۵۶) می زیسته و با انوری دوستی داشته است. خالد بن ربیع از جمله اسیران و بقول خود او (سردلشکری)

بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را مدح
گفته است .

خانقاه جابکاهی که سالکان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان
ارشاد می‌کند و مصوفه در آنجا به رذایل و عبادت و تفکر می‌پردازند .
منم که گویند میخانه خانقاه من است

دعای پیرمغان ورد صبحگاه من است

«حافظ»

خبین (زحاف) (ع) در فاعلان حذف حرف دوم یعنی الفاست
که می‌ماند فعلاتن ؛ و آن را می‌خبون گویند .

در مستفعلن حذف سین است که می‌ماند منفعلن . بجای آن
مفاعِلن می‌گذارند . و آن را می‌خبون گویند . در مسِن فَعِلن مانند خبن در
مستفعلن است .

در مفعولات حذف فاء است که می‌ماند مفعولات . بجای آن
مفاعِل می‌گذارند ؛ و آن را می‌خبون خوانند .

ختا ولانی در ترنسان چین ده شک آن معروف بوده است .

ای گمشده آهوی ختائی هم ز آبخور ختات جویم

«حافظ»

ختن ولانی در ترنسان چین ده آهوی مسکین و شک آن معروف
بوده است .

مرد دانی بدهای خلوتی نافه کشای

که رحیم‌ای خن آهوی مسکین آید

«سایه»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بروزن ساهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملك الشعراي دربار فتحعلیشاه قاجار آن را درباره پیغمبر اسلام و علی بن ابیطالب سروده است .

خدااینامه (ك) خدااینامه که به زبان بهلوی به معنی شاهنامه است کتابی است که در دوره ساسانیان در ایران تألیف شده است . ابن کتاب را ابن المقفع در قرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه کرده و آن را «سبرالملوك» نامیده است . نسخه ابن کتاب اکنون در دست نیست .

خر ب (ع) حذف سیم و نون است در مفاعیلن ؛ که می ماند فاعیل بجای آن مفعول می گذارند ؛ و آن را ا خرب خوانند .

خردنامه اسکندری (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جاسی آن را در حدود سال ۸۹۰ ساخته است . این کتاب به تقلید اسکندرنامه نظامی ساخته شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامه فردوسی است . جاسی در این مثنوی بس از خطبه در توحید و نعت پیغمبر و بیان معراج به اصل موضوع می پردازد و از نصابی گفتگو می کند که به نام ارسطو و افلاطون و سقراط و فیثاغورث و حکمای دیگر به اسکندر داده شده است و همچنین مکاتبات و مراسلات حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانه بین اسکندر و کسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر و ندبه حکیمان بروی و تعزیت نامه ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند .

هفت اورنگ (چاپ نهران)

خرقانی (ت) ابوالحسن خرقانی . وفات ۴۲۵ هـ — از مشایخ بزرگ صوفیه . خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی مانند ابو علی سینا و شیخ ابوسعید ابی الخیر و ناصر خسرو بوده است . از

آثار او کتاب «نورالعلوم» است به زبان فارسی درمبانی عرفان .
 خرّقه لباسی که یران و سرسدان خانقاه بر تن سالکان طریقت
 می پوشانند ، و این کار هنگامی صورت می گرفت که سالک پس از
 ریاضت و مجاهدت بسیار شایستگی دخول در صف صوفیان را پیدا می کرد .
 خرّقه پوشاندن با آداب خاصی انجام می گرفت و به صاحب آن مقام
 والائی می بخشید .

در خرّقه زن آسنی که خم ابروی سافی

بر می شکنند کوسه میحراب امامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) در فاعیلین حذف حرف اول یعنی میم است
 که می ماند فاعیلین ؛ بجای آن مفعولن می گذارند ؛ و آن را اخرم خوانند .
 خروج (و) از حروف ماقبله . آن است که حرف و قبل به آن پیوندند ؛
 خرما نتوان خورد از این خار که گشتیم
 دبا نتوان بافت از این پشم که گشتیم

«سعدی»

میم در کلمه های گشتیم و گشتیم خروج است .
 خزانه عامره (ك) نذ کراهی به زبان فارسی تألیف و ترجمه علی آزاد از
 فاضلان هند (۱۲۰۲) که آن را در هندوستان تألیف کرده است .
 چنانکه مؤلف خود گوید در تنظیم این کتاب از لباب الالباب عوفی
 بسیار استفاده کرده است .

خسروانی (ن) ابوطاهر طیب بن محمد خسروانی از شاعران صدر
 سامانی . اشعاری از او در تذکره ها باقی است .

خسرو پرویز (ن - ن) پسر شروین و نواده انوشیروان شاه بهرستان
 پدرش را کور کردند و کشتند و او را بر تخت نهادند . خسرو پرویز ابتدا

به دفع بهرام چوبینه پرداخت و برای این کار از قیصر روم کمک خواست .
قیصر دختر خود سریم را به او داد و به او کمک کرد تا بهرام چوبینه
را دفع درد و پس از آن به کشور داری پرداخت و نحت طاق دیس را ساخت
و ایوان مدائن را بنا کرد . داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی
معروف است و مهمترین نمونه آن، داستان منظوم است که نظامی گنجوی
سروده است . در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزاده سهراب
ملکه ارمنستان می شود و سالها از عشق او در سوز و گداز بسر می برد .
شیرین به علت نجابت و پاکدامنی جزا ز راه ازدواج به او تن در نمی دهد
و سرانجام به همسری او در می آید . خسرو پرویز به وسیله شیرین
پسر خود که بنابر داستان نظامی عاشق شیرین بود، کشمه می شود . در
شعر فارسی پرویز و خسرو مثال شوکت و حلال است و به داستان عشق
او با شیرین بارها اشاره می شود :

خسرو آن است که در صحبت او شیرین است

در بهشت است که هم خوابه حورالعین است

«سعدی»

سپهر پرهنده پرویز نی است خون افشان

که ریزه اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسرو و شیرین (ک) یکی از مشنویهای خمسه نظامی داستان برای

بزرگ ایران در قرن ششم که آن را در سال ۵۷۶ ه به نام اتابک سمس الدین
محمد جهان پهلوان بن ابله گز ساخته است . این مشنوی دارای تنه هزار
و پانصد بیت است و داستان عشق بازی خسرو پرویز شاه ساسانی با شیرین
شاهزاده ارمنی می باشد . داستان خسرو و شیرین از داستانهای کهن ایرانی

است و در شاهنامه فردوسی هم آمده است، اما در منظومه نظامی تفصیل و شاخ و برگ بیشتری دارد.

خسروی سرخسی (ن) ابوبکر محمد بن علی خسروی سرخسی. وفات ۳۸۳- از شاعران قرن چهارم و مداح شمس المعالی فابوس و صاحب بن عباد و اسیر ناصرالدوله ابوالحسن محمد بن ابراهیم سبعمحور. خسروی به زبان فارسی و عربی شعر می گفته است و از اصطلاحات فلسفی که در اشعارش به کار برده پیدا است که از علوم حکمی و فلسفی اطلاع داشته است. در لباب الالباب قطعه‌ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هر گاه ماه با خورشید مقابل باشد و در خسوف واقع می‌شود. مقابل آن است که خورشید بر یک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می‌گذرد و ماه بر طرف دیگر آن قطر و درین حال به آن ماه و حواشید گردد، در اینصورت خسوف ایجاد می‌شود:

مه نوی بویه ملک اندر از خسوف منرس

از آنکه راه نمائند خسوف را به نلال

«اوری»

خضر (تن) از پیغمبران و معاصر اسکندر ذوالفرقین که با او ده طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمه حیوان را یافت و از آن خورد و عمر جاودانی یافت.

ماه در یک حال هم خضر است و هم اسکندر است

کاینه دین کرد و نمد با آب حیوان آشنا

«اقایی»

خط و خطاطان (ک) تألیف میرزا حبیب امین‌نهایی که آن را در

اسلا بسول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است . موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است .

خطیب تبریزی (ب) ابوزکریا بحیی بن علی بهریزی . وفات ۵۰۲ هـ . از عالمان ادب و لغت عرب در قرن پنجم و ششم گرد ابوالعلاء معری . خطیب تبریزی چندی در مدرسه نظامیه بغداد تدریس می کرده است . در عروض و قوافی و اعراب قرآن و شرح دیوانهای عرب تألیفات دارد . مهمترین اثر او «شرح حماسه ابی تمام» «شرح دیوان متنی» «شرح دیوان ابی العلاء معری» شرح «معانی سبع» است .

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی و عربی اصلش دوبار «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است . در فارسی از این بحر وزن زیر بسیار رایج است خفیف مسدس میخون محذوف (فعلاتن مفاعلهن فعلن) مثال :

حسنا طایف فراقم نیست جز به وصل نواتفاهم نیست

خلاصة الأشعار وزبدة الأفكار (ک) تذکره ای در احوال شاعران تألیف تقی الدین محمد دانی که در زمان ساه عباس اول تألیف یافته است . مؤلف کتاب را به ۱۲ اصل و هراصل را به دو فصل تفسیم کرده است . فصل اول در ترجمه شاعران معاصر مؤلف و فصل دوم شاعرانی که مؤلف آنان را ندیده است .

نثر کتاب مصنوع و یراز عبارت بردازی است اما از نظر انشمال بر اشعار شاعرانی که نام بعضی از آنها در جای دیگر ذکر نشده است ، قابل استفاده می باشند .

خلاصة الحساب (ک) تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان دوره صفویه .

این کتاب در اصول جبر و حساب و هندسه است که در عین اختصار بسیار سودمند است و جزو کتابهای درسی به شمار می‌رود است .
 خلدبرین (ك) اثر شاعر قرن دهم و حنی بافتی که آن را به
 تقلید مخزن الاسرار نظامی ساخته است . این مستوی شامل ۵۹۲ بیت
 و دارای شش روضه است حاوی بند و اندرز و تشبیل‌های شهرین .

خلیل یا خلیل الله (تن) رجوع شود به ابراهیم

یارب ابن آتش که بر حان من است

سرد کن زانسان ده دردی بر خلیل

«حافظ»

خلیل بن احمد البصری وفات در حدود ۱۷۰ - خلیل در سال ۱۰۰

هجری در بصره متولد شد و در همان شهر به کسب علم پرداخت در علوم
 مختلف خاصه در علوم ادبی نبحر بافت . خلیل از نجویان و لغویان
 بزرگ صدر اسلام شمرده می‌شود . ایجاد شکل بعضی علامت‌های حروف را
 به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت
 می‌دهند . از آثار مهم او کتاب لغت عربی است که آن را بر حسب استخراج
 حروف مرتب کرده یعنی حرفهای مملو را از مخرج حلی آغاز کرده
 و به لب پایان داده است و چون در این ترتیب حرف نخستین «عین»
 بوده ، کتاب لغت او به «کتاب العین» معروف شده است . دیگر از آثار
 مهم او علم عروض است که آن را خود ابداع کرده و پیش از او در زبان
 عربی چنین علمی سابقه نداشته است .

«کتاب الایقاع» و «کتاب النغم» که هر دو در علم موسیقی بوده

اهمیت نیز به او منسوب است .

خواجوی کرمانی (ت) کمال الدین ابوالعطاء محمود بن شای

کرمانی. وفات ۷۰۳- از شاعران بزرگ قرن هفتم که در کرمان متولد شده و همانجا کسب فضائل کرده و پس از چندی به سفر پرداخته است. وی در ضمن سفر به ملاقات شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از بزرگان صوفیه نائل آمد و جزو مریدان او گشت. خواجو سلطان ابوسعید بهادر وزیر او غیاث الدین محمد را در فحشاء خود مدح کرده است. مدنی در شیراز اقامت کرد و بافاضلان آن شهر از جمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابواسحاق انسجو و سمس الدین محمود صابین وزیر او و ناج الدین احمد عرافی از بزرگان کرمان را مدح کرده است. از آثار خواجو دیوان غزلیات و قصاید اوست. دیگر مثنویهایی به سبک نظامی مانند همای و همایون، گل و نوروز، روضه الانوار، کمال نامه، سام نامه، گوهر نامه. خواجو در غزل بدو شیخ سعدی است.

خواجه عبدالله انصاری (ت) رجوع شود به عبدالله انصاری
خواجه نصیر الدین طوسی (ب) رجوع شود به نصیر الدین طوسی.
خواجه نظام الملک (ت) رجوع نمود به نظام الملک.
خوان اخوان (ک) از آثار منشور ناصر خسرو شاعر و نویسنده قرن پنجم درباره مسائل دین که نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) غیاث الدین بن همام الدین. وفات ۹۴۱- نواده و شاگرد میر خواند که در زمان امیر علیشیر نوائی می زیسته و در تحت حمایت او قرار گرفته است. از آثار او یکی «خلاصه الاخبار» است که تلخیص از کتاب روضه الصفاست، دیگر کتاب «حبیب السیر» که در سال ۹۲۹ تألیف یافته است.

خور نق قصری که نعمان بن منذر پادشاه حدره برای بهرام پسر
یزدگرد ساسانی ساخت.

از شاره ملون و پیرابه بزر آنجا کی خورنی و اینجا کی ارم
خون سیاووش با خون سیاووشان (ش - د) گویند که خون
به فرمان افراسیاب، سیاووش کشته شد، بر زمینی که خون او ریخته
شد، گاهی روئید که به خون سیاووش با خون سیاووشان معروف شد
این گیاه چون دارو به کار می رفته است.

سب چاه برون بسته سر مشرق کشاده زال زر

خون سیاووشان نگر برخاک و خارا ریخته

«حافظ»

خیام (ن) حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخيام نیشابوری .
وفات ۵۱۷ هـ از دانشمندان و ریاضی دانان و شاعران بزرگ ایران در اوایل
قرن پنجم و اوایل قرن ششم . خیام معاصر سلطان سلجوقی و خواجه
نظام الملک و از جمله کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح نظام
ایران پرداخت و ایام سال را به وضع ثابت درآورد . خیام علاوه بر پنجم شهر
پزشکی و حکمت اسناد بوده و در ریاضی و فلسفه آناری دارد . در زبان فارسی
بیشتر به حکیم معروف بود تا ساعر . آثار خیام به زبان فارسی و عربی است .
از جمله رساله های او به زبان عربی رساله شائی است در لیمعانات ،
معراج ، رساله جبر و مقابله ، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم ،
رساله ای در حل یک مسئله جبری که در آن از بیست و یک قسم معادلات
جبری نام برده است . در باره جنبه ریاضی و علمی حکیم عمر خیام به
کتاب «حکیم عمر خیام به عنوان عالم جبر» تألیف «دکتر غلامحسین
مصاحب» رجوع شود .

از آثار فارسی خیام یکی ترجمه «رساله خطبة الغراء» ابوعلی سیناست به فارسی. دیگر «نوروزنامه» و رساله ای در علم کلیات «یا رساله وجود به» ده خیام آن را برای فخرالملک بن نظام الملک نوشته است. از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر و شاعری نبوده بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به اغلب زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است. خیام افکار فلسفی و نظرهای حکیمانه خود را با عبارات ساده در قالب رباعی ده موجزترین نوع شعر است، گنجانده است.

فالب رباعیات خیام و مضامین آنها مورد تقلید بسیاری از شاعران بعد از او قرار گرفته است. دیوان خیام چندین بار به چاپ رسیده است.

خیفاء (ب) آن است که در شعر با عبارت دك كلمه منقوط و بك كلمه بی نقطه باشد.

زبن عالم شد او بیخشتن و مال تیغ او زنت سمالک شد

دارا (س — د) دارا پسر داراب پادشاه دانی ده در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان بارخواست. اسکندر ده به روایت شاهنامه پسردیگر داراب بود و به او جواب سخت داد و پیران آن جنگ درگرفت. در این جنگ ایرانیان شکست خوردند و دودان از سرداران دارا که وضع او را در گون دیدند، تنبانه دهنه پرستند و زدند. حرن خبر به اسکندر رسید، برپا این دارا آمد و زاری کرد و بر او قاش کرد و بر او آب داد. دارا پس از آنکه اسکندر را به داد گری و صفت کرد بیان داد. زاری اسکندر برپا این دارا از قسمهای بسیار مؤثر شده آمد. فردوسی است، و در اسکندرنامه نظامی نیز مجلس صحبت دارا شنیدنی است. اسکندر را به برزانو نهاده است به شوائی تمام سروده شده است.

داراب (ش — د) پسر بهمن ده مادرش برای او که راج و تخت را از دست ندهد، او را با جواهر بسیار در صندوقی گذاشت و پنهان کرد. گازی صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام دودک را داراب گذاشت. داراب بزرگ و نیرومند گشت و فرشتک و سراری او خشت و انی چون نسبت به پدر و مادر کازر بسند دهری احتیاس بی کرد، از آزار خود پرسید و چون راز را دانست، اسبی و سلاخی خرید و به شاه رفت. مرزبان درآمد. اتفاقاً رومیان به آن مرز آمده و رومیان را شکست دادند. آغاز کردند، هما ملکه ایران مشخصی را به نام «روماد» نامیدند.

جنگ روم فرستاد، داراب در آن جنگ رشادتها کرد و مورد توجه «رشنواد» قرار گرفت و چون از نراد او آگاه شد، نامه‌ای به همانوش و داراب را به درگاه فرستاد. هم‌ا‌که بسر را حنان دید، از گذشته پوزس خواست و بزرگان را جمع کرد و او را بر تخت شاهی نشاند. داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت. اما چون دهانش بوی ناخوش داشت، از او سیر شد و او را نزد پدر فرستاد، دختر بارداشت و سری زائید به نام اسکندر که قیصر او را بسر خود خواند.

داراب نامه (ك) از داستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است. از آنجمله روایتی است که به فلم مولانا سیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتاب شده است. داستان داراب نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفند بار بن گشناسب و پسرش فیروز شاه، داراب نامه از روی نسخه‌ای که در کتابخانه «روان» ترکمپه بوده است بوسیله آقای دکتر ذبیح الله صفا اسناد دانشگاه تصحیح و منتشر گردیده است.

دارالسلام (بن) اشاره به بهشت.

در عین نقد کوش که خون آب خورند

آدم بهشت روضه دارالسلام را

«حافظ»

داماد شعیب (نن) حضرت موسی که دختر شعیب را به زنی گرفت

دانشنامه علایی (ك) یادداشتنامه علاییه یا حکمت علایی کتابی

به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا. این کتاب به خواهنش علاءالدوله کاکوبه نوشته شده و شامل منطق و الهیات و طبیعیات است

دانشنامهٔ علائی مشتمل بر بسیاری از اصطلاحات فلسفی و منطقی
به فارسی است . (چاپ نهران)

داوود (تن) از بیغمبران و بازدهم یسنت یعسوب که آوازی خوش
داشت و هنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی «زبور» را می خواند، سرخ
از طهران باز می ماند .

کوه دانس را چو داوود از نفس
منطی الطیر از خوش آوائی ورسب
«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) از دوا بر اوزان فارسی و عربی . بحرهای متعارف
سالم و متدارك سالم از آن استخراج می شود .

دایرهٔ مجتلبه . (ع) از دوا بر اوزان عربی و فارسی . سایل .
بحر است که در فارسی منمن و در عربی غالباً سدس است :

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
رجز سالم = مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن

دایرهٔ مجتلبهٔ مزاحنه (ع) از دوا بر اوزان فارسی . سایل
چهار مفاعیل^۴ (بحر هزج منمن مکفوف) یا چهار بار مفعیلن (بحر رجز منمن
سطوی) یا چهار بار فاعلاتن (بحر رمل منمن مخبون)

دایرهٔ مختلفه (ع) از دوا بر اوزان عرب . سایل سه بحر است :

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن
مدد = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
بسیط = مستفعیلن فاعلن مستفعیلن فاعلن

دایره‌مشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر:

منسرح = مستفعّلن مفعولات مستفعّلن

خفیف = فاعلان مستفعّلن فاعلاتن

مضارع = مفاعیلن فاعلان مفاعیلن

ممنضوب = مفعولات مستفعّلن مستفعّلن

سرّج = مستفعّلن مستفعّلن مفعولات

مجتب = مستفعّلن فاعلان فاعلاتن

دایره‌مشتبهه‌زائده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام برطبق

معیارالاسماعیل خواجده نصیرطوسی است و شمس فیس رازی آن را «دایره

مختلفه» خوانده است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفعّلن فاعلاتن ۲ بار)؛

مضارع مکفوف (مفاعیلن فاعلاتن ۲ بار)؛ مجتب و مخبون (مفاعیلن فاعلاتن

۲ بار)

دایره‌مشتبهه‌مزاحفه (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام را خواجده

نصیرطوسی در معیارالاسماعیل بداین دایره داده و شمس فیس رازی آن را

«دایره‌مزعده» خوانده است، شامل بحرسرّج مطوی (مفعّلن مفعّلن

فاعلاتن)؛ بحرمنسرح مطوی (مفعّلن فاعلاتن مستفعّلن)؛ بحرقریب مکفوف

(مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلن فاعلاتن مستفعّلن)؛

خفیف و مخبون (فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن)؛ مجتب و مخبون (مفاعیلن فاعلاتن

فاعلاتن)

دایره‌مؤلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:

وانر = مفاعیلن مفاعیلن مفاعلاتن

کامل = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

دب اصغر (نچ) از صورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس

کوچک. جمله ستارگان خرس کوچک را «بنات النعش خرد» گویند
 دب اکبر (نچ) از صورتهای فلکی که در شمال منطقة البروج
 فرار گرفته و به شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده .
 دبران (نچ) منزل چهارم از منازل فمر و ستاره‌ای است درشت
 و روشن و سرخ که به نازی آن را «تابع النجم» گویند که در پشت «ثریا»
 است .

گرنورچو عفر بنشادی نافص و بی چشم
 بر قبضه شمشیر نشانندی دبران را
 «انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف
 تأسیس و حرف روی قرار گیرد مانند صاد در کلمه فاصر و ه در کلمه ماهر.
 تکرار حرف دخیل لازم نیست و اگر مراعات شود از محسنات شعر محسوب
 می‌شود . مثال از سعدی :

چشم بدت دورای بدیع شمایل
 ماه من و شمع جمع و میر قبايل
 مثال عدم مراعات از حافظ :

دارای جهان نصرت دین خسر کامل

یحبی بن مظفر ملک عالم عادل

درة التاج لعزة الدباج (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب
 الدین محمود بن مسعود بن المصلح الشیرازی معروف به علامه شیرازی .
 مؤلف آن را بنابه خواهش امیردباج فرمانروای کبلان و به نام او در سال
 ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درة التاج دارای چند بخش است در منطق
 و ریاضی و فلسفه و در حکمت نظری و عملی شامل دوازده رشته از علوم .

بخش اول دره التاج به کوشش و تصحیح آقای محمد مشکوة در سال ۱۳۲۰ به طبع رسیده و شامل یک فاتحه و ۵ جمله و یک خاتمه است. در منطق و فلسفه اولی و علم الاسفل (علم طبیعی) و علم الاوسط (علم ریاضی) و علم الاعلی (علم الهی). این کتاب از گنجینه های گرانبهای زبان فارسی و مستعمل بر همه فنون متداول عصر است و از هر جهت به کتاب الثناء ابن سینا منبیه است.

بخش دوم به کوشش سید حسن مشککان طبسی چاپ شده است. **درفش کاویان** (ش - د) علمی که کاوه آهنگر از چرم پاره ای بر سر جویی ساخت و مردم را بر ضحاک شورانید. از آن پس این چرم پاره که به گوهرهای گرانبها آراسته شده بود درفش شاه ایران شد و تا پایان کار ساسانیان همچنان درفش رسمی ایران را درفش کاویان می خواندند **دره نادره** (ک) تألیف سیرزا مهدی خان بن محمد نصیر استرآبادی منشی دربار نادر است. نثر آن بسیار پیچیده و نامرغوب است.

دستور عشاق (ک) رجوع شود به حسن و دل

دستور الکاتب فی تهیین المراتب (ک) کتابی به زبان فارسی تألیف شمس نخبجوانی معروف به شمس منشی بزرگ هندو شاه نخبجوانی. این کتاب شامل مکتوبهای شاهان و امیران و عالمان و حکیمان همچنین حاوی احکام دیوانی و تفویض اعمال به امیران مغول و وزیران است دستور الکاتب در اوایل سلطنت سلطان شیخ اوس بن حسن ایلکانی تألیف شده است. **دقیقی** (ت) ابومنصور محمد بن احمد دقیقی بلخی وفات ۳۶۵ هـ. ۳۷۰ - از بزرگترین شاعران قرن چهارم و معاصر سامانیان. بعضی او را بلخی و بعضی طوسی گفته اند، ابتداء در دربار چغانیان که در ماوراءالنهر سکونت داشتند، می زیست، و امیر ابوسعید مظفر و ابونصر بن علی چغانی

وامیرفخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصور بن نوح سامانی را مدح گفته است . دیقی به نظم شاهنامه پرداخت ، ولی نتوانست آن را به پایان رساند و به دست غلام خود گشته شد . ابن قسنت از شاهنامه دیقی به «گشتاسب نامه» معروف است و مربوط به ظهور زرتشت و جنگ بین گشتاسب و ارجاسب است و فردوسی عیناً آن را در شاهنامه، خود آورده است .

از دیقی جز گشتاسب نامه فصاحت و غزلها و ایات ترا کنده درند کرها و کتابهای تاریخی باقی است .

دلو (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به شکل دلو آب کشی . برج دلو برابر ماه بهمن است .

فتاده آبکش را دلو درجاء بمانده آبکش خیره خو کمره

«اردو» را می

دماوند کوه معروف در شمال سرفی نهران، در شاهنامه آمده است که فریدون ضحاک را در آن کوه حبس کرد .

دم عیسی (زن) نفس عیسی که مرده را زنده می کرد

هرنسیمی که به سن بوی خراسان آرد

حون دم عیسی در کالبدم جان آرد

«سید حسن غزوی»

دمیته القصر وعصره اهل العصر (ک) کتاب جمهوری در ذکر

احوال نویسندگان و شاعران عربی زبان ، تألف علی بن الحسن باخرزی

این کتاب در واقع ذیلی است بر بیمة الدهر عالبی

ذیلی (ت) «عبد الرزاق بیکن» ذیلی . وفات ۳۴۴ ۱۲۰۱ هـ

ساکن خوی که در سال ۱۱۷۶ در خوی متولد شده است . ذیلی به از

رفت و در محافل علم و ادب رفت و آمد کرد و بسبب استعداد فطری مردی ادیب و دانشمند گردید. دنبلی تافوت کریم خان زند در شیراز ماند و پس از او به اصفهان آمد و به خدمت فتح‌علی شاه رسید و در دربار او نقرب حاصل کرد و تاریخ فاجاریه و مآثر خاقانی را نوشت و در ۱۲۱۰ به عتبات رفت و در سال ۱۲۴۳ وفات یافت.

از آثار دیگر عبدالرزاق بیگ «مآثر سلطانی» و «حدایق الجنان» است در شرح حال عالمان و فاضلان معاصر خود که یکبار در آن تجدید نظر کرده و ناسنس را «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار» گذاشته است. و دنبلی در سبک ابن کیماب به شیوه تاریخ و صاف و گلسنان سعدی نظر داشته و مانند آنها تشریفی به کار برده است. عبدالرزاق شعر نیز می‌سروده و «مفنون» تخلص می‌کرده است.

دوانی (ت) وفات ۹۰۸ - جلال الدین محمد بن اسعد الدوانی اهل فریه دوان در حوالی کازرون فارس. وی مرد ادیب و حکیم و عارف بوده و پدرش در کازرون شغل قضا داشته است. از آثار او به فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به نام امیر حسن بیگ برکمان و پسرش سلطان خلیل بایندر در نیمه دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر آثار مولانا جلال الدین به زبان عربی است مانند «رسالة اثبات واجب قدیم» و «رسالة اثبات واجب جدید» و «رسالة نموذج العلوم» و «حواشی تهذیب المنطق» و «شرح هیاکل النور سهروردی» و چند کتاب دیگر.

ملا جلال دوانی شاعر نیز بوده و «فانی» تخلص می‌کرده است.

دوایر اوزان عرب: (ع) خلیل بن احمد واضح علم عروض اوزان اصلی شعر عربی را در پنج دایره قرار داده است از آن قرار: دایره مخلفه - دایره مؤتلفه - دایره مجتلبه - دایره مشتبهه - دایره متفقّه

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو ایراوزان فارسی (ع) دو ایراوزان فارسی پنج است از این قرار:

دایره متفقہ - دایره مجملہ - دایره مجملہ زائده مزاحفہ - دایره مزاحفہ - دایره مشبہ زائده .

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو بیت (ب) مانند رباعی است اما بدو وزن مثنوی اختصاص ندارد .

دو بیت‌های باباطاهر که بر وزن «مفاعیلن مساعیلن» است شهرت بسیار دارد .

نسیمی کزین آن کاکل آید در آغوش تر ز بوی سبیل آید

جوشب گبرم خیالت را در آغوش سحر از بسترم بوی دل آید

دولت‌شاه سمرقندی (ت) امیر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی .

وفات . . ۹۰۰ - از بزرگان و رجال دورهٔ تیموری . پدرش از مقریان دربار شاه رخ بوده است و خود دولت‌شاه در هرات از درباریان ابوالغازی، سلطان حسین و امیرعلیشیر نوائی و معاصر جاسی است و نام این سه نفر را در تذکرهٔ خود آورده است .

دهلوی خواجه حسن شیخ نجم‌الدین بن علی سنجری دهلوی .

وفات ۷۷۷ - از شاعران فارسی زبان هندوستان و از عارفان معروف قرن هشتم . خواجه حسن دهلوی معاصر و مورد توجه امیر خسرو دهلوی بود و به دلالت او به خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاء رسید و در ملک دربار او درآمد . خواجه حسن دهلوی در غزل بیرو معادی است و چند ندر به این اسرار می‌کند و ازینرو او را «معادی مدوسان» می‌نامند .

دیوان امیر حسن (چاپ شد)

دهخدا (علی اکبر) (ت) وفات ۳۳۴ شمسی - از شاعران

از ملا کتب متوسط فزوبن که در تهران اقامت کرد. دهخدا در حدود سال ۱۲۹۷ قمری در تهران متولد شد. علوم معمول زبان مانند زبان عربی و علوم دینی و معانی و بیان و حکمت را نزد یکی از فاضلان به نام شیخ شلا محسین بروجردی آموخت و از محضر حاج شیخ هادی نجم آبادی دانشمند معروف استفاده کرد. پس از اتمام تحصیلات در مدرسه علوم سیاسی به اروپا سفر کرد و زبان فرانسه آموخت. مدتی هم در وین بسربرد. دهخدا در آغاز مشروطیت به تهران بازگشت و روزنامه «صور اسرافیل» را با همکاری میرزا جهانگیر خان و میرزا قاسم خان شیرازی نشر کرد و قسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرند و پرند» و با اسماء «دخو»عهده گرفت. مدتی نماینده مجلس شوری و چند سال رئیس مدرسه حقوق و علوم سیاسی بود. از آن پس تا پایان عمر به مطالعه و تحقیق و تألیف پرداخت.

از آثار دهخدا کتاب «امثال و حکم» در چهار جلد است که حاوی امثال و ضربات زبان فارسی است. دیگر حواشی بر دیوان ناصر خسرو و دیوان منوچهری و ترجمه کتاب «روح القوانين» منتسب به و «سر عظمت و انحطاط دولت روم» و فرهنگ فرانسه به فارسی و تصحیح دیوان مسعود سعد و فرخی. بزرگترین اثر و مهم‌ترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است. دهخدا شعر نیز می‌گفت و بهرو سبک استفاده‌شان بود. در جمع بند معروفی در سرثیه میرزا جهانگیر خان شیرازی معروف به صور اسرافیل دارد. (دیوان دهخدا - چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی).

دینوری (ت) رجوع شود به ابو حنیفه دینوری

دینوری (ت) رجوع شود به ابن قتبه دینوری

دیوان شمس تبریزی (ک) دیوان غزلیات مولانا جلال الدین

رومی معروف به مولوی که به دیوان شمس مشهور است . گرجه دخلص
مولوی در این کتاب «خسش» یا «خادوش» بوده و غزلباتی به نام صلاح
الدین زرّ دوب یا حسام‌الدین حلی دارد ، وای به غلب ارادتی ده به
شمس نبریزی داشت ، اغلب غزلها را به نام وی ختم کرده است .
حنی نام «شمس نبریز» یا «شمس الحق نبریز» دره بن غزل نمر آمده است .
از انروست ده دیوانش به نام شمس نبریزی معروف گردیده است .
مولوی هرگز به شعر و ساعری بفاخر نمی درد ولی حالات روحی و جذبه
و شعری را که در وجودش بلید آمده بود ، به صورت شعر بیان می درد
خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور و جذبه است . مولوی
هرگز نخواستند است از فنون شعر و منابع لفظی استفاده کند و با به فاقد
سازی بردارد و هنگام سرودن شعر فقط به حال درونی خود در پیاد است
به به به کتاب دلام . به همین جهت اسعاری در دیوانش نام نمی رود
که حتی فاقد قافیه است وای دراز لطیف و معوی است . (کتاب تهران)

ذخیره خوارزمشاهی (ک) کتابی در طب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشک معروف قرن سیم که آن را در سال ۴۰۵ هجری به نام قطب الدین محمد بن ابوشنکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است و جزء کتب مهم طبی به شمار می رود .

ذخیره در دوازده جلد است و هر جلد دارای چند باب و فصل است و شامل مباحث طب و ادویه و شریح است . مؤلف در مقدمه کتاب شرحی درباره خوارزم و امارت قطب الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از اصطلاحات طبی به فارسی به کار رفته است . ذخیره خوارزمشاهی بوسیله خود مؤلف به عربی ترجمه شده است .

ذم شبيه به مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت ، پس از اطلاق اسماء مانند اما ولیکن صفتی را ابراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه اندمین و سخنشان درست لبیک

ناه عطا ترش رو و در وعده کاذب اند

ذو بحرین (ب) آن است که شعر به دو بحر از بحر عروضی خوانده شود . مانند این شعر:

ای بت سنگین دل ستمین ففا ای لب نورحمت و غمزه بلا

که باد و وزن خوانده می شود : ۱- مفتعلن مفتعلن فاعلن

۲- فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ذوالفقار (تن) تمشیر حضرت علی

صمصام شاه جون زهنر حاشنی دهد

رخمنن برابر آید بازخم ذوالفقار

"ابوالمرحزوبی"

ذوقافیتن (ب) آن است که ساعر شعری سادل دوقافیه بگوید.

مانند دلمه‌های آسمان و کمان و تخت و سخت در این شعر:

ای شاه زمیں بر آسمان داری تخت

سخت است عدو نانو کمان داری سخت

حمله سبک آری و کران داری رخمت

ندری بویه بدبیر و جوان داری بیعت

ذوالقرنین (بن) اسکندر که به روانی از بهر عمران است و سه

تأجوج و مأجوج را ساخت و با خضر به طلب آب حیوان رفت و ای بدان

دست نداشت. اسکندر که صورت دگرگون شده الکساندر است به روانی

تاریخ نام شاه یونان سرفیلیپوس است که سی و سه سال عمر کرد و به ایران

ایران را تاخته تسخیر کرد.

کلمه ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است و مفسران آن را بنا بر اسکندر

معدونی تطبیق کرده‌اند. مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله‌ای

دارد که در آن با ذکر فرائن و ادله‌ای اظهار نظر می‌کند که ذوالقرنین

مذکور در قرآن کورس هخامنشی بوده است نه اسکندر معدونی

فرمانبر خدای و نگهبان حلقی باس

این هر دو قرن اگر بگرفتی سگداری

"سعدی"

رابعه قزداري (ت) رابعه بنت كعب قزداري بلخی از زنان
شاعر قرن چهارم و معاصر ساسانیان و رودکی . رابعه دختر كعب
قزداري از اميران عرب بوده است . درباره رابعه گفته شده است كه
عاشق بكتاش نام غلام بدوش گشت و به همدن جهت به دست برادر كشنه
شد . عوفی او را در نظم فارسی و تازی زبردست دانسته است . اشعار
پراکنده ای از او باقی است . داستان عشق رابعه بابکاس در الهی نامه
عطار آمده است .

راحة الصدور و آية السرور (ك) از كتابهای مهم اواخر قرن
ششم و اوائل قرن هفتم . تأليف نجم الدين ابوبكر محمد راوندی كه آن را
در سال ۹۹۵ هـ به نام دبّخسروبن فلج ارسلان از سلجوقیان روم تأليف كرد .
مؤلف در این كتاب پس از ذكر مشتمه و سبب تأليف كتاب به تاريخ
سلجوقیان می بردارد و وفایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر
منرح می دهد . همچنین سلاجقه عراق و وابع سلطنت ایشان را تا استیلای
خوارزمشاهیان ذكر می كند . در آخر كتاب فصولی در ذكر آداب شطرنج و
شراب و مسابقه ، تیرانداختن و شكار و امثال آن دارد . همچنین در ضمن
كتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذكر می كند . این كتاب شامل
اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین كتابهای
فارسی پیش از مغول به شمار می آید .

رازی (ت) ابوبكر محمد بن زكریای رازی . وفات ۳۱۳ هـ از حكیمان

و طبیبان عالیقدر ایرانی. رازی در سال ۲۵۱ در ری متولد شد و تحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم و ادب پرداخت، پس از آن به علم دیسیا و طب توجه کرد و پس از شهرت در طب به خدمت ابوصالح منصور بن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف او به ریاست بیمارستانی، که در ری تأسیس شده بود، منصوب شد. پس از آن به بغداد رفت، در آنجا هم ریاست بیمارستان را به عهده گرفت ولی مدت درازی نماند و به ری بازگشت. وی در اواخر عمر به شوری مبتلا شد.

رازی آثار فراوانی در فلسفه و طب دارد و در فلسفه به مخالفان افلاک ارسطویی باشد.

از آثار فلسفی او: «الفوائد الطبيعية فی الحکمة العقلية» و «العلم الالهی» و «مقالة فی ما بعد الطبيعة» و «القول فی المبدأ الخمسة» و «القول فی الهیولی» و «القول فی الزمان والمكان».

آثار طبی او نیز متعدد است و ابوردجان به جواز از ۶۵۰ کتاب طبی به رازی سبب داده است.

مهمترین تألیفات طبی او کتاب «الجوهری» و «طب النعمان» است. از کتابهای دیگر او کتاب «الشکوک» است که در آن درم الشیوخ ایراد کرده است. دیگر کتاب «فی الادوية الطبیة» که به طب الفقراء مشهور است. زیرا که در این کتاب دستورهای ساده برای علاج است بی حاجت به طبیب.

زکریای رازی در علم کیمیا نیز از بزرگترین استادان «کیمیای سعادت» بود و آناری در این علم دارد و در نتیجه آنچه کتاب فراوانی در این علم تألیف کرد «الکحل» و جوهر کو کرد تا «زبد الراج» باشد است. از آثار کیمیا

که در این قسمت به رازی نسبت داده اند. کتاب «ملل المعادن» و «اتباب الصناعات» و «کتاب الکسیر» و «کتاب الحجر» و «کتاب شرف الصناعات» و اناردینکر است.

راوندی (ب) نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان الراوندی.

از نویسندگان قرن سیم و معاصر سلجوقیان که نزد خال خود تاج الدین احمد تربیت یافت و علوم شرعی و ادبی فرا گرفت و می گویند هفتاد گونه خط آموخت و به استنساخ مصاحف پرداخت و در سال ۵۷۷ ه به استادی خط سلطان طغرل بن ارسلان انتخاب شد و از مقربان درگاه او گشت. راوندی پس از حمل طغرل به آسیای صغیر رفت و در خدمت غیاث الدین کبک خسرو بن فلج ارسلان درآمد و در سال ۵۹۹ ه کتاب «راحة الصدور» را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه کهکشان راه کاهکشان. (نج) مجره

از پس که در این راه رز انکور کشانند

این راه رز اندون جوره کاهکشان است

«موجهری»

رباعی (ب) عبارت است از چهار مصراع که اول و دوم و چهارم

دارای قافیه واحد باشند. برون ل حول ولا قوة الا بالله است. معنی رباعی

اغلب در مصراع آخر تأمل می شود.

رباعیات خیام بسیار معروف است.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من

وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو

چون پرده برافتد نه تو بینی و نه من

ربیع (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را صلح کنند .
می ماند فاعل، پس آن را میخون کنند فعل می ماند . و آن را مربوع
خوانند .

ربنجنی (ب) ابو العباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران
عهد ساسانی که عوفی قطعه ای از او در دربه نهضتین احمد ساسانی نقل
کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده
است . ایادت ترا کند ای سپر از او در فرغنگها به عنوان شاعر ذکر
نموده است .

ربیهی بوشنجی (ت) صدرالدین خطیب دخیلنس به ربیهی بوشنجی .
مقتول ۷۰۲ - از شاعران معاصر فخرالدین درت پادشاه هرات ده او را
در اسعار خود مدح کرده و بعد بدفردان همین شاه به زندان اواده است
وی در زندان مستوی « دارنامه » را ساخته و بنوی درگیری هم به نام
« کرب نامه » به سمک شاهنامه دارد .

رجز (بحر) ع اصل آن در عربی پس بار « مستعلن » است .
در فارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است .

رجز مشمن سالم (مستعلن ۸ بار) مثال :

ای ساریان منزل سکن جز در دبار ناردن

نابک زمان زاری کنم بر ربع و الملال و دمن

رجز منمن مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که زبک نابس نو نوه احد ناره نبود

چه عجب ارست لیلی عباس و بیچاره سرود

رخش (ش - د) نام اسب رستم . ناشی در شعر فارسی آمده است

مطلق اسب ندرآمده است .

صدر توبه پاید تخت جمشید خنگ توبه سانه رختن رستم

«اوری»

رد الصدر الى العجز (ب) آن است که شاعر کلمه واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند .

عصابر لرفنن نه معجز بود همی اژدها کرد باند عصا

رد العجز الى الصدر (ب) آن است که شاعر لفظی را که در آخر شعر می آورد ، در اول شعر بیت بعد مکرر کند .

«وام دولت و دین روزگار فضل و هنر

ز فضل وافر سو بافت زب و فر نظام

نظام ملک و ملکی عجب باشد اگر

به رونی است در این روزگار کلک و حسام

ردف (و) از حروف قافیه . ردف، الف ، واو ، یابی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرار گرفته باشد ، در این صورت قافیه را مردف خوانند، بشرط آنکه با قبل واو مضموم و با قبل باء مکسور و با قبل الف مفتوح باشد ، مانند شجاع ، روز ، سبر . مثال :

شهر غزنین نه همان است که من دیدم بار

چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بر دو قسم است : ردف اصلی — ردف زائد .

ردف اصلی آن است که بی فاصله قبل از روی قرار گیرد . مانند کار ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله سود مانند گمانست با گونست . حروف ساکنی که بین واو ، الف ، یا ، و روی واقع می شود شش است : ش ، ر ، ف ، س ، خ ، ن (شرف سخن) التزام

ردف واجب است .

ردیف (ف) يك با چند كلمه مستقل وجدا از فافیه است كه در همهٔ بینه‌ها عیناً تکرار شود و شعر در معنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند «ننوان کرد» در این شعر :

دست در حلقهٔ آن زلف دوتان ننوان نرد

نکبه بر عهد دو و باد صبا ننوان کرد

رس (ف) از حرکات فافه . حرکت ماقبل الف با سبب یعنی فنیحه . مانند حرکت فاف و بیهم در کلمه‌های فاصر و ماهر

رسائل اخوان الصفا رسائلی است در بیان عقاید اخوان الصفا که در قرن چهارم هجری تدوین شده است . طایفهٔ اخوان الصفا برای آنکه آزادانه عقاید خود را منتشر سازند و با مخالفت معصیان دین و فلسفهٔ روبرو نکردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . و شامل چهار قسمت است :

۱- رسائل ریاضیه تعلیمه ۲- رسائل جسمانیه طبیعیه

۳- رسائل نفسانیه عقلیه ۴- رسائل ادویه الهیه

و مجموع این رسالات ۴۰ است . از این رساله‌ها خلاصه‌ای به

فارسی و تازی وجود دارد .

رستم (ش - د) از پهلوانان معروف شاهنامه و پسر زال و رودابه و نوادهٔ سام و مهرباب کابلی . رستم در زبان شاهی منسوب به دژها است ، مهر و مردی آموخت ، و داستان پهلوانی او از نشنیدن بدل شد اخبار شد و پس از آن دلاوریهای بسیار کرد و ابرو زنها بدست آورد . مانند

نشودن دز ثوه سبند که سام و نریمان مدتی آن را حصار کرده و بر آن دست نیافته بودند؛ آوردن کبکباد از البرز کوه و برنخت نشان دادن او، داستان عفتخوان، و فتح سازندگان و رهانیدن کاووس از دست دبوسید، جنگ با نامه‌ها ساوران و رهانیدن کاووس از زندان، جنگ با سهراب و کشتن او بی آنکه او را بشناسد، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سباوش، جنگ با نورانبان و کشتن انسکبوس و گرفتار کردن خاقان چین، جنگ با دیوان دبو، رهانیدن بیزن از چاه، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن او.

رستم پس از آنکه دلاوری سرانجام به خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد و پس از کشتن شغاد، جان سپرد.

رشحات عین الحیاة (ک) تألیف فخرالدین علی بن حسین کاشفی که آن را در سال ۹۰۹ ق تألیف کرده است. این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجه احرار شیخ اعظم سلسله نقشبندیه و نعلیم و کرمان شاگردان اوست و مستمل بر یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه است.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) فضل‌الله بن عمادالدوله ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی. وفات ۷۱۸-۷۱۹ از وزبران و طبیبان و سوره‌خان بزرگ ایران در دوره مغول، که در سال ۶۴۵ در همدان سولد شد. رشیدالدین فضل‌الله در دربار اباقاخان سمت طبیب خاص و در دربار غازان خان منصب صدارت داشتند است. در سال ۷۰۳ که غازان به شام لشکر کشید، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و در عهد سلطان محمد خداپسند نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد و خدمت‌های بسیار و آبادانی‌ها کرد.

این وزیر دانشمند در زمان سلطنت ابوسعبد به علت خصوصیت و زبرد بکر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد و در سال ۷۱۸ هـ در سن هفتاد سالگی بایسر شانزده ساله اش به قتل رسید و مابملک اوضبط شد. رشیدالدین فضل الله علاوه بر تنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحففات تاریخی پرداخت و اثر معروف خود را به نام «جامع التواریخ» به وجود آورد. از آن دارد بکرا و «مجموعه رشیدی» است به زبان عربی شامل کتاب «توضیحات» در مسائل تصوف و کلام و «مفتاح التفسیر» در مسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن و مفسرین آن و کتاب «لطائف الحقائق» در مسائل کلام و «الرسالة السلطانیة» شامل مباحثه هائی در موضوع کلام در حضور سلطان الجایتو و «بیان الحقائق»

رشید و طواط (ت) رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب. وفات ۷۳۰ هـ. از ساعران و دانشمندان معروف قرن سیم. در بلخ متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسه نظامیه آن شهر به پایان رساند و در فارسی و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسائل دربار آنسز خوارزمشاه گردید و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند. تخلص رسید به و طواط به مناسبت کوچکی جثه و شباهت او به و طواط است که برنده کوچکی می باشد.

وطواط غیر از شاهان خوارزم عده ای از رجال و امیران زمان خود مانند خاقان محمود بن محمد بغراخان، و امام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازي نصره الدین رسنم بن علی بن شهریار بن «ارن» از شاهان آل باوند را مدح گفته است. رشید با خاقانی و ادیبان دیگر در نامه ها داشته و خاقانی به احترام از او یاد می کنند. از آثار رشید و طواط یکی

دیوان شعر است. دبگر منشآت اوست به زبان فارسی، اعم از رسائل سلطانی و اخوانی، دبگر «حدائق السحر فی دقائق الشعر» در بدیع و صنایع شعری. «نثر اللالی من کلام امیرالمؤمنین علی» که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است. دبگر منظومه ای در عروض فارسی شامل سنانزده بحر از بحر عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام.

رشید وطواط از دانشمندان بزرگ و ادیبان معروف در زبان فارسی است و در نثر عربی هم از بلغاء مشهور است.

رشیدی (ت) سیدالشعرا استاد ابو محمد بن محمد رشید سمرقندی. از ساعران معروف ماوراءالنهر در قرن ششم و اهل سمرقند که در دربار سلطان خضر بن ابراهیم تقرب داشت و لقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمیق بود و میان آنها کدورنی وجود داشت. با مسعود سعد سلمان نیز معاصر بود و با هم سکاتبد و مشاعره داشتند. از ممدوحان او خضر بن ابراهیم و درخان ابوالمعالی و سلطان سنجر سلجوقی بوده اند. منظومه ای به نام «مهر و وفا» به او نسبت داده اند. قصیده ای در صنعت نوشبح دارد که شمس فیض آن را به عموان نمونه این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المعانی التتوی. از فاضلان و نویسندگان دربار شاه جهان و عالمکبر. اصلش از سادات مدینه و از بنو حسینی و مدنی لقب یافته است. سولدش شهر تنه از مضافات سند است. رشیدی در زبان فارسی و تازی استاد بوده و درباره لغات فارسی که در زبان عرب داخل شده است تحقیق و نتایج کرده و مجموع تحقیقات خود را در رساله ای به نام «معربات و منخبات اللغات» آورده و آن را به نام شاه جهان تألیف کرده است. دبگر «فرهنگ رشیدی» است در لغات فارسی.

رشید یاسمی (ت) غلامرضا فرزند محمد ولی خان کورانی، وفات
 ۱۳۳۰ شمسی - رشید یاسمی تحصیل‌آب خود را در کرمانساده و نهران انجام داد
 و به زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی و عربی و بهلوی آشنائی یافت و از
 سال ۱۳۱۲ در دانشکاه نهران به سمت استادی تاریخ از انتخاب شد.
 رسیده علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها و تحقیقات بسیار دارد.
 از آثار او ترجمه «ایران در زبان سانسازان» اثر ارنور کرسینسن و «شکست خان»
 از شارولد لیب و رساله اردو برافنامه و اندرززار سیدان است، همچنین
 دیوان مسعود سعد و ابن یمین و سلمان سماوجی را تصحیح و چاپ کرده
 است. رسیده دارای اسعار فراوانی است که در آن تحولات اجتماعی و
 فرهنگی نمودار است. دیوان رشید - (چاپ تهران)

رضاقلی خان هدایت (ب) رجوع نمود به هدایت

رضوان (ن) دربان بهشت.

برده رضوان به بهشت از ای پهنه لری

از بی جرمی که انداخته بهشتان به برای

«انوری»

رضی نیشابوری (ب) رضی الدین نیشابوری، وفات ۵۹۸ هـ - از
 دانشمندان و شاعران قرن نهم به جلالت الدین نلیج و لایق حاج خان ابراهیم
 بن حسین و پسر نلیج ارسال از شاهان آل ابراهیم را تاریخ کرده است.
 رضی الدین سحر عربی هم می‌گفته است «عبر از دیوان اشعار
 نمایی به نام «دیکارم الاخلاق» به زبان فارسی به او رسیده است.

رفع (زحاف) (ع) در بعضی سده‌ها است که می‌مانند آن
 بجای آن شاعران می‌دارند و آن را در یوم خرافه‌ها، در روز اول ماه
 است که می‌مانند مولای بجای آن مفعول می‌دارند، و آن را در یوم خوانند.

رفیع لنبانی (ت) رفیع الدین مسعود لنبانی اصفهانی — از شاعران مشهور اوایل قرن ششم . سولد وی لنبان از قراء اصفهان بوده و در جوانی فوت کرده است . از سمدوحان او رکن الدین مسعود بن صاعد قاضی از افراد آل صاعد و عمید الدین اسعد بن نصر وزیران ابک سعد زنگی می باشند دیوان او به قول هدايت دارای ده هزار بیت بوده ولی همه آن در دست نیست .

رفیع مروزی (ب) عوفی در لباب الالباب رفیع مروزی را از جمله شاعران سلجوقی آورده و ابباتی از او نقل کرده است و گویا از شاعران نیمه دوم قرن ششم باشد .

رما (بحر) ع از بحر شعر فارسی و عربی . اصل آن در عربی سپس بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج بسیار دارد:

رمل مثنی سالم (فاعلاتن ۸ بار) مثال :

سهمکین آبی که مرغابی در او امن نبودی

کمترین موج آسنا سنگ از کنارش در ربودی

رمل مثنی سالم محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) مثال :

هر سب از بحر خیالت مردم چشمم به اسک

حجره را آبی زده پس بر سر راه آمده

رمل مثنی مخبون (فاعلاتن ۸ بار) مثال :

پیتش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را

الله الله نو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثنی مخبون محذوف یا مضمون (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

یا — (فعلات) مثال :

خبرت هست که بی روی تو آرامش نیست
 طاقت بار فراق این همه ایام نیست
 رمل مسدس سالم میخوفا آخر (فاعلان فاعلان فاعلن) مثال:
 بشتنوا زنی چون حکایت می کنند
 وز جدائیهها شکایت می کند
 رمل مسدس مخبون میخوفا آخر (فعلاتن فعلاتن فعان با
 فعلاتن)

بتوان رستن از عذاب خدا نتوان از زبان مردم رست
روحانی (ن) ابوبکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی از شاعران
 قرن ششم که تذکره نویمان او را سمرقندی می دانند، روحانی بن النول
 بهرامشاه را مدح کرده است. انانی از روحانی در تعریل باقی است.
روح الجنان (ک) یاروض الجنان کتاب معنیری به زبان فارسی در
 تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آن را در اوایل قرن ششم تألیف کرده
 است. این تفسیر در بیست مجلد است که مؤلف در آن الملاحاتی از آیات
 محکمات و مشابیهات و اینکه مکی است یا مدنی و همچنین نظریه های وراء
 را درباره آن آباء به دست می دهد، سپس به نقل و تفسیر آیات می پردازد
 کتاب بانثر بسیار ساده و روان نوشته شده و از تفهیم های بی نظیر زبان
 فارسی است.

روح القدس (س) محمود روحی است که در مردم دهمیه مد و
 موجب پیدایش عیسی گشت.

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه در جانی نه

روحی (ت) حکیم روحی و ابوالجی از شاعران قرن ششم و از

ولوالج ماوراءالنهر. وی در اشعار خود از مسعود سعد و فرخی و فطران نام برده و خود را با آنها سنجیده است. اشعارش هزل آمیز است و حتی در اشعار عادی نیز جنبه سوخی و بذله گوئی را از دست نداده است. در وصف اسب کندرو خود قصبه مطبوعی دارد که در دست است.

رودابه (ش - د) از زنان داستان شاهنامه و دختر مهرباب کابلی که بنا بر روایت شاهنامه از نژاد ضحاک بود و به سام باج می داد. رودابه عاشق زال پسر سام و زال نیز سفتت او گشت. پنهانی دد اهرائی میان آنها دست داد. زال از پدر خواست تا با پیوند آن دو موافقت کند. نخست منوچهر شاه ایران از پیوند زال با رودابه که از نژاد ضحاک بود، هراسناک شد، ولی پس از شور با اخترشناسان، چون دانست که این پیوند سرانجام نیک دارد و بهلوانی چون رستم از آن به وجود می آید موافقت کرد. رودابه با زال بیمن زناسوئی بسبب و به سستمان رفت.

رودکی سمرقندی (ب) ابو عبد الله جعفر بن محمد وفات ۳۲۹ - شاعر بزرگ قرن چهارم و معاصر سامانیان که در قرن رودکی نزدیک سمرقند متولد شده است. عده ای گویند که کور مادر زاد بوده است ولی در اشعارش اشاراتی بافت می شود که دال بر بینائی اوست. عوفی می گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت و صدای خوش داشت و بر بطن خوب می نواخت. رودکی در دربار امیر نصر سامانی نفوذ یافت و ثروت و مکننت فراوان اندوخت. از سمدوحان رودکی امیر نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی و ابو جعفر احمد بن خلف بن الیث از امیران صفاری و ساکان کاکلی و ابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است. رودکی نخستین شاعر بزرگ ایران است که استاد شاعران نامیده شده است و شاعران پس از او بسیاری از اشعار او را تضمین کرده و مقام

اورا در شاعری ستوده اند . رودکی در فنون مختلف شعر اسناد ماهر بود
و اسعار او را در حدود صد هزار بیت تخمین زده اند که بیجز معدودی همه از بیان
رفیه است . در دیوان وجود رودکی نیز قطعه غائی از اسعار و طراوت به اسبجاه
وارد شده است . از آثار مهم رودکی " دیلمه و دمنه " منظوم است که جزای باب
پراکنده ای از آن در دست نیست .

روزبه نکستی (ت) ابو عبدالله روزبه نکستی لاموری از ساسران
نیمه اول قرن پنجم معاصر سلطان مسعود غزنوی و از جمله مداحان او است .
اشعاری در باب الالباب را او آمده است .

روشنائی نامه (ک) رساله منظومی اثر حکیم ناصر خسرو مازنی
در وعظ و حکمت شامل ناصد و نود و دو بیت . این منظومه در آخر دیوان
ناصر خسرو به تصحیح حاج سید نصرالله نفیسی به چاپ رسیده است .

روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات (ک) کتابی به
زبان عربی تألیف محمد نایر بن حاجی امیر بن العابد بن المور و فی الشیخ و اسرار
این کتاب شامل شرح حال ۷۴۲ تن از عارفان و فاضلان و شاعران قدیم و جدید
فقهیان شیعیه می باشد . تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸۶ هجری است .
شرح احوال بر حسب حروف تهجی است و ای اشعار به نام معروف بر زبان
نویست و پیدا کردن ذکر این اشخاص مورد نظریه آسانی میسر نمی شود .
(چاپ تهران)

روضه الانوار (ک) مثنوی در مصوف و عرفان اثر خواجوی کرمانی
شاعر قرن هشتم ، که آن را در سال ۷۴۳ به نام شمس الدین محمود میاس
وزیر شمشخ ابواسحاق اینجو ساخته است .

روضه رضوان (نن) کنایه از بهشت .

فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند

غلمان ز روضه حور ز جنت بدر کشیم

«حافظ»

روضه الشهداء (ک) کتابی تألیف ملا حسین واعظ کاشفی ،
سلمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبرها می خواندند و گویا
نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و
خوانندگان آن را بر منبر «روضه خوان» می نامند .

روضه الصفا (ک) کتاب معروف و عظیمی در تاریخ عمومی عالم
تألیف مورخ معروف قرن نهم میخواند که آن را به نام اسرعلیشیر
نوائی ، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا ، تألیف کرده است .
این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میخواند
تألیف کرد و به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان
رساند و جلد هفتم محملاً بوسیله خواند سبصر صاحب کتاب حبیب السبیر
بایان یافته است .

شش جلد اول مستمل است بر تاریخ انبیا و بزرگان و شاهان
ایران قبل از بعثت حضرت محمد ، تاریخ پیغمبر ص و خلفای راشدین ،
تاریخ ائمه و خلفای اموی و عباسی ، تاریخ شاهان ایران بعد از اسلام
تا هجوم تاتار ، احوال شاهان و سمران مغول ، تاریخ تیمور و جانشینان
او تا سال ۸۷۳ ه .

جلد هفتم که مستمل است به فلم خواند سبیر باند شامل سلطنت
وزندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است . بعدها
رضافلی خان هدایت در زمان قاجار به جلد هشتم و نهم و دهم را تألیف
کرده و به سایر جلدها افزوده است و آن را «روضه الصفا ناصری» نام

نهاده است. این سه جلد در تاریخ صفویه و عالمان و رجال آن دوره، تاریخ زندیه، شاهلی آغامحمدخان قاجار، سلطنت فتحعلیشاه، جلوس محمدسرزای ولیعهد در تبریز، سلطنت محمد شاه قاجار، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷۴ هجری است.

میرخواند در روضة الصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند طبری و الکامل ابن ابیر استفاده کرده است. نشر روضه الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دوره مغول و تیمور از نوع ترمیم و ترمیم شده است و دارای صنایع لفظی فراوان می باشد. (حاج تهران)

روضه العقول (ک) ترجمه ای است از دوزبان نامه که به وسیله محمد بن غازي الملطبوی و به دستور سلیمان شاه بن قلج ارسلان در سال ۹۸۵ هجری قمری و از لهجه طبری به فارسی درآمده است. مترجم در این کتاب از سبک کلیل و دهنده نصرالله دهنی پیروی کرده است. اندک کتاب مصنوع و دارای شواهد و امثال بسیار به زبان عربی و فارسی است. **روضه المنجمین (ک)** تألیف سهروردان بن ابی الخیر که از راجدان ۶۶۴ هجری قمری است. مؤلف در مقدمه می گوید که در کتابش سخنهای منداول به کار برده است تا دانشمندان آن بر همه اسان باشد.

روم (س. د) سرزمینی که به موجب روایت نامه نامه جزیه روم فریدون بود و چون کشور خود را اسان بمران نداشتیم شد، روم به سلم رسید:

نخستین به سلم اندرون بنکرید

محمد روم و خاور مرا را نزد

شاهنامه

رومیان در ادبیات فارسی به زیبایی چهره و صفت و میل اند

ای شب چنین درازنبودی و سرمدا از نو بدیدند بست نه شعری نه فریاد
مطلق به حرف وصل . مانند کلمه دشمن در این مصراع کدبه
پاء وصل سده است .

دوستا گرد دوستی گردنمونی

در این قافیه دو حرف و دو حرکت لازم است .

۲- مطلق به فید . مثال :

آخر در زهد و توبه در بسنم وز بند قبول این و آن رسنم

در این قافیه سه حرف و دو حرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف و آن بردونوع است .

مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی .

نه کنتی کزین بسنم دوستداری

در این قافیه سه حرف و دو حرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد .

ای همای همتت سر بر فلک افراخته

در این قافیه چهار حرف و دو حرکت لازم است .

۴- مطلق به خروج .

صنما تابه لب سینه عشق نو دردم

در این قافیه سه حرف و یک حرکت لازم است .

۵- مطلق به خروج و مزید .

زانچه از حق در دلسنم شرحه خواستد صاحبش

در این قافیه چهار حرف و دو حرکت لازم است .

۶- مطلق به خروج و مزید و ناسره .

تا کی به خون دیده و دل پروریشان

تا کی ز ره روند و به ره آوریشان

در این قافیه شش حرف و دو حرکت لازم است .

۷- مطلق به فید و خروج .

ناظن نبری که دل زسهرت رستست

با از طلب تو فارغ و آهستهست

در این قافیه چهار حرف و یک حرکت لازم است

۸- مطلق به فید و خروج و سزبد:

چهره دل بند لاله رنگستنس غمزه دل دوزخون خدنگستنس

در این قافیه پنج حرف و سه حرکت لازم است .

۹ - مطلق به فید و خروج و سزبد و نایره .

سودای نو از سینه فرو رفتنست

وانگه سخن نو نیز نا گفتنست

در این قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم است .

۱۰ - مطلق به ردف و خروج و آن بردونوع است :

مطلق به ردف اصلی .

در جهان کوهیج باری داری

در این قافیه چهار حرف و سه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دل داغ نو دارد ارنه بفروختنی

در دیده توئی و گرنه بردوختنی

در این قافیه پنج حرف و چهار حرکت لازم است .

۱۱- مطلق به ردف و خروج و سزبد و آن دونوع است . مطلق به

ردف اصلی :

حون سرخ گل شکفته رخانستنس

بر سرخ گل ز مشک نشانستنس

در این قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

رخ جو ماه آراستش / دسه زان برخواتش

در این قافیه شش حرف وسه حرکت لازم است

۱۲ - مطلق به ردف و غروج و زائد و نا به و آن دو نوع است .

مطلق به ردف اصلی :

در این حرف با رستمی / در شش از آراستش

در این قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

کردل رستم آرد / برداشته شش

یا او به شمس و حیره در آراستش

در این قافیه نه حرف وسه حرکت لازم است

روی مقید (ف) روی بهاد ساکن است و به ردف و حمل نهی می آید

و آن بر شش قسم است . بهاد میچرد ، بهاد به شاد ، بهاد به آراستش ،

بهاد به دشتل ، بهاد به ردف اصلی ، بهاد به ردف زائد .

۱ - بهاد میچرد به روی ساکن به ، و بی از حرف هاء میوزده می آید

للمدعای ذین و سخن در این شعر

سخن به محو جان زان نکرده ذین

به فرزند جان است بهرین سخن

در این قافیه یک حرف و یک حرکت لازم است

۲ - بهاد به نالشی :

سلام حلی دارام الا و اسب / بیان بهاد به غنچه و اسب

در این قافیه دو حرف و یک حرکت لازم است . باء حرف روى
عین دخیل ، الف نأسیس
۳- مفید به دخیل :

حشم بدب دورای بدبع شما بیل
ماه من و شمع جمع و سمرقبا بیل
لام روى است باء دخیل ، الف حرف نأسیس .
در این قافیه دو حرف و دو حرکت لازم است .
۴- مفید به ردف اصلى

ای به هستی داده کنی را کمال
در این شعر لام روى است ، الف ردف اصلى و حرکت ماقبل الف ، حذف
در این قافیه دو حرف و یک حرکت لازم است .
۵- مفید به ردف زائد .
هر ده آمد عمارت نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت
در اینجا ناء روى ، خ ردف زائد الف ردف اصلى و حرکت ماقبل
الف حذف

در این قافیه سه حرف و یک حرکت لازم است .
۶- مفید به فیه .

چنین است رسم سرای سپنج
یکی زوتن آسان و دیگر به رنج
جیم حرف روى . نون قید حرکت پ وراء حذف .
در این قافیه دو حرف و یک حرکت لازم است .
رویین تن (ش - د) لقب اسفندیار یسرگشتاسب . رجوع ننود
به اسفندبار

١١٠٠

" 1912 "

ریاضی همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی و خاکی به ریاضی
ارماعران و انرفردسان - چندین جلدی است و به حساب همدانی و الهانی
به سبک بدیع الابدان همدانی نوشته و نام « شیخ ابیخان » دارد
که در آن از کلمهان همدانی و ایشان تألیف نقل شده است . ریاضیه
دوزبان فارسی و عربی و در بی کلمه و در نهوم و هشتاد و سه باب نقل شده
است . (تعلیقات ریاضیه - باب اول)

ز

زابل (ش - ت) یا زاول نام ولایت سیستان ، در شرق ایران ،
که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ک) از مهمترین تألیفات ناصر خسرو فیادانی
شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم که آن را در سال ۵۳۰ هـ تألیف کرده است .
این کتاب در بیست و هفت قول نوشته شده و نویسنده در آن اصول عقاید
حکیمانه و فلسفی را مانند اقسام علم و نفس و هبولی و مکان و زمان و ابیات
صانع و حدوث عالم و رد مذهب تناسخ و ابیات نواب و عقاب و سعادت
تشریح داده است و در ضمن عقاید مخالفان خاصه عقاید محمد بن زکریای
رازی را که مغضوب منکران اسمعیلیه است رد کرده . زادالمسافرین از
مهمترین کتابهای اسمعیلیه است .

(زادالمسافرین جاب برلن)

زال (ش - د) پسر سام و پدر رستم که خون هنگام زادن دودس
سپید بود ، به دستور پدر بر بالای کوه البرز گذاشته شد . بر طبق روایات
سাহنامه سیمرغ او را نزد جوجه های خود برد و بزرگ کرد . سام پس
از سالها بر اثر خوابی که دید ، بد جستجوی پسر رفت . سیمرغ زال را
به او سپرد و پری از خود به زال داد که هنگام حاجت آنرا آتش زند و از سیمرغ

ناری بخواند ، زال که از سمرغ دستان لقب گرفته بود ، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد. از حادثه های زندگی او عشقش به رودابه دختر سهراب دابلی است که سرانجام او را به زنی گرفت و رسم از او به وجود آمد .

زبدة التواریخ (ک) تألیف سیدالدین سیدالله بن لطف الله بن

عبدالرحمن بن محمد بن حافظ اب و ، که آن را در سال ۸۳۶ به امر بابا سهر مرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است در چهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا زمان حنکبیز و حوادث سالیهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان سامخرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر تاریخ آخر کتاب را « زبدة التواریخ نامیده است » و تاریخ عمومی او مجموعاً به نام « مجمع التواریخ السلطانیة » نامیده شده است .

اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است

زحاف (ح) مرغینری که به امیرول اقبال سرهس و اردبیل،

زحاف خوانده می شود و اوزان فرعی را که بوسیله این زحافات از یک بحر به وجود می آید ، بزحافات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حرفی یا اسکان نه بحر (بی باافزودن حرف یا حرفی به آخر فعل

از احباب اشعار فارسی می فرسج است که بیست و دو از آن جمله از احب

اشعار عرب است که در اشعار فارسی مستعمل است و باقی مشخصات شعر فارسی است . نام های از احب از این قرار است : بش ، قصر ، حذف ، جن ، ثقب ، کل ، ح ، خرب ، ستر ، قطع ، سست ، طی ، و س ، سست ، محکم ، معاقبت ، حصار ، سحر ، طوفان ، مراقبت ، اسباع ، انالک ، جاد ، شهم ، جفت ، بخت ، بلخ ، طمس ،

جب ، زلزل ، نجر ، رفع ، ربع ، بتر ، حاذ
 زحل (نَج) با دیوان که در فلک هفتم فرار گرفته و سه حلقه نورانی
 دوران را گرفته است . بدینا آن را نهجس می دانستند .

هر نماز دگری برافق از فوس و قرخ
 در کهی بنی افراسنه نا اوج زحل
 بکیر طره سه چهره ای و قصه سخوان

که سعد و نهجس ز تأثیر زهره و زحل است
 زرکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی
 از ادیبان و نویسندگان قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق انبجی . کمایی
 در تاریخ و جغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام «سیرازنامه»

زکریای رازی (ت) رجوع نمود به رازی
 زکریای قزوینی (ت) عماد الدین زکریای محمد قزوینی وفات
 ۶۸۲- از بزرگان و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل
 داشته است . از تألیفات او «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»
 است . دیگر «آثار البلاد» به زبان عربی که در آن شرح حال عده ای
 از شاعران معروف ایران که در سده و از قدیم ترین منابع اطلاعات است
 درباره شاعران و بلادی که در آنجا متولد شده با نوطن دانسته اند .

زلالی (ت) مولانا حکیم زلالی جوانساری وفات ۱۰۲۴- از
 شاعران قرن بازنهم و معاصر شاه عباس شیر که در دربار او سمت ملاک
 الشعرائی داشته است . زلالی میرداماد را مدح کرده است و هفت مغلوطه
 به نام «سبعة مباره» دارد شامل مثنویهای محمود اباز ، شعله دبدار ،
 آذر و سمنور ، بیخانه ، سلیمان نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز
 زلال (زحاف) (ع) در سماعیلین مجموع هم و خرم است که باقی می ماند

فاح ؛ و آن را ازل خوانند .

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گسب و چون یوسف تسلیم وی شد ، بر او خشم گرفت و یوسف را واداشت که او را به زندان انکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت و در بزم مصر نشست و زلیخا که فقیر و ثور و غلیل شده بود ، به یوسف رسید و در راه خدای نالید و بر سر راه یوسف می نشست و چون دین او را بدید ، بر اثر معجزه یوسف جوان و بنا داشت و به همسری او درآمد .

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از بردن عصمت برون آرد زلیخا را

«مراود»

زمخشری (ت) ابوالقاسم محمود بن سمرقانی همدانی خوارزمی وفات ۳۸۵ هـ از عالمان بزرگ در علم نحوه حدیث و تفسیر و بدیع و ریاضه و خوارزمی مشهور و بدیع جار الله معروف می باشد . وی خود را ابوالقاسم و خوارزمی می نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار در لغت و علوم بلاغی است . از آثار او «التحقیق فی الاسرار الشریفة» است در تفسیر قرآن . کتاب «مقدمة الادب» که آن را برای اتساع خوارزم شاه نوشت . این کتاب از نظر اشتمال بر لغات دهشت فارسی بر ارزش است . دیگر از آثار او «اسرار البلاغة» در تحقیق لغت عرب و کتاب «المحصل» ، در نحوه و کتاب «انموذج» است که در تحقیق کتاب «المحصل» می باشد . کتاب «المحصل» در سال ۱۰۰۰ تألیف یافت و جزو کتابهای معروف عالم محسوب می شود و در تحریر آن شروح بسیار نوشته اند .

زمزم (تن) ماهی نزدیک حاد که تعبیه

بسان چاه زمزم است چشم من

که کعبه وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (ک) بمعنی توضیح و تفسیر است. چون زبان کتاب دینی زرتشتیان بمعنی اوستا در دوره ساسانیان کهنه و منسوخ شده بود و عامه بمعنی آن را نمی فهمیدند، متن اوستا را به زبان سنداوول زمان خود یعنی بهلولی ساسانی ترجمه کردند. این ترجمه ها را که گاهی توضیح و تفصیلی نیز در بردارد، زند می خوانند، زند قسمتی از فصول کتاب اوستا اکنون در دست است مانند زند وهومن دسن و غیره

زنگی اهل ولایت زنگ نا رنگبار که به سیاهی چهره معروفند

زلفش بسان زنگیان در هم شده از هر کران

بر عارضش یاری کنان افغان و خبران ددهام

«حاقانی»

زوزنی (ن) ابو عبد الله حسین بن احمد الزوزنی. وفات ۴۸۶ هـ — از عالمان علم لغت و ادب که در نحو و عربیت اسناد زمان خود بود. از آثار معروف او تشریح «معلقات سبع» و کتاب «اللغة الفارسیه» و کتاب «المصادر» است.

زهره (نج) با ناهید (اباهیته) نسبت به زمین بعد از عطارد قرار گرفته است و درخشانش درین سباران سی باشد. قدما آن را سعد می دانستند و به خنیاگری نسبت می دادند.

بگیر طره سه چهره ای و قصه سخوان

که سعد و نجس ز تأثیر زهره و زحل است

«حافظ»

ورزهره جزبه بزم بو خینا گری دهند

جاوید دف دریده و بریط سگسته باد

«انوری»

زیاد الاعجم (ت) از دیرین شاعران ایرانی دهامیلس از اصفهانیان است

ولی در خراسان اقامت داشته است. وی به زبان عربی، سی، سروده اورا

اعجم می گفتند، زیرا که دلمات عربی را به لهجه ایرانی ادای می درده است.

زین الاخبار (ک) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالاحی بن

الصالح بن محمود کردیزی ده آن را در سال ۷۰۰ هجری و در زمان سلطان

عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتگین تألیف کرده است. زین الاخبار

تاریخ عمومی است شامل وقایع از ابتدای خلفت ناپایان دوره بودودین

مسعود غزنوی. اخبار تاریخ کردیزی به طریق اجمار و اختصار است

نویسنده جدولهایی ترتیب می دهد و در شرح حال حکام سلسله دلاک

خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می کند مثلاً درباره حاکمانت سلطانی

اسلام بازده سنون در جدول ترتیب داده ده شامل این کتاب است: اسمها،

لقبها، نامها، مادران، وزیران، فاضلان، دبران، دلاان، دهر

انکشیری، ابتداء خلافت، عهد خلافت، اردیزی، ده حاکمان و رسوم

و افسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و در باره آنها اطلاعات

موردبندی بدست می دهد. سبکت نوشته تاریخ اردیزی بسیار ساده

و روان است. تکلف و سجیدگی در آن نیست و به سبک در سادگیان

نردبک است. (حاج بهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی ملایری، معتمدی،

از شاعران دوره غزنوی معاصر سلطان محمود، سلطان مسعود، سلطان

نام اورا زینبی گفته اند. بنا بگفته ابوالفضل بهمنی زینبی در شمار شاعران

بررگ دربار غزنوی و مورد لطف سلطان مسعود بوده است .
ایمان معدودی از این شاعر در کتابهای لغت و ادب مانند حدائق
السحر و لباب الالباب و مجمع الفصحاء آمده است .

هشتم

سالک یا **سرد** کسی است که به «جسد الی المرقی» وارد نهانگاه می‌شود و به اطاعت پدر درسی‌ابد و در شمع کار از او بی‌روی می‌گردد .
سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری و فداکاری
 به می‌سجاده رنگین شن کرت پیرامان دارد
 ده سالک به خیر نمود ز راه و رسم مشایخها

اول

سام (س-د) ندای رستم و پسر نریمان داد و روایت در است نامه
 برادرزاده کرساسب و به روایتی نبرده او بود . هنگام ماهی فروش مردم
 که از رستم او به جان آمده به داد از سام خواستند که برایش سامی
 نشاند ولی او نپذیرفت .

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در حقیقت او کیسالت
 زربنی ساخت و خاک زهینی که است جبرئیل در آن پای نهاده به د ، پراو
 افتتاند . کوساله بد صد آمد و حر لب کرد و سامری بد آن و سالت بنی اسرائیل
 را گمراه کرد . چون موسی بازگشت ، مردم را از دیشی بیرون آورد
 و کوساله سامری را کشت .

سحر بامعجزه دهلو بزنگ دل خوش دار

سامری نسبت که نسبت از بد بهضما برد

اول

سام میرزا (ت) وفات ۹۸۳ - سام پسر پسر پادشاه اسماعیل اول متوفی

و مؤلف بحفنه سامی است که به امر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (بن) شهری که بلعس بر آن حکومت می کرد و سلیمان به قصد جنگ آمدن آن کرد و با ملکه سبا روبرو شد و او را به زنی گرفت
ای داده ها سپاده سپاسی فرستمت

شکر ده از کجا به لچاسی فرستمت
«حافظ»

سبب (ع) یکی از ار دان اوزان عروض و بر دو قسم است : سبب
خفیف ، سبب ثقیل

سبب خفیف - - از یک متحرک و یک ساکن ترکیب شده و علامت
ان بد صورت یک حرف و یک الف است . مانند نمودم که به این شکل نشان
داده می شود : هـ

سبب ثقیل - از دو حرف متحرک و یک ساکن ترکیب شده ؛ مانند
حمد ، ربه . و علامت آن دو صفر است : هـ هـ

سبحة الابرار (ك) منظومه ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن
جامی آن را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین دافرا ساخته است .
این منظومه شامل مضامین عرفانی و اخلاقی است و دارای چهل عقد
است که هر عقد با شرح یکی از فضایل نفسانی آمیخته به حکاکیهای
نغز شروع می شود و به مناجات حق تعالی ختم می گردد .

(هفت اورنگ - چاپ تهران)

سبزواری (ت) حاج ملاهادی فرزند حاج محمد سبزواری . وفات
۱۲۹۵ - از حکیمان بررک ایران . در سال ۱۲۱۲ هجری در سبزواری متولد
شد و تحصیلات خود را در آنجا و سپس در مشهد تکمیل کرد . پس از آن به
مکه سفر کرد و در بازگشت به اصفهان رفت و حکمت و فقه و اصول و کلام
را نزد ملاعلی نوری آموخت و به جرگه دانشمندان درجه اول دوره

فاحار درآمده. از تألیفات او منظومیه‌ای است به عربی در منطق و حکمت با شرح آن در دو قسمت. اول «الآلی المتظلمه» و قسمت دوم «سراج العرائد» نام دارد و هر دو با هم به نام «شرح منظومه» مشهور است. به فارسی نیز کتابی در حکمت الهی نوشته است به موسوم به «اسرار العجود» در شرح دشوی. همزواری به فارسی هم «ترسی گنده» و «اسرار» نیز خانی در کتاب است. (دیوان اسرار - حباب پهران)

سپهر (ب) - رزا محمد رفی خان، کتابی در فلسفه و مسائل الهیات و متخلی به سپهر اردشیر و فیان در بار محمد شاه و ناصرالدین شاه با جاز و از دانشمندان قرن سیزدهم. و بی از طرف محمد شاه و ناصرالدین شاه در جمع عمومی گشت و ناسخ الموارید را با جلد نازدهم به فارسی «شرح عمومی» و به این جهت از طرف محمد شاه به لقب آسان الهیات و فلسفه گردید. از آثار دیگرش «براهین العجم» است در علم مذهب.

سپهر (ت) - عباسقلیخان سپهر پسر میرزا علی خان شاه به آسان الملک است که مؤلف «نسخ الدوارید» می باشد. عباسقلی خان پس از پدر در دربار ناصرالدین شاه می زیست و تا شصت سال از شاه از هم پاری او بود. چندین جلد در شرح حال ائمه و سلطنت ناصرالدین شاه و ناسخ الموارید افزوده است. عباسقلیخان صاحب «وهابی» و «اسرار» این کتاب را نیز از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

سجری (ت) - ابوسعید احمد بن محمد بن محمد بن جلال السجری. وفات ۱۰۰۰ هجری و ریاضی دان قرن چهارم و چهارم و پنجم اله واه داری. در نجوم و ریاضی آثاری دارد. از جمله رساله‌ای است به عنوان «شکل السجیم الحاد من إدارة القطع الزاویه والاسی» و «در هندسه القوانین الهندسیة المحدودة» و «الجامع السی» که آن را در تمام هندسه و

دیلمی نوشته است. دیگر کتاب «المداخل» در نجوم به نام ابوجعفر احمد بن محمد صفاری و «تحصیل الفوائین» راجع به استنطاقات قضایای نجومی، و «زایجات الکواکب» و «منهخ من کتاب الالوف» که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است.

سجع (ب) در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح آن است که نویسنده با شاعر کلماتی به کاربرد که در وزن و حروف خوانیم مشابه باشد. سجع بر سه قسم است: سنوازی، متوازن، مطرف. سجع در نثر حکم فافیه را در بر ندارد.

سجع سنوازی آن است که در آخر دو جمله، دو کلمه بیابد که در وزن و حروف روی یکی باشد مانند: انیس، جلس.

سجع متوازن آن است که دو کلمه در آخر دو جمله بیابد که در وزن یکی باشد و در حرف روی متفاوت باشد مانند: بکنسب تأمل ابام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که در آخر دو جمله کلماتی بیابد که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات: باد و استعداد

سحاب (ب) میرزا سید محمد اصفهانی. وفات ۱۲۲۲ - پسر سید احمد هانف. از قصیده سرانان دوره فاجارید و معاصر و مداح فتحعلیشاه فاجار. سحاب در قصیده از ساعران قرن ششم و در غزل از ساعران قرن هفتم مانند سعدی سیرازی پیروی کرده است. از آثار او «رسحات سحاب» به نام فتحعلیشاه فاجار است. دیوان سحاب دارای به چهار بیت میباشد. (دیوان سحاب - چاپ تهران)

سجایی (نچ) پنج ثوب است از نوع نهکسان چون پاره ابر
سداسکندر (نن) سدی که اسکندر در برابر باجوج و باجوج بست
 باجوج ظلم بیستم جزای روشن او
 از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

ساقاوی

سدیره (تن) درختی در جاذبات را که عروس
 دهانی بلند نخله ساه باز سدیره نمید
 نسیم به دهان از پنج و هفت ابا شمس
 ساقاوی

سدرة المنتهی (نن) باجوج ، وید به سدیره
 درامنه های طلب نیست سدر
 سدیره الیه می می آید
 ساقاوی

سده از حسن بنای ارادنان در روز دهم ماه یون . از این حسن آن را
 سده می گویند که پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز می آید است .
 نارسیمان در این روز اسیر بر می آید
 پس از اسلام معمول بوده است که هر درویشی از سده نارسیمان ایران
 خاصه نرد رزمستان معمول است :

بر لیسکر زمستان نوروز نامدار
 درده است رای ناخن و شمشاد دارزار
 و آنکه پیاده است بد پنجاه روز بهس

چشمن سده طارنه نوروز نامدار

سده پیری

سد یا جوج (نن) اساره به سدی است که اسکندر در برابر باجوج
 و باجوج ساخته است .

دوگفتی سد با جوج است لشکر هم ادشان با رحون یا جوج بی سر

« از ویس ورامین »

سدیر (نس - د) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حبشه برای بهرام گور ساخت و دارای سه دبد با سه دیر بود .
سر اندیب (بن) با جزیره سیلان در جنوب شبه جزیره هندوستان در لایق رواناب مذهبی آدم پس از رانده شدن از بهشت به آنجا افتاد
سرطان (نج) از موردهای دوارده گانه فلکی در منطقه البروج و به تمکلی خرچمک. برج سرطان برابر ماه نبر است .

« بن جوهر حبس رحوب آمده ام سرطان و سقری خوانم دانست

« حاقی »

سروزی (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی از فرهنگ نویسان قرن یازدهم . در سال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت و به دربار شاه جهان راه یافت . در هندوستان فرهنگ جهانگیری را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خود را به نام «مجمع الفرس» تألیف کرده است .
سروش (تن) از فرشتگان آئین زردست و در شعر فارسی به معنی ندا دهنده شیبی .

سروش اصفهانی (ب) میرزا محمد علی . وفات ۱۲۸۵ - از شاعران قصیده سرای قرن سیزدهم . سولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده است . هندی در سریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا سیر نایب السلطنه تقرب حاصل کرده است . چون ناصرالدین میررای ولیعهد به شاهی رسید ، سروش با او به تهران آمد و به مناسبت آنکه در اعباد و مجالس دربار اشعار تهنیت آمیز می خواند ، ناصرالدین شاه لقب شمس

الشعرائی به او داد . سرورش در قصیده از سبک فرخی و منوچهری و اسیر معزی پیروی کرده است . از آثار او غیر از دیوان فصیده و غزل منسوبانی مانند «ساقی نامه» و «الهی نامه» و «زینة المدايح» و حماسه‌ای دینی به نام «اردیبهشت نامه» در احوال پیغامبر است . در اشعار سرورش اشاره‌هایی به وقایع زمان ناصرالدین شاه از جمله برقرار شدن نادراف شاهه‌بی‌شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور معروف فارسی و عربی . اصل آن «مستفعلن مستفعلن - ففعولاب» است . در فارسی از این بحر وزن ردیفند اول است بحر سریع مسلسل منظوم محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلان)

ای همه هستی ز نو پیدا شده خاک ضعیف از نو توانا شده

سطرلاب (نچ) رجوع شود به سطرلاب

حشمت خورشید لطف بلکه سطرلاب روح

گوهر گنج حیات بلکه لاله لایم

«خاقانی»

سعادنامه (ك) منظومه کوتاهی منسوب به ناصر خسرو قبادبانی حکیم و شاعر قرن پنجم ، شامل سباحت بت درسی باب در کتب و در مذلت و در نسبت این منظومه به ناصر خسرو درجند است و دیوان درستی به نام سیریف آن را سروده است .

(سعادنامه ضمیمه دیوان ناصر خسرو . تصحیح حاج سید نصرالله تقوی - چاپ تهران) .

سعدالاحمیه (نچ) منزل بیست وینجم از منازل سرکه‌نما

چهار سناره است که سه‌تای آن مانند مثلث است و چهارم در میان آن

گردی برآبی بیخته ز راز ترنج انکیخته

خوشه زناک آودیده مانند سعدالاحمیه

«منوچهری»

سعد اصغر یا سعد خرد (نچ) سناره زعره

سعرین قالی است نامش سعدا کبر گیر از آنک

راوی بن در نثات از سعد اصغر ساختند

«حقایی»

سعد اکبر (نچ) سناره ششتری

بر آسمان مکرمت از رونما علم

حون ششتری به نور خرد سعدا کبرم

«ابوری»

سعد الدین تفتنازانی (ب) رجوع شود به نفازانی

سعد ذابح (نچ) منزل بیست و دوم از منازل فمر که دو سناره است

که بین آنها به اندازه یک کز فاصله است و بر ساخ جدی (در غلبد) فرار دارند.

نه سعد کفایت نو ذابح نه صبح عنایت نو کاذب

«جمال الدین اسمعایل»

سعد السعود (نچ) منزل بیست و چهارم از منازل فمر که سه سناره

کوچک است که در دم جدی فرار گرفته است.

بر سپهر لا جوردی صورت سعد السعود

حون بکی جاه عقبین در بکی نیلی ذفن

(۱۰۹ و ۱۱۰ هری)

سعد وراوینی (ب) رجوع شود به وراوینی

سعدی (ت) شرف الدین مصلح بن عبد الله سعدی شیرازی.

وفات ۶۹۱ تا ۶۹۴ - از بزرگان و نوابغ شعرو ادب ایران. در حدود سال

۶۰۶ در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده

سپس به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه کسب فضائل کرده است.

سعدی یکی بعزت شوق جهانگردی و دیگر به سبب تشنگیهای
 بدن خوار در شاهمان و انابکان فارس و هجوم مغول در سفری طولانی
 برداخت که در حدود سی تا چهل سال طول کشید و بعد از و سرورده و مکه
 را با شمال افریقا گشت و در آنجا خود از سفر به خانه فرستاد و در دهستان
 نیز سخن می گوید. سعدی پس از این سفر طولانی به تبریز بازگشت
 و چون آنجا را آرام و مردم را در رفاه دیده بود و به تألیف و تصنیف پرداخت
 و اتابک ابوبکر بن سعد بن زنکی (۲۳۲-۶۶۸) و پسرش سعد بن ابوبکر
 را که بخلص خود را از او گرفته است مدح کرد. از سعدی و جان دیگر
 سعدی غیر از اتابکان، بزرگان و دانشمندانی بوده اند مانند صاحب دیوان
 شمس الدین و ارادش عطا ملک جوینی. سعدی با شاعرانی مانند سعد
 همکار و خواجه همای نریزی ارتباط داشته و مورد تاسن آنان قرار
 گرفته است.

سعدی را هم جزء شاعران درجه اول ایران می توان به محسوب کرد
 و هم از نویسندگان روز و اماد نشر و مجمع دانست. سعدی در انواع شعر
 مانند قصیده، غزل، رباعی، ترجیع بند و ... در تمام اشعار
 داشت. اما می توان گفت از زمان سعدی است که شعر در زبان اول
 شعر فارسی قرار گرفته است و مخصوصاً سخن سعدی در غزل و رباعی
 لطافت و زیبایی رسیده است که دارای روانی و سجع و سجع می باشد.
 آثار سعدی عبارت است از دیوان غزلیات، رباعیات، رباعیات
 خوانم، غزلیات قدیمه، دیگربوسان، دیوان، قصاید و رباعیات
 و رباعیات است. مجموع آثار سعدی را دیوان سعدی گویند. چون آثار سعدی
 نهجه تجربیات و مطالعات و شایعات است در شعرهای او، از
 اینرو بسیار سودمند و پر معنی و در نهایت درجه اول است که هم به نام

نکات اخلاقی و پند و موعظه است و هم دارای مضامین عاشقانه و لطف و زیبایی است .

کتاب سعدی چندین بار در نهران و هندوستان به چاپ رسیده است
سعدی طائی (ت) از شاعران آل سلجوق که در نیمه دوم قرن ششم
می زیسته است . از احوال او اطلاعی در دست نیست و از او تنها یک
قصیده باقی مانده است ، در رأس و بئثار ناباداری دنیا و زوال دولتها
که از قصاید خوب فارسی شمرده می شود . مطلع قصیده این است
غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند

هر چه تو می بینی آنجان بنماند

سفرنامه (ك) از آثار مشهور حکیم ناصر خسرو بغدادی شاعر
و نویسنده بزرگ قرن پنجم و ظاهراً نخستین کتاب مشهور نویسنده است .
این کتاب شامل شرح حوادث هفت ساله سفر ناصر خسرو است به آسیای صغیر ،
سام ، حجاز ، مصر ، فاهره ، تابازگست اوبه بلخ . ناصر خسرو در طول
این سفر در رجال و عالمان زمان ملاقاتها کرد و در فاهره به خدمت المستنصر
بالله رسید و به مذهب اسماعیلی گروید ، سفرنامه دارای اطلاعات جغرافیائی
و تاریخی درباره شهرها و کشورهای است که ناصر خسرو از آنها دیدن
کرده است . سبک انشاء سفرنامه روان و ساده است .

(سفرنامه - چاپ بهران)

سقراط (ت) فیلسوف و حکیم یونانی که او را به گناه حقیرت پرستی
و مخالفت با آداب متداول زمانه به قتل محکوم کردند و او با دست خود
جام شوکران را گرفت و نوشید و آنقدر شاگردان خود را موعظه کرد
تا از پای درآمد .

سگ اصحاب کهف (تن) سگ شبانی که به دنبال اصحاب کهف

افراد و هر چه خواستند او را برانند ، بر نکشت با آنکه به زبان آمد و خدا
پرستی خود را برایشان نمایاند . نار از اودست باز داشتند و او را با خود
به غار بردند .

سنگ اصحاب دهن روزی چند ای بیکان درخت و مردم شد

«سعدی»

سلامان و ابسال (ك) داستان مشغول می از عفت اورنگ عبدالرحمن
جایی که آن را اطلاعاً به سال ۸۸۵ به نام سلطان یعقوب بر لحن آق بودنیلو
ساخته است . مشخص این داستان عبارتند از پادشاه یونان و مرد حکیم
که معلم اوست و بسراوموسوم به سلامان و دابله خوب روی او به نام ابسال .
ابسال عاشق طفل سبر خوار خود یعنی سلامان می شود و به تنگای سلامان
به سن رسد می رسد دابله او را به جادوئی فریفت خود می سازد . حکیم که از این
موضوع اطلاع می یابد به وسیله قوه غناطیس سلامان را مجبور می کند که در
فرارگاه خود با ابسال توده عظیمی از سبزم فراهم سازد و عاشق و معشوق خود را
به آنش افکنند . در نتیجه ابسال بکلی سوخته و خاکستر می شود و سلامان
تند رست بیرون می آید و بدین ناچ و نخت خود را به اودی بخشید . (حاج پیران)
سلیخ (زحاف) (ع) سلیخ در فاع لاین آن است که دو سبب می
لا وین را به سازند ، و عین را سازن کنند ؛ می داند فاع ؛ و آن را
سلیوخ گویند .

سلسبیل (ن) چینه ای در بهشت

ای رخت خون حله و اعلت سلسبیل

سلسبیلت کرده جان و دل سلس

«سعدی»

سلسله الذهب (ك) یکی از توده های هفت اورنگ و لانا عبدالرحمن

جاسی که آن را به نام سلطان حسین بابقرا و به سبک حدیقه سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتر اول شامل شرح احادیث و مقالات صوفیه وائمه و بسیاری از مسائل عرفانی . دفتر دوم مشتمل بر تحقیق در اسامی مختلف و وجوه گوناگون عشق مجازی و تحقیق و حکایت‌هایی بر سبیل تمثیل . دفتر سوم مشتمل بر حکایات شاهان و آئین سلک داری و نصیحت به سلاطین و اشاره به فضایل ستوده و همچنین داستان‌هایی منسوب به اطباء مانند ابن سینا و گفتاری در بیان شعر و ذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بابقرا (ت) سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بابقرا . وفات ۹۱۱ — از شاهزادگان گورکابی که ابندانیحت حمایت سیرزا الغ بک بود و چون وی و سرزن عبدالطیف به قتل رسیدند ، ابوسعبد او را به حبس افکند ، سلطان حسین از حبس گریختند به ابوالعاسم بابر پیوست و با او فرار کرد و در سال ۸۶۲ اسرabad را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی نشست . بعد از مرگ ابوسعبد سلطان حسین هرات را گرفت و در سال ۸۷۲ به تخت نشست . سلطان حسین بابقرا از شاهان دانشمند و علم دوست بود و دوره شاهی او از جنبه ادبی بسیار مهم است ، زیرا که دربار او در هرات مرکز علم و ادب گشت و شاعران و نویسندگان به آنجا رو آوردند و مورد شوق او و وزیر دانش پرور او امیر علمشیر نوائی فرار گرفتند . سلطان حسین شخصاً علاقه وافر به علم و ادب داشت و کتاب «مجالس العشاق» به او منسوب است .

سام (ش — د) پسر بزرگتر فریدون . چون فریدون کنسور خود را تقسیم کرد ، روم و خاور را به سلم داد . سلم با برادر خود تورهم دست شد و ابرج برادر

کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود ، داشت .

نخسین به سلم اندرون بنگرید همه روم و خاور مراورا کرد

از شاه نامه فردوسی

سلمان ساوجی (ت) جمال الدین سلمان بن جمال الدین ،

وفات ۷۷۸ -- از بزرگترین شاعران قرن هشتم . در اوایل عمر در خدمت

خواجه غیاث الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید بهادر (۶۹۱ - ۷۳۳) بود .

بعد از مرگ آن وزیر به دربار جلایریان یا سلطان ابلیکان در مغرب

ایران و عراق عرب حکومت داشتند ، و آورد و نسخ حسن پیر از مؤسس

آن سلسله و زوجة او و شاه خان و سلطان اویس و سلطان حسین را مدح

کف .

سلمان ساوجی است قصیده سراوسی توان او را پیرترین شاعر سلسله

سرای ایران بعد از مغول و پیش از عصر صفویه دانست . وی از سادک

مقدمان خاصه انوری تسلیم کرده و به سوز پیری و غم نظر دارد . است .

در نعت خدا و رسول و ائمه و صحابه دارد . پس از او به سراوی گفته

است : سلمان در غزل نیز اسادی داشته و مورد توجه بوده است .

در غزلیهای سلمان مضمونهای تازه و شیرین است . فراوان است . است .

قصاید و غزلیات درجیع بند و ترکیب دارد و به نثر نیز دارد .

از آثار او جز دیوان شعر ، مثنوی حسینیه نام دارد . او غزل

است که آن را در سال ۷۴۳ به ادر سلطان اویس موقوفه «مرا بدارد»

به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است .

سلیمان (ن) سردار و دلاوری عالی هم در عهد پادشاه

هم پادشاهی و اندیشمندی داشت . در تمام ایام ایرانی در عهد شاهان

ادم ویری و دیو و وحشی و لار و باد و طاعان و ... در تمام

سناهی اویسی گذشت به گوش اویسی رساند و تخت او را به هر جا که می خواست می برد .

حون سلیمان خبر قدرت بلقیس را در سبانشنید ، آهنگ جنگ با او کرد . بلقیس که دانست اوییغمبر است ، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تا باد تخت بلقیس را بردارد و به درگاه او حاضر کند . بلقیس به سلیمان امان آورد و به همسری او درآمد .

بیش صاحب نظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است

«خواجوی کرمانی»

سمائی (ت) محمود بن علی سمائی مروزی از ساعران عهد سلجوقی و اهل مرو. از احوال او چیزی در دست نیست . عوفی چند غزل از او نقل کرده و او را به هنر شعر ستوده است .

سماک اعزل (نچ) منزل چهاردهم از ستارل فمر. ستاره ای بزرگ و روشن در جنوب سماک راسخ که نزدیک آن هیچ ستاره نبست و از این رو به آن اعزل گویند و اعزل یعنی مرد بی سلاح . این ستاره در صورت «سنبله» است

گاه با خبرت رمحی ز سماک راسخ

گاه با نکبت عزلی ز سماک اعزل

«اوری»

سماک راسخ (نچ) ستاره ای است بزرگ در برابر بنات النعس ، و نزدیک آن دو ستاره است که آنها را «رمح» بانیزه سماک گویند و ز شهاب ناو ک انداز و سماک نیزه دار

لشکر سروانشه صاحبقران انگیزخته

«خاقانی»

بلخ» و سننویهائی به نام عشقنامه، عقلنامه.

از محمد و حان سنائی ثقة الملك طاهر بن علی وزیر سلطان مسعود بن ابراهیم و خواجه قوام الدین ابوالقاسم وزیر سنجر و عده‌ای از رجال دیگر دربار غزنویان درخورد دارند.

اشعار دوره اول شاعری سنائی تحت تأثیر سبک فرخی و مسعود سعد است و در دوره دوم که سنائی در عالم عرفان وارد شد مضامین مستقل و اشعار عارفانه دارد. سنائی را می‌توان نخستین عرسلرای عارف ایران دانست که افکار و اصطلاحات عرفانی را با مضامین عاشقانه آمیخته است. (دبوان سنائی- چاپ تهران)

سناد (ق) از عیوب فافیه، اختلاف ردف است. مثال:

کنی ناخوش به ما برزند گانی اگر از مادی دوری گزینی

سنبله (نچ) از صورنهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به

شکل خوتنه گندم. برج سنبله برابر ماه شهریور است.

دست من جوز او کلمک حوت و معنی سنبله

سنبله زاده ز حوت از جنبش جوزای من

«حاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمه هند که به زبان پهلوی نقل

شده و مسعودی و ابن الندیم آن را از اسامار و احادیث هندوان دانسته‌اند.

این کتاب از جمله کتابهای پهلوی بوده که به عربی ترجمه شده است.

ترجمه فارسی این کتاب به امرامیر نوح بن منصور سامانی (۳۶۳

— ۳۸۷) به دست خواجه عبد ابوالفوارس فناورزی انجام شده است و

دو تهذیب از سندبادنامه به پارسی صورت گرفته است. یکی از تسمس الدین

محمد بن علی بن محمد الدقایقی المروزی شاعر اواخر قرن ششم و دبگری

از ظهیری سمرقندی .

انشاء خواجه محمد ابوالغوار پس انشائی ساده پوده است ولی ظهیری آن را به نثری دین نامواحد و احدیاریسی و تازی اراسته است و سبک پادشاه است
او از نمونه های نثر مصنفین قرن ششم به شمار می آید (عالم اراسته)
سبکی ملوک الارض والانبیاء (دارج . . .) (ک) دارد و در بعضی تألیفات
ابوعبدالله حمزه بن الحسن الهمدانی که در سال ۳۳۰ در بان طبرستان تألیف
یافته و شامل ده باب و یکصد و پنجاه اسم است . مؤلف در مقدمه از دستمزدین و
عفت کشور و حدود عربستان از انباشتن می گوید . ابواب تاریخ عربستان
مخصوصاً یکی از اقوام قدیم یعنی فارسی ، روم ، یونان ، سبط ، اندلس ، الی حرم
ملوک عراق عرب ، غسان ، حمیر ، لنده ، عربستان و تاریخ یمن است
اراقم بار و اسمهای مختلف در فصلهای جدا گانه شرح داده شده است .
مؤلف در تاریخ وارد جزئیات و منابع نمی دهد . ولی در بعضی موارد
و سموات تاریخ بسیار دست می زند . سبک تصنیف ساده و روان و بی
ساخت ویرانگی می باشد و مطالب مختصر است .

این کتاب از حبیب الله تعالی بر ملاقات باب . درباره ایران است و در
دارد و مورد استفاده مورخان بعد از حمزه مؤلف را را دیده است .

سؤال و جواب (ب) آن است که صاحب کتاب در این باب

و پاسخ بیاورد .

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آمد

گفتم که ماه من نمی ، گفتا اگر بر آید

حافظ

سودا نه (ش - د) از زنان داستانهای عاشقانه و مذهب و ادب و تاریخ

که تا و پس عاشق او نیست و با او به زندان افتاد ، در تمام دوا و بی را

رهائی داد و او با سودابه به ایران آمد، اما سودابه بعد ها عاشق سباوش بسر
کاووس شد و چون نجابت و خود داری سباوش را دید ، پیشدستی کرد
و او را نزد کاووس سپرد .

سوزنی (ت) شمس الدین ناج التتعا محمد بن علی سوزنی .
وفات ۶۲۵ هـ از شاعران معروف قرن سیم . مولدش سمرقند است و تحصیلات
خود را در بخارا انجام داده و ساهان آل افراسیاب را مدح کرده است .
سوزنی از شاعران هجا پرداز می باشد که در هجوهایی خاص و مضمونهای
تازه بکار برده و با بعضی از شاعران زمان خود مانند عمیق و معزی و ادیب
صابر و رسیدی سمرقندی مهاجرات داشته است . سوزنی فصاحت فصیح
و روان دارد و می گوید در بادهای عسرازل و هزل و هجا دست برداشته
و استغفار کرده است . (دیوان سوزنی - چاپ تهران)

سومقات (ت) بنکده ای معروف در هند که سلطان محمود غزنوی
آن را فتح کرد و بهتاس را شکست .

سها (نچ) ستاره کوچکی در دب اصغر ، ابن ساره به کم نوری
مثل است و لاهی سبز چشمی کسان را بدان می آزمایند :
سها در جلوه لاه خود نمائی است

به مهرش دعوی صاحب ضنائی است

«میرزا نصیر»

سهراب (ش - د) از بهلوانان شاهنامه و بسر رسم . داستان
یهلوانیهای او در جنگ با پدر معروف است . پدر و پسر ناسناس برابر هم
درآمدند . هبجیک دیگری را نساخت ، پدر پیر با پسر جوان زور آزمائیها
کرد . یک بار رستم پندش بر زمین آمد ، اما با نیروی از جنگ سهراب
رهانند . و بار دوم رستم پسر را بر زمین زد و با خنجر جگر گاه او را شکافت

و چون باز و سندنس را دید و او را شناخت، بس نزد کاووس به جستجوی
نوسندارو فرستاد. کاووس از دادن نوسندارو خود داری نبرد و سپهراب
جان سپرد. بس «نوسندارو بس از دراک سپهراب» ایام بدین مذهب
از سر گذشت اوست.

سهروردی (ت) شیخ شهاب الدین ابوالفتح سیدی بن حسن

بن اسحاق السهروردی، متوفی ۵۸۷ هـ - معروف به شیخ اسحاق از بزرگترین
فیلسوفان ایران است. در شهر سهرورد متولد شد و نزد شیخ محمدالدین
الجبلی اسناد فخررازی حکمت و فقه آموخت و در سن ۴۰۰ فلسفه استاد شد
حون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید مذهب اختلاف داشت و
اصطلاحات دینی زردشت را بکار می برد، او را به الحاد متهم کردند
و همن امیر باعث شد ده علمای حلب صلاح الدین ابوی، فرمانروای
حمر و سام را به قتل او وادار سازند.

شهاب الدین سهروردی فیلسوفی ساری است که خدمت اسحاق

در آنارس به قتل رسیده است. مجموعه و کتاب رساله به شرح
انمراق نسبت می دهند معروفتر از همه کتاب «حکمة الاشراق» رساله
فی اعتقاد الحکما و «صفة الغریبة الغریبة» است (این رساله کتاب دشت خاوری
ترین مسخر فرائیدی با ده رساله به زبان فرانسه در سال ۱۳۲۰ م
سده است) دیگر کتاب بلویجات، کتاب المشارع و المظاهرات، رساله
عقل سرخ (حکایت جمن دوستداران کتاب) رساله العشی به نام دیونس المسافل،
باسرح فارسی و همچنین لغت سوران، تفسیر سبیرخ، ترجمه رساله المظاهرات
سینا، رساله فی حالة الطفولة (به عسد شیرسانی در دهان حاکم است)
رساله آواز پرچهرئیل است.

سهل بن هارون دشت میثانی (ت) ارنو سیدان ارنو، المسموم

واز شعوبی مذهبیان معصوب . تصانیف متعدد دارد از جمله کتاب دیوان
الرسائل و کتاب تدبیر الملک والاسباسه و چند داستان ادبی .

سهیل (نچ) از سارکان قدر اول

از اوج حق نقین نوتابنده چون سهیل

برد بو نمرک تهر تو بارنده خون شهاب

«ابوالفرح دونی»

سیاست نامه (ک) از بهمن بن آنا رادی زبان فارسی در دوره سلجوقی

تألیف ابوعالی حسن بن علی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک که آن را
به دستور لکشاه سلجوقی تألیف کرده است .

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر سلکنداری است ، درباره عدل و
سیرت نیکو و اسنقصاء از حال و دربان و دبیران و فضلاء و برگزیدن جاسوسان
و دستور بادانان و وروس لشکر داری و حق کزاری و غیره . مؤلف در ابتدای
حرف فصل مطالبی بهیمنی بر نصب و بحث و اندرز و راهنمایی شاهان می آورد و
حکامانیهائی به عنوان سنده ذکر می کند که اغلب جبهه تاریخی دارند
و اکثر به منظور نویسنده جمع آوری اطلاعات تاریخی نیست ، لیکن آنچه
در باره تشکیلات سیاسی و کشوری ایران قبل از مغول ذکر می کند ،
بسیار سودمند است . نظام الملک چون مرد سیاسی و درباری بوده و از
رسوز مملکتداری مطلع بوده است ، بهر از دیگران توانسته نکته های
لازم را تذکر دهد و چنانکه خود او می گوید در کتابش هم پند است
و هم عمل و هم تفسیر قرآن و هم اخبار رسول و قصص انبیاء و هم سیرت
و حکایات شاهان .

نثر سیاستنامه بسیار روان و ساده است و عبارتهایش از لغات نامأنوس

خالص می باشد .

سیاقه‌الاعداد (ب) ان است که گوینده اسمهای متعدد را در یکی
تکدیگر در شعر قرار دهد .

اسب و کهر و نغ بدو دگر دست

بخت و سده و اوج بدو دارد مقدار

✽

سال و مال و مال و مال و اصل و نسل و دخت و بخت

نابت اندر دگر دو کشتی بر بار و بردهام

سیاوش (نشد) از پهلوانان شناخته شده . پسر داووس . سیاوش
بزد رستم بزرگ سد و شهر آموخت و چون بد در گاه در باز گشت سوادیه
زن داووس عارف او شد . سیاوش ده علت نجات طبع از این عیش
سرباز زد . از این رو سودا بدید او گمده و رفتند و سوهر را براو بدین ساختند .
سیاوش پس از رنجیائی که از این عیش تابانده شد . به سوادیه رفته
چنگ بادیرانان رفت ، اما با افراسیاب میانه نبرد . داووس پس از آنکه
این خبر را شنید و پسر را سوزش آورد . سیاوش از بیم پدر
در سرزمین توران ماند و نزد افراسیاب قریب اثنت و شش دهی نزد او را
به زنی گرفت . که پوز برادر افراسیاب که پسر سیاوش و سوادیه را افراسیاب
را براو بدین ساختند تا سرانجام به فرمان افراسیاب ، سیاوش را کشتند .
سید حسن غزنوی (ت) رحمتی بود که حسن غزنوی

سیره جلال الدین منکبرنی یا نارنج جلای (ک) نارنجی ده زبان
عربی تألیف محمد بن احمد بن علی بن السیسی الشریعی در زمان
جلال الدین خوارزمشاه که آن را در سال ۷۳۴ تألیف کرده است . در این
کتاب نارنج نامی از انواع ایران در زبان اعراس سلطان سوادیه
جلال الدین منکبرنی و هجوم تا افراسیاب . مؤلف حسن غزنوی ده زبان

حوادث مغول از کشور چین و حدود و نغورآن و قبیلۀ چنگیز و اقامتگاه مغول سخن می‌گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه و اتابکان و سعد بن زنگی و کسانی که پادربار خوارزمشاه ارتباط داشته‌اند می‌پردازد و در این قسمت به اختصار می‌کوشد ولی سلطنت سلطان جلال‌الدین را بطور مشروح بیان می‌کند و در ضمن از مسوئله‌های خود و مصاحبت‌های خود با سلطان و جدائی از او سخن می‌گوید و احوال سلطان را در هنگام حملۀ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می‌دهد. مؤلف سوء تدبیر امیران و تأثیرش را در ایجاد این وقایع یادآوری می‌کند. نشر کتاب به صنایع لفظی آراسته است و مؤلف در میان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکر می‌کند و نکته‌های حکیمانه‌ای تذکر می‌دهد.

کتاب سیرۀ جلال‌الدین تاریخ ذی‌قیمتی است که مؤلف همه وقایعی را که خود به چشم دیده و حتی در آنها دخالت داشته، نقل می‌کند. این کتاب بوسمله محمد علی ناصح به فارسی ترجمه شده است.

(چاپ تهران ۱۳۲۴)

سیر العباد الی المعاد (ک) منظومۀ ای از آثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را در سرخس به نام سیف‌الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است. شاعر در این منظومۀ از خلقت انسان و عقل و نفس و مباحث اخلاقی سخن گفته است

(چاپ تهران)

سیر الملوك (ک) رجوع شود به «خدا بنامه»

سیف اسفرنگی (ت) مولانا سیف‌الدین الاعرج. وفات او آخر قرن ششم — از شاعران قرن ششم و معاصر خوارزمشاهیان، اصلش از اسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم

رفته و به خدمت او رسیده است. وی معاصر مجیر بیلقانی و ضیاء الدین خجندی بوده و با ایشان مشاعره و معارضه داشته است.

از محمد و خان او سلطان سنجرساجوقی، و خسرو ملک غزنوی و ناج الدین محمود خان بن محمد ارسلان خوارزمشاهی می باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمه آخر قرن ششم، مداح سلطان تکش (۵۶۸ - ۵۹۸) قصیده ای نیز در مدح شاه محمود بسراسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس فیس ایبائی از او که در هر مصرع سنگ و سیم را التزام کرده در المعجم آورده است فصاید و غزلیات مصنوع دارد و چند غزل از او در لباب الالباب آمده است. سیمرغ (ش - د) برنده ای افسانه ای که بنا بر داستان شاهنامه زال پسر سام را از کوه البرز برگرفت و با جوجه های خود پرورش داد. پس از چندی سام بر اثر خوابی که دیده بود به دنبال یسر آمد. سیمرغ زال را به سام سپرد و پری از خود به او داد تا در هنگام لزوم به آتش افکند و او را به کمک بخواهد. سیمرغ به این ترتیب در جنگ رستم و اسفندیار به خواهش زال به باری رستم شتافت و به تدبیر او اسفندیار به دست رستم کشته شد.

در منظومه «منطق الطیر» عطار سیمرغ به عنوان شاه مرغان و تمثیلی از وحدت وجود آمده که مقر او در کوه قاف است و مرغانی که به طلب او می روند، پس از رسیدن به مقصود درمی یابند که آن مرغ افسانه ای وجودی جز خود آنان نیست زیرا که از همه مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنها سی مرغ به مقصد رسیدند و غرض از سیمرغ همان سی مرغ بوده است.

سینا (تن) نام ناحیه ای که کوه طور یعنی کوهی که سوسی برای

مناجات بر سر آن می رفت ، در آن واقع است .
آشنای طور سینا موسی عمران بود
ناکه از معجز عصا در دست او گردد چو مار
«امیر معزی»

ش

شاپور (ش - ت) شاپور اول پسر اردشیر بابکان از دختر اردوان که تاهفت سالگی بدر از وجودش بیخبر بود و آخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود ، اورا نزد پدر آورد . شاپور روزی به شکار رفت ، در باغی دختری دید که بر سر چاهی دلو سنگینی را که دبگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زاده مهرک نوش زاد ، از دهنمان اردشیر معرفی کرد که همه خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به زنی گرفت و از او پسری به نام هرمز یافت . شاپور سی سال شاهی کرد و در زمان او میان ایران و روم جنگی در گرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراء النهر می زیسته است . از ابن شاعر اشعار بسیاری نمانده است ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام اورا در شعر آورده است و بعضی از اسعار او در کتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است .

شاه ابورجا (ت) حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجا غزنوی . وفات در حدود ۹۸ هـ - از شاعران قرن ششم . اورا معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته اند و مدح بهرامشاه در قصایدی که از او باقی مانده دیده می شود . از احوال او اطلاع صحیحی در دست نیست و اشعاری از او در تذکره ها

باقی است .

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منشور یا منظومى اطلاق می شود که در شرح تاریخ و داستانهای سلی ایران نوشته شده باشد . شاهنامه نویسی در قرون اولیه اسلام مورد توجه عده ای از دانشمندان و امیران و سرداران ایرانی خاصه رجال قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهایی به تقلید خداینامه و سیرالملوک ابن مقفع و محمد بن جهم بر مکی و زادویه پسر شاهویه نگاشته شد . نام شاهنامه هم درست ترجمه « خوتای نامک » بهلوی است . اصل خدای نامه و ترجمه آن یعنی سیرالملوک در دست نیست .

از شاهنامه های منشور فارسی شاهنامه ای است که ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسنده ایرانی در آغاز قرن چهارم نوشته است و اصل آن در دست نیست . اماد ر کتابهای ناربخی قرون بعد ، از آن کتاب و داستانهایش یاد شده است . دیگر شاهنامه ابوعلی بلخی است که آن نیز منشور بوده است . چنانکه از گفته ابوریحان در کتاب « انوارالباقیه » مستفاد می شود شاهنامه ابوعلی کتابی معتبر و مستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی بر روایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامه ابومنصور محمد بن عبدالرزاق است . ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سبیسالار خراسان بود که نسب خود را به شاهان قدیم ایران می رساند و بر اثر تعصب نژادی و علاقه بسیار به ایران به تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند و در طوس گرد آورد و به ندوین شاهنامه برگزیند .

این شاهنامه از شاهي کبوتر تا بزد گرد شهریار آخربن شاه

ساسانی است و تاریخ تألیف آن ۳۶-۳۷ هجری می باشد . مأخذ ومدارك این شاهنامه کتابها و دفترهای قدیم و بعضی رواینها می باشد . این کتاب مأخذ اصلی و اساسی فردوسی در نظم شاهنامه قرار گرفته است . دیگر شاهنامه منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن در دست نیست .

دیگر شاهنامه دقیقی یا گشتاسب نامه است . ظاهراً دقیقی شاهنامه را به اسرنوح بن مسعود (۳۶۵-۳۸۷) به رشته نظم کشید . این شاهنامه مربوط به ظهور زرنشت و داستان جنگ گشتاسب و ارجاسب است . دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای حماسه و نشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم فردوسی در نظم شاهنامه بشود .

شاهنامه فردوسی بزرگترین منظومه حماسی و تاریخی ایران بلکه جهان است . فردوسی در جوانی علاقه فراوانی به نظم داستانهای کهن داشت و پس از آنکه گشتاسب نامه دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار او را دنبال کند . یکی از دوستان او را باری کرد و نسخه ای از شاهنامه مسورا بوسه نصوری به دستش داد و او با شوق عظیم کار را شروع کرد . تاریخ شروع شاهنامه فردوسی در حدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ و تاریخ اتمام در حدود ۴۰۰ هجری است و فردوسی خود به سی سال رنجی که در نظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار در آن تجدید نظر کرده بعضی ابیات را تصحیح کرده با چیزی بر آن افزوده است . فردوسی در نظم داستانها امانت بسیار به کار برده است و هرگز احساس و تعصب شخصی را دخالت نداده و به

جعل داستانی نبرد اخته و به حماسه ملی ایران دست نهاده و در اصل مطالب تصرفی نکرده است، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی نشان داده است.

مهمترین مأخذ فردوسی در نظم این کتاب شاهنامه ابومنصوری است ولی در بعضی از داستانهای منفرد از شاهنامه ابومنصوری استفاده نکرده است. مانند داستان بیژن و منیژه، رزم رستم و اکوان دیو، داستان رستم و سهراب. فردوسی داستانهای براکنده ای به دست آورده و آنها را بنظم کشیده و در جای جای شاهنامه گنجانده است.

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب. شاهنامه را بر سه قسمت می توان تقسیم کرد: ۱- دوره افسانه ای. ۲- دوره پهلوانی. ۳- دوره تاریخی.

۱- دوره افسانه ای. یعنی عهد کبوتر و هوشنگ و طهمورث و جمشید و ضحاک تا ظهور فریدون. این دوره عهد پی بردن به خوراک و پوشاک و مسکن و پیدایش آتش و آموختن زراعت و پیشه است. در این دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدسیان و دیوهاست. مطالب در نهایت اختصار است. شاهنامه تا اواخر عهد ضحاک بیشتر ارزش افسانه ای دارد.

۲- دوره پهلوانی - این دوره از قیام کاوه آغاز می شود و به قتل رستم و سلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می پذیرد. این قسمت حماسه واقعی ملی ایران است. در این دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می شوند. کاوه آهنگر، گرشاسب، سام، نریمان دیده می شوند.

جنگهای بین تورانیان و ابرانیان آغاز می شود . پهلوانی نربن دوره های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است . رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن ، فرامرز ، سهراب ، گیو در این دوره دیده می شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط به این عهد است . از قبیل داستان رستم و سهراب . رستم و افراسیاب ، هفتخوان رستم ، رزم هاماوران ، داستان سیاوش ، کیخسرو ، بیژن و منیژه ، جنگ کیخسرو و قتل افراسیاب ، دل برکندن کیخسرو از جهان و نابود شدن او ، داستان رستم و اسفندیار و امثال آن . این دوره را باید دوره جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات و حوادث خارق العاده است .

دوره سوم دوره تاریخی است یعنی دوره ای که اشخاص و اعمال تاریخی جای افراد خارق العاده و اعمال پهلوانی را می گیرد . دوره تاریخی شاهنامه از عهد دارای داراب شروع می شود . تاریخ اشکانیان در شاهنامه بسیار به اختصار ذکر شده است . نخستین داستان این دوره از شاهنامه داستان اسکندر است . بعد از دشیر بابکان ، شاپور ذوالا کتاف ، بهرام گور ، هفت بزم نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسرو شیرین و غیره . اغلب این داستانها جنبه تاریخی دارند و اشخاص این داستانها افراد معمولی هستند نه خارق العاده .

در این قسمت غیر از جنگها از حوادث دیگر از قبیل ترجمه کتاب و اختراع وسایل بازی ، جشن ، روابط میان دربارهای شاهان و جشنها یاد می شود .

شاهنامه در حفظ غرور ملی و احیای مفاخر گذشته ایران اثر بسیار

همی دانسته است. بعد از شاهنامه عده بسیاری تحت تأثیر آن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. در قرون اخیر شاهنامه فردوسی در همه جای دنیا مورد توجه قرار گرفت و از آن ترجمه های مختلف به عمل آمد.

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است. چنانکه در توصیف میدانهای جنگ و لشکرکشی و جنگهای زن به تن و وصف شجاعت و مردانگی و جنگجویی و دلوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می گوید که خواننده همه آنها را پیش چشم می بیند. شاهان و شاهزادگان همه با فرو شکوه و دارای خصائل پهلوانی اند. در شاهنامه علاوه بر داستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی زیبایی برمی خوریم که به رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است. داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن و سودابه و سیاوش از بزرگترین و زیباترین داستانهای عاشقانه شاهنامه است. در شاهنامه اشارات اخلاقی و نصایح نیز دیده می شود. بندها اغلب در پایان داستانها و هنگام قتل و مرگ اشخاص آمده است.

بیان فردوسی بسیار ساده و روان و در عین حال متین و استوار است و اگرچه در شاهنامه به صنایع لفظی برمی خوریم ولی ابن صنایع از روانی شعر نمی کاهد. شاهنامه علاوه بر زنده نگهداشتن تاریخ ایران به زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده و درباره سبک شعر و زبان آن کتابها می توان تألیف کرد.

شبهستری (ت) سعدالدین محمود بن عبدالکریم شبهستری. وفات ۷۲۰ — از عارفان بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی در مرثیه شبهستر نزد بک تبریز متولد گشته و ظاهراً همه عمر را با آرامش در همان

شهر یا نزدیک آن بسربرده و همانجا وفات یافته است . شهرتشن درعهد
الجایتو و ابوسعید بود و از جمله فاضلان و بزرگان متصوفه بشمار می آمد
چنانکه از هرجا برای پرسیدن مسائل فلسفی و عرفانی به حضورش می رسیدند .
از آثار معروف او مثنوی « کلشن راز » است در تصوف . دیگر رساله « حق
الیقین » و رساله « ساهد » است . رساله « سعادت نامه » و « مرآة المحققین » در
نصوف نیز به او منسوب است .

رساله حق الیقین و مرآت المحققین در مجموعه عوارف المعارف در
شیراز چاپ شده است .

شبدیز (ش - د) نام اسبی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود

اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی نیز گلگون را رگی هست

« نظامی »

شاه نعمة الهولی (ب) رجوع شود به نعمة الله کرمانی

شاهی (ت) امیرآق ملک بن ملک جمال الدین وفات ۸۵۷ - از

غزلسرایان قرن نهم که در خدمت بایسنقر میرزا بسر شاه رخ می زیست ،
مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت . غزلهای لطیف از او
باقی است .

شبانکاره (ت) محمد بن علی شبانکاره از سورخان و شاعران قرن

هشتم و معاصر ابوسعید . اثر معروف او کتاب « مجمع الانساب » است
در تاریخ عموسی عالم .

شبان وادی ایمن (نن) کنایه از موسای پیغمبر که برای تشعب

شبانان کرد و دختر او را بزنی گرفت .

شبان وادی ابمن گهی رسد به مراد

که چند سال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شب قدر یا ليلة القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به

آن اشاره شده است و گویا شب بیست و هفتم است .

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است

یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است

«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) وفات ۳۳۲ هـ - از نویسندگان ناسی هندوستان

که در سال ۱۲۷۵ هجری در هند متولد شده و تحصیلات خود را در

تاریخ و فلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است .

شبلی سفری به مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعه

کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هند به استادی زبان فارسی

و عربی «کالج علیگره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس

اشتغال داشت ، پس از آن به حیدرآباد دعوت شد و به سمت مستشاری

معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست

انجمن علمی در لکنهو به او واگذار شد و در آنجا خدمت‌های ذیقیمتی

انجام داد .

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو و فارسی و عربی دارد که از همه

معروفتر کتاب «شعر العجم» به زبان اردو است . شبلی علاوه بر مقام

نویسنده گی و احاطه بر زبان فارسی و عربی شعر نیز می‌سرود و به فارسی صاحب

دیوان می‌باشد .

شب یلدا (نچ) شب اول دی که در ازترین شبهای سال است .

همه شبهای غم آبستن روز طربست

یوسف روز به جاه شب بددا بینند

«خاقانی»

شَیْر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی

حذف میم و یاء که می ماند فاعلن وان را اشترخوانند

شرح اشارات (ک) کتابی از خواجه نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا

در منطق و حکمت که ، پینی از خواجه نصرالدین ، امام فخر رازی بر آن

شرح نوشته و در ضمن اعتراضاتی بر ابوعلی سینا وارد ساخته بود .

خواجه نصیر طوسی در شرح اشارات آن اعتراضات وارد کرده است .

شرح مشکلات دیوان انوری (ک) عده بسیاری از نویسندگان

دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری شرح نوشته اند ، از آن

جمله است که بوسیله ابوالحسن حسینی فراهانی (مقتول . ۱۰۴۰) انجام

گرفته است . مؤلف معاصر وزیر امام قلیخان حاکم فارس بوده و در حدود

سال ۱۰۱۰ ابن کتاب را تألیف کرده است . (انتشارات دانشگاه

تهران)

شرف (نچ) رجوع نمود به قدر

شرف الدین حسام (ت) حسام الاثمه محمد بن ابوبکر نسفی از دانشمندان

معروف قرن ششم . در انواع علوم دینی اسناد بوده و هر روز آدینه

مجلس وعظ داشته که در آن اشعار زیبایی می خوانده است . قصیده ای

دارد بآردبف «نشکند» در مدح رکن الدین ابوالمظفر فلج طمعاج خان از

سلاطین خانیه ماوراءالنهر . این قصیده در زبان حیات شاعر معروف

شده است .

شرف الدین شفروء (ت) از شاعران نیمه دوم قرن ششم . اهل

تنفروء اصفهان می باشد و در خدمت اتابک شیرگیر برادر اتابک ارسلان آبه از سران دولت سلاجقه عراق بوده و او را مدح کرده است . تذکره نویسان او را ملک الشعراء اتابک شیرگیر دانسته اند . هدایت دیوان او را در هشت هزار بیت دانسته است .

شرف الدین فضل الله (ت) شرف الدین فضل الله حسینی فزوبنی از ادیبان و شاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم . وی توسط خواجه غیاث الدین محمد به خدمت الجایتو رسید و بیشتر نوشته های خود را به نام خواجه غیاث الدین محمد و اتابک نصره الدین احمد شاه لرستان تألیف کرده است .

از آثار معروف او «تاریخ معجم فی آثار الملوك العجم» است در ذکر مآثر شاهان قدیم ایران . دیگر «الترسل النصریه» در فن انشاء و بیان سخن و تساختن ارباب سخن . شرف الدین فضل الله در نثر از پیروان «وصاف» است .

شرف الدین علی یزدی (ت) وفات ۸۰۸ — از ادیبان و شاعران اوائل دوره تیموری که شرف نخلص می کرده و در فن معما سرائی زبردست بوده است . عمده شهرت شرف الدین در زبان شاهرخ (۸۰۷ — ۸۵۰) می باشد وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است . هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان در فارس و اصفهان حکومت داشت شرف الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوره برگزید شرف الدین به درخواست او به نوشتن «ظفرنامه تیموری» پرداخت . وقتی که شاهرخ به اصفهان تاخت ، بر شرف الدین بدگمان شد و او را به سمرقند فرستاد و او پس از مرگ شاهرخ به نزد برگشت و در قریه تفت ساکن شد .

از آثار معروف او «ظفرنامه تیموری» است در تاریخ تیمور.

شریف جرجانی (ت) رجوع سود به جرجانی

شست کلاه (ت) امیرالشعرا شمس الدین احمد بن منوچهر شست کلاه. از شاعران معروف قرن ششم و از درباربان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شست کلاه را به خطا به منوچهری دامغانی نیز نسبت داده اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس الدین که منوچهر بوده بدین آمده است.

ششتری (ت) سید نورالله بن شریف المرعشی شوشنری. مقتول ۱۰۱۹- از سادات مرعشی و اهل شوشتر که معین هندوستان گشته و سالها از طرف اکبر شاه سمت «ضاوت لاهور و پنجاب» را داشته است. کما بهائینی بیشتر درباره امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله در زمان جهانگیرشاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید.

شطرنجی (ت) دهقان علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمه دوم قرن ششم در ماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آل خافان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است در بند و اندرز.

شعر (ب) سخن موزون و معنی را می گویند.

شعرای شامی (نچ) از کواکب نابت که بر دهان کلب اصغر یا کلب مقدم است. شعرای شامی و شعرای بهمانی را شعریان گویند: جوپاسی از شب دیرنده بگذشت

بر آمد شعریان از کوه موصل

«منوچهری»

شعرای بهمانی (نچ) از کواکب نابت که بر دهان کلب اکبر یا

کلب الجبار است .

شعر المجمع (ک) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسنده سبز
فرن اخیر هندوستان که آن را به زبان اردو در حدود سال ۱۳۲۵ هجری
تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر و شاعری در ایران است و مؤلف
آن را به سه دوره تقسیم کرده است . دوره قدما که از حنظله شروع می شود
و به نظامی ختم می گردد . دوره متوسطین که از کمال شروع می شود و به
جاسی ختم می گردد . دوره متأخرین که از بابا فغانی شروع می شود
و به ابوطالب کلیم ختم می شود . نویسنده در بخش چهارم و پنجم به
نقد شعر و تقریظ و انتقاد به شعر و شاعران می پردازد .

این کتاب بوسیله سید محمد تقی فخر داعی گیلانی در ۵ جلد به
فارسی ترجمه و چاپ شده است .

شعیب (تن) از پیغمبران، که چون رسالت خود را بر مردم آشکار
کرد عده بسیاری بر او ایمان نیاوردند . خدای تعالی برایشان عذاب
فرستاد و گرما را برایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند و به زیر
سایه ابری پناه بردند ، اما از آتشش بارید و همه را سوخت جز مؤمنان را .
شعیب موسی را، که از معصیر گریخته بود، پناه داد و در برابر دو سال شبانی
او بجای کابین ، دختر خود را به او داد .

شبان وادی امن گهی رسد به سراد

که چند سال به جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شغاد (ش-د) پسر زال که از کنیزکی خواننده به وجود آمده و به
بدخوئی و ستیزه جوئی معروف بوده است . زال او را به درگاه شاه کابل
فرستاد تا همانجا پرورش یابد . چون شاه کابل رشادت او را دید، دختر

خود را به او داد و خواست تا از باز دادن به رستم سرباز زند ، به این سبب با همدستی شغاد ، چاهی در نیخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم ورخش و همراهان او را در چاه افکند و به این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی از مهم‌ترین آثار دانشمند بزرگ ابوعلی سینا به زبان عربی شامل چهار قسمت: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات . هریک از این قسمت‌ها به مقالات و فصول تقسیم می‌شود .

منطق شامل نه فن و طبیعیات شامل هشت فن و ریاضیات شامل چهار فن و الهیات شامل ده مقاله است .

شفائی (ن) حکیم شرف‌الدین حسن . وفات ۳۷۰ . ۱ — طبیب و نایب شاه عباس اول که علاوه بر طبابت ذوق شعر داشته و در هزل استاد بوده است و غزلیات و رباعیات از او باقی است و مشنوی دارد به نام «نمکدان حقیقت» که آن را به تقلید «حدیفة الحقیقه» سنائی ساخته است . صائب در اشعار خود نام شفائی را با ادب و احترام ذکر می‌کند .

شکل (زحاف) (ع) در فاعلاتن مجموع خبن و لف است ؛ یعنی حذف الف و نون . می‌ماند فاعلات ؛ و آن را مشکول گویند . در سن تفع لن حذف نون و سین است که می‌ماند متفعل بجای آن مفاعل می‌گذارند ؛ و آن را مشکول خوانند .

شمسی خاله (ت) عمده الملک شمس الدین محمد بن مؤید الحدادی البغدادی از شاعران نیمه دوم قرن ششم و مداح سلاطین آل افراسیاب . او را شاگرد سوزنی دانسته‌اند و ضیاء خجندی سخنان فصیح و خطربای او را ستوده است .

شمسی طبیبی (ت) امام شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبیبی

وفات در حدود ۶۲۶- از شاعران ابران در اواخر قرن سشم و اوائل قرن هفتم . وی مداح نظام الملک تاج الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند است و جزا و اسیران و بزرگان دیگر را ورا «النهر را نیز مدح کرده است . شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده است . دیوان شمس طبسی در حدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید ، غزلیات رباعیات ، مقطعات است . شمس به آوردن ترکیبات خاص و مضمونهای دقیق توجه داشته است ولی چون در جوانی در گذشته اشعار فراوانی از خود باقی نگذاشته است .

شمس فخری (ت) شمس الدین محمد بن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق اینجو . شمس فخری در سال ۷۴۵ کتابی در لغت فارسی به نام «معیار جمالی» نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است . این کتاب دارای چهار جزء است : در عروض ، فافیه ، بدایع الصنائع ، لغات زبان فارسی .

شمس قیس رازی (ت) شمس الدین محمد بن قیس الرازی . وفات او اوسط قرن هفتم- از دانشمندان قرن هفتم هجری . وی اهل ری بود ولی مدتی دراز در ماوراءالنهر و خراسان و خوارزم اقامت کرد و بعد در قننه مغول آشوب و انقلاب ایران مدت هفت هشت سال در شهرهای مختلف عراق بسربرد و یکی دوبار اسیر شیخگان مغول شد و در التزام رکاب سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه شهر به شهر می گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد و به خدمت اتابک سعد بن زنگی رسید . اتابک وی را با اکرام پذیرفت و پس از مدتی از جمله ندیمان خاص خود گردانید و پس از او اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همان مقام را در دربار خود به او داد . از آثار شمس قیس کتاب «المعجم فی معانی الاشعار العجم»

و «المعرب فی معائیر الاشعار العرب» و کتاب «الکافی فی العروضتین والقوافی» که گویا اصل دو کتاب فوق می باشد . «المعجم» به تصحیح مرحوم محمد قزوینی و سپس به تجدید تصحیح و تحشبه مدرس رضوان چند بار چاپ شده است . اما از دو کتاب دیگرنشانی نیست .

شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ت) وفات ۳۰۴ .
از امیران خاندان زیاری و از ادیبان معروف که در نظم و نثر تازی دست داشته است . شمس المعالی در عصر عضدالدوله حکومت گران را داشت ولی با فخرالدوله که از ملوک بدر بی بهره شده ، برضد عضدالدوله برخاست در سال ۳۰۷ از او شکست خورد و به خراسان پناه برد و تا سال ۳۸۸ یعنی هیجده سال در نیشابور در پناه غزنویان ماند و در سال ۳۸۸ به گران بازگشت . سرانجام در سال ۳۰۴ بوسیله مخالفان که با پسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد .

از آثار معروف او « کمال البلاغه » است که شامل مجموعه ای از رسائل او می باشد و قطعاتی از اشعار فارسی و عربی نیز از او باقی مانده است . گنبد قابوس که قبر شمس المعالی است و بوسیله خود او ساخته شده است از مهم ترین ساختمانهای ایران در قرن چهارم هجری محسوب می شود .
شواهد النبوة (ک) تألیف عبدالرحمن جاسی که آن را در سال ۸۸۵ به خواهرش امیر علیشیرنوائی تألیف کرده است . این کتاب مستمل بر یک مقدمه و هفت رکن و یک خاتمه است . در بیان شواهد و دلائل قبل از ولادت پیغمبر ، و فایع بعد از تولد نا بعنت ، وقایع از بعنت تا هجرت ، و فایع از هجرت تا وفات ، تفصیل وقایع بعد از وفات . در بیان شواهد و دلائلی که بواسطه اصحاب و ائمه به ظهور رسالت ، شواهدی که در زمان تابعین یا اتباع ایشان به ظهور رسیده است .

انشاء کتاب ساده و خالی از تکلف و عبارت پردازی است .

شهاب (نج) سنگها و اجرام فلکی که به سطح زمین می افتند و بر اثر تماس با جو مشتعل می شوند و شبها در آسمان مانند تیرشعله و ربه چشم می آیند . قدما می پنداشتند که شهاب تازیانه آتشی است که فرشتگان شیطان و دیوها را با آن از آسمان می رانند .

دیو از شهاب گشته گریزان بر آن مثال

حون خصم منهزم ز سنان خدا بگان

«انوری»

شهاب ترشیزی (ت) عبدالله . وفات ۱۲۱۵ هـ — از شاعران قرن دوازدهم و معاصر فتحعلی شاه قاجار که با آذر و صباحی دوستی داشته است . شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی شاه را داشته و پس از آن گونه گبری اختیار کرده و به تصوف پرداخته است . از آثار او جز دیوان شعر مشنوبهائی است به نام خسرو و سیرین ، یوسف و زلیخا ، بهرام نامه ، عقد گهر .

شهاب ثاقب (نج) رجوع شود به شهاب

دست تو سپهر نوربخش است کلک نو در او شهاب ثاقب

«جمال الدین اصفهانی»

شهاب الدین سهروردی (ت) رجوع شود به سهروردی

شهاب مؤید (ت) شهاب الدین احمد بن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن ششم و مداح ابوالمظفر رکن الدین قلیچ طمغاج خان مسعود از شاهان خانیه . از احوال او اطلاع کافی در دست نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بوده و او را هجو کرده است . ابیاتی از او در تذکره ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) امام ابوالفتح تاج الدین محمد بن عبدالکریم

شهرستانی. وفات ۴۸۵ هـ - ازفاضلان و متکلمان معروف ایران که در فقه و علم
الادیان صاحب تحقیق می باشد. اهل شارسران (شهرستان) خراسان
نزدیک نسا است. شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی، قاضی طوس،
وابونصر قشیری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی محدث بزرگ، علم آموخت
و از سنا هیر عصر خود گشت. مدتی در خوارزم زیست. سپس به بغداد رفت
و پس از بازگشت همه عمر را در خراسان گذراند. مدتی در خدمت سلطان
سنجر بود و سرانجام در مولد خود شارسران درگذشت.

از آثار معروف شهرستانی کتاب «الملل والنحل» کتاب «المناهج
والآبات» و «المصارعة» است که در رد بر مسائل الهی ابن سینا نوشته شده
است. دیگر کتاب «نهاية الاقدام» در علم کلام است. علاوه بر اینها
شهرستانی دارای مجالسی بوده است که در سفرها ترتیب می داد. از جمله
مجلس وعظی است که در نظامیه بغداد داشت. این مجالس اغلب ضبط
شد و یکی از آنها به زبان فارسی به خط علامه قطب الدین شیرازی
موجود است و موضوع آن «خلق» و «امر» است.

شهریارنامه (ک) مثنوی اثر میختری غزنوی که آن را به خواهش
سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی و از روی داستان مثنوی ساخته که
شهرتی داشته است. داستان مربوط است به شهریار پسر برزو پسر سهراب
پسر رستم که مانند پدر و جد بیخبر از نسب خود با خویشاوندانش به
جنگ پرداخت و با عم خود فرامرز به نزاع برخاست. میختری چنانکه
خود گفته است سه سال در کار سرودن آن رنج برده است.

شهریارنامه شامل سه قسمت است. قسمت اول درباره جنگهای
فرامرز پسر رستم است با دوسویه و با سپاه سالار هند. قسمت دوم درباره
رفتن زال به دربار سلیمان و جنگ بادبوی است به نام «اهریمن» قسمت

سوم بابان داستان است .

ابن مثنوی در شمار منظومه های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است .

شهرمدان بن ابی الخیر (ت) از عالمان و منجمان معروف قرن پنجم . دو کتاب به فارسی از او در دست است به نام «روضه المنجمین» و «نزهت - نامه علائی»

شهنشاه نامه (ک) حماسه ای تاریخی که فتحعلی خان صبا ملک الشعرا دربار فتحعلیشاه آن را بر وزن و تقلید شاهنامه فردوسی در ذکر محمد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ت) ابوالحسن شهید بن حسین بلخی . وفات در حدود ۳۲۰ هـ از شاعران دوره سامانی و از حکیمان و فضلان آن عصر . در زبان فارسی و عربی مهارت داشته و در فلسفه نیز استاد بوده است و با ابوبکر محمد بن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته است .

از محمد و حان شیخ بلخی نصر بن احمد سامانی و ابو عبد الله محمد بن احمد جببانی است . شهید در انواع فنون شعر دست داشته و او را در ردیف رودکی می شمارند .

شیبانی (ت) ابوالنصر فتح الله بن محمد کاظم شیبانی از شاعران قرن سیزدهم هجری . در جوانی به خدمت محمد شاه قاجار درآمد و او و پسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی در نظم و نثر دست داشته و در قصیده بیرو سبک شاعران قدیم است . از آثار او مجموعه هایی است به نام درج درر ، گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف الملک ، کامرانیه ، زبده الانار

شیخ بهائی عاملی (ت) شیخ محمد بن حسین عاملی ملقب به

بهاء الدین . وفات ۱۰۳۱ - از عالمان بنام دوره صفوی و از رجال دربار شاه عباس . پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ابران مهاجرت کرد و سیخ بهائی که در آن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه و حکمت و رباضیات پرداخت .

سیخ بهائی به فارسی و عربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب و رساله می رسد . از جمله مکتوبهای او نان و حلوا ، شیر و شکر ، خلاصه الحساب ، تشریح الافلاک و از همه معروفتر کتاب « کشکول » است که دارای نوادر حکایات و علوم و اخبار و اشعار عربی و فارسی است .

شیخ صنعمان (د) از اشخاص کتاب سنی الطیر سیخ عطار که با همه زهد و نفوی دل به دختر ترسائی بست و دین و ایمان خود را در راه او به باد داد و خمر خورد و فرآن سوزاند و زنار بست و خوکبانی کرد و سرانجام پس از دعای دوستان ، هشیار شد و به راه آمد و از معشوق برگشت ، دختر به دنبال او به راه افتاد و دین او را پذیرفت .

گر سرید راه عشقی فکر بدناسی مکن

شیخ صنعمان خرقه رهن خانه خماری داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) رجوع نمود به طوسی

شیراز نامه (ک) کتابی در تاریخ شهر سیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳۴ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است . این کتاب دارای یک مقدمه و چند اصل است در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان سیراز .

مؤلف در ضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده اش بوده است

نام می برد، مانند فارس نامه ابن بلخی، تاریخ حمزه اصفهانی. نثر شیراز نامه خالی از تصنع نیست. در شرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده و روان است و هنگام مدح یا وصف طبیعت به تشبیه و استعاره آمیخته می شود. مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می دهد، چنانکه گاهی سنوات وقایع را به شعر ذکر می کند.

شیرین (د) از اشخاص معروف داستان عشقی ایرانی. شیرین دختری ارمنی و برادرزاده سهراب و ملکه ارمنستان است که خسرو برویز شاه ساسانی بر او عاشق گشت.

سهراب در داستان نظامی با وجود شبفنگی بسیار برخسرو، هرگز قدم از راه عفاف بیرون نگذاشت تا سرانجام به همسری وی درآمد. شیرین پس از آنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد، خود را آراست و در کنار تابوت خسرو با خنجر سینه خود را درید.

شیرین و خسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن را در سال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد در تقلید خسرو و شیرین نظامی سروده است.

صائب تبریزی (ت) محمد علی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی .
 وفات ۱۰۸۰ — از شاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بزرگانان
 معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما در اصفهان
 تربیت یافته است . در اوایل جوانی سفری به سکه کرد و بعد به هندوستان
 عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد و مورد توجه ظفرخان والی
 آنجا گشت و به همراهی او به دربار شاه جهان رفت و نزد آن پادشاه
 تقرب یافت . پس از مدتی بنا به دعوت پدر به اصفهان بازگشت و به
 دربار شاه عباس راه یافت و سمت ملک الشعرائی دربار او را یافت و او را
 مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته و در بدبجه گوئی دست داشته است .
 از میان انواع شعر در غزل استادی نشان داده است . به سعدی و حافظ
 ارادت ورزیده و تحت تأثیر سخنان ایشان قرار گرفته است . سبک صائب
 را می توان سبک هندی شناخت که دارای روت خیال و بار بک اندیشی
 است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد . دیوان صائب مکرر
 به چاپ رسیده است .

صاحب بن عباد (ت) صاحب کافی اسمعیل بن عباد وفات ۳۸۵ —
 از رجال و نویسندگان معروف دربار دیلمی ، اهل طالقان و از شاگردان
 ابن فارس . صاحب بن عباد در جوانی به خدمت ابن عمید رسید و پس از فوت

او ویرکناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد و تا آخر عمر در آن مقام باقی بود .

صاحب علاوه بر مقام سیاسی و مملکتداری اهل علم و ادب بوده و به شاعران و نویسندگان توجه خاصی داشته است . پیوسته به تشویق آنها می برداخت و جوابز بسیار به ایشان می بخشید . خود نیز در علوم ادب و کلام استاد بود و کتابخانه بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود . از آثار او کتاب «المحیط» در لغت عربی است . مجموعه رسائل او نیز در مصر به چاپ رسیده است .

صالح (تن) پیغمبری که بر دو قوم عاد و ثمود مبعوث شد ، آن دو قوم بت پرست بودند و به او نگرودند و معجزه خواستند که نافه یعنی شتر ماده ای با بچه اش از سنگ بیرون بیاید . صالح دعا کرد ، سنگ به فرمان خدا شکافته شد و نافه با بچه از آن بیرون آمد ، ایشان منگوشدند و گفتند سحراست و سرانجام نافه را کشتند .

صبا (ت) ملک الشعرا محمود بن محمد حسین عندلیب کاشانی وفات ۱۳۱۱ — در کاشان متولد شد ولی خانواده اش به آذربایجان منسوب است . پدرش محمد حسین خان متخلص به « عندلیب » و جدش « فتحعلی خان صبا » ست . محمود خان صبا در دربار محمد شاه و پس از آن در دربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته و لقب ملک الشعرائی را از ناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمود خان گذشته از شعر در حکمت و حدیث و تفسیر و علوم ادبی و حسن خط و نقاشی و منبت کاری دست داشت و مظهر ذوق و دارای مهارت در صنایع ظریفه بود . در قصیده پیرو عنصری و فرخی و امیر معزی و منوچهری بوده است و قصایدش بیشتر مدایحی است درباره ناصرالدین شاه و وصف جلوس

او سفرها و جشنها . دیوانش قریب دو هزار و پانصد بیت دارد .
صبا (ت) ملک الشعرای فتحعلی خان صبای کاشانی . وفات ۱۲۳۸ —
 از شاعران قصیده سرای زمان فتحعلی شاه . در جوانی شاگرد صباحی کاشانی
 بوده است . صبا در خدمت دیوانی درآمد و از طرف شاه حکومت قم و کاشان
 یافت ، سپس از طرف فتحعلی شاه به لقب ملک الشعرای مفتخر شد و فصایدی
 در مدح آن شاه و شاهزادگان و اسیران دربار او ساخت . صبا جز قصیده ،
 مثنوی و غزل و رباعی هم سروده است . از آثار او مثنوی ناهنشا نامه ، خداوند
 نامه ، عبرت نامه . گلشن صباست . دیوانش شامل ده الی پانزده هزار
 بیت است . صبا از زنده کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده سرایان
 بزرگ است .

صباحی (ب) حاج سلیمان صباحی بیدگلی کاشانی . وفات ۱۲۱۸
 از شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقا محمدخان قاجار
 را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته و ترکیب
 بندی به تقلید کلیم ساخته است . دیوانش شامل قصاید و ترکیب بند
 و غزل و مرثیه است . (دیوان صباحی — چاپ تهران)
صدر (زحاف) (ع) اگر در فاعلان الف به معافیت نون بهفتند ،
آن را صدر گویند .

صدرالدین شیرازی (ت) صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی
 معروف به ملا صدرا . وفات . ه . ۱ — از فیلسوفان و حکیمان عالیمقام ابران
 در قرن یازدهم . وی در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان سفر
 کرد و نزد میرداماد و شیخ بهائی به تحصیل پرداخت ، پس از آن چندین
 بار به زیارت مکه رفت . ملا صدرا افکار فلسفی دقیق داشت و تألیفاتش در
 حکمت مرجع و مأخذ اهل علم بوده است ، مهمترین آثار او به زبان عربی است .

از آثار ملاصدرا به زبان عربی «اسفار اربعه و شواهد الربوبیه» ،
 شرح اصول کافی ، حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا ، تشریح بر حکمة
 الاشراق (سهروردی) ، کتاب واردات القلبیه و چند تفسیر درباره بعضی
 سوره های قرآن است . ملاصدرا را می توان از افتخارهای عصر صفویه
 به شمار آورد .

صرصر (نن) باد تند و برصد او در اشعار فارسی اشاره به باد سختی است
 که قوم عاد را به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاک کرد
 لشکر عادند و کلکک من جو صرصر از صربر

نسل بأجوجند و نطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم از منازل قمر . در این شعر کلمه
 صرفه به ایهام آمده است .

خصم سگدل ز حسد نالد چون جبهت ماه

نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی الدین
 اردبیلی و مرشد او شیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعد از وفات شیخ
 صفی الدین بوسیله یکی از درویشان به نام نوکل بن اسمعیل معروف
 به ابن البزاز و به تشویق و راهنمایی شیخ صدرالدین پسر شیخ صفی الدین
 که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته است . صفوة الصفا
 دارای یک مقدمه و دوازده باب است که هر بابی شامل چند فصل است در ذکر
 نسب و نژاد و کرامات شیخ و احوال او و تأویلاتی که از آبات قرآن کرده

وجذبه و سماع و اصابت نظر شبخ و کرامات او بعد از مرگ و عظمت او. این کتاب قدیمترین مآخذی است که مورد استفاده نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است.

صفورا (تن) دختر شعیب و زوجه موسی (رجوع شود به موسی)

موسی از بهر صفورا کند آنس خواهی

و آن شبانینس هم از بهر صفورا بیند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلان حذف سبب و فاعل وند است که می ماند فاعل. بجای آن فعل ن می گذارند. و آن را اصلم خوانند. در مفعولات حذف لا است که می ماند مفعول بجای آن فعل ن می گذارند و آن را اصلم می خوانند.

صور فلکی (نج) صوریهائی است که منجمان برای شناختن ستاره ها فرض کرده اند. صور فلکی چهل و هشت است. دوازده صورت بر منطقه البروج است و بیست و یک بر شمال منطقه البروج و پانزده بر جنوب آن. صور فلکی منطقه البروج از این قرار است:

حمل، نور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس جدی، دلو، حوت.

صورت های شمالی عبارت است از:

دب اصغر، دب اکبر، دین، فیثاوس، عوا، فکه، با آکیل، جاتی علی رکبته، لورا یا کشف، دجاجه، ذات الکرسی، برساوس، ممسک العنان، حوا، حیه الحوا، سهم، عقاب، دلفین، فرس اول، فرس نانی، اندروید، ایام سلسله، منلیث.

صورت های جنوبی منطقه البروج:

قبطس، جبار، نهر، ارنب، کلب اکبر، کلب مقدم، شجاع، سفینه، کاس، غراب، فنطورس، سبع، مجمره، اکلیل جنوبی، حوت. صوفی به قولی از کلمه صوف است و به معنی پشمینه پوش است که اشاره به فقر و قناعت است و به کسی می گویند که پیرو معتقد مسالک تصوف و عرفان است.

صوفی الرازی ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی الرازی. وفات ۳۷۶ — از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدوله دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت، عبدالرحمن درباره صورت‌های فلک البروج کتابی تألیف کرده است به نام «صورالکواکب» با «الصورالسماویه» که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است. ترجمه فارسی این کتاب موجود است.

ضحاک

ضحاک (ش — د) ضحاک بایور اسب . از نژاد عرب که بر طبق داستان شاهنامه به اغوای ابلیس پدر را کشت و ابلیس دو کتف او را بوسید و ناپدید شد. پس از آن از جای بوسه ها دوسار بیرون آمدند که ضحاک را بسیار رنج می دادند و هر چه آنها را قطع می کردند ، باز می روئیدند . پزشکان چاره آن را نمی دانستند تا آنکه ابلیس بد صورت پزشکی بر ضحاک ظاهر شد و داروی دردش را که سگز آدمی بود ، به او نشان داد. از آن پس هر روز دوجوان را می کشتند تا غذای مارهای کتف ضحاک شود . ضحاک بر ایران چیره شد و جمشید را کشت و بر تخت نشست و بسیارستم کرد چنانکه مردم از ستم او به جان آمدند . سرانجام آهنگری به نام کاوه که ضحاک پسرانش را کشته بود، مردم را به نورس دعوت کرد و فریدون را که از نژاد نهمورت بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاک را اسیر و در کوه دساوند زندانی کرد.

دست آهنگر مرا در مار ضحاک می کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) خواجه ضیاء الدین بن جلال الدین مسعود خجندی. وفات ۶۲۲ — از شاعران معروف قرن ششم و از شاگردان امام فخر رازی . اصلش از شیراز است ولی در جوانی به خراسان رفت

و در شهر خجند اقامت کرد . ضیاء خجندی حسام الدین بن علی
بیغو معروف به بیغو ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است .
از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی از استواری
کلام او است .



طارم فیروزه (نچ) کنابه از آسمان

بجز آن نرگس مستانه که چشمش سرساده

زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

«حافظ»

طالب آملی (ت) ملک الشعراء محمد طالب آملی. وفات ۱۰۳۶. —

از شاعران قرن یازدهم. ابتدا در آمل مازندران می زیست، سپس به کاشان و سرو و از آنجا به هندوستان رفت، مدتی در شهرهای مختلف هند بسر برد و سرانجام به دربار جهانگیر راه یافت و در سال ۱۰۳۸ به لقب ملک الشعرائی دربار او مفتخر گشت. چنانکه از گفته طالب برمی آید در علوم مختلف مانند هندسه، منطق، حکمت، هیئت، دست داشته است، دیوانش شامل قصاید و غزلیات است. اشعاری درباره خواهر خود سستی النساء که زن لایق و عاقلی بوده است دارد. همچنین منظومه ای به نام «جهانگیرنامه» ساخته است.

طالب در آوردن استعاره های لطیف و نو مهارت داشته است.

طالع (نچ) در اصطلاح نجوم برج و درجه ای است که هنگام ولادت

ناهنگام وقوع اسری از افق نمودار باشد و از روی آن منجمان سرنوشت نوزاد را تحقیق و تعیین می کنند با حکمی درباره نتیجه کاری استخراج می نمایند.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادرگیتی به چه طالع زادم

«حافظ»

در فارسی از کلمه «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» در یافته می شود :

حشم بد دور کز این تفرقه بازت آورد

طالع ناسور و دولت مادر زادت

طاووس (نن) اشاره به طاووس بهشتی است که بویه گندم را به ابلیس نشان داد، تا آدم و حوا به اغوای او گندم را خوردند و از بهشت رانده شدند. طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده شد.

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج

بر طاووس بهشتی را مگس ران دیده اند

«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) امیر ابویحیی طاهر بن فضل بن محمد بن محتاج چغانی. مقتول ۵۸۱ هـ - از امیران چغانی در ماوراءالنهر و شاعر و فضل دوست و از ممدوحان منجیک ترمذی شاعر معروف. طاهر بن فضل در سال ۵۸۱ در جنگ بابسرعم خود ابوالمظفر چغانی ممدوح دقیقی فراری گشت و کشته شد. عوفی ابیانی از او نفل کرده است.

طبرسی (ت) شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی. وفات ۵۴۸ هـ - از فقیهان معروف سنی که در حدیث و فقه و تفسیر سمع اجتهاد دارد. طبرسی در سال ۵۲۳ از مشهد به سبزوار رفت و در سال ۵۴۸ هـ همانجا وفات یافت. از تألیفات اوست تفسیر «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» و «جوامع الجامع» است.

مجمع البیان از تفسیرهای مهم ادبی و ظاهری شیعه می باشد و به فارسی ترجمه شده است .

طبری (ت) ابو جعفر محمد بن جریر. وفات . ۳۱۰ - از فقیهان و مورخان بزرگ اسلامی در قرن سوم و چهارم . اهل طبرستان بود و مقدمات علوم را در آمل فرا گرفت . سپس درری نزد محمد بن عبید رازی و مشی بن ابراهیم الاسلی به تحصیل پرداخت و برای کسب علوم عربی و ادبی به بصره و کوفه و مصر و شام سفر کرد و در تمام شهرها با علماء و محدثان ملاقات کرد و بغداد را برای اقامت برگزید و به ندوین و تألیف پرداخت . طبری در علوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث ، فقه ، لغت ، نحو ، منطق ، علوم ادب ، شعر ، اسنادی دامنه و در اکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان و نویسندگان وی را صاحب مذهب و اجتهاد دانسته و طریقه وی را «طبریه» خوانده اند . از آثار طبری کتاب «جامع البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» است . دیگر کتاب «اختلاف الفقهاء و مهمتر از همه «تاریخ الرسل والملوک» است .

طبقات صوفیه (ک) از آثار معروف خواجه عبدالله انصاری . اصل این کتاب به عربی تألیف ابو عبد الرحمن محمد بن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می باشد که در شرح حال پنج طبقه از مشایخ صوفیه است . خواجه عبدالله انصاری ابن کتاب را به زبان هروی که یکی از لهجه های نزدیک فارسی است ترجمه کرده است . آنچه خواجه عبدالله انصاری در مجالس ، بر طبقات الصوفیه سلمی شرح می گفته و مطالبی را که به آن می افزوده ، بوسیله شاگردانش ضبط و جمع آوری می شده است . بنا بر این به اصل «طبقات الصوفیه» اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است .

طبقات ناصری (ك) ناریخی تألیف ابو عمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به نام ناصرالدین محمود شاه بسمر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان و شاهان غوریه و جانشینان آنهاست در غزنه و هند. در پایان فصل کامل و سودمندی دربارهٔ حمله مغول به ایران و خانان مغول نا عهد هلاکو دارد. اگرچه دربارهٔ حمله مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده و حوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می‌باشد و دربارهٔ مغول همه جا کلمه «المعون» بکار برده است. مؤلف در این کتاب از تاریخ بیهقی استفاده بسیار کرده و آن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده و حتی در سبک نوشتن هم از آن تقلید کرده است. اشعار و قصایدی نیز از خود مؤلف نقل شده است. در طبقات ناصری لغات مغولی با راوول در زبان فارسی وارد شده است.

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند و طبیب بزرگ ابرانی ابوبکر محمد بن زکریای الرازی که آن را به نام منصور بن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است.

این کتاب درده جزواست و بعدها به زبان لاتین ترجمه شده است.

طرفان (زحاف) (ع) از اقسام معاقبت. اگر از فاعلان الف و نون به معاقبت ماقبل و ما بعد بیفتد آن را طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ك) از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را به روش حدیقه الحقیقه در سال ۵۲۸ ساخته است.

(چاپ تهران)

طهرانی اصفهانی (ت) فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن

محمد اصفهانی. وفات ۱۴۰۵ - از بزرگان شعر و ادب عربی. وزارت مسعود بن محمد بن ملک‌شاه از سلجوقیان عراق را داشت. وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است. قصیده عربی او موسوم به «لامیة العجم» معروف است. طغرایی در سال ۱۴۰۵ به تهمت الحاد کشته شد.

طمس (زحاف) (ع) در فاع لاین آن است که دو سبب یعنی لا و تن را بیندازند و عین را هم حذف کنند می‌ماند فابجای آن فع می‌گذارند؛ و آن را مظموس گویند.

طوبی (تن) درختی در بهشت

باغ بهشت و سایه طوبی و قصر حور

با خاك كوی دوست برابر نمی‌کنم

«حافظ»

طور (نن) کوهی که موسای پیغمبر بر روی آن به مناجات می‌رفت. گویند موسی وقتی از خدا خواست که او را ببیند. خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس خدا بر کوه تجلی کرد و کوه پاره پاره شد و موسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است.

شعب ناراست و ره وادی امن در پیش

آتش طور کجا سوعد دیدار کجاست

«حافظ»

طور سینا (تن) رجوع شود به طور

آشنای طور سینا موسی عمران بود

با که از منبج ز عصا در دست او گردد چو مار

«حافظ»

طوس (ش-د) پسر نوذر و از شاهزادگان ایران که در جنگهای ایران با نوران سپهبدار لشکریان ایران بوده است .

طوسی (شیخ) (ت) شیخ ابو جعفر محمد بن حسن . وفات . ۴۶۰ هـ - از بزرگترین فقیهان شیعه که در فقه و تفسیر و کلام و حدیث مرجع علمای شیعه می باشد . وی در سال ۸۰۰ هـ از وطن خود طوس به بغداد رفته و در نجف اقامت کرده است . از آثار معروف او « کتاب التبیان » در تفسیر قرآن است . دیگر « مصباح کبیر » و « استبصار » و « تهذیب الاحکام » و « کتاب الرجال » است .

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد و نوح به فرمان خدا با کسانش در کشتی نشست و نجات یافت .

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است : فعولن مفاعیلن ۲ بار

طی (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف فاء است که می ماند مستعلن ، بجای آن مفتعلن می گذارند و آن را مطوی خوانند . در مفعولات حذف واو است که می ماند مفعلات بجای آن فاعلان می گذارند و آن را مطوی خوانند .

ظ

ظفر نامه (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام الدین شامی که آن را در سال ۸۰۴ بر حسب امر تیمور تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت و داستان فتوحات تیمور است که شخص امیر تیمور و اوراق و اسناد رسمی دربار خود را در اختیار مؤلف گذارده است. ظاهراً تاریخ نظام شامی بعد از سال ۸۰۶ ادامه نیافته و جزئیات وقایع سال آخر حیات امیر تیمور در این تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو در سال ۸۱۴ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ و به فرمان وی ذیلی بر ظفرنامه شامی نوشته و تاریخ امیر تیمور را تا سال آخر حیات او به قلم آورده است. این تاریخ اساس و پایه تاریخ ظفرنامه شرف الدین علی یزدی قرار گرفته است.

(چاپ تهران)

ظفر نامه تیموری (ك) کتابی بزرگ به شبهه جهانگشای جوینی تألیف مولانا شرف الدین علی یزدی که آن را به سال ۸۲۸ و به درخواست ابراهیم سلطان بن شاهرخ تألیف کرده و مطالب آن را بیشتر از ظفرنامه نظام شامی اقتباس کرده، حتی اغلب اشعار و آیات قرآن را عیناً از آن کتاب نقل کرده است. نیز ظفرنامه شرفی است و مورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرار گرفته است. ظفرنامه مرجع نواریخی است که بعد از آن نوشته شده است. مانند حبیب السیر و روضة الصفا.

ظلمات (نن) یا ظلمت. تاریکی که خضر بدغمبر برای بدست آوردن

آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

«حافظ»

ظهوری (ت) نورالدین محمد ظهوری ترشیزی. وفات ۱۰۲۵هـ —

از شاعرانی که در هندوستان بیش از ایران شهرت داشته است. مولدش ترشیز است و چندی در خراسان و عراق و فارس بسربرد و پس از آن به هند رفت بعد از مدتی اقامت در دکن به مکه سفر کرد و به هند باز گشت و نا آخر عمر آنجا ماند. ظهوری در نثر نیز شهرت فراوان داشت. از آثار او جز قصیده و غزل و مثنوی، سه دیباچه به نام «سه نثر ظهوری» معروف است.

ظهیر فاریابی (ت) ظهیرالدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی.

وفات ۹۸۵هـ — از شاعران قصیده سرای معروف قرن ششم. جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور و مازندران و آذربایجان سفر کرد و در زبان عربی و حکمت و نجوم کسب معرفت کرد. حسام الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوک باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمد بن ایلدگز و قزل ارسلان بن ایلدگز و نصرة الدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان و طغرل بن ارسلان آخرین شاه سلاجقه عراق را مدح کرده است. ظهیر با شاعرانی مانند جمال الدین اصفهانی و مجتربیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است. وی علاوه بر علم و ادب در علوم عقلی و نجوم دست داشته است. قصایدش به سبک انوری است و در غزل استادی نشان داده است.

ظهیری سمرقندی (ت) بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن الحسن

الظهیری الکاتب السمرقندی از نویسندگان و مترسلان اواخر قرن ششم

واوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلیچ طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب. ظهیری صاحب تألیفات متعدد است از جمله :

«اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة» به نام قلیچ طمغاج خان. ابن کتاب شامل لطایف کلام ملوک است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان. نشر ابن کتاب مصنوع است و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است. دیگر «سندباد نامه» است.

ع

عاد (نن) نام قبیله‌ای از نسل عاد بن نوح که هود پیغمبر ایشان بود
و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاک شدند .

لشکر عادند و کلک من چو صرصر از صریر

نسل بأجوجند و نطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ط) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد . مثل
کتابت از انسان .

عارف پیرو و معتقد مسلک عرفان . رجوع شود به عرفان

عارف قزوینی (ت) میرزا ابوالقاسم . وفات در سال ۱۳۱۲ شمسی - شاعر
غزلسرا و تصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی
شهرت یافته است . وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود
و اشعارش نمودار احساسات شدید وطن پرستانه است . عارف با موسیقی
آشنائی داشته و اغلب از تصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می خوانده
است . دیوان عارف در سال ۱۳۳۲ قمری در برلن و پس از آن در تهران
به طبع رسیده است .

عارفی هراتی (ت) محمود . وفات ۱۳۵۸ - از شاعران دوره تیموری
که نزد دوستان به «سلمان دوم» مشهور بوده است . زیرا که از طرفی
به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می گفته و از طرفی چنانکه در مجالس

النفایس آمده مانند او به چشم درد سختی مبتلا بوده است . از آثار عارفی
مثنوی «گوی و جوگان» یا «حالنامه» است که آن را در سال ۸۴۲ به نام
سلطان محمد ظاهرآ سلطان محمد بن بایسنقر شروع کرده و در دو هفته
به پایان رسانده است .

عازر (تن) نام مرده‌ای که به دعای حضرت عبسی زنده شد
عبسی عهدی که از تو قالب سلکت

جون نن عازر به یک قیام برآمد

«خاقانی»

عاشق اصفهانی (ت) آقا محمد . وفات ۱۲۸۱ - از شاعران معروف
قرن سیزدهم . وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به
بیروی از سیوه قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم و هشتم
مانند سعدی و حافظ پیروی کرد .

عالم آرای عباسی (ک) کتابی در شرح حال و سلطنت شاه عباس
اول و اجداد او تاجلوس شاه صفی . مؤلف این کتاب اسکندر بیگ
منشی است که آن را در سال ۱۳۰۸ تألیف کرده است .

عاملی (ت) رجوع شود به شیخ بهائی

عباس مروزی (ت) از نخستین سخن‌سرایان ایران در قرن دوم
وسوم . معروفترین شعری که به او نسبت داده‌اند قصیده‌ای است که در
ورود مأمون به مرو یعنی در سال ۱۹۳ هجری در مدح او سروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) کمال الدین عبد الرزاق بن اسحق
سمرقندی . وفات ۸۸۷ - از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ .
سولدش هرات است ولی چون سمرقند و وطن پدرش بوده به سمرقندی معروف
شده است . عبدالرزاق رساله‌ای در صرف و نحو به نام شاهرخ تألیف کرد

که مورد توجه وی قرار گرفت سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت و سه سال در آنجا ماند و شرحی دربارهٔ این سفر نگاشت. عبدالرزاق بعد از وفات شاه رخ در خدمت میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و سلطان ابوسعید می‌زیست و پس از آن عزلت اختیار کرد و در خانقاه شاه‌رخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت. از آثار معروف او «مطلع السعدین» می‌باشد.

عبدالقاهر جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی
عبدالله انصاری (ت) ابواسمعیل عبد الله بن محمد الانصاری الهروی. وفات ۸۱۴- از صوفیان مشهور قرن پنجم و معاصر البارسلان سلجوقی و خواجه نظام الملک که نسبش به ابویوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله در هرات بوده است و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب شهرت یافت و در علم حدیث و فقه توانا گشت و عرفان و تصوف را نزد شیخ ابوالحسن خرقانی آموخت و از شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی و عربی شعر سروده و صاحب تألیفات بسیاری است، از جمله ترجمه و املاء طبقات الصوفیة سلمی است به لهجه هروی. دیگر تفسیری از قرآن که اساس کارمبیدی در تألیف «کشف الاسرار و وعدة الابرار» قرار گرفته است.

رساله‌های متعددی به فارسی دارد مانند مناجات‌نامه، زاد العارفین، الهی‌نامه، کنز السالکین، رسالهٔ دل و جان، قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون و مسجع دانست.

عبدالنبی (ت) فخرالزمانی قزوینی. وفات ۱۰۰۱- ملا عبدالنبی در قزوین متولد شد و چون بسن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار

یافت، در ۱۹ سالگی به مشهد و از آنجا به هندوستان رفت و به شهرهای مختلف آن مانند لاهور و کشمیر سفر کرد و در سال ۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردارخان خواجه بادگار تقرب یافت و «تذکره سبخانه» را به نام او ساخت. سلا عبدالنبی در قصه دانی ماهر بود و حافظه ای قوی داشت. شعر می گفت و در شعر «نبی» تخلص می کرد. از آثار دیگر او «نوادرال حکایات» با «بحرال نوادر» است که شامل حکایات و داستانهای شیرین است و ظاهراً آن را در ۱۰۴۱ تکمیل کرده است.

عبدالواسع جبلی (ت) رجوع شود به جبلی

عمیدزاکانی (ت) نظام الدین عبیدالله زاکانی. وفات در حدود ۷۷۲-- از شاعران هجو سرا و نویسندگان قرن ششم. از قریه زاکان فزوین بود ولی مدت زیادی در آنجا بسر نبرد و به شیراز رفت و به آن شهر علاقه مند گردید. عمید در شیراز به تحصیل علوم و فنون پرداخت و از فاضلان و ادیبان عصر خود گردید سپس به بغداد سفر کرد و با سلمان ساوجی ملاقات کرد. وی معاصر حافظ است و ابواسحق اینجو و وزیرش خواجه رکن الدین عمید را مدح گفته است. دیگر از ممدوحان او شاه سنجاع مظفری و سلطان اویس جلایر است. مجموعه آثار عمید کلیات است که شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، قطعات، اشعار هزلیه، عشاقنامه، اخلاق الاشراف، ریش نامه، صمدپند، تضمینات، رساله دلکشا، رساله تعریفات موش و گربه، سنگتراش، فالنامه است. اشعار جدی عمید در حدود سه هزار بیت است.

عمید از بزرگان ادب است. شاعری است منتقد و بذله گو که فساد زمانه را با زبان طنزآمیز و لحن شیرین انتقاد کرده است و نباید او را به هرزه درایی نسبت داد. (کلیات عمید - چاپ تهران)

عتبی (ت) ابونصر محمد بن عبد الجبار عتبی. وفات ۲۷۰ هـ — از ادیبان و تاریخ نویسان قرن چهارم و پنجم هجری و معاصر غزنویان. در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته و چندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین و ابوعلی سیمجور بسر برده است و کتاب مشهور خود را در تاریخ سلطان محمود یمن الدوله و پدرش سبکتکین به نام «تاریخ بمینی» تألیف کرده است.

عجائب البلدان (ک) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف در آن از عجایب بلاد و برو بحر سخن گفته است و صاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را در باب سیستان از این کتاب نقل کرده است مرحوم ملک الشعراء بهار نسخه ای از این کتاب در اختیار داشته ولی این نسخه اصلی نبوده بلکه از روی کتاب ابوالمؤید تحریر شده است.

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند.

عدول (ب) آن است که شاعر خطای لفظی یا معنوی را جایز دارد خطای لفظی بر چند قسم است.

زیادات :

مانند واو «سیخون» در شعر رودکی:

بودنی بود سی بیار اکنون رطل بر کن مگوی ویش سیخون

حذوف :

آدمی چون بداشت دست از صیت

هرجه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمه گویش از هرجه خواهی کن حذف شده است.

تغییر الفاظ : مثل :

آب انگور و آب نیلوفل سر مرا از عبیر و مشک بدل

در این شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .
خطای معنوی .

ای اختر سخا که ز سیرنوال خویش

هر روز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که بانجم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که
قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخونس و تقدیم و تأخیرهای زشت و معانی
واهی به کار می برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود

ما مرغکان گرسنه ایم و نو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفاده زشت است .

دیگر از عبوب شعر ، غلود را وصف مدح و هجاست که بحدی حال برسد

کفرست و گرنه دست جود تو لا از سر لاله برگبرد

عراقی (ت) فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی ، وفات . ۶۸۰-

از عارفان و غزلسرایان قرن هفتم که در همدان متولد شده و در جوانی
به هندوستان سفر کرده است . عراقی در ولایتان به شاگردی شیخ بهاءالدین
زکریا از بزرگان صوفیه درآمد و پس از وفات او به جانشینی اش برگزیده
شد ولی بر اثر حسادت درویشان از هندوستان مهاجرت کرد و به مکه
رفت . در بغداد با شیخ شهاب الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا
به آسیای صغیر عزیمت کرد و در فونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین
فونودی حاضر شد و کتاب «لمعات» را نوشت و به شیخ صدرالدین تقدیم

کرد . عراقی در بلاد روم مرید بسیار یافت و پس از چندی از قونیه به مصر و از مصر به دمشق رفت و همانجا در سال ۶۸۰ وفات یافت .

عراقی از غزلسرایان و عارفان پرشور بوده است و مجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می رسد که شامل غزلهای عاشقانه و عارفانه و ترجیع بند و مثنوی است . مثنوی «عشاقنامه» را به شیوه حدیقه سنائی ساخته است .
عرض (ط) از کلیات خمس . امری که به خودی خود وجود

نداشته بلکه به تبع دیگری موجود باشد . مانند سفیدی، سیاهی

عرض بردو قسم است : عرض عام ، عرض خاص

عرض عام آن است که بر چندین نوع صادق باشد، مانند جنبیده که شامل همه انواع مختلف انسان و جانوران است .

عرض خاص آن است که تنها به یک نوع تعلق داشته باشد، مانند خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد .

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج از ماهیت موضوع است و بر آن عارض می شود مانند خندان؛ که با آنکه این صفت در وجود مردم هست ، اما در مرتبه نخستین ذات نیست .

عرفان یا تصوف مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت . پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجود می دانند که تنها هستی واقعی است و در همه موجودات تجلی می کند و هر که بخواهد به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس و وارستگی و ترك علائق و شهوات و اعتقاد به ذات احدیت و عشق شدید برای پیوستن به مبدأ خو گیرد و دست از طلب بر ندارد تا به مقام کشف و شهود برسد و چون آئینه دل را از ناپاکیها بزداید خدا در آن تجلی می کند . آنچه حکیمان می خواهند از راه تعقل و استدلال به آن برسند،

عارفان از راه عشق و ریاضت نفس به آن نائل می‌آیند .
 عارف نسبت به همه مذاهب به دیده احترام و محبت می‌نگرد و معتقد
 است که همه در راه وصول به یک مقصود پیش می‌روند . حافظ گفته است :
 همه کس طالب یا راست چه هشیار و چه مست
 همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ت) جمال الدین محمد عرفی . وفات ۹۹۹ - از شاعران
 معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش در هند و عثمانی بوده است . سولدش
 شیراز بوده و پدرش در دارالابالہ شغل شریفی داشته است . عرفی پس
 از تحصیلات مقدمانی سفری به هند کرد و مدتی در مصاحبت فیضی و ابوالفتح
 گیلانی بود و پس از آن به دربار خانخانان و اکبر شاه راه یافت و آنان را
 مدح گفت . دیوان عرفی دارای قصاید و غزلیات و ترجیع بند و قطعات
 است ، خاصه غزلهای او در هند و ترکیه مورد توجه و تقلید قرار گرفته
 است . قصیده معروفی در منقبت حضرت علی در ۱۸۱ بیت سروده است .
 عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهایی به سبک
 سخن الاسرار و خسرو و شیرین ساخته است . رساله مثنوی بدنام «نفسه»
 در تصوف دارد .

عروض (ع) علم شناختن و سنجیدن اوزان شعر در عربی و فارسی .
 این علم را خلیل بن احمد نحوی متوفی بین سالهای ۱۷۰ - ۱۷۶ هـ وضع
 کرده است .

عزیز مصر (بن) وزیر اول مصر و شوهر زلیخا که یوسف را خرید
 و در کاخ خود جاداد ولی برابر نهستی که بر او وارد آمد ، او را بدزدان
 افکند و یوسف پس از رهائی از زندان به عزیزی مصر رسید . در ادبیات
 فارسی گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است .

عزیزمصر به رغم برادران غیور

ز فخر چاه برآمد به اوج ساه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) ابونظر عبدالعزیز بن منصور المروزی. وفات در حدود ۳۲۰ هـ. از شاعران دربار محمود غزنوی و مداح او. دیوانی به عسجدی نسبت داده اند که در دست نیست، فقط اشعاری از قصاید و قطعه و مثنوی در تذکره ها به نام او ثبت است. قصیده او در فتح سومنات که به سال ۴۱۶ صورت گرفته است، معروف می باشد.

عشاقنامه (ک) از آثار فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی. این مثنوی در بیان مراتب عشق و حالهای عاشق می باشد و شامل یک مقدمه و ده فصل است در صفت عاشقان، عاشق و معشوق، بیان عشق و امثال آن. مثنوی عشاقنامه شامل نزدیک به هزار و شصت بیت است و به نام خواجه سعدالدین صاحب دیوان می باشد. پروفیسور ار نور. ج. آربری آن را به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است.

عشقی (ن) میر محمد رضا معروف به میرزاده. مفتول ۱۳۴۲ هـ. میرزاده عشقی بسرحاج سید ابوالقاسم کردستانی از شاعران معاصر. وی در همدان متولد شد و هنگام جنگ بین الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد و در ۱۳۳۳ قمری روزنامه «فرن بیستم» را منتشر ساخت. عشقی در سن سی سالگی کشته شد.

(دیوان عشقی - چاپ تهران)

عصای موسی (تن) عصائی که چون موسای پدغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمار می آید.

صوفیان رکوه پرآب زندگانی چون خضر

همجو موسی در عصانشان جان ثعبان آمده

«خاقانی»

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را بر سنگ زد ،
چشمه های آب از آن جاری شد .

خارا جوهار بر کشم و پس به بک عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

عضد الدین ایجی (ت) رجوع شود به ایجی

عطاء بن یعقوب (ت) ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب معروف

به ناکوک . وفات ۹۱ هـ - از شاعران و فاضلان دوره دوم غزنوی که به دو
زبان عربی و پارسی شعر می گفته است . وی در دربار سلطان ابراهیم
غزنوی تقرب داشته است ولی پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده
و به هندوستان تبعید گشته است . مسعود سعد در مدح و مرثیه او اشعاری
سروده است . منظومه «برزنامه» «ویدر نامه» را به او نسبت داده اند
و ابیاتی به پارسی و عربی در تذکره لباب الالباب از این شاعر نقل شده است .

عطار (ن) شایخ فرید الدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن

مصطفی . وفات ۶۲۷ هـ - از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شاعران
متصوف که در عالم تصوف به مقام ارشاد رسیده است . پدرش در شادباخ
دکان عطاری داشت وی نیز پیشینه پدر را دنبال کرد و به همین مناسبت
لقب عطار بافت . به گفته خود او در داروخانه طبابت هم می کرده
است . عطار پس از چندی از کسب و مشغله دنیوی دست کشید و به
عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل انگیز بیان کرد

عطارد قسمتی از عمر را به سفر پرداخت و به مکه رفت و بسیاری از مشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از سریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید. عطارد آثار فراوانی دارد که اغلب آنها در دست است و مشهور است که به عدد سور قرآن کتاب و رساله تألیف کرده است. از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه، الهی نامه، مصیبت نامه، منطق الطیر، مختارنامه، وصیت نامه، بلبل نامه، حیدرنامه، خسرونامه، شرفنامه است. از آثار مهم مثنو را «تذکرة الاولیاء» می باشد.

عطارد معانی عالی عرفانی را در بیانی ساده و روان آورده و الحقی در این کار استادی نشان داده است. وی همه جا حقایق عرفان را با تمثیل های گوناگون و حکایتهای مختلف شیرین ساخته است.

عطارد (نج) یا تیر از همه سیارات به آفتاب نزدیکتر است و بعد از کره ماه نزدیکترین سیارات است به زمین، به موجب افسانه یونانی قاصد خدایان بوده است. عطارد ستاره دیران و سخنوران است و «دبیر فلک» خوانده می شود.

درد انشی که آن خردم رازیان شد دست

بر آسمان جان چو عطارد سخنورم

«اوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن محمد العطاردی از شاعران عصر محمود که ابیاتی از او باقی است.

عطا ملک جوینی (ت) رجوع شود به جوینی

عقد العلی للموقف الاعلی (ک) رجوع شود به تاریخ کرمان

عقرب (نج) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقه البروج و به

شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است .

دم عقرب بتایید از سر کوه چنان چون چشم شاهین از نشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد از ماده ؛ هم از حیث ذات و هم از
حیث فعل . مجرد از ماده از حیث ذات ، آن است که نمی شود به آن اشاره
حسی کرد . مجرد از ماده از حیث فعل ، آن است که در صدور فعل محتاج
به آلت نباشد .

عمر خیام (ت) رجوع شود به خیام

علاءالدوله سمنانی (ت) ابوالمکارم رکن الدین احمد بن محمد

بیابانکی سمنانی . وفات ۷۳۶- از عارفان بزرگ نیمه دوم قرن هفتم و نیمه
اول قرن هشتم که در سال ۶۵۹ هجری در قریه بیابانک از قراء سمنان
متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملک شرف الدین در دستگاه
غازان خان سمت وزارت داشت . علاءالدوله در دوران جوانی به آموختن
علوم عقلی و نقلی پرداخت و در پانزده سالگی به ملازمت عم خود در
دستگاه ارغون به خدمت دیوانی مشغول گشت و مورد توجه ارغون خان
شد ولی پس از ده سال از کار دیوانی دست کشید و به عبادت و تکمیل
علوم دینی پرداخت و صرف و نحو و حدیث و تفسیر و فقه را نزد استادان
فن آموخت و اجازه روایت حدیث گرفت و در ۶۸۷ به بغداد سفر کرد و به
خدمت شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید و جزء مریدان او گشت و از آنجا
سفری به مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرید
ارنسا یافت و به سمنان بازگشت و به عبادت و ارشاد پرداخت .

علاءالدوله دارای آثار بسیار به زبان فارسی و عربی است . در حدود

سیصد کتاب و رساله به او نسبت می دهند . از آن جمله «مطلع النقط

و مجمع‌اللقط» در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به زبان عربی «سرابال
فی اطوار سلوک اهل الحال» به فارسی «وسلوة العاشقین» به فارسی و «العروة
الاهل الخلوة والجلوة» در حکمت الهی.

علاءالدوله شعر نیز می‌سروده و چند غزل و رباعی از او باقی است.
علیشیر نوائی (ت) امیر نظام‌الدین علیشیر نوائی. وفات ۹۰۶-
وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا که اجدادش در خدمت تیموریان مقامات
عالی داشتند و او طفولیت را به مصاحبت حسین میرزا بایقرا گذراند و با او
به‌سرو رفت و در آنجا به کسب کمالات پرداخت و در زمان سلطنت سلطان
حسین به‌شغل مہرداری و امارت دیوان خاص او مشغول گشت. پس
از آن به حکومت استرآباد رفت، اما پس از چندی از حکومت استرآباد
استعفاداد و عزلت اختیار کرد. امیر علیشیر مردی متدین بود و به راهنمایی
مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید. معروف
است که امیر علیشیر ۳۷ باب مسجد و مدرسه و اماکن خیر بنا کرد
و بر اثر تشویق او صنایع ظریفه و موسیقی پیشرفت کرد. وی ادیبان و شاعران
را تشویق می‌کرد و صله می‌بخشید، چنانکه دربار سلطان حسین بایقرا
از وجود ادیبان و هنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمند قرار گرفته
بود رونق بسیاری یافت. امیر علیشیر به زبان جغتائی (ترکی شرقی) و زبان
فارسی تسلط کامل داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود و در شعر «فانی»
تخلص می‌کرد. در زبان ترکی پنج‌مثنوی به تقلید خمسه و مثنوی دیگر
بنام «لسان‌الطیر» به سبک منطق‌الطیر عطار ساخت. از آثار او مذکره
«مجالس النقایس» به زبان ترکی و «خمسة المتجیرین» و «رسالة محاکمة
اللغتين» و «رسالة میزان الاوزان» است.

عماد فقیه گرمانی (ت) وفات ۷۷۳- از فقیهان و ساعران قرن

هشتم و معاصر شاه شجاع . حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است . چنانکه منقول است عمادگر بهای را آموخته بود که هنگام ادا نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند . شاه شجاع ابن عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می دانست ، ولی حافظ آن را به حيله و مکر نسبت داده است . عماد فقیه اهل کرمان بوده و در آنجا مدرسه ای بنا کرده است . از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست . دیگر مثنوی «محبت نامه صاحب دلان» و مثنوی «مونس الابرار» .

عمادی (ت) امیر عمادالدین عمادی شهریار . وفات ۸۳۰ هـ - از شاعران اواخر قرن ششم . معاصر و مداح سیفالدین عمادالدوله فرامرز شهریار سازندران و از امیران خاندان باوندی . عمادی پیش از آنکه به عمادالدوله به پیوندد ، شهرنی نداشته است ، لیکن شاعر نوازی این امیر موجب تقویت فکر و قریحه او شده است . وی پس از وفات عمادالدوله به عراق آمد و به دربار طغرل بن محمد پیوسته و او را مدح گفته است . دیگر از ممدوحان او اتابک جهان پهلوان می باشد . اشعار عمادی روان است ولی گاه به سبب تشبیهات و تعبیرات دشوار مشکل می شود .

عمارۀ مروزی (ب) وفات اوائل قرن پنجم - از شاعران معروف اواخر عصر سامانی و اوائل غزنوی که افاستنس در مرو بوده است . عماره در فنل ابواب ابراهیم آخرین شاهزاده سامانی سرئیۀ ای ساخته و پس از آن سلطان محمود سیکنکین را نیز مدح کرده است .

قطعاتی از اشعار او در لغت فرس اسدی و لماب الالباب نقل شده است .

عمیق بخارائی (ت) امیر الشعرا ابوالنجیب شهاب الدین عمیق

بخارائی . وفات ۳۰۰ هـ - از شاعران معروف ماوراءالنهر در اوایل قرن ششم .

مولدش بخارا است و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت و به دربار آل خاقان راه یافت و در دربار خضرخان ابراهیم به لقب ملک الشعرائی مفتخر گشت. از ممدوحان و معاصران عمیق ابوالحسن شمس الملک نصر بن طمغاج خان ابراهیم بن نصر و احمد خان بن خضرخان و محمود خان بن شمس الملک نصرورکن الدین ابوالمظفر طمغاج خان مسعود و چند تن دیگر از ملوک خانیه است. عمیق با سلطان سنجر رابطه داشت و مرثیه‌ای در مرگ دخترش سروده است و از شاعران ماوراءالنهر بارشیدی سمرقندی و انوری معاصر بوده است.

عمیق بر علوم زمان خود احاطه کامل داشت و این امر در اشعارش نمودار است. وی در صنایع بدیع خاصه در آوردن تشبیهات لطیف و کلمات موزون استادی داشته است. دیوانش شامل قصیده و رباعی است. یوسف وزلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده اند که اکنون در دست نیست.

عنصر المعالی (ن) امیر عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس و شمشگیر. وفات در حدود ۹۲۹ هـ - از امیران دانشمند خاندان زیاری که در قرن چهارم و پنجم در گرگان و گیلان و طبرستان و رویان و جبال امارت داشتند. عنصر المعالی مدتی طولانی از سرزمین امارت خاندان خود دور بوده است و بنا بر گفته او هشت سال در غزنین ندیم مسعود و بن مسعود غزنوی بوده و چندی در هندوستان بسر برده و مدتی نیز در سمرقند گذرانیده است.

عنصر المعالی سدی دانشمند بود که علاوه بر نویسندگی به زبان فارسی دری و طبری شعر می‌سروده است. در انشاء و عروض و موسیقی و نجوم دست داشته و از آثار معروف او «قابوسنامه» است.

عنصری (ت) ابوالقاسم حسن بن احمد . وفات ۳۱۴ هـ — از شاعران بزرگ قصیده سرای دوره غزنوی . عنصری بوسلله امیرنصر بن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد و نزد او تفرب یافت و ساک الشعراى دربار گشت و سال و ثروت فراوان بدست آورد . اشعارش بیشتر در مدح سلطان محمود و امیرنصر و سلطان مسعود و فتوحات و لشکرکشی ها و جنگهای ایشان است . دیوان قصاید عنصری اکنون منجاوز از دوهزار بیت دارد و گویا در اصل سی هزار بیت بوده است . عنصری جز دیوان شعر ، منظومه های دیگر نیز دانسته است مانند مثنوی «و امق و عذرا» و «سرخ دت و خنگ بت» «ساد بهر وعین الحیات» که بعضی از ابیات آنها در فرهنگها موجود است . عنصری به زبان و ادب عرب نیز احاطه کامل داشته و در اشعارش فکر منطقی و احاطه او بر علوم عمای آسکار است . سبک قصیده سرایی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعران قصیده سرا قرار گرفته است .

عوا (نچ) منزلی از منازل هجر ، ده شامل چهار ستاره است به صورت یک فریاد کننده

حسین سگدل ز حسینالد حنون بهیم ساه

نورنی صریحه دند و ندوع عوا سنوند

«حاقابی»

عوفی (ت) سدیدالدین بانورالدین محمد بن محمد عوفی بخاری . وفات ۴۳۵ از نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران در اواخر قرن نسیم و اوایل قرن ششم . وی از فرزندان عبدالرحمن بن عوف از شاهان سمرقاند رسول اکرم می باشد و به سمن حریف به عوفی شهرت یافته است . ولادتش در بخارا در نیمه دوم قرن سوم اتفاق افتاد و بحسب بلاغت خود را همانجا

انجام داد . پس از آن به بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان سفر کرد و با بزرگان و دانشمندان ملاقات کرد . عوفی در اوائل حمله مغول به بلاد سند رفت و به خدمت ناصرالدین قباچه رسید و تا سال ۶۲۵ در خدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباچه مغلوب سلطان تتمش الدین التتمش شد و خود را در سند غرق کرد، عوفی به خدمت التتمش درآمد و در دهلی اقامت کرد .

عوفی علاوه بر نویسندگی شعر نیز می گفته و قصاید و قطعات مختلف از او باقی است و در جوامع الحکایات قطعه ای از اشعاری که در ستایش نظام الملک جنیدی سروده است ذکر کرده است .

از آثار مشهور عوفی «لباب الالباب» و «جوامع الحکایات» است . عیسی (تن) عیسی بن مریم از پیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است . عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کرد ، ایشان نپذیرفتند و از او معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد . سرانجام جهودان قصد کشتن او را کردند عیسی گریخت ولی یکی از حواربون ، یهودان نام ، در برابر سی درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد . جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی او را از چشم ایشان پنهان داشت و ایشوع، بزرگ جهود را به صورت عیسی درآورد . او را گرفتند ، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به دار زدند و عیسی به آسمان رفت . ایشوع هفت شبانه روز بر درخت ماند . سریم هر شب پای درخت می رفت و می گریست . شب هفتم عیسی از آسمان به زمین آمد تا سریم را آراست بخشد ، هفت نفر از حواربون آن شب عیسی را دیدند و تا صبح با او بودند ، سحرگاه عیسی به آسمان رفت .

به غیرت از نفسش روح عبسی بریم

به خجالت از قلمش جوب موسی عمران

«انوری»

عین القضاة (ت) ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی. وفات ۵۲۵هـ - از مشایخ صوفیه و از شاگردان عمر خیام و اسام احمد عزالی که در آثار خود از استادش غزالی گفته های بسیار نقل کرده است. عین القضاة در جوانی به کسب کمالات پرداخت و از راه مطالعه در معارف عصر خود ببحر یافت. وی با رجال مشهور زمان خود مکاتبه داشته است و به علت بی پروایی در افشای اسرار صوفیان و حملۀ به معصیان مورد کینه علمای معصب قرار گرفت و سرانجام هم در سال ۵۲۵ به نهمت الحاد و زندقه در همدان بردار کشیده شد. وی به علت حسن بیان و نفوذ کلام سریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می ورزیدند. عین القضاة در مدت عمر کوتاه خود دینی درسی و سه سال، آثار بسیاری به فارسی و عربی از خود باقی گذاشت از جمله «دزدان شناخت»، «نمیهبات بازبده الحقائق» و «سکایب».

عیوب قافیه (ف) عیوب قافیه هشت اسم. افواء، اکفاء، سناد، ابطا، منافصه، تحمین، نخلع، عدول. (به هر یک از این ثلمات رجوع شود)

عبوق (نچ) از ستارگان ثابت که بر بازوی مسکک العنان (پرنده عنان) است

بسوده دست جلال تو دامن عبوق

سرده بای شمال بو ذروه اعلی

عیوقی (ت) از نساء آن قرن سیم و دوره سلجوقیان. سنوی «ورقه

و گلشاه « از او باقی است .

عیون الاخبار (ك) تألیف ابو عبدالله محمدالدینوری معروف به ابن قتیبہ . این کتاب به زبان عربی و دارای مفهده باب است و علاوه بر حکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات و سیرتهای طبقات مختلف کشورها و خطبه های تاریخی و حدیثهای معروف . ابن قتیبہ آداب لشکر کشی و سلاح پوشی اعراب و ایرانیها را نشان می دهد آداب تیراندازی ، اسب سواری را از کتاب آئین نامک که از بین رفته است نقل می کند . از این کتاب بخوبی می توان به عادات و روحیات ملل و سیاستها و طرز حکومتها و رفتار امرا و پادشاهان بی برد . علاوه بر این نکات جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .

غ

غالب (ب) سیرزا اسداله خان غالب . وفات ۱۲۸۵ - ار شاعران پارسی زبان هند است که درسهرآگرا منولد شده ودردهلی اقامت کرده وهمانجا وفات بافته است . غالب به زبان اردو وفارسی شعر می گفت اشعاری درمدح بهادرشاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد . ازغالب قصاید وغزلیهای بسیار باقی مانده است .

(دیوان غالب - چاپ هند)

غوراخبارملوک الفرس وسیرهم (ک) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد بعالمی نیشابوری که آن را به امر ابوالمظفر نعمربن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است . موضوع کتاب تاریخ ساهان ابران است ازابتدای شاهی کبوسرت تا یزدجردبن شهریار ، آخرین ساه ساسانی .

بعالمی داستانهای ملی ایران را مانند داستان زال ورودابه ورسم واسفندبار درابن تاریخ ذکر کرده است . منابع بعالمی کسب مختلف فارسی وعربی مانند تاریخ حمزه اصفهانی ، تاریخ طبری ، شاهنامه ابو منصور است . ازسجعودی مروزی وسزدوج اونزنام می برد . بسیاری ازداستانهای کتاب بعالمی عیناً داستان شاهنامه فردوسی است وحتمی طرز بیان حکایتها سبیه به هم است .

غریب (ع) ازبحوردهتخصوص شعرفارسی . «فاعلاتن مستفععلن

۲ بار» . اما این بحر در فارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ نمربد سگال را بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) حجة الاسلام امام زین العابدین ابو حامد محمد بن محمد

غزالی طوسی . وفات . . ه — از مستهورترین متکلمان و عالمان دین اسلام در قرن پنجم . علوم دینی و ادبی را در مدارس طوس و نزدیکی از دوستان پدرش موسوم به ابو حامد احمد را دکانی آموخت ، سپس به نیشابور رفت و در آنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه بزرگ شافعی ، به تحصیل علم پرداخت و در بیست و هشت سالگی در علوم متداول دینی زمان خود استاد گردید و پس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسید و در سال ۴۸۴ بنا به دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه ، به بغداد رفت و چهار سال در آنجا به تدریس مشغول بود .

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چند بار از طرف ملک شاه به رسالت نزد خلیفه رفت . امام غزالی با وجود شهرت و مقام عالی که بدست آورده بود ، درسی و نه سالگی میل به اعتزال کرد و امام احمد غزالی برادر خود را در نظامیه جانشین کرد و خود به حج رفت و مدت ده سال در شهرهای بیت المقدس و شام و مصر و حجاز گذراند و بعضی از کتابهای خود را در آن مدت تألیف کرد . پس از این سفر طولانی به طوس بازگشت و مدتی در نظامیه نیشابور تدریس کرد و بعد از آن عزلت گزید تا در سال . . ه در طوس درگذشت .

غزالی در حدود هفتاد کتاب و رساله در علوم دین و اصول و کلام و حدیث و اخلاق و فلسفه و منطق و تصوف تألیف کرده است . از آثار معروف او به زبان عربی «احباء العلوم» ، «مقاصد الفلاسفه» «تهافت الفلاسفه» ، در فلسفه

وحکمت، «معیار العلم» در منطق، از رساله‌های مهم او رساله «المنفذ من الضلال» است که در حقیقت سرگذشت روحانی اوست. «الوسیط» در فقه و «البسیط» در فروع مذهب شافعی.

از آثار مهم او به فارسی مجموعه مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوک است.

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدت‌ها دچار حمله سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار گشته است. وی گذشته از مقام بزرگش در علوم مختلف، در نشر فارسی هم مقام خاصی دارد و در آوردن لغات و اصطلاحات نازه بطریق ساده و درخور فهم عوام قدم نازه‌ای در نشر فارسی برداشته است.

غزالی (ت) شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمد بن محمد غزالی طوسی. وفات ۵۲۰- برادر حجة الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی و از جمله فقهبان مذهب شافعی. وی مدتی بجای برادر در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرد. غزالی به وعظ و علافه بسیاری داشته و مربی چند تن از مشایخ بزرگ صوفیه بوده است.

از آثار او کتاب «بحر الحقیقه» است و موضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای معرفت، جلال، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، عزت، گذشت. دیگر کتاب «الذخیره فی علم البعیره». دیگر «سوانح العشاق» که غزالی آن را در اسرار عشق نوشته است و در ضمن فصول، حکاینها و منله‌ها و اشعاری ذکر کرده است. نوشته این کتاب بسیار ساد و براز لطف است. دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همه آنها به انسانانی از آفات و احادیث آمیخته و بسیاری از عفاید در آنها مورد بحث قرار گرفته است.

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیه واحد، و مصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیز دارای قافیه است. غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه دارد و در بیان احساسات با گفتگوی با معشوق و خطاب به او است. غزل با عرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه و حقیقت مطلق و مطالب اخلاقی می باشد یا غزل عادی که خطاب به معشوق و دوست است. غزلهای حافظ و سعدی و مولوی نمونه عالی غزل فارسی است.

غضائری رازی (ت) ابوزید محمد الغضائری الرازی. وفات ۶۲۶ هـ — از شاعران دوره غزنوی و شیعی مذهب. غضائری اهل ری بوده و اسیران دلمی آل بویه را در ری مدح گفته است. اشعاری نیز در مدح سلطان محمود غزنوی دارد. خاصه در قصیده لاسیه از عطا بای این شاه سخن گفته است. دیوان غضائری در دست نیست.

غضائری با عنصری بحث ادبی داشته است و قصایدی انتقادی برای بکدیگر می فرستادند.

از اشعارش فصائد و قطعه هائی در کتابهای لغت و تذکره باقی است.
غلمان (تن) جمع غلام. پسران بهمنی. ابن کلمه در قرآن کریم آمده است.

فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند غلمان ز روضه حور ز جنت بدر کشیم
«حافظ»

غنی (ن) ملا محمد طاهر غنی کشمیری. وفات ۱۰۷۷ هـ — از شاعران معروف هندوستان و معاصر صائب. دیوانش شامل غزلهائی است که نمونه ای از رقت خیال است. (دیوان غنی — چاپ هند)

غیاث اللغات (ک) فرهنگ تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین

بن شرف الدین راسپوری از فارسی شناسان هند که آن را در سال ۱۳۴۲
یس از چهارده سال صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع لغات
کمبرالاستعمال فارسی و عربی و ترکی است که مؤلف آن از کتابهای لغت
و ادب و شعر و نجوم و طب استفاده کرده و برای هر لغت مأخذ و منبعی
ذکر می کند کتاب از این جهت دارای ارزش است ولی فایده نخواهد
شمعری و نثری می باشد .

(غیاث اللغات — حاب هندو تهران)

ف

فارابی (ت) ابونصر محمد بن محمد الفارابی . وفات ۳۳۹- از بزرگترین فیلسوفان ایرانی . در شهر فاراب ماوراءالنهر متولد شده است . بعضی نژاد او را از ترکان و بیشتر از ایرانی می دانند . فارابی از ماوراءالنهر به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت و علوم فلسفی را نیز همانجا فرا گرفت و کتابهای ارسطو را مطالعه کرد . پس از آن به حلب و دمشق رفت و به خدمت سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید و همچنین در دمشق ماند و به تألیف پرداخت . فارابی به سبب شرحهایی که بر آثار ارسطو نوشته است به « المعلم الثانی » مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده اند . فارابی در همه علوم عهد خود استاد و صاحب تألیف است . در ریاضیات و موسیقی و طب اطلاعات بسیار داشته است و از آنرا و شرحهایی است که برانالوطیقای اول و ثانی و سوفسطیقا و بوطیقای ارسطو نوشته است . در علم النفس کتاب النفس اسکندر الافرود بسی و در علوم ، السماع الطبیعی و الاثار العلویة و السماء و العالم و کتاب الحروف ارسطو و المجسطی بطلمیوس را تفسیر کرده است . از کتابهای دیگر او « رسالة فی مبادی آراء اهل المدينة الفاضله » و « فصوص الحکم » و « الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس » . فارابی کوشیده است که در این کتاب بین عقاید افلاطون و ارسطو التیام دهد . عقاید فارابی در فیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ک) تألیف ابن البلیخی که در اوائل قرن ششم و بنا به دستور سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است و از کتابهای معتبر فارسی و از منابع تاریخ پیش از اسلام و جغرافیای فارس است. مؤلف در این کتاب از تاریخ حمزة بن الحسن و تاریخ محمد بن جریر طبری و کتابهای دیگر عربی و فارسی استفاده کرده است. در این کتاب پادشاهان ایران پیش از حمله عرب بر چهار دسته تقسیم شده اند: پیشدادیان — کیانیان — اشکانیان — ساسانیان. مؤلف از اسکندر جانشینانی نیز ذکر کرده است. نشر کتاب بسیار روان و محکم است.

(چاپ تهران — ۱۳۱۲ شمسی)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض.

فاصله برد و قسم است: فاصله صغری. فاصله کبری.

فاصله صغری عبارت است از سه متحرک و یک ساکن. مثال:

دهم و علامت آن سه صفر است و یک الف ۱۰۰۰

فاصله کبری چهار متحرک است و یک ساکن مثال: بدهمش.

و مثال آن چهار صفر و یک الف است بر این صورت: ۱۰۰۰۰

فتوح علی خان صبا (ت) رجوع شود به صبا

فتوحی (ت) اثرالدین شرف الحکماء فتوحی مروزی از ساعران

بزرگ مرو در نیمه آخر قرن ششم. فتوحی معاصر انوری است و بنا بر قول

رضاقلیخان هداست قطعه مربوط به «هجو بلخ» که به انوری نسبت داده اند از

فتوحی است. وی با ادب صابر دوستی و مکارنبه دانسته است و عوفی او را در نظم

و نشر استاد دانسته است. اشعاری از فتوحی در تذکره ها باقی است.

فخرالدین عراقی (ن) رجوع شود به عراقی

فخر رازی (ب) ابو عبدالله فخرالدین محمد بن عمر بن الحسن

طبری رازی ، وفات ۳۰۶ - معروف به ابن الخطیب از فیلسوفان و متکلمان و فقیهان شافعی و از عالمان بزرگ ایران در قرن ششم که در علوم اسلامی از نوادر زمان خود به شمار می‌رفت . امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد و به مناسبت آنکه در جدل و ابراد بر فلاسفه و شک در مسائل فلسفی استادی داشت او را «امام المشککین» خوانده‌اند . فخر رازی از مخالفان ابن سینا بود و از راه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت .

از آثار مشهور او به زبان عربی در کلام «نهایة العقول» و «کتاب الاربعین» و «محصل افکار المتقدمین والمتأخرین من الحكماء والمتکلمین .» و رساله ای در معراج است .

در فلسفه و حکمت : المایخص ، شرح الاشارات ، شرح عیون الحکمة ، مباحث المشرفیه ، النهایة است . در تفسیر : مفاتیح الغیب ، که معروف به تفسیر کبیر است و در حقیقت دائرة المعارفی است از علوم دینی که ناتمام گذارده است . دیگر «نهایة الاعجاز» در بیان سوار در فصاحت و بلاغت قرآن .

سه‌مترین آثار او به زبان فارسی «جامع العلوم» با حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاء الدین تکش خوارزمشاه در سال ۷۴۷ هـ تألیف کرد . دیگر رساله روحیه است در حقیقت روح و فنای جسم و حکمت مرگ و پند و نصیحت . دیگر «اصول عقاید» در هشت باب . دیگر رساله «الاختیارات العلائیه» در نجوم که آن را به نام علاء الدین خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است و این کتاب به عربی ترجمه شده است .

فخر گرگانی (ت) فخرالدین اسعد الجرجانی . وفات در حدود

۷۶۶ - از شاعران داستان‌سرای ایران در قرن پنجم . وی معاصر ابوطالب

طغرل بیک محمد بن میکائیل بوده و نزد او تقرب داشته است . از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری در دست نیست ولی از اشعار او پیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده و کتب فلسفه و حکمت خوانده و از ادبیات فارسی و عربی اطلاع کامل داشته و به زبان بهلولی نیز آشنا بوده است . فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی در سال ۴۴۳ هجری اصفهان را فتح کرد، با او بود و بعد از او در آنجا نزد حاکم اصفهان ابوالفتح المظفر بن محمد ماند و به درخواست او داستان و بس ورامین را به نظم آورد . فخر گزگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک و خواجه عمیدالملک کندی وزیر معروف طغرل و خواجه عمید ابوالفتح را مدح گفته است .

فرا لاوی (ت) ابو عبدالله محمد بن موسی الفرا لاوی از شاعران معروف سامانیان و معاصر شهید بلخی که رودکی او را باشهید در یک ردیف آورده است . ابیات کمی از این شاعر در مجمع الفصحاء و لباب الالباب عوفی ذکر شده است .

فرخی (ت) ابوالحسن علی بن جلولوغ . وفات ۴۲۹- از شاعران بزرگ دربار سلطان محمود غزنوی . مدرس غلام امیر خلف بانو یعنی خلف بن احمد بن محمد خلف بن الملیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربار جغانیان رفت و ابوالمظفر احمد بن محمد امیر خغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرار گرفت . پس از آن به دربار غزنوی روی نهاد و مورد اکرام محمود غزنوی واقع شد . قسمت عمده قصاید فرخی در مدح سلطان محمود و سران و وزیران و ندیمان آنان می باشد .

دیوان فرخی بیش از نه هزار بیت دارد و شامل قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده

و طبیعی است و از پیچیدگی و تکلف خالی است. در تغزل با دنبای واقعی بیشتر سروکار دارد و در قصاید نیز جنبه واقعیت تاریخی را بیشتر در نظر گرفته است، خاصه جنگ‌هایی را که خود ناظر آن بوده است بسیار زنده و حقیقی وصف می‌کند. فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است. همچنین در عروض و نقد الشعر دست داشته کتاب «ترجمان البلاغه» را به او نسبت داده‌اند، ولی این نسبت درست نیست زیرا که تألیف ابن کتاب در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوسیله یکی از ادیبان به نام محمد بن عمر الرادویانی صورت گرفته است. فرخی را می‌توان از قصیده سرایان درجه اول ایران دانست.

(دیوان فرخی - چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص و مستقل باشد، خواه دو مصراع آن یک قافیه دانسته باشد یا نه. مثال:

ران ملخی نزد سلیمان بردن

عیب است ولیکن هنراست از سوری

فردوسی (ت) ابوالقاسم حسن. وفات ۴۱۱ یا ۴۱۶ - شاعر بزرگ حماسه سرای ایران در قرن چهارم و پنجم. وی از خانواده دهقانان بود و ثروت و ضیاع موروث داشت. فردوسی در حدود سال ۳۷ در سن چهل سالگی به نظم شاهنامه شروع کرد و آن را در حدود سال ۴۰۰ به پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ با دربار سلطان محمود رابطه یافت، یعنی هنگامی که ثروت خود را صرف شاهنامه کرد و از تهیدستی به جان آمد، به فکر تقدیم شاهنامه به محمود بن ناصرالدین سبکتکین افتاد و بوسیله ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی، نخستین وزیر سلطان محمود، به دربار او معرفی شد. اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس یا بعلل

دیگر که از آن جمله تشیع فردوسی و تعصب محمود در مذاهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای یک دینار در برابر هر بیت یک درم به او داد و این اسر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت و از غزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانه اسمعیل وراق، پدر ازرقی شاعر، ماند و از آنجا به طبرستان رفت و به خدمت سپهبد شهر بار از آل باوند رسید و محمود را هجا کرد. ولی شهر بار آن هجا را خرید و دستور داد تا به آب شستند. فردوسی از مازندران به خراسان بازگشت و در مولد خود بسربرد تا به سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ بدرود زندگی گفت. گویند وقتی سلطان محمود انعام و صله شاعر را فرستاد که جنازه او را به گورستان می بردند. اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین و بزرگترین اثر ادبی ایران است. قصه یوسف و زلیخای منظوم را به او نسبت می دادند ولی اکنون مسلم شده است که از او نیست.

فرقدان یا فرقد بن (نج) از کواکب نابت و دوستاره روشن است

برسینه دب اصغر

ای رسانیده به دولت فرق خود بر فرد بن

گستراننده به جود و فضل در عالم بدن

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمد بن عمر فردی از شاعران خراسان در اواخر قرن

ششم. معاصرو مداح محمد بن سام بادشاه غوری است. اشعار کمی از او باقی است که قدرت او را در شعر می رساند.

فرنگیسی (ش - د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب

که سیاوش او را به زنی گرفت و هنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم

شد ، فرنگیس به زاری نزد پدر رفت و او را از کشتن سیاوش منع کرد ، اما افراسیاب گذشته از کشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر بزنند تا طفلی که از سیاوش در شکم اوست ، بیفتد . سرانجام پیران ویسه خود را به درگاه رساند و فرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد و جانتی را نجات داد . فرنگیس کلبخسرو را به جهان آورد و چند سال پس از آن به یاری گیو بابسر خود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) رجوع سود به فرهنگ نفیسی

فروغی (ت) محمد علی ملقب به ذکاءالملک . وفات ۱۳۲۱ - از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۵ قمری متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون به پایان رسانید و به مطالعه در فلسفه پرداخت . مدنی به تدریس در مدرسه علوم سیاسی اشتغال داشت و پس از آن به ریاست مدرسه منتهی به گشت . فروغی به زبان و ادب فرانسه تسلط کامل داشت . وی علاوه بر کسب دانش به امور سیاسی و اجتماعی نیز سی پرداخت و سالها نماینده گی مجلس سوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران در جامعه ملل ، ریاست جامعه ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهایی است در تاریخ ، فیزیک ، علوم ، و نصیحت از آثار بزرگان ادب مانند ، کلمات سعدی ، دیوان حافظ . رباعیات خبام و از آثار معروف او کتاب «سیر حکمت در اروپا» است در سه جلد . «حکمت سقراط به فیلم افلاطون» در دو جلد . «آئین سخنوری» اغلب آثار فروغی به چاپ رسیده است .

فروغی بسطامی (ت) میرزا عباس بسطامی . وفات ۱۲۷۴ - از برادرگان بسطام . دوران کودکی را در بسطام بسر برده و در اوایل

سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد و به تحصیل علوم ادبی پرداخت. فروغی در ابتدا «مسکین» تخلص می کرد و بعدها به مناسبت انتساب به دربار فروغ الدوله، فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه والی خراسان و کرمان، به فروغی تخلص یافت. ابتدا به مدح شاهان و شاهزادگان قاجار پرداخت و پس از آن به تصوف متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت. فروغی را می توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به شمار آورد. دیوان فروغی چند بار به چاپ رسیده است.

فرهاد (ش — د) از اشخاص داستان عاشقانه خسرو و شیرین. داستان خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین را چند تن از شاعران ایرانی به نظم درآورده اند ولی مهم ترین و معروف ترین آنها داستان خسرو و شیرین نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم هجری است.

فرهاد در عشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوار تن درمی دهد. فداکاری و پایداری او در عشق شیرین، خسرو را برمی انگیزد که او را به کندن کوه بستان بگمارد. فرهاد از دل و جان این شغل را می پذیرد و سدنها در آرزوی وصل شیرین به کوه کندن می پردازد، سرانجام به تدبیر خسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می رسانند و او باتیسه فرق خود را می شکافد و درمی گذرد.

دل به امید صدائی که سگر در تو رسد

ناله ها کرد درین کوه که فرهاد نکرد

«حافظ»

فرهاد و شیرین (ک) منظومه ای از وحشی بافقی که آن را به تقلید خسرو و شیرین نظامی ساخته ولی نتوانسته است به پایان برساند. این

مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال شیرازی در سال ۱۲۰۵ هجری آن را به پایان رسانده است. این منظومه از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می‌گشته است. (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد بادشاه متخلص به شاد که آن را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دو برادرش در سرزمین هندوستان ندوین کرده است. این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده. مؤلف در این کتاب از فرهنگهای مانند منتهی‌الارب، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، انجمن آراء، غیاث اللغات و امثال آن استفاده کرده است. وی بیشتر لغات فارسی را با شواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است. فرهنگ آنندراج فرهنگ جامعی است که به سبب اشمال بر لغات فارسی و عربی ممتاز است. (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی و آخرین تألیف معروف رضاقلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است. این فرهنگ منحصربه‌لغات فارسی است و مشتمل بر مقدمه‌ای است حاوی چند بن‌آرایش، در توضیح لغات و بیان بعضی از اشتباهات در لغات فرهنگها و تحقیق زبان فارسی و بیان حروف تهجی و آئین شناختن مصدر و اصطلاحات علم صرف و نحو و بیان و امثال آنها

متن کتاب شامل بیست و چهار انجمن است و در خاتمه کتاب بعضی از استعارات و کنایات فارسی و عربی با شواهد شعر از فصحا و بلغا ذکر شده است. (فرهنگ انجمن آراء — چاپ تهران)

فرهنگ جهانگیری (ك) كتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان . مؤلف كتاب را در زمان شاهی اکبر شاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد و در زمان سلطنت بصرش جهانگیر شاه یعنی در سال ۱۰۱۷ به نام او به پایان رساند . این كتاب شامل لغت‌های فارسی الاصل است و مؤلف برای هر لغت شعری بر سبیل شاهد آورده است و چنانکه خود در مقدمه كتاب می گوید چهل و چهار كتاب لغت در اختیار داشته و از آنها استفاده کرده است . فرهنگ جهانگیری بسار جامع و سودمند است و مورد تقلید و پیروی فرهنگ نوبسان بعد مانند صاحب برهان فاطع قرار گرفته است .

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت نامه‌های نفیس فارسی تألیف عبد الرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی که آن را در سال ۱۰۶۴ در هندوستان تألیف کرده است . فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت در سدرجات ، از معتبرترین لغت نامه‌های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است . مؤلف فرهنگ رشیدی در مقدمه كتاب از فرهنگ جهانگیری و سروری انتفاداتی کرده و اجتناب از سهل انگاری و استباهات ایشان را در كتاب خود لازم دانسته است . فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بر يك مقدمه و چند باب و خاتمه است .

(فرهنگ رشیدی - جاب تهران)

فرهنگ سروری (ك) یا مجمع الفرس ، فرهنگی به زبان فارسی تألیف محمد قاسم بن حاجی محمد کاسمانی متخلص به سروری . مؤلف این فرهنگ را در چند نوبت نوشته است به این معنی که هر بار منابع و مأخذ تازه‌ای به دست آورده و بر شرح لغت‌های سابق افزوده است . نسخه کامل

آن تاریخ ۱۰۵۴ هجری را دارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری و تحفة السعادة و امثال آن را در دست داشته است. مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است باز کر ساختن نقل هر لغت و نقد بعضی از لغات. (چاپ تهران)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی. این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همه آنها را با شواهدی از اشعار شاعران توضیح داده و بر حسب حروف آخر کلمات و حروف الفبا تنظیم کرده است و چنانکه خود اسدی گفته است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپارالنجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعد فرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار با ارزش فارسی به شمار میرود (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یا فرنود سار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبر نفیسی ناظم الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ شمسی). مؤلف در این کتاب مقید به آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیز در آن وارد کرده است. همچنین به مفردات اکتفا نکرده بلکه مرکبات و اصطلاحات و استعمالات مختلف الفاظ را نیز ذکر کرده است و در ذیل بسیاری از کلمات، خلاصه‌ای از علوم را به شکل دائرة المعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فریدون (ش - د) از نژاد تهمورث و پسر آبتین که در خرد سالی ضحاک پدرش را کشته بود و سادرش «فرانک» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود. چون کاه و آهنگر بر ضحاک شور بد فریدون را به شاهی خواند. فریدون بر ضحاک چیره شد و او را در کوه دماوند به زندان کرد و خود به شاهی نشست.

فصحا (ط) (از کلیات خمس) کلمی ذاتی است که در جواب ای شیء (کدامیک) واقع می شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ با جزء حقیقت مشترک باشد مثل حساس که شامل همه نوع حیوان است.

فصیحی خوافی (ت) از نویسندگان دوره تیموری و معاصرینا هرخ. در سال ۸۱۸ که شاهرخ برای سرکوبی برادرزاده اش بابقرا به شیراز می رفت، فصیحی همراه او بوده و پس از آن مأسور کرمان شده و به بادغیس بازگشته است. وی در سال ۸۴۳ به امر گوهرشاد به حبس می افتد و پس از رهائی از زندان در سال ۸۴۹ کتاب سجمل فصیحی را نوشته به شاهرخ هدیه می کند.

فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ک) شامل مکاتبات و مراسلات و محاورات و نصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفاتش بوسیله یکی از نزدیکانش گرد آمده است. این مکاتبات عبارت است از نامه هائی که به امام غزالی نوشته شده و غزالی به آنها جواب داده است. در این مجموعه نمونه هائی از رسائل دوستانه و دیوانی فارسی در نیمه قرن پنجم نشان داده شده است. خطبه ای در آن ذکر شده که از طرف امام غزالی در مجلس سنجرا ایراد شده است. این مجموعه دارای پنج باب است. باب اول در نامه هائی که به نهانان نوشته شده است. باب دوم نامه هائی که به وزیران نوشته شده. باب سوم در آنچه به امراء و ارکان دولت نوشته شده است. باب چهارم در آنچه به علماء و فقهاء نوشته شده. باب پنجم در فصول و مواعظ.

کتاب فضایل الانام علاوه بر آنکه شامل مطالب عرفانی و حکمی است از حیط فصاحت و روانی نیز از شاهکارهای نثر فارسی است و در ضمن

آن می‌توان به بسیاری از خصوصیات و تاریخ زندگی امام غزالی پی برد.
(چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) وفات ۹۷۰ - فضولی در بغداد متولد شده و بیشتر عمر را در آنجا گذرانده است. بعد به عثمانی رفت و تبعه آن دولت گشت. وی به زبان ترکی و فارسی و عربی شعر می‌گفت و کتابی به تقلید «روضه الشهداء» حسین واعظ ساخته است به نام «حديقة السعداء» **فعل** (ط) (از مقولات عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است در جسم دیگر مثل گرم کردن آتش آب را.

فلک (نج) بر حسب اعتقاد منجمان قدیم جسمی است گرد چون گوی که پیوسته در گردش است و غیر نورانی است و زمین در مرکز آن قرار گرفته و افلاک دیگر مانند پیاز به دور او بدیجده است، طبقات فلک هشت است: قمر، عطارد، زهره، آفتاب، مریخ، مشتری، زحل، نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند زیرا که بیحرکت اند.

فلکی شیروانی (ن) نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. وفات ۸۷۰ هـ از گویندگان آذربایجان در قرن ششم هجری که چون در علم نجوم مهارت دانسته به «فلکی» تخلص یافته است. فلکی از درباربان شروانشاهان است، بخصوص خادان اکبر منوچهر بن فریدون و پسرش اخستان را مدح گفته است. فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعر و ادب پرداخت. دیوانش شامل قصاید و غزلیات و سیمط است. وی مدنی در زندان شروانشاه بسر برده و اشعاری در زندان سروده است که از لطیفه یں اشعار اوست.

(دبوان فلکی - چاپ عکسی.)

فم الحوت (نج) از ستارگان قدر اول که در آخر برج دلو و بردهن

حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزم الحوت نهادی دندان بر سر ترکش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) ابوالقاسم فندرسکی . وفات . ۱۰۵۰ - منسوب به فندرسک از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی و حکمت استاد بوده و در این علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربارشاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به هند کرد و در آنجا تحت نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیمش گرفت . فندرسکی در شعر فارسی نیز دست داشت . قصیده‌ای به استقبال شعر ناصر خسرو ساخته است که در تذکره‌ها ضبط است .

الفهرست (ک) کتابی به زبان عربی ، تألیف ابوالفرج محمد بن اسحق الندیم که آن را به سال ۳۷۷ به انعام رسانده است . کتاب «الفهرست» چنانکه از نامش پیداست ، فهرست کتابهای عرب و عجم است که به زبان عربی موجود بوده است و شامل انواع علوم و اخبار مؤلفان آن با ذکر نسب و تاریخ تولد و مدت عمر و تاریخ وفات آنهاست از ابتدای پیدایش هر علم تا عصر مؤلف . این کتاب شامل ده مقاله و هر مقاله شامل چند فن می باشد که همه بر حسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است . اساسی کتابها گاهی در ضمن شرح حال مؤلف سی آید ، و گاهی از نظر موضوع طبقه بندی می شود . الفهرست کتابی است که از نقطه نظر تاریخی بسیار سودمند است زیرا ، با آنکه در کمال ایجاز و اختصار نوشته شده است ، مرجع و مأخذ مورخان قرار گرفته است و سرچشمه بزرگی از علوم و فنون مختلف است مانند شعر ، حدیث ، نحو ، کلام ، علم قرائت خطوط ، کتابت ، فلسفه ، طب ، مذاهب مختلف ، اعتقادات ملل . همچنین بسیاری از کتابها و مؤلفان

ناشناس در این کتاب معرفی می‌شوند .

کتاب الفهرست یکی از جامع‌ترین و بهترین کتابهای دوره تمدن اسلامی است . سبک کتاب بسیار ساده است و کمتر کسی توانسته از آن تقلید کند .

فیروزآبادی (ت) ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب الشیرازی فیروزآبادی . وفات ۸۱۷ - از بزرگان ادب و لغت عرب در قرن هشتم . سولدش فیروزآباد فارسی است . ابتدا در شیراز و پس از آن در عراق عرب و بغداد به تحصیل علوم دینی مانند فقه و تفسیر و حدیث پرداخت . بعد به دمشق و اورشلیم رفت و در آنجا به تدریس اشتغال یافت پس از دو سال تدریس به آسیای صغیر و قاهره و بعد به مکه معظمه رفت و بانزده سال در آنجا اقامت کرد . پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسربرد و دوباره به مکه معظمه بازگشت و در سال ۷۹۴ به دربار سلطان احمد بن اویس جلایری به بغداد رفت . مدنی نیز قاضی القضاة یمن بود و در سال ۸۱۷ در یمن وفات کرد . از آثار او تألیف بسیار بزرگی است در علم لغت عرب موسوم به « قاموس المحيط »

فیروز مشرقی (ت) وفات ۲۸۳ - از شاعران معروف صفاریان و معاصر عمرو بن لیث . ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است .

فیضی دکنی (ت) ابوالفیض فیضی فیاضی . وفات ۱۰۰۴ - پسر شیخ مبارک هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری . فیضی در سال ۹۵۴ هجری در شهر آگره هندوستان متولد شد و علوم مقدساتی را از پدر فرا گرفت و در جوانی به علوم متداول زبان آشنائی یافت و در فقه و تاریخ و فنون شعری دست یافت . فیضی اگر چه در هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران خوب فارسی زبان است و او را از رواج دهندگان زبان فارسی

در هند می‌شمارند . شعر فیضی در عثمانی و هند بسیار نفوذ یافت . وی از اغلب قصه‌های هندی اطلاع داشته و بعضی از آنها را به فارسی ترجمه کرده است . فیضی در سال ۹۹۹ در دربار اکبر ساه به رتبهٔ ملک الشعرائی رسید . فیضی اشعار بسیار دارد و ابوالفضل برادر او در یکی از نوشته‌هایش اشعار او را در حدود پنجاه هزار بیت دانسته است . غزلیاتش به نام «تباشیر الصبح» است و تفسیری به نام «سواطع الالهام» دارد که در سراسر آن بک حرف نقطه دار بکار برده است .

فیضی مشنویهائی به تقلید نظامی ساخته است که بعضی از آنها نیمه تمام مانده است . خمسة اوعبارت است از : مرکز ادوار ، سلیمان و بلقیس ، نل و دمن ، هفت کشور ، اکبرنامه .

فیض کاشانی (ت) محمد بن مرتضی الکاشانی . وفات ۱۰۹۱ - ملا محسن متخلص به فیض از فقیهان و حکیمان معروف عصر صفوی . اهل کاشان بود و در همان شهر به تحصیلات ابتدائی و علوم شرع پرداخت . پس از آن تحصیلات خود را در شیراز نزد ملا صدرا تکمیل کرد . تألیفات فراوانی به ملا محسن نسبت می‌دهند .

از جمله آثار او اصول المعارف ، کلمات مکنونه ، در حکمت و تفسیر و الصافی والوافی در حدیث و تفسیر قرآن .

از آثار فارسی او «ابواب الجنان» است که در سال ۱۰۵۰ تألیف یافته و موضوعش نماز جمعه و آداب آن است . ملا محسن شعر نیز می‌سرود و دیوانش در حدود شش هفت هزار بیت دارد . (دیوان فیض کاشانی - جاب تهران) **فیه مافیه** (ک) کتابی به نثر مشتمل بر شمه‌ای از مقالات و بی‌جالس مولانا جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به روسی .

این کتاب متضمن بحثهای عرفانی و دینی و اخلاقی است . (جاب تهران)

ق

قآانی (ت) میرزا حبیب . وفات . ۱۲۷۰ - از شاعران بزرگ ایران در دوره قاجار و معاصر فتحعلیشاه ، پدرش نیز شاعر بود «وگلشن» تخلص داشت . قآانی به سال ۱۲۲۲ در شیراز متولد شد و به خراسان سفر کرد و در آنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت و به فرمان و به مناسبت اسم پسرش شجاع السلطنه یعنی او گتای قآن ، قآانی تخلص کرد و بوسیله همین شاهزاده به خدمت فتحعلیشاه رسید و بس از آن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت . قآانی از معروفترین شاعران قصیده سرای دوره قاجار است . در قصیده از شاعران خراسان خاصه عنصری و فرخی و منوچهری پیروی کرده و در ترجیع بند و مسقط نیز دست داشته است . قآانی گذشته از دیوان اشعار، کتابی به نام «پیشان» به نشر دارد که آن را به سبک گلستان سعدی نگاشته است . وی اولین شاعر ایرانی است که زبان فرانسه را آموخته است . اما آشنائی باربانهای اروپائی در شعرش تأثیری نکرده است . (دبوان قآانی - چاپ تهران)

قائم مقام (ت) میرزا ابوالقاسم فراهانی . وفات ۱۲۵۱ - پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم مقام وزیر عباس میرزا نایب السلطنه که در سال ۱۱۹۳ متولد شد و به وسیله پدر به دربار عباس میرزا راه یافت و در سفرها با شاهزاده همراه بود و کم کم پیشکاری او را برعهده

گرفت و در امور صلح و معاهدات با روس کوشش بسیار کرد و اساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به تخت نشاند و خود به صدارت او منصوب گشت و پس از آنکه تخت و تاج را بی منازع کرد، در سال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید.

قائم مقام در علوم حکمت و ادب و نظم و نثر فارسی و عربی استاد بود. منشآت و مکتوبهای او نمونه نثر فصیح آن عصر و به سبک گلستان است. قائم مقام در شعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار و تجدد است. از آثار معروف او مثنوی «جلایرنامه» است که از زبان جلایر یکی از نوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایرج در عارفنامه واقع گشته است. در مثنوی جلایر نامه اوضاع و نقائص لشکری و کنسوری را با زبانی هزل آمیز نشان می دهد. قائم مقام اشعار شکوایی و حزن آوری دارد که ابری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن سیزدهم در آن نمایان است.

فابوسنامه (ک) تألیف اسیر عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ۴۷۵ در نصیحت به فرزند خود گیلان شاه نوشته است. این کتاب شامل چهل و چهار باب است در مباحث مختلف و فنون و رسوم اعم از کشورداری و لشکر کشی و بازرگانی و علوم متداول زمان. مؤلف همه ابواب کتاب را با حکاینها و تمثیلها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه هایی ذکر کرده است. فابوسنامه را می توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی و حکمتهای عملی آمیخته است. انشای فابوسنامه نرساده است و از بهترین و روانترین نثرهای فارسی است.

قارون (تن) پسر عم موسی که از موسی کیمیاگری آموخت و بسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواستهٔ پیدشمار جمع کرد. آنگاه غرور مال او را بر موسی نافرمان کرد، موسی زمین را فرسود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته‌اش در خود فرو برد.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت

نوسپروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابوبکر حمیدالدین عمر بن محمود البلیخی (ت) وفات ۵۵۹- از عالمان و فاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی الفضا نی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و باشاعران و دانشمندان زمان خود ارتباط علمی و ادبی داشته است، خاصه از انوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، و در هنگامی که حکم نجومی انوری بر حسب پیش بینی او در مورد انقلاب جوی صحت نیافت و مردم بلخ بر او شور بدند قاضی حمیدالدین او را از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او و مقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه بر احاطه بر علوم شرعی و قضا در علوم ادبی خاصه در نویسندگی معروف است. تسلط او در ترمس جمع است و کتاب «مقامات» را به این شیوه نوشته است.

از آثار دیگر او رساله‌هایی است به نام «وسيلة العفاة الی اکفی الکفاة» و «حنین المستجیر الی حضرة المجیر» و «روضه الرضای مدح ابی الرضا» و «منیته الراجی فی جوهر التاجی».

از آثار منظوم او مشنوی «سفرنامهٔ مرو» است که یک قطعه از آن در مجمع الفصحاء و تذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) ابوالخیر ناصرالدین عبدالله ابوسعید بیضاوی

وفات ۶۸۵ — اهل بیضای فارس که در شیراز شغل قاضی القضایی داشت . پدرش نیز در عهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت . قاضی بیضاوی از فقیهان و مفسران بزرگ اسلام است . از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به «اسرار التنزیل» به زبان عربی . دیگر طوابع الانوار است در توحید و «منهاج الوصول» در علم اصول . دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام «نظام التواریخ» .

قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است و به روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است .

ملک جهان بگیری از قاف تا به قاف

مال جهان ببخشی از عود تا به قار

«منوچهری»

قافیه (ف) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخری است بشرط آنکه کلمات عیناً و به یک معنی در آخر ابیات تکرار نشده باشد . ابن جزء شامل یک حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند و حرکت ماقبل آن مانند قمر و شکر ، که حروف آخر و حرکت میم و شین یکسان است ؛ یا حرف ساکن ماقبل و حرکت پیش از آن مانند بدر و قدر ، کاشت و داشت .

قاموس المحيط (ک) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را در قرن هشتم هجری تألیف کرده است .

قانهی (ت) امیر بهاءالدین احمد قانع . شاعری از اهل طوس که در حمله مغول به هندوستان گریخت و از آنجا به سکه و مدینه و بغداد سفر کرد و سرانجام به آسیای صغیر رفت و در دربار شاهان سلجوقی روم در قونیه

اقامت کرد و مثنوی به سبک شاهنامه در تاریخ آن سلسله به نظم آورد و در سال ۶۵۵ کتاب کليلة و دمنه را به فارسی منظوم کرد و به نام عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی از مهمترین کتابهای طبی اسلامی تألیف دانشمند و پزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینا به زبان عربی . این کتاب شامل پنج قسمت است .

- ۱- در امور کلی طب
 - ۲- در ادویه مفرده
 - ۳- امراض جزئیة اعضاء انسان
 - ۴- امراض جزئیة ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد ،
 - ۵- در ادویه مرکبه
- کتاب قانون چند بار به طبع رسیده است و ترجمه های متعددی از آن شده و شروح متعددی بر آن نوشته اند .
- القبای (ن) ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی اهل بخارا و دیه قبا که در سال ۵۲۳ هجری تاریخ بخارای نرسخی را از عربی به فارسی ترجمه کرده و مطالبی نیز بر آن افزوده است .
- قسی (تن) به معنی باره آتش و در شعر فارسی اشاره به پاره آتشی که در وادی ایمن از درختی بر موسی ظاهر شد .

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس

موسی اینجا به امید قسی می آید

«حافظ»

قبض (زحاف) (ع) در مفاعیلن اسقاط حرف بنجم یعنی یا ع است که در این صورت مفاعیلن می شود مفاعیلن ؛ و آن را مقبوض گویند .

در فعلون حذف نون است که می ماند فعول ؛ و آن را مفبوض خوانند .
قدر (نچ) جایگاه ستارگان و نسبت آنها به منطقه البروج که «شرف»
 نیز خوانده می شود . آنچه را که از همه بزرگتر است ، قدر اول یا شرف
 اول می خوانند . قدر اول یانزده است .

۱- سماك اعزل ۲- سماك راسح ۳- نسرواقع ۴- نسر طایر
 ۵- شعرای یمانی ۶- شعرای شامی ۷- عیوق ۸- دبران
 ۹- قلب الاسد . ۱۰- فهم الحوت ۱۱- منكب الجبار ۱۲- قدم الجبار
 ۱۳- سهیل ۱۴- آخر النهر ۱۵- رجل قنطورس
قدم الجبار (نچ) از ستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است
 و آن را جوزا خوانند .

قران (نچ) به معنی گرد آمدن و نزد یک شدن است ، در اصطلاح
 نجوم وقتی است که دو ستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گرد آمدن
 زحل و مشتری است و آن به هریست سال یک بار باشد .
 قران بعضی از ستارگان نحس است و بعضی سعد . از آن جمله
 قران ماه و مشتری که همراه یکبار واقع می شود سعد است :
 گفتم که خواجه کی به سر حبله می رود

گفت آن زمان که مشتری و ماه قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی ، اصل آن «مفاعیلن
 مفاعیلن فاعلان» ۲ بار است . این وزن از آن بحر در فارسی گاهی به کار
 رفته است ؛ بحر قریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاعلان ۲ بار)
 می آرد ترف مرد می پدید وازاده نژاد از درم خرید

قزوینی (ت) محمد بن عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی . وفات

۱۳۲۸ شمسی - از محققان و دانشمندان معاصر که در سال ۱۲۹۴ قمری در تهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانند صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت در نزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل الله نوری و حاج شیخ علی نوری و سلام محمد آملی و ادیب پیشاوری آسخت و به خصوص در ادبیات عرب شوق فراوان یافت. قزوینی در سال ۱۳۲۲ قمری سفری به لندن کرد و در آنجا با جمعی از مستشرقان از جمله ادوارد برون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت. در سال ۱۳۲۴ برای مطالعه نسخه های فارسی و خاصه نسخه های کتاب « جهانگشای جوینی » که به تصحیح آن مصمم گشته بود به پاریس رفت. در پاریس با علی اکبر دهخدا ملاقات کرد و در مدت اقامت اغلب در مصاحبت بکدیگر بودند. در سال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانگیر اول با حسینقلی خان نواب به برلن رفت و تا پایان جنگ آنجا ماند و دوباره به پاریس بازگشت. قزوینی کتابهایی مانند لباب الالباب عوفی، المعجم فی معاییر اسعار العجم، چهارمقاله عروضی، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را با همکاری دکتر غنی تصحیح و چاپ کرده است.

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی و تاریخی است که در جراید مختلف فارسی در ایران و اروپا منتشر شده و با کوشش و مقدمه پورداوود در سال ۱۳۰۷ به چاپ رسیده است. دیگر یادداشت های قزوینی است که شامل نکته هایی در باره مطالب مختلف می باشد.

قصر (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف نون و اسکان لام است که می شود مفاعیل و آن را مقصور خوانند. در فاعلاتن حذف نون و اسکان تاء است که می شود فاعلات بجای آن فاعلان می گذارند و آن را مقصور خوانند.

در فاع لاتن مانند قصر است در فاعلانن

در مس تفعل لن حذف نون واسکان لام است که می ماند مسنفعل
و بجای آن مفعولن می گذارند ، و آن را مقصور خوانند .

در فاعولن حذف نون واسکان لام است که می ماند فاعول ؛ و آن را
مقصور خوانند .

قصص الانبیاء (ک) تألیف ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف
نیشابوری که در آن از روایات کلمبی در ذکر «قصص قرآن» نقل کرده است مؤلف
سمان روایت خود و کلمبی هفت واسطه ذکر کرده است این کتاب در قرن پنجم
هجری تألیف یافته و عبارات و در کیبانش کهنه است . (چاپ نهران)
قصیده (ب) اسعاری است که مصراع اول و تمام بیتهای آن
دارای قافیۀ واحد مانند ، عددیهای قصیده ناسبیده می رسد . ابتداء
هر قصیده بغزل است یا وصف طبیعت ، پس از آن شاعر تغزل را به مدح
با ذم می کشاند مانند قصاید فرخی ، عنصری ، خاقانی ، انوری .

قطان مروزی (ت) عین الزمان امام ابوعلی حسن بن علی . مفعول
۴۸۵ - از حکیمان و پزشکان و ادیبان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم .
وی به سال ۴۵۰ در مرو منولد شد و در جوانی به تحصیل فقه و حدیث
پرداخت و در طب و هندسه و حکمت مهارت یافت و از انواع علوم ادبی
اطلاع کافی تحصیل کرد . امام حسن قطان معاصر رشید و طواط بوده
و با او مکتاتبه داشته است و در سال ۴۸۵ در حادثه غزاسیر شد و به قتل رسید .
از آثار او ، بحشی در عروض است به فارسی که صاحب المعجم بدان
اشاره کرده است و دو سجره اُخرب و اُخرم برای استخراج اوزان مختلف رباعی
ار ابداعان اوست . دیگر کتاب «الدوحه» در انساب و رسایلی در طب است .
ار همه مهمتر کتاب «کیهان شناخت» است به زبان فارسی که آن را در حدود

سال... هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است.

قطب‌الدین رازی (ت) قطب‌الدین محمد بن محمد رازی. وفات ۷۶۶- از شاگردان عضدالدین ابجی. اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خود را در شام گذرانده است. در حکمت و منطق تألیفاتی دارد، از آنجمله است «شرح الرسالة الشمسیه» معروف به «شرح شمسیه» در منطق که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته و در شرح کتاب کاتبی فزوبنی است. دیگر کتاب «لواصع الاسرافیه شرح مطالع الانوار» و کتاب «محاکمات» که در آن امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را، به مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا، محاکمه کرده است.

قطب‌الدین شیرازی (ت) قطب‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین مسعود شیرازی معروف به علامه شیرازی. وفات ۷۱۰- پدر قطب‌الدین اهل کازرون بود ولی او در شیراز متولد شد و نزد پدرش که از اطباء معروف و مشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و در ده سالگی خرقه نصوف پوشید و پس از بدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد. اما هرگز از تحصیل بازنشست و قانون ابن سینا را نزد عموی خود آموخت. پس از چندی عزم سفر کرد و راه سراغه راپیش گرفت و به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسید و علم هیئت و کتاب اشارات ابن سینا را نزد او خواند. پس از چندی به خراسان و عراق عجم و از آنجا به بغداد و روم رفت و با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. پس قطب‌الدین در فونییه اقامت کرد و از صدرالدین قوینوی طریقه ارشاد را فرا گرفت و با حاکم روم «سعبن‌الدین سلیمان پروانه» آشنا شد. و به فرمان او به قضا سبواس و سلاطیه منصوب گردید و در سال ۶۸۱ از طرف احمد تکودار به سفارت

مصر رهسپار شد. از مصر به شام رفت و در آنجا کتاب فانون و شفاء ابن سینا را تدریس کرد و به تبریز رفت و فریب چهارده سال عزلت اختیار کرد و به تصنیف پرداخت. قطب الدین در دربار ابا قاخان و غازان خان مقام بلندی داشت و مورد احترام شاگردان خود بود. وی رباب سی نواخت و شطرنج می باخت و در انواع علوم خاصه در ریاضی استاد بود.

از آثار او به عربی «نهایة الادراک فی درایة الافلاک» و «التحفة الشاهده» و «شرح حکمة الانراف» سهروردی «فتح الممان فی تفسیر القرآن» و حاسیه بر کتاب «الکشاف عن حقائق التنزیل» زمخسری و غیره است. کتاب معروف او به زبان فارسی کتاب «دره التاج» است.

قطران (ب) حکیم ابو منصور قطران عضدی نبریزی. وفات ۴۶۵- از شاعران قرن پنجم و دوره سلجوقی و از نخستین کسانی است که در آذربایجان به فارسی شعر سروده است. قطران از طبقه دهقانان بود که به شاعری پرداخت. از سمدوحان وی امیر ابوالحسن علی لشکری فرمانروای گنجه و ابدا ابو منصور و هسودان بن محمد فرمانروای تبریز و ابوبصر محمد بن و هسودان معروف به سملان است.

از آثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید و غزلیات و رباعیات و ترجعات. سبک قطران پیسنز به سبک فرخی و عجمی سملان بوده است. از قصاید معروف او قصیده‌ای است در وصف زلزله نبریز که به سال ۴۳۴ رخ داده است. اغلب اشعار قطران با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت نام سمدوح رودکی ابونصر سامانی با کنیه سمدوح قطران ابوبصر سملان سی باشد. حز دیوان کتاب لغتی به نام «تفاسیر فی لغة الفرس» به او منسوب است.

(دیوان قطران — چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را مقطوع گویند.

قطعه (ب) شعری است که از چند بیت درست شده و از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه دو مصراع اول آن مستلزم داشتن قافیه واحد نیست. از حیث معنی، مجموع چند شعر است در بیان یک معنی و مقصود که معمولاً پند و حکمت و یا تفاضائی است. قطعه غالباً از سه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب با مضمون بطور مطبوعی و از گون شود و بر چند قسم است.

قلب کل :

در پای کوی تو سرما می‌توان برد

نتوان بردن از سر کوی نو پای ما

قلب مستوی : آن است که اگر هر یک از دو مصراع وارونه شود، خواندنش فرق نمی‌کند.

شوهرمه بلبل به لب هر مهوش شکر به ترازوی وزارت برکش

قلب معجن : آن است که کلمه‌های قلب سند، در ابتدا و انتهای مصراع قرار گیرد.

گنج دولت دهد گزارش جنگ رای نصرت کند حمایت بار

قلب الاسد (نیج) از ستارگان قدر اول که در برج « اسد » قرار گرفته است.

گرمگاهی کافتاب استاده در قلب اسد

سنگ وریگ نعلبیه بدو ریحان دیده‌اند

« خاقانی »

قمر (نچ) ماه است که در فلک اول قرار دارد و نزدیکترین سیارات به زمین می باشد .

قمر بسان چشم درد گین شود سپیده دم شود چو تونزیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیاد بن محمد القمری الجرجانی از شاعران نیمه دوم قرن چهارم و معاصر قابوس و شمسگیر که اشعاری در مدح آن پادشاه سروده است . اشعاری از او در لباب الالباب ضبط است .

قمی (ت) ابونصر حسن بن علی منجم الفمی وفات نیمه آخر قرن چهارم — از منجمان قرن چهارم و معاصر فخرالدوله دیلمی . از آثار او « کتاب البارع » در مدخل احکام نجوم است که آن را در حدود سال ۳۶۷ تألیف کرده است .

قمی (ت) حسن بن محمد بن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که در سال ۳۷۸ به نشوق صاحب بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریخ قم را به زبان عربی تألیف کرد .

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی از نویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را در سال ۸۰۵ از عربی به فارسی ترجمه کرده است .

قوامی رازی (ت) شرف الشعرا امیر بدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمه اول قرن ششم و مداح قوام الدین طغرایی که تخلص خود را از نام او گرفته است . قوامی تشعی مذهب بود و اشعار فراوانی در مدح خاندان پیغمبر و مرثیه آنان و همچنین اشعار بنام آمیز مبنی بر افکار دینی دارد . غزلهای عاشقانه قوامی بسیار لطیف است .

(دبوان قوامی — حاب بهران ۳۳۴ شمسی)

قوس (نج، از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقة البروج و به شکل کمان . برج قوس برابر ماه آذر است .

کمانور را کمان در جنگ مانده

دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«ازویس اورمین»

قید (ف) ا حروف قافیه . حرف ساکنی است که بهش از روی قرار

سی گیرد و حروف قید در فارسی ده است . س ، ش ، ه ، ب ، ف ، ر ، خ ، ن ،

غ ، ز ، مانند : دست ، دشت ، سپهر ، ابر ، صفر ، سرو ، بخت ، رنج ، مغز ،

رزم .

سراعات حرف قید در وافی واجب است .

کاتبی نیشابوری (ت) محمد بن عبدالله ترشیزی. وفات ۸۳۸ —
کاتبی در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، از ابنرو گاهی او را ترشیزی
و گاهی نیشابوری می خوانند. کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد
و شیروان سفر کرد و مدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شیروان ماند و از آنجا
به آذربایجان رفت و نصیحه‌ای در مدح سلطان اسکندر بن فرابوسف ترکمان
ساخت. سپس به اصفهان عزیمت کرد و در آنجا به مولانا خواجه صائِن-
الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقه او شد و بقیه عمر
را به عزلت و قناعت گذراند و دوباره به استرآباد برگشت و همانجا وفات
یافت.

دیوان کاتبی مشتمل است بر سه هزار بیت از فصیده و غزل و قطعه
و رباعی. سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتن و منظومه‌هایی
به نام «حسن و عشق»، «ناظر و منظور»، «بهرام و گل اندام» دارد.

کارنامه بلخ (ک) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن
نهم در بانصد بهمت که آن را در شهر بلخ و در عهد سلطنت مسعود بن
ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای
هجو و مطایبه است و به این جهت آن را «مطایبه‌نامه» نیز گویند.

این منظومه با تصحیح مدرس رضوی در جلد سوم از دفتر چهارم
فرهنگ ابران زمین چاپ شده است.

کاشفی (ت) مولانا کمال الدین حسین واعظ کاشفی وفات . ۹۱ -
از فاضلان نامی دوره آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا . کاشفی
اهل سبزواری است که در هرات به وعظ می پرداخته و در علم کلام و حدیث
و تفسیر و سایر فنون ادب استادی داشته و در نشر فارسی هنرمند بوده است .
از آثار معروف او کتاب «انوار سهیلی» و «صحفۀ ساهی» یا «مخزن الانشاء»
و «لب لباب مثنوی مولوی» و «روضۀ الشهداء» و «تفسیر سوا هب علیه» و «اخلاق
محسنی» و «اسرار قاسمی» در سحر و طلسم است .

کاشفی (ت) فخرالدین علی بن حسین کاشفی . پسر حسین
واعظ کاشفی که کتاب «رتجات عین الحباه» را در سال ۹۰۹ تألیف
کرده است . دیگر از آثار او کتاب «لطائف الطوائف» است .

الکافی (ک) تألیف فقه و محدث معروف اسلامی محمد بن یعقوب
کلینی . کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست
سال در تألیف آن وقت صرف کرده است و شامل شانزده هزار حدیث است
که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می باشد .

(الکافی با ترجمه فارسی - حجاب تهران)

کافی ظفر همدانی (ک) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر
سلک شاه بن السبارسلان سلجوقی (۴۶۵-۴۸۵) . در لباب الالباب چند
قصیده و غزل از او نقل شده است .

کامل (ع) از بحور شعر عربی و در آن زبان مسدس است و
در فارسی به ندرت بکار می رود . وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:
بحر کامل دشمن (هر مصراع متفاعلن ۲ بار) :
به حریم خلوت خود شبی جبه نشود نهفته بخوانیم
به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشینیم

کامل التواریخ (ک) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن ابیر. ابن کتاب شامل ده جزء است مستعمل برتاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۵۲۵ هجری. ابن اثیر در کتاب «الکامل» تاریخ پیغمبران و شاهان را به هم آمیخته است. و در نفل، از کتاب تاریخ طبری تقلید کرده و حذف و اضافاتی در آن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است. الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانمای آن دوره به شمار می رود.

کاووسی (ش - د) از شاهان سلسله کیان و پسر کیبباد که به باری رستم مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاهها ماوران رفت و به زندان افتاد و به دست رستم نجات یافت و سودا به دخرشاهها و ماوران را گرفت و به ایران بازگشت. کاووس یک بار به فریب اهریمن به آسمان پرواز کرد و عقابهایی که نتخت او را می کشتند، او را در سرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خود کاسکی وندی معروف بود و بار رستم ده بارها او را از رنجها رها نموده بود، به وندی رفتاری کرد، چنانکه از دادن نوندار و در مرگ سهراب خودداری کرد. همچنین با سبا ووش پسر خود رفتاری ناجوانمردانه پیش گرفت، بر او خشمگین شد و او را به سرزمین توران فرستاد و دیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد و تخت و تاج را به کب خسرو پسر سبا ووش وا گذاشت.

کاوه آهنگر (ش - د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه بر ضحاک که پسرانسی را کشته بود، نورید و حرم باره ای بر سر حوب کرد و مردم را به پیکار با ضحاک برانگیخت. ضحاک را در لوه دساوند برندان کرد و فربدون را بر تخت نشاند.

کسائی مروزی (ت) ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. وفات ۳۹۱_ از شاعران اواخر قرن چهارم که ناصر خسرو شاعر معروف در اشعار خود بسیار از او نام برده و به پیری و فرسودگی او اشاره کرده است. کسائی قصایدی در مدح وزیر سامانیان و همچنین سلطان محمود غزنوی دارد و گذشته از توصیفات و مدایح، فصایدی هم در بند و اندرز و حکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است و ناصر خسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ابراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او در تذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین و آفتاب واقع شود، آفتاب را از چشم می‌پوشاند و سباهی که بر آفتاب دیده می‌شود سایه ماه است. کسوف با تمام و کلی است یا ناقص و جزئی تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر

آید به زیر سابه عدلت به زبهار

«انوری»

الكشاف (ك) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸ هـ). زمخشری در این تفسیر درباره خصوصیات صرف و نحو و معانی و بیان و شأن نزول آیات و مسائل اعتقادی معتزله بحث کرده است. کشف از تفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار بر آن نوشته اند.

کشف (زحاف) (ع) در مفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را مکشوف خوانند.

کشف الاسرار و وعدة الابرار (ك) از مهمترین تفسیرهای پارسی

قرآن، تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیددی. ابن تفسیر در سال ۵۲ هجری انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می‌گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن، و بعقیده مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کاربرده ولی اوبه شرح و بسط بیشتری پرداخته است و در بسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیر طریقت» یا «عالم طریقت» باد کرده است.

(چاپ دانشگاه تهران)

کشف المحجوب (ک) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آن را به درخواست شیخ ابوسعبد هجویری در اواسط قرن پنجم در لاهور تألیف کرده است. این کتاب از جمله فدیترین کتابهای صوفیه می‌باشد که عطار در تذکرة الاولیاء و جاسی در نفحات الانس از آن استفاده کرده‌اند. کشف المحجوب تذکرة ای است از احوال اصفیاء و اولیاء و تاریخ مشایخ صوفیه و اقوال آنان. سبک نثر کتاب ساده و روان است ولی هجویری گاه نیز نثر موزون به کار می‌برد.

(چاپ تهران)

کشف المحجوب (ک) تألیف ابویعقوب اسحق بن احمد سکزی که در اوائل قرن پنجم تألیف یافته و از مهم‌ترین آثار اسمعیلیه محسوب می‌شود و شامل هفت مقاله است در توحید، خلق اول (خرد)، خلق نانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت)، خلق رابع (موجودات روی زمین)، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث و شور و معاد). سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است.

کشکول (ک) کتابی تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دوره صفویه. این کتاب شامل

مطالب گوناگون اخلاقی و ادبی به نظم و نثر عربی و فارسی است و بارها در ابران به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون است که می ماند مفاعیل ؛ و آن را مکفوف خوانند
در فاعلاتن حذف نون است که می ماند فاعلات ، و آن را مکفوف گویند .
در فاع لاتن مانند کف در فاعلاتن است .
در مس تفع لن حذف نون است که می ماند مس تفع ل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الكفاية (فی فروع الشافعية) (ك) منسوب به امام البغوی الشافعی (متوفی ۵۱۶ هـ) محدث و مفسر معروف که آن را در اوایل قرن ششم دربارهٔ فقه شافعی تألیف کرده است . از مشخصات این کتاب آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی ذکر شود . از این کتاب یک نسخه به نام « کفاية فی الفقه الفارسیه » جزو نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

کلب اکبر (نج) یا کلب الجبار از صورتهای فلکی در جنوب منطقه البروج به شکل سگ بزرگ .
کلب مقدم (نج) از صورتهای فلکی در جنوب منطقه البروج به شکل سگ .

کلبه احزان (تن) خانه ای که یعقوب در آن مفیم شده بود و بر فراق یوسف می گریست .

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان نبود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد. مانند مردم، که بر عمر وزید و بکر دلالت کند؛ و حیوان، که شامل اسب و سگ و شیرو گربه و موش و انسان و انواع دیگر جانداران است.

کلیات خمس (ط) عبارت است از: نوع، جنس، فصل، عرض عام، عرض خاص.

از آنها سه ذاتی است: نوع، جنس، فصل

و دو عرضی است: عرض عام، عرض خاص.

کليلة و دمنه (ك) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویه طبیب از هندوستان به ایران آورده شد و از زبان سانسکریت به بهلولی نقل گردید و سپس از بهلولی به وسیلهٔ عبدالله بن المفعع به عربی درآمده است. رودکی کليلة و دمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات براکنده چیزی در دست نیست. پس از آن در اوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای از عربی به عبارت منشیانهٔ فارسی ترتیب داد و آن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم ساخت. این ترجمه معروفتر بن ترجمهٔ کليلة و دمنه است و از آثار نثر مصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات و استشهاد به اشعار و آیات و امثال عربی و فارسی متکی بوده است. این کتاب برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده و قوت ترکیب و حسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است. مانند انوار سهیلی حسن واعظ کاسفی و عیار دانش.

کتاب کليلة و دمنه در چندین باب است که یکی از آنها در ذکر حال برزویه طبیب می باشد و بقیه در حکمت و معظمت ویند و امثال که با داستانها

و قصه‌ها بر زبان وحوش و حیوانات آمیخته است .

کتاب کلیده و دمنه مطابق گفته نصرالله منشی شامل شانزده باب بوده که ده باب آن منعلق به هندیان بوده است و شش باب را ایرانیان بر آن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم الله (تن) رجوع شود به موسی

خارا چوبار پر کشم و بس به یک عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«حاقانی»

کلیم همدانی (ت) ابوطالب کلیم کاشانی . وفات ۱۰۶۱ — کلیم

در همدان نولد یافت و مدتی در شیراز بسر برد و پس از آن به هندوستان سفر کرد و پس از چندی به وطن برگشت ولی باز به هندوستان رفت و به دربار شاه جهان راه یافت و نزد او بفریبدا کرد و بدلقب سلک الشعرائی ملقب گشت . کلیم با شاه جهان به کشمیر رفت و چون تنیفته هوا و مناظر طبیعی آنجا شد ، با اجازه شاه جهان همانجا ماند تا در گذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل سرائی است . غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می باشد که حتی در مضامین معمولی نیز در شعرش دیده می شود . کلیم علاوه بر نازک خیالی لفظ را ندر فراموش نکرده و کلامش یکدست و مستجانس است .

(دیوان کلیم - چاپ تهران)

کلینی (ت) ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی رازی . وفات

۳۲۹ - از محدثان و فقیهان معروف تشعه و از فتوی دهندگان معروف اسلامی .

اولین محدث اساسی است که به جمع و نقل اخبار دینی پرداخته است

ودر قرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند .
از آثار او رد قرامطه، تعبیرالرویا، رسائل الائمہ، کتاب الرجال است
واز همه معروفتر کتاب «الکافی» در علم دین است .

کم (ط) (از بقولات عشر) از جمله عروضهاست که در مفهوم آن
تقسیم کردن معتبر است و عبارت از قدر و اندازه انبیاء است .

کمال خجندی (ت) کمال الدین خجندی . وفات ۸۰۳ — از شاعران
عارف قرن هشتم . در خجند از بلاد ماوراءالنهر متولد شد و پس از چندی
به تبریز مهاجرت کرد و در خدمت سلطان حسین جلابر تغرب یافت چنانکه
سلطان برایش خانقاهی ساخت . در سال ۷۸۷ که اسیر قبیچاق به تبریز
تاخت ، بسیاری از دانشمندان را به پایتخت خود برد ، از آن جمله کمال
بود . وی چهار سال در آن شهر ماند ، دوباره به تبریز برگشت و همانجا
ماند تا در خانقاه خود وفات یافت .

کمال در غزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظر حافظ
بوده است . دیوانش شامل غزلیات و قطعات و چندین رباعی است .
(دبوان کمال خجندی — جاب بهربز)

کمال خوارزمی (ت) کمال الدین حسین بن خوارزمی . وفات
در حدود ۸۴۰ — از نویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۵ و ۸۴۰
به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد . کمال صاحب تألیفات بسیار
است ، از جمله دوشرحی است که بر کتاب مشنوی مولانا جلال الدین
رومی نوشته . یکی به نام «کنزالحقایق» است که میختمبر می‌باشد و
دیگری که مفصل‌تر است «جواهر الاسرار و ظواهر الانوار» نامیده شده است
کمال الدین اسمعیل (ت) خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل بن
جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی . وفات ۶۳۵ — از شاعران و فصحیده

سرابان معروف عراق در قرن هفتم . وی نیز مانند پدر (جمال الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد و آل خجند بوده است . کمال الدین خوارزمشاهیان و انابکان فارس و سپهبدان طبرستان را نیز مدح کرده است . دوره وحشتناک مغول را به چشم دیده و در واقعۀ قتل عام اصفهان به دست مغول، ستواری گشته و سرانجام در سال ۶۳۵ به دست آنان کشته شده است . کمال الدین در قصیده اسناد است و معمولاً فصاحتش بدون نغزل شروع می شود و اغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی و خرابی آن قصاید بسیار دارد .

(دیوان کمال الدین - چاپ تهران)

کمال نامه (ک) مننوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هفتم که آن را در سال ۷۴۴ بروزن هفت بیکر نظامی و به نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است .

کمان رسمتم (نچ) کنایه از قوس فزح

چون تمنع زبد آفتاب رابت برابر بگردند کمان رسم

«ابوالفرج رومی»

کنایه (ب) هر گاه بجای آنکه کسی با چیزی را نام ببرند یا عملی را صریحاً بیان کنند ، یکی از لوازم آن شخص با حیوان یا سری که از صفتی حاصل می شود یا نتیجه عملی را بیان کنند ، معنی مفصود به کنایه ادا شده است . فی المثل اگر بجای خراورا «دراز گوش» بخوانند ، شنونده معنی خراور را دریابد زیرا که داشتن گوش دراز از لوازم و مختصات خراور است . پس نام خر به کنایه بیان شده است .

کنهان (تن) شهری که بعفوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناه برده شد و دختر او را گرفت و همانجا ماند .

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم‌بخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌بخور
«حافظ»

کوثر (تن) چشمه‌ای در بهشت که همهٔ حنتمه‌های بهشت از آن
جاری می‌گردد .

زاهد شراب‌کونر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست
«حافظ»

کوشیار (ت) رجوع نمود به کیلی :
یکی در نجوم اندکی دست داشت ولی از تکبر سری مست دانست
بر کوشیار آمد از راه دور دلی برارادت سری پرغرور
(سعدی)

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک
که غیر نورانی است .

سندستم که هر کوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) رجوع شود به فرهاد .
جوشه بشنید فول انجمن را طلب فرمود کردن کوهکن را
«طاهری»

کهکشان (نج) رجوع شود به ستاره
چشم برعاله بر آن خوشه که خرس لرده سب
داس کز دندان ز راه کهکشان انکبخته
«خاغانی»

کیخسرو (ش - د) از شاهان سلسله کیان، پسر سیاوش و فرنگیس، که پس از مرگ سیاوش در سرزمین توران به دنیا آمد. پیران و بسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شود. گیو بهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد و پس از هفت سال جستجو او را در سرگزاری بافت و از خالی که بر بازو داشت و نشان کیانبان بود، او را شناخت و با خود به ابران آورد. سران ایران در پادشاهی کیخسرو همداستان نبودند و گروهی فریبرز پسر کاووس را سزوارتری دانستند. کاووس برای آزمایش، هردورا به گشودن دژ بهمن فرستاد. کیخسرو بیروز شد و به شاهی رسید. کیخسرو به کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته شد. کیخسرو شصت سال شاهی کرد و پس از آن به عبادت پرداخت و سران کشور را جمع کرد و گناره گیری خود را اعلام کرد و لهراسب را به تخت نشاند و به بزرگان گنج بخشید و ایشان را بدرود گفت و خود روی به کوهی نهاد و نابدید گشت.

کیف (ط) (از مقولات عشر) عرضی است که نه می توان آن را قسمت کرد و نه نسبت داد. مثل سبکی، سنگینی. کیف اگر مختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است. مثل: قدرت، اراده و اگر باحواس پنجگانه بنوان ادراک کرد محسوسه است مثل: طعم، رنگ. **کیقباد (تس - د)** نخستین ساه کیانی و از نژاد فریدون. چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی شاه ماند زال، به اشاره مؤبد، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد. رستم کیقباد را از کوه البرز آورد و بر تخت نشاند.

کیمیای سعادت (ک) تألیف حجة الاسلام امام محمد غزالی که آن را پس از سفر ده ساله خود میان سالهای ۹۴۰ و ۹۵۰ به زبان فارسی

نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای است از احیاء العلوم که به زبان عربی نوشته شده بود و در چهار موضوع یا چهار عنوان است. سناخن نفس، سناختن حق تعالی، سناختن دنیا، سناختن آخرت. این کتاب هم جنبه اخلاقی و دینی دارد و هم حکمتی و علمی.

نثر کیمیای سعادت روان و در عین حال بسیار ریخته و پرمغز است و نثری است عارفانه و ادبی. (چاپ بهران)

کیومرث (ش — د) نخستین شاه بهسدادی که آئین زرتشت و نواج را آورد و شاه شد و سی سال سلطنت کرد. به روایت شاهنامه غذایختن و جامه دوختن از پوست جانوران را او به مردمان آموخت.

گ

گرد آفرید (ش - د) دختر نیرومند و بهلوانی که روی بسته به جنگ سهراب رفت و رشادتها کرد و با حیل و اورا نادر سپید کشید و خود را به داخل دژ افکند و در را به روی سهراب بست و خود و همه ایرانیان دژ نشین را نجات داد .

گردیزی (ت) ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی غزنوی. از نویسندگان دوره غزنوی و معاصر سلطان عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین. وی در زمان ابن پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده است که به «زین الاخبار» معروف است .

گرشاسب (ش - د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود و حکیم اسدی طوسی در قرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده و به «گرشاسب نامه» موسوم ساخته است .

گرشاسب نامه (ک) داستان منظوم تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی که در سال ۴۵۸ هـ نظم آن را به بابان رسانده است . این منظومه در حدود ده هزار بیت دارد و در شرح حال گرشاسب بهلوان سیستان و جد رستم است. شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای هند و آفریقه و هنر نمائیها و بهلوانیهای او و جنگهایی را که با اژدها و دیو و ببر کرده است ، به تفصیل وصف می کند و داستان را با بحب هائی

مانند نكوهش جهان و ستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز و امثال آن می آمیزد .

اسدی گرشاسب نامه را از متن مننوری گرفته که شاید همان گرشاسب نامه منشور ابوالعؤبد بلخی بوده و جزو شاهنامه او محسوب می شده است . اسدی در نقل داستان و وصف میدانهای جنگ و مناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب نامه نخستین داستان حماسی است که پس از شاهنامه فردوسی و به تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ تهران) **گرگ** (نن) در شعر فارسی اشاره به گرگی است که بر حسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

در کوی نو معروفم و از روی تو محروم

گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده

«سعدی»

گشایش و رهایش (ك) از رساله های فارسی تألیف ناصر خسرو قبادیانی شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم . این کتاب شامل جوابهایی است که ناصر خسرو به سؤالات یکی از برادران دینی داده است . کتاب حاوی سی سؤال و جواب است که ناصر خسرو با زبانی ساده و روشن درباره امور دین و حل مشکلات آورده است .

گشتاسب (ش - د) پسر لهراسب که خون از بدر تاج و تخت خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتابون دختر ویصر را گرفت . سپس گشتاسب برادر خود زبر را که از جانب پدر به روم آمده بود ، شناخت و با او به ایران بازگشت و به تخت نشست . گشتاسب از کتابون دختر ویصر دوبسر داشت : اسفندبار و یشوتن . از وقایع

زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب و پسرانش و بزرگان ابران به دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت بادلیربهای اسفنددار به پیروزی انجامید .

گلستان (ک) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعرو ادیب بزرگ ابران آن را در سال ۶۵۶ به نام شاهزاده سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است . گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی ، شامل یک مقدمه در سبب تألیف کتاب و هشت باب در سیرت پادشاهان ، در اخلاق درویشان ، در فضیلت فناعت ، در فواید خاموشی ، در عشق و جوانی ، در ضعف و پیری ، در تأثیر تربیت ، در آداب صحبت .

سعدی در کتاب گلستان انواع سواعظ و حکم را در نثر آمیخته با نظم گنجانده است . نثر گلستان نثر سیج و مزین است و در واقع باید سعدی را در این تنیو استاد مسلم دانست . سبک نثر گلستان مورد تقلید نویسندگان فرون بعد قرار گرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده و از قرنهای پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ک) مننوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ۷۱۰ به رشته نظم کشیده است . ابن مننوی از جامعترین متنویهایی است در اصول تصوف؛ و موضوع آن پاسخ پانزده سؤال است در باره تصوف که شخصی به نام « امیر حسینی حسین بن عالم ابی الحسین هروی » از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است . سؤالات در باره تفکر و سر وحدت ، خودشناسی ، انا الحق ، ممکن و واجب ، قدیم و محدث ، جزء و کل و از این قبیل مسائل است .

شبستری در ضمن جواب به ابن سؤالاتها امثال و شواهدی هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسبله شیخ شمس الدین محمد لاهیجی در سال ۸۷۷
شرح سنده و به نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» خوانده شده است .
گلشن صبا (ك) کتاب منظومسی که فتحعلی خان صبا ملک الشعرا
دربار فتحعلیشاه آن را به تقلید بوسندان ساخته است .

گلگون (ش - د) نام اسب شمرین

نبود آن روز گلگون در وثاقش بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

«نظامی»

گل و نوروز (ك) گل و نوروز مثنوی عشقی اثر شاعر بزرگ ایران
خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷۴۲ بروزن خسرو و شیرین نظامی
و به نام تاج الدین احمد عراقی ساخته است . عدد ابیات آن در حدود
۲۶۰۰ می باشد .

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد
نقی خان حکیم که آن را در سال ۱۳۱۰ هجری تألیف کرده است . این
کتاب فرهنگ کاملی است از اساسی اماکن و بلاد ایران و رجال مشهور
و یادداشت های مفید شامل ۷۴۵ صفحه . امتیاز این فرهنگ بر فرهنگ های
دیگر آن است که مؤلف در ابتدای کتاب بطور تفصیل ساخت و منابعی را
که مورد استفاده اش قرار گرفته ذکر کرده است .

گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسبله
کیمیاگری اندوخته کرد و به غرور آن بر موسی عصیان کرد ، موسی دعا
کرد تا قارون و گنجش در خاک فرو رفتند .

قارون هلاك شد كه چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرد كه نام نكو گذاشت

«سعدی»

گندم (دن) دانه‌ای که خوردنش در بهشت برای آدم و حوآنهی
 شد، بود، ولی ایشان به اغوای ابلیس از آن خوردند و از بهشت رانده
 شدند.

بدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم

«حافظ»

گودرز (ش-د) از پهلوانان شاهنامه پسر کشواد. گودرز هفتاد
 بسرداشت همه از پهلوانان نامی که از آن میان گیو و بهرام در شاهنامه
 نامدارترند. خانواده او در شاهنامه گودرزیان خوانده شده‌اند. گودرز در
 دربار کاووس بسیار آبرو و احترام داشت و همیشه مورد شور و قرار می گرفت.
گوساله سامری (تن) گوساله‌ای از طلا که مردی به نام سامری
 در زبان موسی ساخت و مطابق روایات خاک زمینی را که اسب جبرئیل
 در آن پانهاده بود، بر آن افشانند. گوساله به صدا آمد و حرکت کرد.

چون سامری مباش که زر داد و از خری

موسی بهشت و از بی گوساله می رود

«حافظ»

گوهر مراد (ك) کتابی در حکمت والهبات به زبان فارسی تألیف
 عبدالرزاق لاهیجی که آن را در زمان شاه عباس ثانی و به نام او تألیف
 کرده است. این کتاب شامل مقدمه و سه مقاله است که هر مقاله دارای
 چندین فصل در منطق و خودشناسی و خداشناسی و رسالت و امامت است.
 گوهر مراد از کتابهای سودمندی است که در منطق والهبات به زبان
 فارسی نوشته شده است.

گوهر نامه (كك) مثنوی پروین خسرو و شیرین نظامی که خواجوی

کرمانی آن را به نام امیرمبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است. موضوع آن تصوف و اخلاق است.

گوی و چوگان (ک) باحالی‌نامه منظومه عارفانه کوچکی دریانصد بیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را در سال ۸۴۲ ساخته است. شاعر در این منظومه بازی گوی و چوگان را وصف کرده و مناظره‌ای بین آنها ترتیب داده و آن را «حالی‌نامه» خوانده است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است نسبت به ساهزاده‌ای. درویش پیوسته از عشق خون دل می‌خورد تا سرانجام در این راه جان را به باد می‌دهد.

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته و در سراسر آن سور و مستی عشق را آشکار کرده است و در ضمن نقل حکایت قطعه‌های زیبا و بدیعی مانند «مناظره زمین و آسمان» و «راز گفتن درویش با گوی و چوگان» آورده است.

(چاپ لندن)

گیتی‌گشا (ک) کتابی در تاریخ زنده، تألیف میرزا محمدصادق موسوی. این کتاب در دوره انحطاط ادبی یعنی اواخر قرن دوازدهم نوشته شده و نمر آن بسیار سست و متکلفانه است.

(چاپ تهران)

گیلی (ن) ابوالحسن کوشیار از منجمان و ریاضی‌دانان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم. از آثار او کتاب الاطرلاب و عدون الحماقی است در علم نجوم.

گیو (ش — د) از پهلوانان شاهنامه و پسر گودرز که دلاوریها کرده است و از کارهای معروف او آوردن کیخسرو به ایران است. دیگر یافتن

دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس است که کاووس او را به همسری برمی‌گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامه فردوسی است .

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود . مثل قدرت کتابت
از انسان

لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمد بن اسمعیل لامعی از شاعران
قرن پنجم و معاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است . اشعاری در مدح
عمیدالملک کندری وزیر طغرل و نظام الملک وزیر الب ارسلان سروده است .
لامعی در وصف و تنوع مضامین بسیار مهارت داشته است و چون به زبان
عربی آشنائی داشته ، کلمات و حتی عبارتهای عربی در کلام خود بسیار
استعمال کرده است .

(مجموعه اشعار لامعی — چاپ بهران)

لاهیجی (ب) ملا عبدالرزاق لاهیجی . وفات ۱۰۵۰ هـ . از معروفترین
حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه عباس نانی . لاهیجی شاعر گرد
ملاصدراست و تألیفات مهمی در حکمت و منطق دارد . معروفترین کتابهای
فارسی او «گوهر مراد» و «سرمایه امان» است . از جمله تألیفاتش
به زبان عربی «شوارق الالهام» در شرح تجرید خواجه نصیر طوسی است .
لاهیجی شعر نیز می گفته و «قباض» مخلص می کرده است .

باب الالباب (ک) تذکره مهمی به زبان فارسی ، تألیف محمد
عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم هـ آن را در سال ۶۱۷ به نام عین
الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است . این کتاب

در شرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تا زمان مؤلف و مشتمل بر دو جلد است . جلد اول حاوی شرح حال و نقل اقوال سخنگویان از شاهان و امیران و وزیران و دانشمندان . جلد دوم خاص شاعران و ادیبان است شامل شرح حال ۱۶۹ تن از شاعران ایران .

لباب الالباب قدبمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی زبان و در آن از شاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان بر اثر حمله مغول یا وقایع دیگر از بین رفته است و اگرچه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به دست نمی دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می پردازد و عبارت پردازی را به آوردن معانی مفیدتر جیح می دهد ، باز از نظر تاربخ و ادبی بسیار مهم است .

لبیبی (ت) از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . وی معاصر فرخی بود و مانند او ابتدا به دربار چغانیان و پس از آن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او در مدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعود سعد قصیده‌ای در استقبال یکی از شعرهای او ساخته است .

ابیاتی از او در فرهنگها و تذکره‌ها ضبط است .

لطف الله نیشابوری سالکی (ت) وفات ۸۱۶ — از قاضیان دانشمند و شاعران نیشابور که معاصر امیر تیمور بوده و از سرداران شاه نعمه الله ولی است . مولانا لطف الله در شعر به ایراد صنایع لفظی توجه خاص داشته است و قصایدی در مدح ائمه اطهار دارد . کلیات لطف الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانه ملی ایران موجود است .

لغز (ب) از صنایع بدیع که گوینده با دادن نشانیهای مختلف چیزی

را وصف کند مانند قصیده منوچهری در وصف شمع که مطلع آن این است:
ای نهاده در میان فرق جان خوبشتن

جسم سازنده به جان و جان تو زنده به ن

هنگامی که لغزبه صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند
لقمان (تن) بعضی از سرخان او را عم زاده ابراهیم پیغمبری دانند
و نام او صریحاً در قرآن آمده است و به حکمت منسوب است . قوله تعالی
آتیتنا لقمن الحکمة .

لمعات (ک) رساله ای در تصوف ، شامل تعلیمات استاد بزرگ
محمی الدین بن العربی . این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص
به عرافی درفونیه پس از آن که به خدمت شیخ صدرالدین قونیوی رسید
و در مجلس او به بحث در باره قصوص پرداخت ، تألیف کرد و برتشیخ
عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم و نثر عربی و فارسی که
جامی در زمان سلطان حسین باقرا به دستور امیر علیشیرنوائی شرحی
بر آن نوشته و آن را «انمعة اللمعات» نامیده است .

لن ترانی (ن) اشاره است به قصه موسی که گفت (ای پروردگار
خود را به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگز مرا نخواهی دید .
حوقلم ردمت بنهی بد هیش بی قلم نو

صفتی که نور گیرد ز خطات لن ترانی

(اردوان سمس دهریزی)

لوامع فی شرح الخمریه (ک) شرحی به قصیده خمریه ابن فارض
المصری (۵۷۶-۶۳۲) تألیف سولانا عبد الرحمن جامی که آن را در سال ۸۷۵
تألیف کرده است . هر یک از فصول کتاب به نام «لاسمعه» است که مجموع

آن لواصع خوانده می‌شود .

لوايح (ك) رساله‌ای به زبان فارسی در تصوف ، از آثار معروف مولانا جاسی ده آن را در حدود سال ۸۷۰ به نام جهان‌شاه قره‌قوینلو تألیف کرده است . این کتاب مشتمل بر سی لایحه است با مقدمه‌ای در خطبه و مناجات؛ و سران مسجع آسبخته به شعر است و از نظر تحقیق در عرفان بسیار سودمند می‌باشد (چاپ لندن)

لوط (تن) از بیخبران که هرجه قوم خود را به راه خدا دعوت می‌کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به فرمان خدا لوط و کسانی که به او ایمان آورده بودند از شهر بیرون رفتند . و شهر سنگسار شد و زن لوط که از نا فرمانان بود با دیگران سنگسار شد .

لوکری (ت) ابوالحسن علی بن محمد غزوانی لوکری اهل لوکر از شهرهای نزدیک سرو و از شاعران نیمه دوم قرن چهارم . لوکری نوح بن منصور سامانی و ابوالحسن عبیداله بن احمد عتبی را مدح گفته است . اشعار برآمده‌ای از غزل و قصیده از او باقی است .

لهراسب (نس-د) از شاهان کیان که به دسنور کیخسرو و بر خلاف میل بزرگان ساه گشت و آتشکده آذر بر زن را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گنتماسب سپرد و خود در آتشکده نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلة القدر (تن) رجوع شود به نسب قدر

لیلی (د) از اشخاص داستانهای عرب، لیلی دختری است از قبیله بنی عامر که از کودکی مورد علاقه و عشق مجنون (قبس) از قبیله خود، واقع می‌شود و خود نیز به او دل می‌بندد، اما به فرمان پدر قیس از او جدا می‌شود و پس از مدتی به ازدواج «ابن السلام» در می‌آید . لیلی هیجگاه

تن خود را به شوهر نمی‌سپارد و سرانجام به ناکامی جان می‌دهد .
داستان عشق لیلی و مجنون بوسیله بسیاری از شاعران ایرانی به نظم
آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی و مجنون» نظامی
گنجوی است .

شب‌ی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی و مجنون (ک) یکی از مثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ
قرن ششم که آن را در سال ۵۸۵ هـ به نام سروانشاه ابوالمظفر اخستان بن
منوچهر ساخته است . این مثنوی دارای چهار هزار و هفتصد بیت است .
اصل داستان لیلی و مجنون عربی است و موضوع آن عشق مجنون (فیس)
از قبیله بنی عامر و لیلی بنت سعد از همان قبیله می‌باشد .
داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیله شاعران دیگر مانند
جاسی و سکنی نیز به نظم آمده است .

لیلی و مجنون (ک) یکی از مثنویهای هفت اورنگ عبد الرحمن
جاسی که آن را به تقلید لیلی و مجنون نظامی در سال ۸۸۹ ساخته است .
جاسی در نظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته و غالباً اشعار
منسوب به فیس عامری را ترجمه کرده است .
(هفت اورنگ — چاپ تهران)

ماچین کشوری در جنوب چین و شرق هندوستان
دو چشم شوخ نو برهم زده ختاوختن

به چین زلف بوساچین و هم داده خراج

«حافظ»

ماده (ط) مایه و اصل چیزی را گویند . مانند فولاد که ماده
شمشیر است .

ماده تاریخ آن است که در تاریخ واقعه‌ای کلمه یا عبارتتی بچوبند
که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه
به دست بیاید . این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامند و معمولاً
آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود .
گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است و از آنها کلمه یا عبارت با معنی
حاصل نمی‌شود . مانند ماده تاریخ حیات ابوعلی سینا که این است :

حجة الحق ابو علی سینا

در «شجع» آمد از عدم به وجود

در «شها» کرد کسب کل علوم

در «تکز» کرد این جهان بد رود

که از حروف «شجع» ۳۷۳ و از حروف «شها» ۳۹۱ و از حروف
«تکز» ۴۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است
که عبارت با معنی و متناسب با واقعه باشد مانند ماده تاریخ وفات حافظ :

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

که شمعی بود از نور تجلی

چو در خاک مصلی یافت منزل

بجوتاریخش از «خاک مصلی»

که «خاک مصلی» می شود ۷۹۱ .

مار (تن) جانوری که ابلیس را در دهان خود جای داد و پنهانی

اورا به بهشت برد ، تا آدم و حوا را فریفت .

گاهی نیز در شعر فارسی به ماری که بر دو کتف ضحاک بوده اشاره

شده است .

دست آهنگر مرا در مارضحاک کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش - ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب به خاندان

شاهی اشکانی بود و ادعای پیغمبری داشت . مانی به فرمان بهرام اول

کشته شد . کتاب معروف مانی «شاپورگان» نام داشت و کتاب ارژنگ

(یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشها و تصویرهای دلکش بود به او منسوب

است .

آئین مانی تا چندین قرن در آسیا و اروپا رواج داشت . امامانی در ادبیات

فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و در این هنر به او مثل زده می شود

سپهر گفתי نقاش نقش مانی گشت

که هر زمان بنگارد هزار گونه صور

«انوری»

ماه کنهان (تن) اشاره به یوسف ، رجوع شود به یوسف .

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد

جای آن است که بدرود کنی زندان را

«حافظ»

ماه مصر (تن) اشاره به یوسف . رجوع شود به یوسف .

ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی

چنان شود که چراغ پدر کند روشن

«صائب»

ماه مقنع (د) ماهی که مقنع به سحر و جادو در شهر نخشب ساخته

بود و هر شب از چاهی برسی آمد و تا چهار فرسنگ را روشن می کرد

کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان

گرچه کوتاه دیدگان را در خیال افتد منیر

«انوری»

ماه نخشب (د) رجوع شود به ماه مقنع .

صبح برآمد ز کوه چون ماه نخشب زجاء

ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب

«خاقانی»

متدارك (ع) از بحور شعر عربی و فارسی که اخفش اوسط نحوی

آن را بافته است و اصل آن «هشت بار فاعلن» است . در فارسی مشتقات

این بحر و واج بسیار ندارد . وزن زبرد رزمانهای اخیر متداول شده است .

(فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال :

ای خدنگ ترا من نشانه

ای فسانه فسانه فسانه

مقارب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . در فارسی از این بحر

وزنهای زیر راجع است : مقارب متمن (فعولن ع بار) مثال :

جهانا چه بدسهر و بدخوجھانی چو آشفته بازار بازارگانی
 متقارب مثنی مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول- یا فعل) مثال:
 به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
المتوکلّی (ت) ابواسحق ابراهیم بن سمشاد اصفهانی. اهل اصفهان
 که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس از آن به خدمت یعقوب
 لیث رسیده است. المتوکلّی در فصاحت و کتابت عربی بی نظیر بوده
 و بعضی گویند قطعه معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از
 قول یعقوب ساخته و برای خلیفه فرستاده است.
مثنی (ط) از مقولات عشر. مفهوم مثنی نسبت جسم است به زمان
 یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعر فارسی که در زبان عربی
 نیز به تقلید فارسی ساخته شده است. و آن را «مزدوجه» خوانده اند. مثنوی
 شعری است که هر دو مصراع آن دارای قافیه واحد و مستقل باشد.
 در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزی و بزی و عرفانی
 قالب مثنوی به کار می رود. مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامه
 فردوسی و خمسه نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی را سرشت
 گرش برنشانی به باغ بهشت
 ورازجوی خلدش به هنگام آب
 به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
 سر انجام گوهر به کار آورد
 همان میوه تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ک) نام منظومه مفصل و معروف جلال الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل سمدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتر است و مجموع ابیات آن به بیست و شش هزار می رسد .

مثنوی مهمترین و معروفترین اثر منظوم عرفانی است که از زمان سروده شدن تا کنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقمندان به تصوف و عرفان و اندیشه های لطیف عرفانی و حکمی بوده است و بر آن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته اند .

کتاب مثنوی شامل حکایتهای سلسل منطومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی و اخلاقی و دینی منظور داشته است . غالباً، چنانکه یکی از شیوه های متداول در ادبیات فارسی است ، داستانهای کوتاه و بلند در ضمن داستان دیگر به مناسبت می آید و در هر مورد احادیث و اخبار، و آیات قرآن مجید برای تأیید و اثبات مطلب ذکر می شود . کتاب مثنوی مکرر به چاپ رسیده است .

مجاز (ب) آن است که چیزی را ذکر کنند و از آن غیر معنی اصلی خواهند . بانسبت دهند به چیزی آنچه را که از وی نیست .

اول را مجاز لغوی و ثانی را مجاز عقلی خوانند . مثال :

تاسلسله ایوان بگسست بداین را

در سلسله شد دجله چون سلسله شد پیچان

سلسله به معنی زنجیر است و از عبارت « دجله در سلسله شد » مراد

شاعر آن است که رود دجله موج زن شد . پس از کلمه « سلسله » چیزی

غیر از معنی اصلی آن اراده شده است . در این مورد کلمه « سلسله »

به معنی مجازی به کار رفته است .

مجالس العشاق (ک) تألیف سلطان ابوالغازی حسین باقرا که آن را در سال ۸۰۹ ق تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه در بیان عشق حقیقی و هفتاد و شش مقاله است موسوم به مجالس که سرگذشت عارفان یا شاهان به طرز داستانی در آن نقل شده است. آخرین مجلس این کتاب در شرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین باقرا است. ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین باقرا قطعی نیست بلکه با برادر کتاب «بابرنامه» مؤلف آن را کمال الدین حسین گازرگاهی می‌داند.

این کتاب از حیث ترجمه حال بزرگان قابل اعتماد نیست و نویسنده در شرح مطالب از سادگی خارج شده و به عبارت پردازی پرداخته است. **مجالس المؤمنین (ک)** کتابی در شرح حال و آثار و احوال عالمان و فقیهان و شاهان و متصوفان. تألیف قاضی نورالله ششتیری که آن را در سال ۹۹۳ شروع کرده و در ۱۰۱۰ به پایان رسانیده است. این کتاب در دوازده مجلس است در شرح حال بزرگان و فقیهان و مصلحتین بر نشر دعوت شیعه است. نوشته کتاب ساده است. (چاپ تهران)

مجالس النفایس (ک) اصل ابن کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میر نظام الدین امیر علی شیر نوائی وزیر دانشمند سلطان حسین باقرا و در سال ۸۹۶ ق تألیف یافته است.

مجالس النفایس شامل یک مقدمه و هشت مجلس است در ذکر حال شاعران و نویسندگان معاصر نویسنده و شرح حال فاضلان خراسان و شاهان و شاهزادگانی که یا خود شعری گفته‌اند یا به شعر و شاعری علاقه خاص داشته‌اند. همچنین در ذکر اوصاف ابوالغازی سلطان حسین بن باقرا و حوادث سیاسی سلطنت او. مؤلف رویهم‌رفته در حدود سیصد و هشتاد و پنج تن از شاعران قرن نهم را نام برده است. این کتاب با آنکه

بسیار مختصر است و مؤلف در شرح حال شاعران و فاضلان بسیار به ابجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات فارسی در قرن نهم است و در ضمن از فوائد تاریخی و اجتماعی خالی نیست.

از مجالس النقایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است. یکی به نام «لطائف نامه» است که مترجم آن فیخری هراتی است و کتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است. ترجمه دوم از حکیم شاه محمد بن مبارک القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید ساخته است. ترجمه سوم به دست شاه علی بن عبدالعلی انجام گرفته و به نام دین محمد از شاهان اوزبک ماوراءالنهر پرداخته شده است. مجتث (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است. در فارسی از این بحر وزنهای زیر متداول است:

بحر مجتث مشمن مخبون (مفاعیلن فاعلاتن ع بار) مثال:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی نو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

مجتث مشمن مخبون مخذوف (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعیلن) مثال:

سحرزها تفت غییم رسید مرده به گوش

که دور شاه سجاع است سی دلیر بنوش

مجدد همگر (ت) وفات ۶۸۶ - از شاعران قصیده سرای قرن هفتم

هجری. اهل بزد بود ولی در شیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاء الدین جوینی حکمران فارس می زیسته است و اشعاری در مدح شمس الدین صاحب دیوان و اتابک سعد بن ابوبکر بن سعد زنگی دارد. علاوه بر مدح و طعانت هجویه ای نیز در حق اشخاص سروده است. غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی و حکمی در اشعارش دیده

می‌شود .

مجره (نج) یا راه کهکشان . مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری، مانند دایره‌ای بزرگ که بر دو برج جوزا و فوس می‌گذرد .
یکی پله است ابن منبر مجره زده گردش نقط از آب روین
«منوچهری»

مجری (ق) از حرکات قافیه . حرکت روی بیش از حرف وصل .
مانند حرکت نون در کلمه دشمنی
دوستا گردوستی گردشمنی

مجلسی (ت) محمد باقر . وفات ۱۱۱۱ - از بزرگان و علماء شیعیه در زمان صفویه . وی پسر ملا محمد تقی مجلسی و از متعصبان مذهب بوده که تشیع را در میان عامه ترویج کرده و با صوفیه در کمال خشونت رفتار می‌کرده است . مجلسی به فارسی ساده و قابل فهم عوام چیزی می‌نوشت و عقاید شیعه و تاریخ و احادیث را به این طریق ترویج می‌کرد . از آثار معروف او به عربی «بحار الانوار» است در حدیث و از آثار فارسی او «عین الحیة» شامل بند و اندرز، مشکوة الانوار، حلیة المنقین، حیوة القلوب، جلاء العیون، حق الیقین است .

مجمراصفهانی (ت) سید حسین طباطبائی . وفات ۱۲۲۵ هجری - از سادات اصفهان بوده که در جوانی به نهران آمده بوسیله سیرزا عبدالوهاب نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافته است . پس از مدتی از طرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخر گشت . مجمر سالها ندیم حسینعلی میرزا پسر فتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای دورهٔ بازگشت ادبی است . غزلیات لطیف دارد و در قصیده پیروانوری و خاقانی و اسیر معزی است . اشعار هزل و هجو دارد و مننوی به سبک تحفة العرافین خاقانی سروده

و قطعات منثوری هم به سبک گلستان سعدی ساخته است .

مجمع الانساب (ك) تاریخی به زبان فارسی تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دوبار نوشته است . یکبار به سال ۷۳۳ و بار دیگر به سال ۷۴۳ زیرا در هنگامی که خانۀ غیاث الدین محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل الله در تبریز غارت شد ، نسخه اولی کتاب از بین رفت و مؤلف بار دیگر آن را از حافظۀ خود نوشت .

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا زمان تحریر . مؤلف در شرح حال طبقات شاهان و طوایف ، تقسیمات مختلفی بکار برده است . شاهان را به چند طبقه و هر طبقه را به چند گروه و هر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاهی به اختصار ذکر می کند و گاهی به تفصیل .

سبک کتاب در قسمت اول ساده تر است ولی در اواخر متکلفانه می شود و با اشعاری در مدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ك) رجوع شود به فرهنگ سروری .

مجمع الفصحاء (ك) کتابی در شرح حال شاعران ، تألیف رضاقلیخان

هدایت که آن را بقول خود پس از سی سال کار به پایان رسانده است . این کتاب شامل شرح حال شاعران پارسی است از آغاز ظهور شعر تا زمان مؤلف یعنی ۱۲۸۴ و چنانکه هدایت خود در مقدمۀ کتاب گوید کتاب را بر چهار رکن یا باب تقسیم کرده است . باب اول در ذکر اشعار و حال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین . باب چهارم شعرای متأخرین و معاصرین . در پایان کتاب چندین صفحه به شرح حال و اشعار خود اختصاص داده است .

هدایت در مقدمۀ مجمع الفصحاء از کتابها و تذکره هائی که استفاده

کرده نام برده است . مجمع الفصحاء اگرچه به علت وسعت کاردارای لغزشها و خطاهای بسیار است ، باوجود این آخرین و جامعترین تذکره شاعران فارسی است و همواره مورد استفاده محققان و نویسندگان تاریخ قرار گرفته است .

(مجمع الفصحاء - چاپ تهران)

مجممل التواریخ والقصص (ک) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست ولی جنانکه از گفته او برمی آید جدش سہلب بن محمد بن شادی نام داشته است . مؤلف مجممل التواریخ اهل همدان و قریه اسدآباد بوده است و چون از اصفهان بسیار بحث کرده ، معلوم می شود که مدتی در اصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت ناسال ۵۲۰ هجری . این کتاب در بیست و پنج باب است و شبیه تنظیم مطالب آن تقلیدی است از تاریخ سنی ملوک الارض تألیف حمزه اصفهانی ، به این معنی که هر فصلی به موضوع معینی و به روایت مورخ معینی اختصاص داده شده است . مثلاً سنوات سلطنت در یکجا ، نام و نسب در جای دیگر ، همچنین آثار و بنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات ، هر کدام در فصل جدا گانه ذکر شده است .

صاحب مجمع التواریخ منابع و کتابهای معتبری را که از آنها استفاده کرده است ، در کتاب خود نام می برد . مانند تاریخ طبری ، سیرالملوک ابن مقفع ، حمزه اصفهانی .

صاحب مجممل التواریخ کتاب خود را با قصه آمیخته ولی در عین

حال اسناد و مدارکی در تاریخ ذکر می کنند که بسیار مورد استفاده است
انشاء کتاب بسیار ساده و دور از تکلف و کمی کهنه تر از سبک زمان مؤلف
است و لغات عربی بسیار کم دارد .

(مجممل التواریخ - چاپ تهران)

مجممل فصیحی (ک) از تواریخ مهم دوره تیموری به زبان فارسی
تألیف فصیحی خوافی که آن را در سال ۸۲۹ به نام شاه رخ تألیف کرده
است . ابن کتاب تاریخ عموسی مختصری است از ابتدای خلقت تا
اواسط قرن نهم و مشتمل بر یک مقدمه و دو مقاله و یک خانمه است .
در مقدمه تاریخ عالم از بدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده
است . مقاله اول از ولادت پیغمبر تا هجرت او به مدینه است . مقاله دوم
بفصل ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع از سال اول هجرت
تا ۸۴۰ می باشد .

مجممل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع سنوات
به ترتیب پی در پی آمده است . این کتاب به نثری بسیار ساده نوشته شده
و شامل مطالب بسیار پرارزش و سودمند می باشد . (چاپ تهران)
مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانه عرب . نام اصلی
او «قیس» و از قبیلۀ «بنی عامر» است . قیس از کودکی به لیلی بنت سعد
از قبیلۀ خود، دل می بندد و به مناسبت مخالفت پدر لیلی از او جدایی گردد .
کار قیس از عشق به جنون می کشد چنانکه او راه بیابان پیش می گیرد و با وحشر
و طیر مأنوس می گردد و سرانجام در نا کاسی جان می سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون و لیلی (ک) یکی از پنج مثنوی اسیر خسرو دهلوی که شاعر آن را در سال ۶۹۸ به تقلید لیلی و مجنون نظامی ساخته است .

مجیر بیلقانی (ت) ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی . وفات ۵۸۶- از قصیده سرانان آذربایجان و اهل بیلقان . وی ساگرد خاقانی می باشد و ارسلان بن طغرل بن محمد بن سلک شاه از سلجوقیان و اتابک شمس الدین ایلدگوز پسرانش جهان بهلوان و قزل ارسلان را مدح کرده است . مجیر از طرف ایلدگوز مأموریتی به اصفهان یافت ولی اهالی اصفهان چنانکه باید او را ننواختند و به این سبب مجیر اشعاری در هجو اصفهانیان سرود . دیوان مجیر شامل فصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات است و در اشعار اوسبک خاقانی نمودار است . وی با اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی و جمال الدین عبدالرزاق مناظره و معارضه داشته است . مجیر به روایتی به تعصب اهل اصفهان به قتل رسیده است .

محاق (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است از نظر ناپیداست و نیمی که کاملاً تاریک است به سوی زمین است این حال در آخر ماه است و آن را «اجتماع» و «اتصال» نیز گویند . زیرا که آفتاب و ماه با هم گرد می آیند .

ماه ارنخواهد آنکه بود نعل مرکبت

از ناخن محاق ابد چهره خسته باد

«انوری»

محبوب القلوب (ک) با شمس و قهقهه کتابی شامل قصص و حکایات تألیف میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی از منشیان و مترسلان عهد صفویه . این کتاب دارای مقدمه و پنج باب و یک خاتمه است در آداب معاشرت و نبکو کاری و مساعدت اقبال و محبوبت ادبار

وفوائد قناعت

مؤلف در ضمن حکایتها و قصه‌های شیرین همه جا پند و اندرزهای سودمند داده است. نشر آن نشر مسجع و دارای عبارت بردازی و تعبیرات مشکل است.

(محبوب الفلوب — چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) شمس الشعرا محتشم کاشانی وفات ۹۹۶-
از شاعران معروف دوره صفویه و شاعر دربار شاه طهماسب. محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی و مدیحه گوئی کرده اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است و می‌توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است. محتشم ترکیب بند معروفی در رثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه بر سرائی معروف غزلیاتی نیز از او باقی است به نام «نقل عشاق». شاعران زمان به تقلید او ترکیب بندهای مختلف ساختند. (دیوان محتشم چاپ تهران)
محتمل الضدین (ب) یا ذو وجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کاربرد که در آن مدح و ذم باشد. مانند

ای خواجه ضیا شود ز روی تو ظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

محمد بن غاز الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای صغیر. از فاضلان دربار سلاجقه روم و دبیر ابوالفتح رکن الدین سلیمان شاه بن قلج ارسلان که بعد در دربار او سمت وزارت یافت و به تشویق او کتاب مرزبان نامه را از زبان طبری به پارسی در آورد و آن را «روضه العقول» نامید.

محمد بن مخلص (ت) از نخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری. به روایت تاریخ سیستان سردی سکزی و فاضل و شاعر بود.

شعری در مدح بعقوب از او نقل شده است .

محمد بن منور (ن) نورالدین محمد بن منور بن ابی سعد . از نویسندگان قرن ششم هجری و نوادهٔ نسیخ ابوسعید ابی الخیر . وی مؤلف کتاب «اسرار التوحید» است که آن را بر حسب اطلاعات خود و روایات در شرح حال و سخنان جد خویش تألیف کرده است .

محمد بن ناصر علوی (ن) شرف الدین محمد بن ناصر علوی . از شاعران و سادات غزنین . سنائی در کارنامهٔ بلخ او را به مرتبت بلند و شاعری ستوده است . عوفی او را برادر سید حسن غزنوی می داند و می گوید سید محمد بن ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود و مقام عالی داشت و علاءالدوله را مدح کرده است . ابیات معدودی از محمد بن ناصر علوی در لباب الالباب آمده که بیشتر در مدح است و شاعر در آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است .

محمد طاهر (ن) صاحب تذکرهٔ نصرآبادی . از نویسندگان قرن بازدهم . اجداد او مشاغل دیوانی داشته اند ولی شخص او پس از کسب ادب و هنر گوشهٔ انزوا اختیار کرده و به خدمت ادبی پرداخته است . محمد طاهر شعر نیز می سروده و از پهلوان صائب و کلیم بوده است . بعضی از اشعار او در تذکره ها ضبط است .

محمد عبده (ن) محمد بن عبده الکاتب . از نویسندگان و شاعران مشهور قرن چهارم و دبیر بغراخان از شاهان خانیهٔ ماوراءالنهر . نظامی او را در نظم و نثر و بلاغت متبحر دانسته است . ابیایی از او در حدائق السحر و ترجمان البلاغة آمده است .

محمد عوفی (ن) رجوع شود به عوفی .

محمد قزوینی (ن) رجوع شود به قزوینی .

محمدوصیف (ن) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زبان عمروبن لیث و طاهر را هم درك کرده است. صاحب تاریخ سیستان اورا اولین شاعر زبان فارسی می داند و چند قطعه از او نقل می کند که یکی در مدح یعقوب و مربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی در سال ۲۵۱ است و دیگر به مناسبت شکست رافع بن هرثمه و قتل او در سال ۲۸۳ می باشد. قطعه دیگری نیز از او باقی است مربوط به گرفتن عمرولیث به دست اسمعیل سامانی در سال ۲۸۷.

محمود (ن) مقصود سلطان محمود غزنوی است که در ادبیات فارسی هم به عنوان حاسی و مشوق شعر و ادبیات و هم به سمت دلدادۀ غلام ترک خود ایاز ذکر می شود. مثنوی «محمود و ایاز» زلالی خوانساری درباره عشق اوست.

غرض کرشمه حسن است ورنه حاجت نیست

جمال دولت محمود را به زلف ایاز

«حافظ»

مختاری غزنوی (ت) ابوالمناخر خواجه حکیم سراج الدین ابو عمر عثمان بن عمر. وفات ۵۴۹ هـ — از شاعران معروف دربار غزنوی در قرن ششم. مختاری با مسعود سعد و سنائی و ابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعود و مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان مسعود بن ابراهیم را مدح گفته است. همچنین اشعاری در مدح قاوردبان دارد.

مختاری در اقسام شعر مانند قصیده و ترجیع بند دست داشته و مثنوی معروفی به نام «شهریارنامه» دارد در ذکر داستان شهریار پسر بزر و پسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است.

دیوان او را شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصر فی اخبار البشر (کتاب ال...) (ک) رجوع شود به تاریخ

ابی الفداء

مخزن الاسرار (ک) یکی از مشنویهای خمسۀ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن سیم ایران ، که آن را در سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود بادشاه ارزنگان ساخته است . این متنوی شامل دو هزار و دویست و شصت بیت است ، و موضوع آن ، حکمت و موعظه و ننداشت در بیست ساله که ، همه جا باد اسنان و تمثیل و حکایات آمیخته است . نظامی در ساختن مخزن الاسرار از سنائی پیروی کرده است . (چاپ تهران) مخلصدی گرگانی (ت) ابوشریف احمد بن علی مخلصدی گرگانی . از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ، اشعاری از او در تذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند اما به صورت ذم ، یعنی پس از ذکر چند صفت نیک مدوح با کلمات استهزا مانند لکن و اما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، در حالی که بکی دیگر از اوصاف مدوح را ذکر می‌کند .

به زلف کر ولیکن به قد و قامت راست

به تن درست ولیکن به چشمان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده مدوح را طوری بستايد که

دو مدح در آن باشد

قارون کند اندر دو نفس بیخ جهادت

بک طایفه میراث خور و مرثیه خوان را

مدید (ع) از بحر شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال

آن این است .

بحرمدید سیدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)
غالبه زلفی سمن عارضینی سرو بالائی و زنجیر سوئی
مرآت البلدان (ک) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه
که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبک معجم البلدان یاقوت حموی .
این کتاب در چهار جلد است .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف تا
تاء که مؤلف بس از مباحث جغرافیائی به مباحث تاریخی زمان ناصرالدین شاه
برداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطت
ناصرالدین شاه است . جلد سوم ، اوضاع سلطنت ناصرالدین شاه از سال
شانزدهم تا سی و دوم است . جلد چهارم باز فرهنگ جغرافیائی ادامه می یابد
و به حرف جیم می رسد . (جواب تهران)

مراعات نظیر (ب) آن است که نویسنده در آن چیزهائی را که
با هم متناسب اند جمع کند ، مانند کلمه های کمان ونیر در این شعر :
از آن به خاک نشستیم که آن کمان ابرو

سراچو تیرسوی خود کشید و دور انداخت

و کلمات شبگرد و عیار و تاج و کمر در شعر ذیل :

قکیه براختر شبگرد مکن کاین عیار

تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط یکی از دو حرف با اثبات

حرف دیگر ملازم باشد یعنی دو حرف نه با هم ساقط می شود و نه با هم
ثابت می ماند . مراقبت در مفاعیلن بین یاء و نون است که اگر یکی
حذف شد دیگری می ماند .

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن را از درازا خواند و هم از پهنا

به جانت	نگارا	که داری	وفا
نگسارا	وفا کن	به دل	بی جفا
که داری	به دل	دوستی	سر مرا
وفا	بی جفا	سر مرا	خوشترا

مرزبان بن رستم بن شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم بن شروین . از شاهان طبرستان و از خاندان آل باوند . وی مردی دانشمند و ادب دوست بود و شعر نیز می سرود . از آثار او کتاب «مرزبان نامه» است به لغت قدیم طبرستانی . ابن اسفندیار دیوانی به نظم طبری به نام «نیکی نامه» به او نسبت داده است .

مرزبان نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتهائی به زبان وحوش و طیور و حاوی حکمت و پند بسیار تألیف مرزبان بن رستم بن شروین از شاهان طبرستان که آن را در اواخر قرن چهارم هجری به زبان قدیم طبرستان تألیف کرده است . ابن کثاب دوبار به زبان فارسی در ترجمه شده است . نخست در قرن ششم به وسیله محمد بن غازی ملطوی که آن را «روضه العقول» نامیده است؛ و بار دیگر در اوایل قرن هفتم به وسیله سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب الدین هرون وزیر اتابک ازبک بن محمد از اتابکان آذربایجان ترجمه کرده است . «روضه العقول» با سواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان نامه سعد وراوینی نیز دارای انشاء مصنوع و تشبیهات و استعارات فراوان است .

(مرزبان نامه - چاپ تهران)

مرصاد العباد من المبدأ الی المهاد (ك) کتابی به زبان فارسی

تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۵ به نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد. این کتاب از آثار ذیقیمت ادبی است در علم تصوف و اخلاق و آداب معاش و معاد. نشر کتاب گاهی نثر ساده و مرسل است و گاه دارای سجع و سوازنه است. مؤلف در خلال موضوع، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به فارسی و عربی از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. (جاپ‌تهران)

مرغ سلیمان (تن) رجوع شود به هدهد.

قافله شب چه شنیدی ز صبح مرغ سلیمان چه خبر از سبا

(حافظ)

مروج الذهب (ک) از معتبرترین کتابهای تاریخ قرن چهارم هجری به زبان عربی تألیف ابوالحسن بن حسین المسعودی. این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشر شروع می‌شود و به وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفته خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب «اخبار الزمان» و «کتاب الاوسط» اوست.

مسعودی بیش از ذکر تاریخ پیغمبران و شاهان از اوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می‌کند. پس از آن از مذاهب وادیان و تاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه و اکاسره و ملوک یونان و عربان سخن می‌گوید. در تاریخ شاهان به اختصار می‌کوشد و گاهی به ذکر نام و مدت سلطنت اکتفا می‌کند ولی درباره اوضاع اجتماعی و نژاد و مشخصات و مذاهب گوناگون حتی عقاید خرافی بیشتر وارد بحث می‌شود. مسعودی مآخذ کتاب خود را ذکر می‌کند و در حدود سی تن از مورخان را نام می‌برد که پیش از او به تدوین تاریخ پرداخته‌اند. از قرآن هم روایاتی دارد. جزاینها مسعودی مدارکی را که در سفرهای طولانی بدست آورده

ویا عاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می کند. بنابراین مطالب کتاب
سروح الذهب بسیار متنوع و جالب است و سعودی در فصل جداگانه ای
اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت و بعد از اسلام نیز ذکر می کند.
مریخ (نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته و پنجمین کره است
نسبت به زمین و در آسمان با نور سرخ می درخشد. مریخ ستاره جنگجویان است
خنجر مریخ سست گردد و هر شب

از شفقش خون بر آسمان بنماید

مریم (بن) دختر عمران و مادر عیسی پیغمبر. عمران مفیم
مسجد بیب المقدس بود و پسران بسیار داشت و به تنگدانه آن نذر کرد
که فرزند دیگری را مفیم مسجد کند. مریم متولد شد. چون دختر
نمی توانست در مسجد مفیم شود، عمران منحیر شد. وحی رسید و اجازه
داده شد که مریم در مسجد بجای شود. زکریا پسر عمران از مریم
در مسجد محافظت می کرد. چون مریم هیجده ساله شد، جبرئیل خود را
به صورت یوسف نجار در صومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی
مژده داد. به فرمان خدای تعالی روح القدس در او دمیده شده،
به فولی بس از نه ساعت و به فولی بس از نه ماه عیسی متولد شد.

آبستنی مریم عمران به پسر بود

آبستنی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ف) از حروف قافیه. آن است که خروج به آن پیوندد سال:

ابن دل که به زلف دلبری بسنیمش

هر چند بسست باز پیوستیمش

شبن در کلاه های بسنیمش و بسنیمش مزید است.

مساوات (ب) آن است که لفظ ومعنی با هم برابر باشد .

سؤال رفتی پیش عطا همیشه کنون

همی عطای نوآبد پذیره پیش سؤال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هر مصراع قسمتی از

کلام سوزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از

حیث معنی به آن بستگی داشته باشد . مثال :

دوشینه پی گلاب می گردیدم در صحن چمن

پژمرده گلی میان گلها دیدم افسرده چومن

گفتم توچه کردی که چنین می سوزی ای یار عزیز

گفتا که دمی در بن چمن خندیدم پس وای به من

مسرور طالقانی (ت) ابوالفضل مسرور بن محمد طالقانی از شاعران

عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از او در مدح ابوالقاسم احمد بن حسن میمنندی در لباب الالباب ضبط است .

مسعود سعد (ت) مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری . وفات ۵۱۵ هـ .

از قصیده‌سرایان بزرگ قرن پنجم و معاصر دوره غزنوی و سلجوقی . اصلش

از همدان و تولدش در لاهور است . مسعود سعد به ملازمت سیف الدوله

مسعود بن ابراهیم غزنوی به هندوستان عزیمت کرد و در جنگها در التزام

رکاب بود ولی سیف الدوله که مورد سوءظن پدر واقع گشته بود باندیمانیش

زندانی گشت و از آنجمله مسعود نیز هفت سال در قلعه‌های سو و دهک

و سه سال در قلعه نای مجبوس شد و به وساطت عمیدالملک ابوالقاسم خاص

آزاد شد و به حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی باردیگر گرفتار شد

و هشت سال در قلعه سرنج در حبس ماند تا در سال . . ۵۰۰ به شفاعت

نقّه‌الملک طاهر بن علی مشکان آزاد شد و تا پایان عمر کتابداری شاهان غزنوی

را داشت. مسعود سعد امیران غزنوی و وزیران را مانند ثقت‌الملک طاهر و ابونصر پارسی و ابوالقاسم خاص مدح کرده است. مسعود سعد در زبان تازی و هندی نزدست داشنه و اشعاری به عربی سروده است. مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد سرخ رنجهای بی پایان و سختیهای است که دردوران زندان تحمل کرده است. این اشعار به حبسیات معروف است و بسیار موثر می باشد.

(دیوان مسعود سعد — چاپ تهران)

مسعودی (ت) ابوالحسن علی بن حسین المسعودی. وفات ۶۴۳- مورخ بزرگ قرن چهارم. از فرزندان عبداللّه بن مسعود بود که در عصر حضرت محمد می زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهاار یافته است. مسعودی در اواخر قرن سوم در بغداد متولد شد و در سال ۳۰۳ هجری از آنجا خارج شد و به بولمان و فارس و ایران و هندوستان نازدیکه چین سفر کرد و مدتی در شهرهای مختلف اقامت کرد و پس از این سفر طولانی دوباره به بغداد برگشت و نتیجتاً مطالعات چندین ساله اش را به صورت کتاب درآورد.

از آثار معروف او کتاب «اخبارالزمان» و «کتاب الاوسط» است دیگر کتاب «المنبیه والاشراف» در علم هیئت و بهمنراز همه «سراج الذهب» می باشد.

مسعودی غزنوی (ت) نازای شاعر قرن پنجم و معاصر سلطان مسعود غزنوی که در سال ۳۴۴ مغضوب واقع شد و به هندوستان تبعید گشت. ابیانی از او در تذکره ها باقی است.

مسعودی مروزی (ت) از شاعران اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی است که شاهنامه منظوم ساخته است. از

شاهنامه او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در «غرر اخبار سلوک
الفرس» والقدسی در کتاب «البدء والتاریخ» از این منظومه یاد کرده اند.
مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع
متفق القوافی بایبشتر و کمتر نهد و مصراع آخر را برقافیه ای گذارد که
قافیه اصلی شعر باشد مانند مسمط های منوچهری. مسمط را بر حسب
شماره مصراعهای هر بندی مربع، مخمس، مسدس می خوانند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزان است که بر شاخ رزان است

گوئی به مثل پیرهن رنگ رزان است

دهقان به تعجب سرانگشت گزان است

کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

مسیحا (تن) لقب عیسای پیغمبر

قبض روح القدس از باز مدد فرماید

دبگران هم بکنند آنچه مسیحایی کرد

«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی. به این وزن شعرهای

فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه های مرکزی و غربی ایران) بیش

از شعر فارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است

و از این اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می شود.

مشاکل مکفوف مفعول (فاع لات مفاعیل مفاعیل) :

ای نگار سیه چشم سیه موی سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) میرسیدعلی مشتاق اصفهانی. وفات ۱۱۷۱ - از سادات

حسبنی اصفهانی و از شاعران قرن دوازدهم. مشتاق در علوم معقول و منقول مهارت داشت و از علوم متداول زمان خود بهره‌مند بود. انجمن ادبی در اصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف و عاشق و آذر بیکدلی در این انجمن حاضر شده کسب ادب می‌کردند. مشتاق از احیا کنندگان سبک عراقی است و دیوانش شامل قصیده و غزل و رباعی است. قصاید مشتاق بیشتر در مناقب حضرت رسول اکرم است.

(دیوان مشتاق - چاپ تهران)

مشتري (نچ) با برجیس در فلک‌ششم نسبت به زمین قرار گرفته است و در نظر منجمان ستاره سعد است.

بر آسمان مکرمت از روشن علم

چون مشنری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیم‌ترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد زوزنی. این کتاب در زمان مؤلف نیز معروف و مورد اعتماد بوده است. مؤلف در این کتاب مصادر عربی را به فارسی شرح کرده و در برابر هر یک معادلی به فارسی آورده است. مصادر عربی در این کتاب بر حسب افعال صحیح و معتل و هموز و مانند آن و به ترتیب حروف نهجی اواخر آنها تنظیم شده است. مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده و پس از آن ثلاثی مزید و رباعی مجرد و مزید را آورده است.

(چاپ تهران)

مصحف (ب) آن است که چون نقطه کلماتی را تغییر دهند

معنایش تغییر کند. مانند دو کلمه بوسه و توشه در این شعر:

مرا بوسه جانا به تصحیف ده که درویش را توشه از بوسه به
 مصراع (ب) در زبان عرب مصراع لنگه درست و در شعر نیمه‌ای
 از بیت باشد. پس هر بیت شامل دو مصراع است.
 مضارع (ع) از بحر شعر عربی و فارسی. مرکب است از دو بار
 «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» و در فارسی از این بحر وزنهای زیر متداول است.
 بحر مضارع مثنی‌اخر بـ مکفوف مقصور یا محذوف «مفعول فاعلات
 مفاعیل فاعلان — فاعیلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست
 در حق او گمان نبات و بقا خطاست
 بحر مضارع مثنی‌اخر صدر و عروض : «مفعول فاعلاتن ۲ بار»
 بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
 کز کوه ناله خیزد روز وداع باران
 «سعدی»

بحر مضارع مسدس اخر بـ مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»
 ای مطرب خوش آوا آواده ای ساقی آن قدح را باما ده
 «اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ک) تألیف افضل الدین ابوحامد
 احمد بن حامد کرمانی در تاریخ کرمان. تاریخ تألیف کتاب او ابل سال
 ۶۱۳ هـ است که تسلط ملوک شبانکاره و نایکان فارس و امرای غزاز کرمان
 قطع شده است. ازین کتاب مانند «عقد العلی» مصنوع و متکلف است.
 مطالع الانوار (ک) یکی از مثنویهای امیر خسرو دهلوی که آن
 را در سال ۶۹۸ هـ به نام علاء الدین محمد شاه در تقلید سخن‌الاسرار نظامی
 ساخته است.

مطلع السعدین (ک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ دردو جلد است و شامل تاریخ صد و هفتاد سال، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تا پایان پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری است و بهمین مناسبت مؤلف نام آن را «مطلع السعدین» گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده و وقایعی را نیز شرح داده است که خود شخصاً ناظر و شاهد آن بوده است. مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات بسیار سودمند می باشد و مورد استفاده تاریخ نویسان بعد قرار گرفته است. سبک آن ساده و روان است.

مطلع الشمس (ک) تألیف اعتماد السلطنه درباره اوضاع ایالت خراسان، در جلد اول که در سال ۱۳۰۱ هـ تألیف یافته وضع جاده تهران را به مشهد از دماوند و فیروز کوه و بسطام و بجنورد و قوچان و صف می کند و اوضاع هر یک از این بلاد را شرح می دهد. جلد دوم وصف شهر مشهد و ابنیه تاریخی و بزرگان و اعظام آن است و شامل شرح حال امام علی بن موسی الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانه آستانه قدس دارد. جلد سوم - در شرح مراجعت ناصرالدین شاه از نیشابور و سبزوار و دامغان و سمنان است با شرح احوال رجال و بزرگان هر یک از شهرها. (حاج تهران)

المعارف (ک) از مهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد. این کتاب مجموعه ای است از مجالس و مواعظ بهاءالدین که در آن از حقایق عرفان و تفسیر آیات قرآن سخن گفته است و شامل ترکیبات و لغات فارسی است

و بسیار دلپذیر می باشد . (چاپ تهران)

معاقت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی از افعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه داشته باشد . در معاقل آن است که یاء و نون با هم ساقط نمی شود ، اگر نون بیفتد یاء می ماند و اگر یاء بیفتد نون می ماند . معاقت در فاعلاتن بین نون و الف است یعنی یا نون می افتد یا الف .

المعجم فی آثار ملوک المعجم (ک) رجوع شود به تاریخ معجم .
المعجم فی معانی اشعار المعجم (ک) تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی که آن را در حدود سال ۳۳۰ به زبان فارسی تألیف کرده است . ظاهراً اصل کتاب به عربی نوشته شده و درباره عروض و قوافی فارسی و عربی بوده است . اما بعد بنا به سفارش دوستان آن را دو قسمت کرده است . آنچه را مربوط به زبان فارسی بوده است در کتابی تلخیص کرده و نام «المعجم فی معانی اشعار المعجم» بر آن گذاشته است و آنچه متعلق به زبان عربی بوده به نام «المعرب فی معانی اشعار العرب» موسوم کرده است . کتاب المعجم در فن عروض و علم قوافی و نقد الشعر است و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است درباره علوم ادبی به زبان فارسی ؛ و علاوه بر آنکه از حیث مطالب مربوط به عروض و قافیه و نقد الشعر جامعترین کتاب فارسی است از لحاظ آوردن شواهد شعری و ذکر نام بسیاری از شاعران قبل از مغول بسیار پرارزش و مورد استفاده است .

(المعجم — چاپ تهران)

مهر ارج (تن) در لغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره به عروج حضرت محمد ص بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن از آن برای کسی میسر نبوده است :

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکاراست

«ابوالفرج رونی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمد بن مهدی نراقی از عالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه فاجار. ابن کباب در واقع ترجمه‌ای است از کتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی نراقی پدر مؤلف.

مهر وفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمد بن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی و نیمه اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۴۳ - ۳۵۰) را مدح گفته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است.

مهری (ت) امیرالشعرا ابوعبدالله محمد بن عبدالملک. وفات در حدود ۵۲۰ - از شاعران بزرگ دوره ساجوقی، پدرش عبدالملک برهانی ساعر دربار البارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت و معزی جای او را گرفت. تخلص او به معزی به مناسبت انتساب به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه بن البارسلان می‌باشد، لقب امیرراهم ملکشاه به او اعطا کرد. معزی نافوت ملکشاه در دربار او می‌زیست و پس از آن مدتی در هرات و نیشابور و اصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجر بن ملکشاه رسید و تا آخر عمر در دربار او ماند. سبب فوت او را تبری می‌دانند که از کمان شاه جدا شد و بی قصد به معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره کرده است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام بر اثر همان زخم فوت کرد. سمدوحان معزی علاوه بر سلطان ملکشاه و سلطان سنجر ساهان دیگر ساجوقی و وزیران ایشان می‌باشند مانند برکیارز و محمد بن ملکشاه، ارسلان ارغو پسر البارسلان،

بهرامشاه بن مسعود غزنوی ، اتسزین محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی شامل فصاید و غزلیات است که در نهایت سادگی است و خالی از تکلف سی باشد . غزلهای نغزی دارد و در فصاحتش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی مانند جنگها و صلح های سلطان ملکشاه و سنجر اشاره کرده است .

معما (ب) : آن است که شاعر اسم بامعنی را نوعی به رمز گوید که خواننده جز به اندیشه و فکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

در معنی قپان .

چیست نه شلوار و نه بیراهنش

هرچه سی خواهی نهی در دامنش

راست گوید هرچه گوید بی زبان

از دهائی عقبی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعہ معمری جرجانی از شاعران دوره سامانی

که خود را در شاعری بارود کی مقایسه کرده است . ابیاتی از او در تذکره ها باقی است .

مهیاری الاشعار (ک) کتابی به زبان فارسی در علم عروض و قوافی

تألیف خواجه نصیرالدین طوسی دانشمند بزرگ ابرانی . این کتاب شامل یک مقدمه و دو فن است . مقدمه در بیان ماهیت شعر و ذکر صناعات آن در سه فصل . فن اول در علم عروض که شامل ده فصل است . فن دوم در علم قافیه که شامل ده فصل می باشد . نویسنده در این کتاب اشعار فراوانی به فارسی و عربی به عنوان شاهد ذکر کرده است .

(چاپ تهران)

معین الدین اسفزاری (ت) رجوع شود به اسفزاری

معین الدین یزدی (ت) وفات ۱۸۹۱- از دانشمندان و تاریخ نویسان قرن هشتم و معاصر و مداح شاه شجاع. معین الدین برحسب تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد، کتابی در تاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را در سال ۸۶۷ شروع کرده و در سال ۷۶۷ پایان داده است. عنوان این کتاب «سواهب الهی» است.

مغربی (ب) وفات ۸۰۹- از شاعران متصوف ایران در قرن نهم. در نائین نزد بک اصفهان تولد یافته و در اصطهبانات فارس مدفون است. ولی به مغربی تبریزی معروف است. مغربی از پیروان شیخ محی الدین العربی است. دیوان مغربی مشتمل است بر غزلیات و ترجیعات و رباعیات، اشعارش بیشتر صوفیانه و عارفانه است. دیوان مغربی چند بار در ایران به چاپ رسیده است.

مقابله (نچ) آن است که میان دو برج بک دوم دوره فلک یعنی شش برج فاصله باشد و در اصطلاح نجوم برجی به برج هفتمش نظر کند و ابن حال سعد است.

زاخترم نظر سعد در رهست که دوش

میان ماه و رخ یار من مقابله بود

«حافظ»

مقابله یا متضاد (ب) آن است که شاعر اشیا متضاد را در برابر

هم قرار دهد.

چه جای شکرو شکایت ز نقش نیک و بد است

که بر صحیف هستی رفم نخواهد ماند

«حافظ»

مقامات حمیدی (ک) از کتبهای معروف نشر فارسی در قرن ششم،

تألیف قاضی حمیدالدین عمر بن محمود البلاخی که آن را به تقلید مقامات حربی نگاشته است. کتاب دارای یک مقدمه و بیست و چهار مقاله و یک خانمه است و شامل نکته های اخلاقی و اجتماعی و افکار عارفانه و مطالب تاریخی و فلسفی است. مقامات حمیدی به نثر مسجع و سوزون است و نوبسندده همه جا به آوردن صنایع لفظی و ابراد مترادفات و ذکر اشعار فارسی و عربی پرداخته است. با وجود این نثرش سلیس و روان است و در زمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند در ترسل و فن انشاء مهارت یابند، لازم و ضروری دانسته است.

(چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحر شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن مستفعلن» ۲ بار است. و زندهای ابن بحر در فارسی رواجی ندارد، متداول ترین آنها این است:

بحر مقتضب مشمن مطوی مقطوع «فاعلات مفعولن ۲ بار» در هر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای جان یک دم است نادانی

المقدسی (ت) شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافی نویسان معروف قرن چهارم و معاصر سامانیان. المقدسی ممالک اسلامی و همه ایران را سیاحت کرده و درباره آداب و عادات و مذاهب و السنه ملل مطالعه کرده و نتیجه مطالعات را در کتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم آورده است.

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همه کلمات آن از حروف منقصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند :

زار و زردم ز درد دوری او درد دلدار زرد دارد و زار
مقلوب (ب) از صنایع بدیع که ساعر کلمه را وارونه کند و معنی تازه‌ای یابد .

مقلوب بر چهار قسم است :

مقلوب کل ، مقلوب بعض ، مقلوب مجنح ، مقلوب مستوی .
مقلوب کل آن است که تقدیم و تأخیر در همه حروف کلمه باشد مثل تاربخ و خیرات ، شیر و ربش ؛ یا گنج و جنگ در ابن شعر :
به گنج اندرون ساخته خواسته به جنگ اندرون لشکر آراسته
مقلوب بعض آن است که تقدیم و تأخیر در بعضی از حروف کلمه باشد . مانند رفیب و قریب ؛ یا جادوانه و جاودانه در ابن شعر :
از آن جادوانه دو چشم سیاه دلم جاودانه عدیل عناست
مقلوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه‌های مقلوب در ابتدا و انتهای کلام واقع شود . مانند کلمه زان و ناز در ابن شعر
زان دو جادو نرگس مستخور با کسبی و ناز
زار و گریان و غریبانم همه روز دراز
مقلوب مستوی آن است که اگر یک عبارت یا یک مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت برکش

شو همره بلبل بدلب هر سهوش

مقنع‌کندی (ن) لقب حکیم بن عطاء که دعوی پیغمبری می‌کرد

و گویند به عنوان معجزه ، ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می آمد و نورش تا چهار فرسنگ را روشن می کرد . ماه مقنع در شعر فارسی از اوصاف معشوق است به معنی « ماه پوشیده روی » و ابهامی دارد به ماهی که مقنع کنندی ساخته بود .

مقولات عشر (ط) عبارت است از نه مقوله عرض و یک مقوله جوهر و جمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می شود . مقولات عشر عبارت است از : جوهر ، این ، سنی ، ملک ، وضع ، کم ، اضافه ، فعل ، کیف ، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش درخوشت رلباسی خفته بود

یک نسیم از کوی جانان خاست خرم در گذشت

گل	جوهر
بستان	این
دوش	متی
درخوشت رلباس	ملک
خفته بود	وضع
یک نسیم	کم
از کوی جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
در گذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه ای از مکتوبهای فارسی عین القضاة از بزرگان و مشایخ صوفیه به دوستان و بزرگان زبان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است در حکمت و عرفان که با نشر روان و ساده نوشته شده

است و کمر جنبه نامه دوستانه دارد. عین القضاة در این مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده و در ضمن رباعیهای نیز از خود ذکر کرده است که همه اندیشه عرفانی دارد.

مکتبی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است. وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته و شنوی لبلی و سجنون را به یروی از او به سال ۸۹۵ در دوهزار و یکصد و شصت بیت سروده است. مکتبی در علم موسیقی امتدادی داشته و ساری شبیه به قانون ساخته است.

ملاصدرا (ت) رجوع شود به صدرالدین شیرازی
ملا عبدالرزاق لاهیجی (ب) رجوع شود به لاهیجی
ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملك تنکلی است که به سبب احاطه چیز دیگر بر جسم عارض نشود مثل سکل لباس پوشیدن و دسنة ای احاطه را شرط ندانند بلکه مالک بودن و صاحب بودن را معتبر دانند.
ملك سلیمان (بن) کنور سلیمان که فلمروش بسیار و سبع بود زیرا که حق تعالی علاوه بر پند مبری به سلیمان پادشاهی داد تا بر آدمی و پری و دیو حکومت کند. باد مأسور بود که هر چه در ملك سلیمان می گذشت، به گوش او برساند.

پیش صاحب نظران ملك سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که ز ملك آزاد است

«خواجو»

ملك قمی (ب) وفات ۱۰۲۵ از شاعران قرن دهم و یازدهم هجری که به هندوستان مهاجرت کرده و درد کن به دربار نظام الدین شاه راه یافته و نزد او و ابراهیم عادا شاه با تقرب تمام می زیسته است. ملك

قمی در هندوستان در عرفان مقام ارشاد یافته است و فیضی دکنی اوراستوده
ومی گوید که وی کمتر معاشرت می کرده است .
دیوان ملک قمی شامل غزلیات و مثنوی است .
ملکه سبا (تن) رجوع شود به بلقیس .

الملل والنحل (ک) از مهمترین کتابها درباره مذاهب وادیان و عقاید
فیلسوفان و حکیمان . تألیف ابوالفتح محمد بن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی
که آن را به نام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف
کرده است . شهرستانی در این کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان و اهل
مذاهب را مورد بحث قرار داده است . کتاب «الملل والنحل» یکبار
بوسیله صدرالدین ترکه اصفهانی به نام «تنقیح الادلة والعلل فی ترجمة
کتاب الملل والنحل» و بار دیگر بوسیله مصطفی بن خالقداد در سال ۱۰۲۰
به فارسی ترجمه شده است .

ملمع (ب) آن است که شاعر در شعر دو زبان به کار برد مانند
این شعر سعدی که به دو زبان عربی و فارسی است :

سل المصانع رکباتهم فی الفلوات تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
ممسك العنان (نج) از صورتهای فلکی ، در شمال منطقة البروج
که شامل چهارده ستاره است به شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه
و به دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نج) بیست و هشت منزل است از منطقة البروج که ماه
هر روزی یکی از آن منازل را طی می کند و عبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ،
نشره ، طرف ، جبهه ، خراتین ، صرفه ، عوا ، سماك اعزل ، غفر ، زبانی ،

اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلده، سعد ذابح، سعد بلع، سعد السعود،
 سعد الاخیه، فرغ نخستین، فرغ دوم، بطن الحوت .
 مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض و منافی معنی
 مصراع اول باشد

در سنن بخشیم بوسه ندهد جور کند

بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب
 دیوان رسالت او بود. در اوایل جوانی به سرو رفت و بعد از اتمام تحصیل
 به دستگاه دیوانی وارد شد. منتجب الدین مجموعه منشآت خود را به نام
 «عتبه الکنبه» نامید که پس از او سر مستق مترسلان قرار گرفت. عوفی
 دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است، یکی «رفیه الفلم» در فن
 دیری و دیگری «عبران الکتبه». انشاء منتجب الدین نمونه نثر مصنوع
 و دارای سجع و اطناب است. اشعاری نیز از او نقل شده است.

منتظم ناصری (ک) تألیف اعتماد السلطنه. شامل سه جلد است

جلد اول شامل خلاصه تاریخ اسلام از سال اول هجرت تا سال
 ۶۵۶ ه شامل تاریخ خلفا به ضمیمه وقایع سهم ایران، با سالنامه و تقویم
 جلد دوم شامل وقایع و حوادث عالم از انقراض خلافت بنی عباس
 ۶۵۶ تا ابتدای سلطنت قاجار به

جلد سوم حاوی تاریخ قاجار به از سال ۱۱۹۴ به بعد با سالنامه

(چاپ تهران)

منجیک ترمذی (ب) ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از

شاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است. دیوان
 منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصر خسرو در سفرنامه خود از

آن اسم برده است. منجیک شاعری است قصیده سرا و علاوه بر قصیده های بزرگ در مدح شاهان، اشعاری نیز در هجو و هزل دارد.

اشعار منجیک در تذکره ها و کتابهای لغت موجود است.

منسرح (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن ۲ بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است. در فارسی از این بحر وزنهای زیر به کار می رود. بحر منسرح شمن مطوی موقوف (مفتعلن فاعلن ۲ بار) مثال:

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا

تا که خرد دوستی تا چه دهد در بها

منسرح شمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع) مثال:

بخت جوان دارد آنکه باتوقرین است

پیر نگردد که در بهشت برین است

منشوری (ت) ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی، از شاعران

عصر غزنوی. از اشعار او قطعه هائی در ترجمان البلاغة و سایر فرهنگها موجود است.

منصور حلاج (ت) حسین بن منصور. مفتول ۹. ۳- از بزرگان عرفا

و متصوفه. عده ای باره ای از خوارق عادات او را حمل بر کرامت او می کردند و او را از اولیای عسی دانستند و دسته ای آن را اثر سحر و جادوسی شمردند و سرانجام هم به استناد این گفته او «انا الحق ولیس فی جیبی الا الله...» او را به زندان افکندند و به فرمان حامد بن عباس وزیر مقتدر عباسی به دار آویختند

منصور بر سردار ابن نکته خوش سراید

از شافعی می پرسید امثال این مسائل

«حافظ»

کلمه یار در این شعر نیز اشاره به اوست:

گفت آن دار کز و گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هود اسی کرد

«حافظ»

منطقة البروج (نج) دایره بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است و آن را فلک البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هر یک را برج می‌خوانند و این برجها به نام صورت‌های است که زمین از برابر آنها می‌گذرد .

منطق الطیر (ک) منظومه‌ای عرفانی از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری؛ شامل ۴۶۰ بیت. در این منظومه افکار عرفانی و شمه‌های سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. مرغان در طلب سبمرغ که کنانه از حضرت حق است به راه می‌افتند و هدیه را به عنوان راهنما انتخاب می‌کنند. عده‌ای از مرغان از دشواری راه می‌گریزند و دسته‌ای تسلیم می‌شوند. پس از طی هفت منزل دشوار باز عده‌ای از پا در می‌آیند و سرانجام می‌تن رنجور و خسته باقی می‌مانند که به کوه قاف می‌رسند و می‌بینند سبمرغی که در طلب او هستند خود ایزمان (سی مرغ) هستند. مقصود از این منظومه رمزی نمودن راه عرفان و رسیدن به حق است که بعضی از سالکان طریقت به سبب علاقه دنیوی با کوتاهی همت از دشواری راه می‌گریزند و کسانی که با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحله سلوک را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تا جامه بپوشند. کتاب منطق الطیر از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفتگوی پرندگان حکایات و نمثیل‌های سیرین آورده است.

منطقی (ت) ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی. وفات ۳۹۱-۳۹۰

فیلسوف بزرگ قرن چهارم و معاصر عضدالدوله دیلمی. منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده و رسائلی به نام او در شرح فنون حکمت و تفسیر کتابهای ارسطو نوشته است. از آثار او «رسالة فی المحرك الاول» و مقاله «طبیعت اجرام علوی» و «مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان».

منطقی رازی (ت) ابو محمد منصور بن علی منطقی رازی. وفات نیمه دوم قرن چهارم - از شاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می کرد. اشعاری از منطقی در تذکره ها ضبط است.

منکب الجبار یا منکب الجوزا (نج) از ستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است و آن را جوزا خوانند

من لایحضره الفقیه (ک) کتابی در فقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری در آئین تشیع که مرجع علمای شیعه است. مجموع آن در چهار جزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ باب و ۵۹۴۳ خبر است. ابن کتاب از اصول چهارگانه در فقه است و روایات آن مورد اعتماد علماست و چندین بار بر آن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش - د) نواده ابرج است که به سرپرستی فریدون، جد خود، پرورش یافت و هنر آموخت، در زمان او سلم و تور لشکر از جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت و سلم و تور را کشت و دژالانان را گشود و با فیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را بر سر وی نهاد و خود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمایی و تدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی.

وفات ۴۳۲ - از شاعران بزرگ قرن پنجم و عصر بسعود غزنوی، تولدش در دامغان است و پیش از آنکه به خدمت بسعود برسد، در ری اقامت

داشته است و هنگامی که مسعود به قصد لشکرکشی به گرگان از نیشابور حرکت کرد، منوچهری را نزد خود خواند. پس از آن منوچهری در دربار مسعود تفرج حاصل کرد و صاحب شکوه و جلال گردید.

منوچهری تخلص خود را از نام فلک المعالی منوچهر بن قابوس و شمگیر حکمران زیاری گرفت که در ابتدای کار در دربار او پسر می برده است. از سمدوحان منوچهری سلطان مسعود بن محمود غزنوی، علی دایه سپهسالار مسعود، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود، ابوسهل زوزنی وعده دیگر از رجال زمان مسعود بوده اند. منوچهری با وجود جوانی، صاحب اطلاع وسیع در شعر و ادب فارسی و تازی بوده است، چنانکه در اشعارش از مضمونها و اسلوب شاعران تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغت‌های نادر و غریب عربی در شعر خود به کار برده است. منوچهری علاوه بر زبان و ادب عرب در علم طب و نجوم نیز دست داشته و اصطلاحات نجوم در اشعارش دیده می شود. منوچهری در تشبیه و استعاره خاصه وصف طبیعت و رز و شراب استاد بوده و او را مبتکر مسسط می شمارند که ظاهراً این نوع شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است.

دیوان منوچهری چندین بار به چاپ رسیده است.

من و سلوی (تن) من به معنی انگبین و سلوی به معنی بلدرچین است. من و سلوی غذائی بوده است که خداوند دریا بان برای موسی و قوم بنی اسرائیل فرستاد.

گر به عهد موسی است را که فحط از هوا

باز من و سلوی سلوب رسان افسانده اند...

«خاقانی»

منهاج سراج (ت) منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی. وفات ۶۹۸- از عالمان خراسان بود که هنگام حمله مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباچه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسه فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباچه خود را در سند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج سراج به خدمت او درآمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب «طبقات ناصری» را به نام ناصرالدین محمود شاه پسر التتمش نوشت.

منیژه (ش - د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان ایران گشت و او را به کاخ خود برد و چون افراسیاب به عشق دختر پی برد، او را از قصر خود راند و بیژن را در چاهی زندانی کرد. منیژه سروپا برهنه به گدائی پرداخت و نانی را که از این راه به دست می آورد، در جاه برای بیژن می انداخت. منیژه در عشق خود فداکاریها کرد تا رستم به یاری ابشان رسید و بیژن را از چاه بیرون آورد و منیژه با او به ایران گریخت.

المواقف (ک) «کتاب المواقف فی علم الکلام و تحقیق المقاصد و تبیین المرام» از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن را به نام خواجه غیاث الدین محمد بن رشیدالدین تألیف کرده و میرسید شریف جرجانی بر آن شرح نوشته است.

(چاپ مصر - ۱۸۴۸ م)

مواهب الهی (کک) کتابی در تاریخ خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و شاه محمود که سعیدالدین یزدی آن را بر اثر تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین در سال ۷۶۷ به پایان رسانده است.

این کتاب مانند تاریخ و صاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبه تاریخی سودمند است. (جاب تهران)

مواهب‌علیه (ک) تفسیری از قرآن به زبان فارسی، بالف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به نام امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است.

موسی (تن) موسی کلیم‌الله از پیغمبران اولوالعزم. وی در زمان شاهی ولید بن مصعب فرعون مصر متولد شد. چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی اسرائیل مبطّل احکام او خواهد بود، از اینرو دستور داد تا هر پسری که از بنی اسرائیل به وجود آید بکشند. وقتی که موسی متولد شد مادرش از ترس فرعون او را در صندوقی گذاشت و به رود نیل انداخت. آب صندوق را زیر قصر فرعون برد، کنیز آسیه زن فرعون آن را گرفت و نزد بانوی خود برد. آسیه او را به فرزندی پذیرفت. کودک از بستان هیچکس شیر ننشید جز مادرش. مادر را به دابگی انتخاب کردند و موسی در خانه فرعون بزرگ شد. روزی یکی از قبطیان را کشت و به این سبب گریخت و نزد شعیب رفت و درازای ده سال شبانی دختر او را گرفت و به مصر عزیمت کرد. شعیب عصائی به او بخشید. در راه در شبی تاریک زنش درد زاییدن گرفت، در آن بیابان که وادی امن نام دارد، موسی به جستجوی آب رفت، بر سر درخت روشنی دید و خطاب آمد «انی‌انا الله» و معجزه بر او کرامت شد. موسی معجزات را بر فرعون عرضه داشت. فرعون او را به سحر و جادو متهم کرد و ایمان نیاورد و چون قبطیان با بنی اسرائیل جور می‌کردند، موسی و بنی اسرائیل از مصر هجرت کردند و از آب نیل گذشتند و قبطیان که به دنبال ایشان رفتند، در آب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طور سی رفت و خدای تعالی تورا

را که برالواح نبشته بود، براونازل کرد. وقتی موسی باخدا سخن گفت و دیدارخواست. جواب آمد «لن ترانی».

موش و گربه (ك) منظومه انتقادی شامل ۱۷۴ بیت از آثار عبید زاکانی که در آن تزویر و ریاکاری گربه‌ای از گربه‌های کرمان را شرح می‌دهد که موجب فریب موشان گشت و پس از آن کار به شکستن عهد گربه و بروز جنگ بین موشان و گربه‌ها و غلبه لشکر موشان و گرفتن گربه و فرار او منجر شده است.

این منظومه شیرین بسیار معروف است و بعضی از بیت‌های آن مثل سایر شده است. منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی از آداب و رسوم و اوضاع زمان.

موصّل (ب) شعری را گویند که همه حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد و بتوان همه را سرهم نوشت:

تن به عشقم نحیف گشت به غم

گل به چشم نهفته گشت به خار

که می‌توان چنین نوشت:

تن به عشقم نحیف گشت به غم گل به چشم نهفته گشت به خار

مولوی (ت) مولانا جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد بن

حسین الخطیبی. وفات ۶۷۲- جلال‌الدین محمد معروف به مولوی یاملای روم از بزرگترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم. جلال‌الدین در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. جلال‌الدین فرزند محمد بن حسین ملقب به بهاء‌الدین ولد می‌باشد که از طرف مادر از خاندان خوارزمشاه است. بهاء‌الدین ولد از مقربان دربار محمد خوارزمشاه بود ولی به علت رنجش خاطری که از شاه

یافت، در سال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفر حج کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال الدین که کودک بی بی نبوده اهداء کرد، بهاء الدین ولد پس از زیارت حج به شام و از آنجا به لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت و مدت هفت سال در آن شهر اقامت کرد و پس از آن به دعوت سلطان علاء الدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش پرور بود به قونیه رفت و تا آخر عمر در آنجا به ارشاد خلق پرداخت و در سال ۶۲۸ فوت کرد. جلال الدین محمد که هنگام فوت پدر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او و خواهش علاء الدین بجای پدرنشست و به ارشاد مردم و تربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان بهاء ولد بود، کسب فیض کرد و به رسوم معرفت حق آشنایی یافت و از او اجازه ارشاد گرفت و پس از فوت برهان محقق مجالس وعظ برپا کرد و به تربیت شاگردان پرداخت تا بر حسب اتفاق در سال ۶۴۲ با عارف بزرگ شمس الدین محمد تبریزی برخورد کرد.

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفته شمس شد که ترك منبر و محراب کرد و از همه گریزان شد و پیوند خود را با گذشته قطع کرد و در سلک مریدان شمس درآمد. شمس تبریز در سال ۶۴۵ از قونیه خارج شد و دیگر به آنجا بازنگشت. مولانا بر اثر هجران شمس تبریزی آشفته خاطر شد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام الدین چلبی و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا در سال ۶۷۲ فوت کرد. از آثار مولانا جلال الدین مثنوی بزرگ او در شش جلد و مجموعه رباعیات و دیوان غزلیات اوست که به دیوان شمس مشهور

است. از آثار منشور او کتاب «فیه مافیه» و «مجالس سبعه» و «مکاتیب» است.

مولوی شعرعرفانی را به حد اعلی رسانده و نفوذ معنوی و ادبیش نه تنها در ایران و هند و آسیای صغیر به حد کمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت کرده و آثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است. مؤید بغدادی (ت) بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی. منشی علاء الدین تکتش خوارزمشاه و از منشیان معروف که آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب می شد. تاریخ تولد و وفاتش معلوم نیست ولی مسلم است که در تاریخ ۵۸۸ زنده بوده است.

بهاء الدین محمد مجموع منشآت خود را به نام بهاء الدین وزیر تنظیم کرده است. وی علاوه بر نشر استادانه اشعاری نیز داشته که عوفی بعضی از آنها را نقل کرده است.

مهرگان (نج) مهر روز یعنی روز شانزدهم از ماه مهر است که فریدون برضحاك پیروز شد و او را در کوه دماوند حبس کرد، پارسیان هر سال در این روز جشن می گرفتند.

مهرگان آمد گرفته فالنس از نیکی مثال

نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک حال

(عنصری)

مهستی (ت) از زنان شاعر ایرانی در قرن ششم و معاصر با سلطان سنجر سلجوقی. مهستی اهل گنجه است و ابتدا در دستگاه سلطان محمود برادر زاده سلطان سنجر که حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد و پس از آن به دربار سلطان سنجر راه یافت. مهستی در دربار سلطان سنجر مقامی یافت و در ردیف شاعران نامی آن زمان مانند انوری و

رشید وطواط وادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت .

میدانی (ب) ابوالفضل احمد بن محمد میدانی النیشابوری . وفات ۵۱۸ هـ - ادیب بزرگ ابران در قرن پنجم . در قواعد و لغت عرب و نحو اسناد بوده است . معروفترین اثر او کتاب «مجمع الامثال» است که شامل امثال مسنهور عرب است . دیگر «کتاب السامی فی الاسامی» که کتاب لغت عربی به فارسی است و در آن لغات را بر حسب معنی و موضوع مرتب کرده است .

میرخواند (ت) محمد بن سید برهان الدین خواند شاه بن کمال الدین محمود . وفات ۹۰۳ هـ - از سرخان معروف قرن نهم و معاصرو طرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی . میرخواند در سال ۸۳۸ متولد شد و کودکی را در بخارا گذراند و پس از فوت پدر از بخارا به بلخ رفت و در آنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول گشت و از محضر علما استفاده بسیار کرد ، سپس به هرات رفت و در آنجا نیز در خدمت بزرگان علم و ادب به کسب علم پرداخت و پس از چندی به بلخ برگشت و تا زمان وفات آنجا ماند . میرخواند در فضل و هنر و علوم معقول و منقول و در فن تاریخ نویسی مقاسی بزرگ داشت . اثر معروف و عظیم او کتاب «روضه الصفیاء» در شش جلد است که به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند .

میرداماد (ت) میر محمد باقر بن محمد استرآبادی . وفات ۱۰۴۱ هـ - میر محمد باقر معروف به داماد از فیلسوفان و دانشمندان عصر صفوی لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است . منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است .

میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفات متعدد فلسفی و دینی دارد که همه آنها به زبان عربی است مانند صراط مستقیم و قبسات در مسائل حکمت، کشف الحقایق که حکمی و دینی است.

میرداماد شعر نیز میسرود «واشراق» تخلص می کرد و مشنوی دارد به نام «مشرق الانوار».

میرزا مهدیخان منشی استرآبادی (ت) رجوع شود به استرآبادی.

میزان (نچ) از صورتهای دوازده گانه فلکی در منطقة البروج و به شکل ترازو. برج میزان برابر ماه مهر است.

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«انوری»

ناسخ التواریخ (ک) تاریخ عمومی تألیف میرزا محمد تقی سپهر که آن را به دستور محمد شاه فاجار شروع کرد و در زمان ناصرالدین شاه به پایان رساند. ابن تاریخ با ملحقاتش در حدود پانزده جلد بزرگ سی شود. قسمت اسلام و تاریخ بعد از اسلام در آن بطور مشروح نوشته شده، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند و بعد از او عباسقلی خان سپهر که از مقربان دربار ناصرالدین شاه بود، چند جلد در شرح حال ائمه و تفصیل سلطنت ناصرالدین شاه و غیره بر آن افزوده است. سبک نشر کتاب ساده و پخته است.

ناصر خسرو (ت) حکیم ابوسعین ناصر بن حارث القبادیانی البلخی مروزی. وفات ۴۸۱ - از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم. ناصر خسرو در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ متولد شد و در بلخ به کسب علوم پرداخت. وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت و مقامات عالی به دست آورد و عنوان «دبیر» و «ادیب» یافت و پس از تصرف بلخ به دست سلجوقیان در سال ۴۳۲ به مرو و فرحکوست ابوسلیمان جغری بیک داوود بن سیکائیل رفت و به کار دیوانی مشغول شد. ناصر خسرو در چهل سالگی از کار دیوانی و اشتغال به امور دنیوی دست کشید و راه سفر حجاز پیش گرفت. در این سفر که هفت سال طول کشید، چهار بار حج کرد و حجاز و آسیای صغیر و سوریه و فلسطین و مصر و نوبه و سودان را سیاحت

کرد و در صبر به خدمت خلیفه فاطمی المستنصر بالله رسید و به مذهب اسماعیلی گروید و پس از طی مراحل به درجه حجت رسید و مأمور تبلیغ و نشر مذهب اسماعیلی گشت و به وطن خود بلخ باز گشت. ناصر خسرو در بلخ با علما مباحثات کرد ولی اغلب به مخالفت وی پرداختند و کم کم متعصبان در صدد آزارش برآمدند. وی ناچار به فرار شد و مدتی در سازندران بسر برد؛ پس از آن به یمگان از اعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد و به دعوت پرداخت و در همانجا وفات یافت. اقامت سمند ناصر خسرو در یمکان باعث تقویت و نشر مذهب اسماعیلی در آن نواحی گردید؛ هنوز هم در آنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند.

ناصر خسرو در علوم و فنون متداول زمان خود اسناد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام و حکمت و علم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است. ناصر خسرو آثار منظوم و منثور دارد. از آثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۴۷. ۱۱ بیت دارد. دیگر دو منظومه به نام «روشنائی نامه» و «سعادت نامه» است که در آخر دیوان ناصر خسرو به تصحیح حاج سید نصرالله تقوی در تهران چاپ شده است.

اغلب اشعار ناصر خسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی و دارای اصطلاحات فلسفی است. ناصر خسرو به حقایق علمی و بمانی دین توجه خاص دارد و همچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که با او مخالفت کرده و در صدد آزار او برآمده‌اند. اشعارش از سدیحه سرائی خالی است و از توجه به دنیا دور است.

از آثار منثور ناصر خسرو چند کتاب و رساله سهم به زبان فارسی است مانند: سفرنامه، زاد المسافرین، وجه دین، خواناخوان، جامع الحکمتین،

گشایش و رهایش ، بستان العقول .

ناظر و منظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که آن را در سال ۹۶۶ سروده است ابن مننوی دارای ۱۰۶۹ بیت است .

ناقة صالح (تن) شتر صالح پیغمبر که قوم عاد و ثمود آن را کشتند .
شخصی ز عرب ناقة صالح پی کرد پیغمبر ما حرام می بروی کرد

«از رباعیات منسوب به خام»

نامه دانشوران (ك) از کتابهای مشروح و سهم در ترجمه حال عالمان و ادیبان به زبان فارسی که در زمان ناصرالدین شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان تألیف یافته و نشش جلد آن تا حرف شین منتشر شده است . مؤلفان نامه دانشوران میرزا ابوالفضل ساوهای و میرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی و مخصوصاً شمس العلماء عبدالرب آبادی می باشند .
نثر این کتاب نثر فنی است ولی سأسفانه ناتمام مانده است .

نان و حلوا (ك) مننوی تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دوره صفویه . نام دیگر این کتاب «سوانح الحجاز» یا «سفر الحجاز» است و اشعار آن میخلوطی است از فارسی و عربی .

بارها در ابران دهند به چاپ رسیده است .

ناهید (نچ) سواره زهره که ستاره مطربان و خنیاگران است

غزل سرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

در آن مقام که حافظ برآورد آواز «حاوط»

نایره (ق) (از حروف فافیه) آن است که به مزید می پیوندد مانند

الف و نون در این شعر:

تا کی بخون دیده و دل پروریه‌شان تا کی زهره و نود و براه آوریه‌شان

نثر (ب) در لغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن و قافیه نباشد .

نثر مرسل (ب) نثری است که نویسنده در آن مقید به آوردن سجع یا صنایع لفظی دیگر نباشد .

نثر مسجع (ب) نثری است که نویسنده در آن مقید به آوردن سجع باشد . مثال از گلستان سعدی :

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت .

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا . کتاب نجات خلاصه‌ای است از کتاب شفا و شامل مختصر عقاید شیخ است در حکمت . نسخ متعدد این کتاب در کتابخانه مشهد و کتابهای استامبول موجود است

نجم الدین رازی (ت) شیخ نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد رازی . وفات ۶۴۵ هـ - معروف به نجم دایه ، از مشایخ معروف دوره مغول . شیخ نجم الدین در حمله مغول ازری به عراق گریخت و در سال ۶۱۸ هـ به اردبیل و از آنجا به آسیای صغیر رفت . در شهر ملاطیه به دیدار شیخ شهاب الدین سهروردی نایل آمد و بعد به خدمت علاء الدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت و کتاب «مرصاد العباد» را در سیواس تألیف کرد . شیخ نجم الدین در قونیه با مولانا جلال الدین رومی ملاقات کرد . سپس از آسیای صغیر به بغداد رفت و در همانجا وفات یافت .

نجم الدین علاوه بر نویسندگی شعر هم می سروده ، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است .

نجوم السماء (ك) کتابی در شرح حال فقیهان شیعه در عصر صفوی تا واسطه جاریه . تألیف میرزا محمد صادق ابن مهدی که آن را در سال ۱۲۸۶ -

یعنی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تألیف کرده است و شامل شرح احوال علمای شیعه در قرون یازده و دوازده و سیزده می باشد .

نجر (زحاف) (ع) در مفعولات مجموع جَدَع و کَشَف است؛ یعنی حذف مَف و عَوْتُ که می ماند لا و بجای آن فَع می گذارند و آن را منحوَر می خوانند .
نخشب نام شهری در ماوراء النهر که از چاهی در حوالی آن ماه مَنفَع برسی آمد

نرشنخی (ت) ابوبکر محمد بن جعفر النرشنخی . وفات ۳۴۷ —
اهل بخارا است که کتاب « تاریخ بخارا » را به نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی (۳۳۱ — ۳۴۳) به زبان عربی تألیف کرده است .
نریمان (ش — د) پدر سام و به روایت گرشاسب نامه، برادرزاده گرشاسب و به روایت دیگر نبیره او .

نزاری قهستانی (ن) وفات ۷۲ — از شاعران مستسب به طایفه اسمعیلیه که تخلصش را از نام نزار پسر دوم المستنصر بالله ، هشتمین خلیفه فاطمی مصر گرفته است . دیوان او مشتمل بر غزلیاتی است که به شیوه سعدی نزدیک است . مثنوی « دستور نامه » از او باقی است .

نزهت نامه علائی (ک) تألیف شهردان بن ابی الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابوالکلیجار گرشاسب بن علی بن فرامرزن علاءالدوله کاکویه، در اواخر قرن پنجم تألیف کرده است . نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است که قبلاً کتابی تصنیف کرده به نام « کتاب البدایع » در خواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون ابن کتاب به عربی بود زیاده و نقصانی بر آن وارد ساخته و به زبان فارسی در دوازده مقاله ساخته است . و به مناسبت نام علاءالدوله ابوالکلیجار نامش را نزهت نامه علائی گذاشته است .
نشر این کتاب روان و دارای اصطلاحات منداول و مأنوس می باشد و نویسنده

از آوردن لغت‌های فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت و مانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

برسر آن خوان عزت نسر طایر دان مگس

بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده

«خاقانی»

نسر واقع (نج) از کواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند و به شکل کرکسی است که دو بالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید

نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

«خاقانی»

نسر واقع با نسر طایر به صورت نسرین نیز در شعر آمده است .

پروانه چرخ اخضرش پرواز نسرین از فرش

پرواز سعدین بر سرش چند آنکه پروا داشته

«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد المنشی النسوی

کاتب و وزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسابه ری رفته و به خدمت جلال الدین خوارزمشاه در آمده و نا سال ۶۲۸ منصب کتابت او را داشته است . وقتی جلال الدین از حمله مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و در خدمت الملک المظفر صاحب آنجا رسید و در آنجا خبر هلاک سلطان جلال الدین را شنید و رساله «نفثة المصذور» را در شرح آن وقایع با مرثیه سوزناک در فوت سلطان

تألیف کرد. اثر معروف دیگر او «سیره جلال الدین مینکبرنی» است که در سال ۶۳۹ به زبان عربی تألیف کرده است.

نشاط (ت) میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمد الدوله. وفات ۱۲۴۴ — از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دوره قاجاریه و صاحب دیوان رسالت فتحعلی شاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی و زبان فارسی و عربی و ترکی تسلط داشته و در اقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط باهمت خاصی اصفهان را کانون شعر و ادب قرارداد و سخنگویان را تشویق کرد و در حلقه مؤسسين نهضت ادبی ایران درآمد. نشاط در فصیحه از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی و حافظ را در نظر داشته است. مجموعه اشعار و آثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت از پنج درج است شامل فصیحه، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منشور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری و طرز ترسل زمان مؤلف و سبک نشر دوره قاجاریه را نشان می دهد.

(کلیات نشاط — چاپ تهران)

نصیحة الملوک (ک) یکی از آثار فارسی اسام محمد غزالی که آن را در حدود سال ۳۰۰ ه برای سلطان سنجر ساخته است. موضوع کتاب حکمت عملی است بر مبنای دین که غزالی آن را در راهنمایی شاه و درباریان نوشته است.

کتاب نصیحة الملوک دارای یک مقدمه و هفت باب و یک خاتمه است در سیرت پادشاهان و وزیران و درباریان و حکمت دانایان و صفت خردمندان.

این کتاب به عربی و چند بار نیز به ترکی ترجمه شده است.

(نصیحة الملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین طوسی (ت) ابوجعفر نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن ابی بکر. وفات ۶۷۲ - از بزرگترین دانشمندان و سیاستمداران ایران در قرن هفتم. اصلش از قم است ولی در طوس تولد یافته است. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و در محضر فریدالدین داساد نیشابوری کتاب اشارات ابن سینا را خواند، و در بیست و چهار سالگی از تحصیل منظم فراغت یافت. پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان و ملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت. هنگامی که هلاکوخان قلعه الموت را تسخیر کرد، خواجه نصیرالدین را به ملازمت خود برگماشت. خواجه نصیرالدین هلاکو را به تسخیر بغداد و برانداختن خلافت عباسی تشویق کرد. پس از انقراض خلافت عباسیان و قتل مستعصم، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا در سال ۶۵۷ به فرمان و حمایت هلاکو به تأسیس رصدخانه بزرگی در مراغه موفق شد. خواجه تا هنگام درگذشت هلاکو در دربار او مقرب بود و پس از او در دربار اباقاخان به تقرب می‌زیست و در سال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود، در همانجا درگذشت.

خواجه نصیرالدین علاوه بر جامع بودن در فنون مختلف علمی وادی از رجال بزرگ عالم سیاست بود و هلاکو از قدرت و نفوذ معنوی او استفاده بسیار کرد. این شخص بزرگ در تشویق فضلاء و در توسعه علوم و پیشرفت ادب و راه تحقیق، اثر بزرگی داشت.

خواجه نصیرالدین در علوم ریاضی و منطق و نجوم و طب و اخلاق دارای تألیفات بسیار است و آثار گرانبهای او به زبانهای مختلف ترجمه شده

و مورد استفاده دانشمندان اروپا قرار گرفته است. در حدود صد و سه کتاب و رساله و مقاله در فنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند. از آثار او تحریر افلیدس (در هندسه) تحریر مجسطی (در هیئت) تذکره نصیری (در هیئت) شرح اشارات بوعلی، تجرید العقاید (در کلام) قوانین الطب، حل مشکلات قانون بوعلی، سی فصل در نجوم، معیار الاشعار (در عروض).

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به فارسی تألیف کرده است. از جمله اخلاق ناصری و اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می‌باشد.

کتابهایی را که خواجه نصیر از حکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است. گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجسته نویسنده گیش برتری دارد، ولی نمیتوان ارزش آثار فارسی او و سبک نویسنده کی‌اش را نادیده گرفت. خواجه نصیر در بیان موضوعهای علمی به ایجاز پرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است. رویهمرفته بر اثر زحمتهایی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد.

خواجه نصیر به زبان فارسی و عربی شعر گفته و بعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است.

نظام التواریخ (ک) تاریخ کوچکی تألیف فاضل ناصرالدین بیضاوی که در سال ۶۷۴ تألیف یافته است. این کتاب مشتمل است بر خلاصه تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالپشیر تا اواخر قرن هفتم

حاوی تاریخ اسلام و شاهان قدیم ایران و پیغمبران بنی اسرائیل . عبارت کتاب بسیار موجز و ساده است .

نظام الدین شامی (ت) منسب غازی معاصر تیمور . هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام الدین در آن شهر سی زیست و در سال ۸۰۴ تیموری را نزد خود خواند و او را به نوشتن تاریخ سلطنت خود وا داشت . در سال ۸۰۶ نظام الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبه عید خواند و پس از آن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام الدین شامی «ظفرنامه» است که به امیر تیمور آن را در سال ۸۰۴ تألیف کرد .

نظام الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرار داده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است . ابن شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده و به اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به نام آفاق و انفس که مناظره‌ای است بین جامه کتان و موئین و منظومه‌ای موسوم به « اسرار ابریشم » . نظام الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند « نامه ابریشم به ابریشم » رساله آرایش نامه و رساله تعریفات و رساله « صدوعظ » و مننوی فکاهی « جنگ نامه » به اسلوب شاهنامه شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به « مخیط نامه » و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه — چاپ اسلامبول) .

نظام الملک (ت) ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی سلق به نظام الملک . وفات ۸۰۵ — خواجه نظام الملک از دهقان زادگان طوس

که در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذارند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان و ادبیات و تاریخ ابران و حکمت و زبان عرب احاطه یافت . در دربار جغری بیک به دبیری حکمران بلخ منصوب گشت و لباقت بسیار از خود نشان داد و جغری بیک او را به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب ارسلان در ۵۱۰ به حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه و پسرش سلطان جلال الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند و سی سال اسور کشور را در دست داشت تا سرانجام در سال ۵۸۰ هنگامی که از اصفهان به بغداد می رفت نزدیک نهاوند بدست یکی از فدائیان اسمعیلی به قتل رسید . نظام الملک غیر از صدارت و مملکتداری همه عمر به ترویج علم و دانش همت گماشت . بزرگترین اقدام خواجه نظام الملک در این باب تأسیس مدارس است در بسیاری از شهرها مانند نیشابور و بلخ و هرات و خواف و مرو و اصفهان و بصره و موصل و بغداد که از همه بزرگتر و مهمتر مدرسه بغداد بود که ساختمان آن در سال ۵۰۷ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت و نظام الملک اوقافی ترتیب داد که درآبدننان صرف مدارس می شد . نظام الملک علاوه بر تشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آزاری دارد که از همه معروفتر « سیاست نامه » است . دیگر مکتوبی است در ذکر شرایط وزارت که به پسرش فیخرالملک نوشته به اسم « وصایای نظام الملک » یا « دستورالوزاره » .

نظامی (ت) حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بنی موبد . وفات در حدود ۴۰۶ — از شاعران بزرگ داستانسرای ایران . وی در حدود سال ۳۰۵ در گنجه متولد شد و بیشتر عمر خود را در سوطن

خود صرف کرد. فقط یک بار به امر اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد. نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت و چنانکه خود گوید در تمام رشته های علوم متداول مانند علوم طبیعی و الهی و طب و نجوم مهارت یافت. همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به دست آورد. نظامی با اتابکان آذربایجان و شاهان محلی شروان و سراغی ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است. از جمله ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه احسان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان، و اتابک شمس الدین محمد جهان پهلوان و اتابک قزل ارسلان است. نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوک و رفتارش با شاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده اند.

از آثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته و اکنون قسمتی از آنها در دست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می باشد که به طرز مننوی سروده و در حدود بیست و هشت هزار بیت دارد.

خمسه شامل پنج کتاب است: مخزن الاسرار، لیلی و معجون، خسرو و شیرین، هفت پیکر یا بهرام نامه، اسکندر نامه.

نظامی در شیوه داستانسرایی استاد و پیشرو دیگران است. وی در ضمن داستانسرایی از مطالب اخلاقی و حکمی و پند غفلت نکرده است و پاکی اخلاق و عفت در اشعارش آشکار است، حتی هنگام ذکر عشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم و شرم را از دست نمی دهد. نظامی همه جا از وقایع و حالات نتیجه گرفته و بی اساسی زمان و سستی دنیا را گوشزد

می‌کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است و حالات مختلف روحی انسان را از قبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می‌کند . معانی تازه و تشبیهات نو به کار می‌برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی و فلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری از گویندگان پس از او واقع گشته است . اسیر خسرو دهلوی خواجو ، جامی ، وحشی ، مکتبی و دیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهایی ساخته‌اند .

خمسۀ نظامی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است .

نظامی عروضی (ن) ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر بن علی النظامی العروضی السمرقندی، وفات در حدود ۵۶۰ هـ از شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری، در سمرقند متولد شده و پس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۶۰ هـ در بلخ به خدمت حکیم عمر خبام رسیده و در سال ۵۶۱ هـ در طروق طوس معزی را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوک آل سمنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب «چهار مقاله» را به نام شاهزاده ابوالحسن حسام الدین علی بن فخرالدین مسعود شاهزاده غوری تألیف کرد .

نظر (نچ) با نگریستن آن است که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهار است: نسبتی ، تمثیلی ، مقابله ، تریب (به این کلمات رجوع شود)

در نظر منجمان بعضی از این حالها سعد و بعضی نحس است

ز چارم همی بنکرد آفتاب به چمک بزر دانش آمد سحاب

نظیری نیشابوری (ت) محمد حسین نظیری نیشابوری. وفات ۱۰۲۱ — از شاعران معروف ایران در قرن بازدهم. اصلش از نیشابور بوده و از ابتدای جوانی به شعر و شاعری شوق فراوان داشته است و پس از کسب شهرت در خراسان به کاشان رفت و چندی در مجالس مشاعره و مناظره شاعران شرکت کرد و از آنجا به هندوستان رفت و در دربار اکبر شاه راه یافت و پس از او در دربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبر شاه و خان اعظم برادر او و جهانگیر سرود. نظیری با عرفی و ظهوری معارضه و مناظره داشته است. نظیری در مذهب بسیار متعصب بود و سالهای آخر عمر را به گوشه گیری و زهد برداخت.

غزلی در وصف تنباکو دارد که استعمال آن بوسیله جهانگیر و شاه عباس صفوی منع شده بود.

دیوان نظیری شامل قصاید و غزلیات و ترجیعات و رباعیات است و در هندوستان به چاپ رسیده است.

نعمایم (نچ) منزل بیستم از منازل قمر که شامل چهار ستاره روشن است به شکل منتر مرغ

نعمایم پیش او چون چار خاطب

به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمه الله کرمانی (ت) امیر نورالدین نعمه الله بن میر عبد الله. وفات ۸۳۴ — از مشایخ بزرگ صوفیه که در سال ۷۳۰ در حلب متولد شد و در بیست و چهار سالگی به زبارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در نجا اقامت کرد و قسمت آخر عمر را در سمرقند و هرات و یزد بسر برد و سرانجام رماهان سقیم گشت و همانجا وفات یافت. شاه نعمه الله مورد توجه

شاهرخ بوده است ولی شهرتش بیشتر از جنبه تصوف اوست . اشعارش اغلب درباره وحدت وجود می باشد . دیوان شاه نعمه الله ولی شامل تقریباً چهارده هزار بیت مثنوی و رباعی است . مثنوی شاه نعمه الله تعلیمی است از مثنوی مولانا جلال الدین رومی و مضامین آن عارفانه است . در جوار مقبره شاه نعمه الله در ساهاج خانقاهی است که در ویشان نعمه اللهی از پیروان او در آنجا اقامت می کنند .

نغمه داوود (تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که سرغان را نیز مجذوب می کرد و از طیران باز می داشت .
چو گل سوار شود بر هوا سلبمان وار
سحر که سرخ در آید به نغمه داوود ...

«حافظ»

نفاذ (ق) (از حرکات قافیه) حرکت واصل جون به خروج پیوندد مانند حرکت میم در کلمه های می سبارست و دوست دارست در این شعر ای غایب از نظر به خدا می سبارست
جانم بسوختی و به دل دوست دارست

حرکت خروج و مزید و نایره را هم نفاذ گویند .

نفایس الفنون فی عرایس العیون (ک) تألیف علامه سید الدین محمد بن محمود آملی از عالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام شیخ ابواسحق ابن جو ساخته است . نفایس الفنون در بیان شرف علم و نفیسیم علوم است به علوم اوائل و اواخر و شامل علوم ادبی است در بانزده تن مانند علم لغت و علم بیان و معانی و علم صرف و نحو و علم عروض و فرائض و علم دوا و بن و علم انشاء و استنباط و علوم شرعی شامل فقه و اصول و فقه و علم حدیث و حکم و اخلاق و علم اصول و فقه . (چاپ تهران)

نقشه المصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را بین سالهای ۶۳۲-۶۳۷ نوشته است. موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف و بلاها و مصیبت‌هایی است که در دربار سلطان جلال الدین خوارزمشاه و حمله مغول تحمل کرده است. مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربار خوارزمشاه و حمله‌های تاتار را به آذربایجان و انقراض خوارزمشاهیان و جنگ‌ها و دفاع‌ها و عاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد. محمد نسوی خود در اغلب وقایع شاهد بوده بلکه قسمتی از امور را نیز به عهده داشته و شخصاً در کارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار و مورد اعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است. سبک نوشته نقشه المصدور مانند کلیله و دمنه نثر مصنوع و درعین حال فصیح است. مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده و اشعار فارسی و عربی و امثال سابر و آیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده است. (چاپ تهران)

نفحات الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است. نفحات الانس در شرح احوال ۵۸۲ تن از رجال و بزرگان و اولیاء متصوف است و دارای مقدمه‌ای می‌باشد در شرح اصطلاحات صوفیه و بیان معرفت عارف و کرامات و معجزات او. مؤلف پس از مقدمه به شرح حال صوفیه می‌پردازد و آن را به ذکر حال ابوهاشم صوفی شروع و به خواجه شمس الدین حافظ شیرازی ختم می‌کند. انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نشر فارسی است. **نفخ صور (تن)** دمیدن در بوق و مراد از آن بوقی است که در روز قیامت اسرافیل در آن می‌دمد تا مردگان برخیزند. و در شعر فارسی نفخ صور کنایه از روز قیامت است.

از مدحش که زنده کن دوستان اوست

تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست

«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه بر حسب فعل ؛
یعنی قابل اشاره حسی نیست ، اما در صدور فعل محتاج به آلت است .
مانند روح انسانی .

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزه عیسای پیغمبر که می توانست
مرده را زنده کند .

مزده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می آید

«حافظ»

نقد النصوص فی شرح الفصوص (ک) شرحی بر فصوص الحکم
تألیف صوفی بزرگ شیخ محی الدین محمد بن علی العربی . این کتاب
را مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۸۶۳ تألیف کرده و مستعمل است بر مقدمه
مفصل در بیان اصطلاحات و مقدمات که پس از آن به شرح کتاب فصوص
الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین آن مانند صدرالدین
قونوی و شیخ مؤیدالدین جندی به آن افزوده است . کتاب نقد النصوص
به نثر فارسی است و مؤلف در آن اشعاری از بزرگان و شاعران به عنوان
شاهد آورده است .

نقش ارژنگی (ش-ت) اشاره به نقش های دلکش کتاب ارژنگ
منسوب به مانی نقاش .

گر التفات خداوندش بیاراید

نگارخانه چینی و نقش ارژنگی است

(سعدی)

نکیسا (ش-د) رامشگر دربار خسرو پرویز

نگین سلیمان (تن) انگشتر سلیمان که اسم اعظم بر آن نوشته بود و سلیمان به وسیله آن بر آدمی و وحش و طیر حکومت می کرد. تقدیر حق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائی که مرتکب شده بود، مکافات کند. دیوی خود را بشکل معتمد سلیمان بر او نمود و انگشتری را گرفت و خود را به صورت سلیمان به مردم نشان داد و شاه شد. پس از چهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهی آن را فرو برد، صیادی ماهی را گرفت. سلیمان آن را از او خرید و به تخت برگشت.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل و دمن (ك) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش اکبر شاه در چهار هزار بیت منظوم کرده است. چاپ تهران

نمرود (تن) شاهی بت پرست در زمان ابراهیم علیه السلام. ابراهیم چون نمرود را به خدا پرستی دعوت کرد و بتها را شکست، نمرود دستور داد تا او را به آتش افکنند. اما آتش بر او گلستان شد نمرود خواست با خدا جنگ کند، فرمود تا صندوقی ساختند و چهار باره گوشت بر چهار نیزه از آن آویختند و بر چهار پایه صندوق چهار کرکس گرمینه بستند و او خود در صندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری بر بالا انداخت. حق تعالی تیر او را خون آلود به پیشش فرستاد. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد و دعوی خدائی کرد. بار دیگر خواست با خدا بجنگد. خدا لشکری

از پشه که ضعیفتر بن خلاق است ، به جنگ او فرستاد ، لشکر نمرود از نیش پشه هلاک شدند و پشه ای دربینی نمرود رفت و مغز سر او را خورد و او را هلاک کرد .

دست نمرود بین که ناولك كفر در سبهر سدور اندازد

«خاقانی»

صد هزاران پشه در لشکر فتاد تا براهیم از میان با سر فناد

(نطق الطیر)

نوح (تن) از پیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتاد تن از زن و مرد به او ایمان آوردند . حق تعالی به او فرمان دادند درخت ساج بنشانند و چون بزرگ شد ، از چوب آن کشتی ساخت ، به طول سیصد گز و عرض بنجاه گز و ارتفاع سی گز . می گویند این کشتی سه طبقه داشت ، یکی برای حیوانات ، یکی برای آدمیان ، یکی برای پرندگان . خدا طوفان فرستاد ، نوح با خانواده خود در کشتی نشست و پس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرار گرفت و همه موجودات دیگر غرق گشتند .

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو بستی بیا

چه بالك از موج بحر آن را که بانند نوح کشنی بیا .

نوذر (ش - د) از شاهان سلسله پشدادی و پسر منوچهر ؛ ده

پس از بدر به شاهی رسید و ستم بسیار کرد ، چنانکه مردم از او بدجان آمدند و از سام خواستند که به سخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت . سر انجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرفانی از مشایخ بزرگ

قرن چهارم و پنجم . موضوع کتاب مبانی عرفان است به زبان فارسی و انشاء

آن ساده و روان و به شیوه کتابهای قرن پنجم است .
نوروز نخستین روز از فروردین ماه . پارسیان در این روز جشن می گرفتند که روز نو از سال نو بوده است . این جشن تا کنون مرسوم است و بزرگترین جشن ایرانیان به شمار می آید .
 بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده است رای تاختن و قصد کارزار

(منوچهری)

نوروزنامه (ك) رساله ای به فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری . مؤلف در آن علت پیدایش جشن نوروز و واضح آن و آداب شاهان ساسانی را در این جشن شرح می دهد و همچنین از شاهان داستانی و تاریخی ابران تا زمان یزدگرد شهریار ساسانی و آئین جهاننداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است . سبک کتاب روان و بی تکلف است . لغات عربی کم دارد و عبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو (ش—د) داروی جان بخش «ضد مرگ» . در شاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگر گاه سهراب ، پسر خود ، بوسیله گودرز از کاووس خواست ، ولی کاووس به سبب کینه ای که از سهراب داشت و بیم از آنکه رستم با داشتن چنین پسر پهلوان قوت گیرد و او را حقیر شمارد ، ازدادن نوشدارو خودداری کرد و سهراب جان داد . نوشدارو پس از مرگ سهراب ، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که از دست رفته است گفته می شود .

بعد از این لطف تو باما به چه ماننددانی

نوشدارو که پس از مرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای شیئی

(کدام) قرار گیرد. وقتی که سی گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است؟
 در جواب گفته می شود: انسان حیوانی است ناطق. پس نوع شامل
 حقیقت مستحصه افراد است. مثل مردم که از حیوان جدا می شود بوسیله نطق.
 هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می شود و هرچه خاصتر باشد
 نوع عامتر است. مثل حیوان، که عامتر است از مردم، و خاصتر است از جسم.
 نه فلک (نج) عبارت است از هفت فلک با فلک الافلاک و عرش.
 نه کرسی فلک نهاد اندیشه زیر پای

تابوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«طهیر فاریابی»



وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن بر سر درختی روشنی
آتش دید و خطاب آمد که «انی انالله»

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا وعده دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی انالله بافتم نورپاک و طور سینا دیده ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) رجوع شود به کاسفی.

وافر (ع) از بحر شعر عربی که در فارسی بسیار کم متداول است.
در عربی مسدس آن معمول است یعنی ۴ بار «مفاعلتن». وزنی که از این
بحر گاهی در فارسی به کار رفته ابن است :

بحر وافر مشمن (مفاعلتن ع بار) مثال :

چه شد صنما که سوی کسی به چشم رضا نمی نگری

ز رسم جفا نمی گذری طریق وفا نمی سپری

وامق و عذرا (ك) یکی از داستانهای عاشقانه کهن که بوسیله

چندتن از شاعران پارسی زبان به نظم درآمده است. معروفترین منظومه

«وامق و عذرا» اثر عنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که در دست

نیست و ابیاتی از آن در فرهنگ اسدی ضبط شده است.

وتد (ع) در لغت به معنی میخ و ازارکان عروضی است و بر دو قسم است و تدمقرون ، وتد مفروق .

وتد مقرون دو متحرک است و یک ساکن ، مانند اگرومگر ؛ و علامت آن دو صفر است و بک الف ه ه ا

وتد مفروق دو متحرک است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله و علامت آن الف در میان دو صفر است مانند ه ا ه

وجه دین (ک) از آثار منشور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر و نویسنده بزرگ قرن پنجم شامل ناول احکام شرعی و باطن عبادات به طریقی اسمعیلیان . ابن کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفته خود مؤلف « خردمندی که ابن کتاب را بخواند دین را بشناسد و بر شناخته کار کند » . (وجه دین - چاپ برلن)

وحشی (ت) کمال الدین وحشی بافقی کرمانی . وفات ۹۹۱ هـ - از شاعران عهد صفوی . وحشی در قصیده بافقی کرمان متولد شد و در جوانی به یزد و سپس به کاشان رفت و به تدریس مشغول گشت و پس از چندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و در مدح او فصایدی سرود . دیگر از ممدوحان او تناه طهماسب و ولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند . از آثار مهم وحشی غزلیات اوست که دارای سوز و گداز و لطافت خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب بند ، ترجیع بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی چند منظوی ساخته است ، به نام خلد برین ، ناظر و منظور ، فرهاد و شبرین .

دبوان وحشی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است .
 وحید قزوینی (ت) میرزا طاهر . وفات ۱۱۲۰ - منشی و شاعر
 و خوشنویس و وزیر شاه سلیمان صفوی . ابتدا منشی دو تن از وزیران
 یعنی میرزائی خان اعنمادالدوله و خلیفه سلطان بود، پس از آن مورخ
 رسمی دربار شاه عباس دوم شد و در سال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان
 رسید و پس از هیجده سال انزوا اختیار کرد . وحید آثاری به نظم و نثر
 فارسی و ترکی دارد که از همه معروفتر تاریخ شاه عباس دوم است که
 آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته است . نثر این
 تاریخ نمونه نثر فنی عهد صفوی است و دارای مترادفات و دگر صناع
 لفظی است .

وراق مروی (ت) محمود . وفات ۲۲۱ - از شاعران معاصر طاهری
 و صفاری که چند بیت از او باقی مانده است .

وراوینی (ت) سعد و راوینی از نویسندگان اواخر قرن سیم و اوایل
 قرن هفتم . وی از ملازمان خواجه ابوالقاسم ربیب الدین وزیر اتابک ازبک بن
 محمد (۶۰۷-۶۲۲) اتابک آذربایجان می باشد . وراوینی مرزبان نامه را
 به نام این وزیر از زبان طبری به پارسی ترجمه کرده است . مرزبان نامه
 در نه باب و یک مقدمه و یک ذیل است و در مقایسه با روضه العقول معلوم
 می شود که بعضی از حکایتها و بابهای اصلی کتاب در این ترجمه حذف
 شده است .

مرزبان نامه وراوینی از کتابهای مهم نثر مصنوع است و نویسنده
 در آن به سبک کلیده و دمنه نصرالله منشی نظر داشته است .

ورقه و گاشاه (ک) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی
 شاعر دوره سلجوقی آن را به نظم آورده است . در دوره های بعد شاعران دیگری

نبز این داستان را در قالب مثنوی سروده‌اند که بارها جاب تنده و میان عامه فارسی زبانان رواج یافته است .

(ورقه و گلشاه - چاپ تهران - انتشارات سخن)

وزن (ع) عبارت است از تناسب و نظمی در اصوات؛ و در شعر بجای اصوات کلمات است و این تناسب میان اصوات مملووظ با بر حسب کمیت یعنی امتداد زمانی آنهاست مانند وزن شعر در عربی و فارسی ، یا به حسب کیفیت ، یعنی شدت و ضعف اصوات نسبت به یکدیگر ، مانند وزن شعر در زبانهای انگلیسی و آلمانی و روسی ؛ یا تنها به حسب عدد آنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف الحضرة (ن) ادب شرف الدین عبدالله کاتب شیرازی .

وفات . ۷۳ - متخلص به شرف . از ادیبان و مورخان قرن هشتم . وی در سیراز متولد شد و در همانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین فضل الله به دربار غازان خان و الجایتو رسید و تقرب حاصل کرد .
وصاف الحضرة مؤلف تاریخ معروفی است به نام «تجزئة الاصهار و نزجیة الاصهار» که در سال ۷۱۲ در سلطانیه بوسیله خواجه رشیدالدین فضل الله به حضور الجایتو معرفی شد .

وصال شیرازی (ن) میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا

کوجک . وفات ۱۲۶۲ - از شاعران غزل سرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار . وصال در سال ۱۱۹۷ تولد یافت و در جوانی به تحصیل ادب و هنر پرداخت . به علم موسیقی آشنائی یافت و از خوشنویسان معروف عصر خود گشت . از آثار او دیوان اشعارش است که شامل فصیده و غزل و مثنوی است . وصال در غزل پیر و سعدی و حافظ است و یک مثنوی به نام «بزم وصال» دارد که در آن از سیوه فردوسی پیروی

کرده است. وصال مثنوی فرهاد و شیرین وحشی را تمام کرده و «اطواق الذهب» زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است.

وصل (ق) ارحروف قافیه. حرف وصل آن است که بعد از حرف روی فرار گیرد و روی ساکن متحرک شود مانند حروف ضمیر، رابطه، جمع، مصدر، نصغیر، مثال: روت، گبسویت و دلبندا، خداوندا و آسایش، آرایش و دشمنی، و روشنی.

بارب آن نوگل خندان که سپردی به منش

می سپارم به نو از چشم حسود چمنش

که حرف ش در کلمه های منش و چمنش حرف وصل است
وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر؛ یعنی دربالا یا درزیر یا چپ یا راست جسم دیگر قرار گرفته باشد.

وقف (زحاف) (ع) در مفعولات اسکان تاء مفعولات است و بجای آن مفعولن می گذارند و آن را موقوف خوانند.

و لوالجی (ت) ابو عبد الله محمد بن صالح و لوالجی مروزی. از ساعران عهد ساسانی. عوفی در لباب الالباب سی گوید: «در عهد سلطان یمین الدوله محمود، جملگی فضلاء خواستند که دوییت فارسی او را به تازی ترجمه کنند؛ کس را میسر نشد تا آنگاه که خواجه ابوالفاسم پسر وزیر ابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همه فضلاء پسندیدند».

ویس و رامین (ک) از داستانهای قدیم فارسی و منسوب به دوره اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است و در بعضی از نواحی ابران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس از این داستان در اشعار خود نام برده است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم در اصفهان

باخواجه عمید ابوالفتح مظفرنیشابوری حاکم اصفهان درباره ابن داستان
گفته‌گو کرده و به خواهش او به نظم آن پرداخته است و کتاب را در حدود
سال ۶۴۴ به پایان رسانده و در آن عمید ابوالفتح را مدح کرده است .
سبک نظم کتاب در عین آنکه به آرازش لفظی و تشبیهات زینت یافته ساده
و روان است و از مغلق گوئی خالی است و لغات عربی نامأنوس بسیار کم
دارد و صورت کهنه بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .
(ویس و رامین — چاپ تهران)

هاتف (تن) ندا دهنده غیبی ؛ مرادف سروش .

سحرزها تلف غیبم رسیدم زده به گوش که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش
«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) میراحمد . وفات ۱۱۹۸ - از شاعران معروف

قرن دوازدهم و معاصر افشاریان و زندیان . اصل خاندان او از آذربایجان بوده است ولی در زمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده و همانجا مقیم گشته است . هاتف در اصفهان به تحصیل حکمت و طب و ریاضی پرداخت و در شعر و ادب از محضر مشتاق بسیار استفاده می کرده و از دوستان نزدیک صباحی و آذر و صهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود و دیوانش سرکب است از قصاید و غزلیات و ترجیعات و رباعیات . هاتف سرایی مؤثری در سرگ بزرگان با ماده تاربخ ساخته و در قصیده از استادان قصیده سرای قدیم و در غزل از شیخ سعدی و خواجه حافظ شیرازی پیروی کرده است . هاتف ترجیع بند های عاشقانه و عارفه ای دارد که بسیار معروف است و همین شعر او را از جمله شاعران مشهور فارسی ساخته است .

(دیوان هاتف اصفهانی - چاپ نهران)

هاتفی (ن) مولانا عبد الله هاتفی خرجردی خراسانی . وفات ۹۲۷ -

خواهرزاده جاسی و از شاعران قرن دهم . هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است . خمسه او شامل متنویدهای لیلی و میجنون ،

شیرین و خسرو ، هفت منظر ، تیمورنامه است . منظومه ای هم درفتوحات
و جهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام
نرسانده است . این مثنوی موسوم به شاهنامه حضرت شاه اسمعیل است .
هاروت و ماروت (تن) نام دوسا حربابی که در جادوگری مثل
اندو در جاه بابل سرازیر آویخته اند .

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی

صد گونه ساحری بکنم تا بیارم

«حافظ»

هاماوران (ش-د) سرزمینی بوده است در عربستان که بر طبق
روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید و عاشق سودابه
دختر شاه هاماوران شد و سرانجام او را با خود به ایران آورد و به زنی گرفت
هتم (ع) (زحاف) در مفاعیلن مجموع حذف و قصر است که چون
لام و نون و یا را حذف کنیم مفاع می ماند . بجای آن فعول می گذارند
و آن را اهنم خوانند .

هجویری (ن) ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی .
وفات ۷۵۰- از بزرگان مشایخ صوفیه و از طرفداران منعصب حسین بن
منصور حلاج و از اقربان شیخ ابوسعید ابوالخیر و اسناد امام ابوالقاسم فشیری .
وی از خاندان علم بوده و در زبان پارسی و عربی و تفسیر و حدیث و منطق
و کلام تبصر داشته است . شعر نیز می سروده و خود در کشف المحجوب
گفته است که دیوان شعرش را انحال کرده اند . جلابی همراه سپاه
سلطان مسعود به هندوستان رفت و در لاهور اقامت گزید و در ابن شهر
کتاب «کشف المحجوب» را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی
تألیف کرد . دیگر آثار او دیوان اشعار ، رساله فنا و بقا ، اسرار الخرق

والمولونات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) رضاقلیخان طبرستانی . وفات ۱۲۸۸ - ملقب به الله باشی پسر محمد هادی خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجاریه بصری بردند . رضاقلی خان در سال ۱۲۱۵ قمری در زمان سلطنت فتحعلیشاه در تهران متولد شد ، پس از مرگ پدر به مازندران و پس از آنجا به شیراز رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت . هدایت از کودکی به سرودن شعر شوق وافر داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید و مورد لطف او قرار گرفت و لقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد و به وسیله حاج میرزا آقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید و نزد وی تقرب یافت و تربیت عباس میرزا به عهده او واگذار شد . پس از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲۶۴ به خدمت ناصرالدین شاه درآمد و از جانب او مأمور خوارزم گشت و پس از بازگشت از سفر خوارزم به ریاست مدرسه دارالفنون منصوب گشت . هدایت در همه زندگی مورد احترام شاهان و شاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و با وجود اشتغال به کارهای درباری و کشوری به تصوف و عرفان متمایل بوده و هرگز از کوشش در راه علم باز ننشسته است . وی در تاریخ و لغت و تذکره تألیفات و تصنیفات دارد . از جمله آثار او ریاض العارفین ، تکمیل تاریخ روضة الصفای میرخواند ، نثرادنامه ، سفرنامه خوارزم ، مجمع الفصحاء ، فرهنگ انجمن آرای ناصری . مثنویهایی نیز به نام انیس العاشقین ، بکتاش نامه ، انوار الولاية ، بحر الحقایق دارد . نثر کتابهای هدایت شرفنی است که متداول زمان بوده است .

هدایت (صادق) . وفات ۱۳۳۳ شمسی - نویسنده معاصر ایرانی که

در نویسندگی راه تازه‌ای پیش گرفته است. هدایت به فرانسه و هندوستان سفر کرده و به زبان پهلوی و فرانسوی آشنائی کامل یافته است. آثار او شامل رمان، داستانهای کوتاه، نمایشنامه، ترجمه از ادبیات فرانسه و متن‌های پهلوی است که عبارت است از بوف کور، حاجی آقا (رمان) زنده بگور، سگ و لگرد، سه فطره خون، سایه روشن، ولنگاری، علویه خانم، (داستان کوتاه) بروین دختر ساسان، مازیار (نمایشنامه) افسانه آفرینش (خیمه شب بازی).

هدایت زندگی مردم عادی را از طبقه‌های مختلف اجتماع وصف می‌کند. در کتابهای او گفتگوها به زبان طبیعی اشخاص یعنی زبان محاوره ایشان است.

هدهد (تن) مرغی که پیغام سلیمان را نزد بلقیس ملکه سبامی برد:

فصاحتهم چو هدهد است و هدهدم

کجا رسد به غابت سبای او

«منوچهری»

در شعر فارسی گاهی باد صبا را که پیغام‌بر عاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند.

ای هدهد صبا به سبای فرستمت بنگر که از کجابه کجای فرستمت

«حافظ»

هرمز (ش-ت) هرمز پسر انوشیروان که از مادر نواده خاقان چین بود. در زمان او بهرام چوبینه ساسور جنگ با ساوه شاه، خاقان چین، ودائی هرمز شد و با او جنگید و جدره گشت؛ هرمز بجای خلعت برای او دو کدان و جامه زنان فرستاد. به همین سبب بهرام بر هرمز یاغی شد و به ری آمد و دستور داد به نام پرویز پسر هرمز سکه زدند.

چون سکه به هرمز رسید به پسر بدگمان شد و قصد جان او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را کور کردند و پرویز را به شاهی نشانند. و هرمز به دست بندوی و گسته هم دودائی پرویز کشته شد.

هروی (ت) ضیاءالدین عبدالرافع بن ابی الفتح هروی. از شاعران نیمه دوم قرن ششم و از فاضلان دوره آخر عهد غزنوی. در علوم عقلیه و در طب و لغت دست داشت. عبدالرافع در دربار ناج الدوله خسروملک غزنوی می زیست و پس از انتقال سلطنت به ملوک غوربه نزد آنان رفت. اشعاری از او در لباب الالباب نقل شده است.

هروی (ت) ابوشعیب صالح بن محمد از شاعران دوره سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را درباخته است. ابیاتی از این شاعر به عنوان شاهد در تذکره ها موجود است.

هزارستان (ک) ترجمه منظومی از کتاب «الف لیلة وليلة». این منظومه بوسیله ابوالفتح خان دهقان سامانی اصفهانی و به تشویق سلیمان خان رکن الملک شیرازی که وزیری ادیب پرور و شاعر دوست بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمه فارسی کتاب یعنی «هزار و یکشب» استفاده کرده و در سراسر داستانها اساسی روزها و ماهها را به فارسی نام برده است.

(جای تهران)

هزارویک شب (ک) ترجمه ای به فارسی از کتاب الف لیلة وليلة. اصل کتاب الف لیلة درست معلوم نیست ولی ظاهراً بیس از اسلام از هندوستان به ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزار افسان» نامیده می شده است در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده و در قرن چهارم از

بغداد به مصر رفته است و در آنجا قصصی به آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری در مصر به صورت «الف لیلة و لیلة» کنونی درآمده است. نثر عربی کتاب به زبان متعارف و معمولی است و اشعاری که در آن نقل شده است از شاعران معاصر عباسیان است.

اما ترجمه فارسی کتاب الف لیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری انجام گرفته است. مترجم آن میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی است و چنانکه خود او در مقدمه کتاب گفته است کار ترجمه را در زمان محمدشاه و به فرمان بهمن میرزا فرزند ولیعهد و حاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به پایان رسانده است. اشعار کتاب را میرزا محمدعلی سروش اصفهانی یا از دبوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است. (چاپ تهران)

هزج (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. در عربی سدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعیلن». در فارسی از این بحر وزنهای زیر بسیار متداول است:

هزج مثنی سالد (مفاعیلن ۴ بار) مثال:

به سزگان سیه کردی هزاران رخنه درد بنم

بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج سدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن - یا

مفاعیلن) مثال:

دل مسکین من گوئی که خان است

به خان اندرز مهرت کاروان است

هشت بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱- خالد

۲- دارالسلام ۳- دارالفرار ۴- جنت عدن ۵- جنت المأوی ۶- جنت

النعمیم ۷- علین ۸- فردوس .

هشت بهشت (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعر آن را در سال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته است.

هفت آباء (نج) کنایه از هفت فلک

به صدقران بنزاید یکی نتیجه جوتو

زامتزاز چهار اسهات و هفت آباء

هفت آسمان (نج) طبقات هفتگانه آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است

گفت ابن دعا ملایک هفت آسمان کنند

«حافظ»

هفت اختر (نج) هفت سیاره که به عمیده قدما عبارت بودند از:

خورشید ، ماه ، سربخ ، شستری ، زحل ، عطارد ، زهره .

سیهر منل تو از اتصال هفت اختر

زمانه مثل تو از امتزاز چارارکان

«انوری»

هفت اقلیم (نج) قدما کشورها را به هفت تقسیم کرده اند: کشور

نخستین - هندوان ، کشور دوم - عرب و حبشان ، کشور سوم - مصر و

شام ، کشور چهارم - ابران شهر ، کشور پنجم - صقلاب روم ، کشور ششم

ترك و بأجوج ، کشور هفتم - چین و ماچین

آنکه هفت اقلیم عالم را نهاد هر کسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت اورنگ (نج) رجوع شود به بنات النعش .

هفت پدر (نج) رجوع شود به آباء علوی

از بند چهار و هفت برخیز زان مادر و زین پدر چه خیزد

هفت پیکر (ك) یا هفت گنبد یا بهرام نامه . یکی از مشنویهای خمسۀ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم که آن را در سال ۵۹۳ به نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است . این منظومه دارای پنج هزار و صد و سی و شش بیت است و موضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است . نظامی ابتدا کودکی جوانی بهرام را ناسلطنت او سروده و بعد قصه هفت گنبد را که به دسنور بهرام به هفت رنگ و برای هفت دختر از شاهان هفت اقلیم ساخته شده بود شرح می دهد . نظامی در این داستان قصه های عجیب و تازه ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می شود .

هفت خوان (ش.د) هنگامی که رستم پهلوان زورمند ایرانی برای نجات کاووس به جنگ دیوان سازندران رفت، در راه با هفت حادثه و خطر که در شاهنامه هریک از آنها «خوان» خوانده شده است رو برو شد که بر همه آنها پیروز گشت .

همچنین هنگامی که اسفندیار برای گشودن دژ روئین و آزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت از هفت «خوان» گذشت .
اسفندیار این دژ روئین منم به شرط

هر هفته هفته خوانش به تنها بر آورم

«خاقانی»

هفت دریا — یا دریای هفتگانه . دما برای زمین هفت دریا

تصویری کردند . ۱- دریای اخضر ۲- دریای عمان ۳- دریای قلمز

یا بحر احمر ۴- دریای بربر ۵- دریای اقیانوس ۶- بحر الروم

۷- دریای اسود.

سنگ به دریای هفتگانه مشوی که چو تر شد بلید تر باشد
(سعدی)

هفت دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است. ۱- سفر ۲- سعیر

۳- نطی ۴- حطه ۵- جحیم ۶- جهنم ۷- هاویه.

هفت کشور (رجوع شود به هفت اقلیم)

گوئی اندر کشور ما بر نمی خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی بر نخاست

«خاقانی»

هفده (نچ) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستاره کوچک است

مانند پایه دیگ و جایشان بر سر جوز است.

چون سه سنگ دیگپایه همه بر جوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیتس او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نچ) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن روبه زمین

روشن است. این حالت در شب اول هر ماه و در آغاز شب دیده می شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل بکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرح رونی»

هلالی (ت) نورالدین هلالی اسرآبادی. مفعول ۳۵۹ — معروف

به جغتائی. از ساعران غزلسرای قرن دهم هجری. هلالی از استرآباد به

خراسان رفت و به دربار سلطان ابوالغازی حسین با بقرا راه یافت و تحت

حمایت امیر علی شیرنوائی قرار گرفت. دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف

است و مثنویهایی به نام «شاه و درویش» و «صفات العاشقین» دارد .

(دیوان هلالی — چاپ تهران)

هما (ش—د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن ، پس از او تاج را بر سرهما که باردار بودند نهادند و هما چون به شاهی رسید به نخت و تاج دل بست و نخواست شاهی را از دست بدهد ، از نرو درد زائیدن را پوشیده داشت و پسری را که به دنیا آورد ، در صندوقی گذاشت و آن را با قیروموم استوار کرد و به آب انداخت و وانمود که کودک مرده است . این کودک که نجات یافت و بعد به سلطنت رسید ، داراب بود .

همام تبریزی (ت) خواجه همام الدین علائی تبریزی . وفات ۷۱۴- از شاعران مشهور آذربایجان و از سداحان شمس الدین محمد صاحب دیوان . همام باشیخ سعدی صحبت و مزاح داشته و در غزل پیرو او بوده است . منظومه هائی نیز به نام «صحبت نامه» به اسم خواجه شرف الدین هارون پسر شمس الدین محمد صاحب دیوان دارد .

(دیوان همام — چاپ تهران)

همای و همایون (ک) مثنوی عاشقانه اثر تناسخ بزرگ قرن هشتم خواجه کرمانی . خواجه این مثنوی را در سال ۷۳۲ به پیروی از شیوه نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث الدین محمدرضا مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجه اثری نیست و معلوم نیست که آیا ساخته ذهن شاعر است یا ریشه قدیمتری داشته است .

هندوشاه (ت) محمد بن فخرالدین هندوشاه نخجوانی از سورهان

قرن هشتم و مؤلف کتاب «تجارب السلف» که آن را در سال ۷۲۴ به نام

اتابك نصرۃ الدين تأليف کرده است .

هوشناك (ش—د) پسر سبامك كه به جنگ ديوان رفت و به كينه پدر ديوان را كشت . آهن در زمان او استخراج شد و آنش پديد آمد و جشن سده بنيان گذاشته شد .

هيولى (ط) مادة المواد واصل جسم را هيولى گویند .

یتیمه الدهر (ک) تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمد بن دعالمی
به زبان عربی در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف خاصه شاعران
عربی گوی ابران که اغلب از رجال و بزرگان عهد او بوده اند .
مؤلف این کتاب را بوسیله ذیلی تکمیل کرده نام آن را « تتمه
البتیمه » گذارده است .

ید بیضا (نن) معجزه موسای پیغمبر که چون دست را در بغل
می کرد و بیرون می آورد ، نورسفیدی از دستش می تافت .
ترداستان جوسر به گربان فرو برند
سحر آورند و من بد بیضا برآورم

«خاقانی»

یزدانشناخت (ک) از آثار معروف صوفی بزرگ قرن پنجم و ششم
عین القضا که آن را به زبان فارسی و به نام عزیزالدین مستوفی نوشته
است . موضوع کتاب بحث در مسائل حکمت والهی و علوم طبیعی است .
یزدگرد سوم (ش-ت) آخرین ساه ساسانی که در زمان او سعد
وقاص به فرمان خایفه عمر به ابران لشکر کشید و در محل قادسیه میان
ایرانیان و نازیان جنگی در گرفت . رستم فرخزاد سپهسالار ایران در این
جنگ کشته شد و ایرانیان گریختند و مداین پایتخت ساسانی به جنگ نازیان
افتاد و یزدگرد از آنجا گریخت و سپاهیان خود را گرد آورد . باردیگر جنگی

میان او و سپاه تازیان درنهادند روی داد و باز ایرانیان شکست یافتند. یزدگرد برای گردآوری سپاه بسوی خراسان شتافت و از راه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد اما چون آرزوی تخت و تاج داشت، ترکان را برضد شاه تحریک کرد و جنگ در گرفت و باران یزدگرد کشته شدند و او به آسیائی پناه برد. آسیابان به تحریک ماهوی، شاه را کشت. از آن پس سراسر ایران به دست تازیان افتاد. یعقوب (تن) از پسران و پسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف را به چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب در فراق یوسف آنقدر گریست که کور شد. پس از سالها که یوسف عزیز مصر گشت و با تدبیر خود برای قحط سال آذوقه جمع کرد. پسران یعقوب برای خرید غله به مصر رفتند. یوسف ایشان را شناخت و پیراهن خود را برای پدر فرستاد. همچنین برادران پیراهن یوسف را از مصر خارج کردند و بادبوی آن را به مشام یعقوب رساند و چون یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بینا گشت.

یغمای جندی (ت) میرزا ابوالحسن یغما بن ابراهیم. وفات ۱۲۷۶ -
از شاعران عهد قاجار و دربار محمد شاه، یغما دارای اشعار جد و هزل آمیز است و غزلیاتی دارد به نام سرداریه که با تخلص سردار ساخته شده است دیگر فصایه که با تخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه بر شعر مکتوبها و مراسلاتی دارد که آنها را با انشاء ساده و سهل نوشته و کوشیده است که در آنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار او مثنوی «خلاصة الافتضاح» و مثنوی «شکوک الدلیل» که به وزن شاهنامه سروده و ظاهراً مدح و در بطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است.

(کلیات یغما . چاپ تهران)

یلدا (نج) رجوع شود به شب یلدا

یمینی (ت) عمید محمد بن عثمان یمینی کاتب غزنوی از شاعران
اواخر عهد غزنوی و از معاصران یمین الدوله بهرامشاه غزنوی . یمینی از
دانشمندان وبلغاء مشهور به شمار می رفته و اسعاری از او در لباب الالباب
و مجمع الفصحاء آمده است .

یوسف (تن) از پیغمبران و پسر یعقوب که از برادران دیگر نزد
پدر عزیزتر بود و شبی خواب دید که ماه و ستارگان در برابرش به سجده
افتاده اند و آن را برای پدر و برادران نقل کرد . برادران بر او حسد بردند
و به بهانه گردش و تماشای او را به صحرا بردند و در چاهی انداختند و پیراهن
او را به خون کبوتری آلودند و به پدر گفتند که گرگ او را خورده است .
کاروانی یوسف را از چاه بیرون آورد و به مصر برد و چون یوسف در جمال
بی نظیر بود ، در مصر شهرت یافت و رئیس کاروان او را به عزیز مصر
فروخت . زلیخا زن عزیز مصر که عاشق شده بود ، هر چه کرد نتوانست
دل یوسف را به دست بیاورد و او را از پا کداسنی دور سازد پس او را
متهم کرد و به زندان افکند ، یوسف بر اثر تعبیر خواب ملک مصر از
زندان نجات یافت و خزانه دار گشت . وی در سالهای فراخی غله جمع
آوری کرد و در سالهای قحطی فروخت و با این تدبیر مردم مصر را از قحط
نجات داد و خود عزیز مصر گشت . برادران یوسف که در کنعان از قحطی
به جان آمده بودند برای خرید غله رو بسوی مصر نهادند ، یوسف ایشان
را شناخت ولی بار اول و دوم خود را معرفی نکرد و با رسوم که برادران
برای خرید غله آمدند خود را به ایشان شناساند و پیراهن خویش را برای
بعقوب فرستاد تا بر چشم بمالد و بینا شود ، همینکه برادران یوسف از

مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند. هنگامی که
یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بیناشد و با پسران به مصر نزد یوسف رفت.
یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم‌سخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌سخور

«حافظ»

یوسف سپهر چارم (نچ) کنابه از آفتاب.

چون یوسف سپهر چارم ز چاه دی
آمد به دلو در طلب تخت مشری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) از شاعران قرن چهارم. اشعاری از او در
«لغت فرس اسدی» و کتاب «المعجم» شمس قیس رازی ضبط است.
یوسف نجار (تن) وکیل بدر بریم عمران. روزی که مریم در صومعه
در حال غسل کردن بود، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار بر او
نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد. چون عیسی متولد شد،
بنی اسرائیل مریم را نکوهش کردند. خدای تعالی عیسی را به سخن آورد
تا ایشان را به پاکی مادر و پیغمبری خود، بشارت دهد.

یوسف نجار کیست، نوح دروگر که بود

تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف وزلیخا (ك) یکی از مشنویهای هفت اورنگ اثر مولانا
عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۸ ساخته است. این مشنوی به اسلوب
خسرو شیرین نظامی است و از روی سوره یوسف وزلیخا که احسن القصص
است به نظم آمده است.

یوسف وزلیخا معروفترین اثر جاسی است که جلب توجه بسیاری از شاعران را کرده و به زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) از بیغمبران که چون مردم دعوت اورا نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش بر سرایشان فرستاد ، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبه ایشان را پذیرفت و بر یونس عتاب کرد که چرا از میان مردم غایب شده است و کشتی که بونس در آن نشسته بود ، در غر قاب افتاد . قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند ؛ سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد . بونس خود را به آب انداخت ، ماهی اورا بلعید و او چهل روز در شکم ماهی ماند و در تاریکی شب و تاریکی آب و تاریکی شکم ماهی توبه کرد . خدا توبه اورا پذیرفت و اورا از شکم ماهی بیرون آورد . بونس به سبب ضعف مزاج بر لب دریا ماند تا چهل روز آهوئی اورا شیر داد و درختی بر او سایه افکند تا قوت گرفت و نزد قوم خود بازگشت .

قرص خورشید در سیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چو یوسف نیست کز قحطم رهاند

مرا چه این یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

منابع کلی که مورد استفاده قرار گرفته است

تاریخ ادبیات ایران	تألیف ادوارد برون (۳ جلد)
جلد اول	ترجمه علمی پاشا صالح
از سعدی ناجامی	از انتشارات کتابفروشی ابن سینا
	» علمی اصغر حکمت
از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر	از انتشارات کتابفروشی ابن سینا
	» رشید یاسمی
سجن و سخنوران	چاپخانه روشنائی - تهران ۱۳۲۱ شمسی
	تألیف مدیع الزمان فروزانفر
	از نشریات کمپسیون معارف - شرکت
	محدود طبع کتاب
تاریخ ادبیات ادراک	» دکتر رضا زاده شفق
	چاپخانه دانش ۱۳۲۱ شمسی
تاریخ ادبیات ایران (۲ جلد)	» دکتر ذبیح الله صفا
	از انتشارات کتابفروشی ابن سینا
حماسه سرئی در ایران	» دکتر ذبیح الله صفا
	از انتشارات مؤسسه امیر کبیر ۱۳۳۳ شمسی
سبک شناسی (۳ جلد)	» ملک الشعراء بهار
	از انتشارات مؤسسه امیر کبیر
شعر المحم	» شبلی نعمانی
ترجمه شهید محمد تقی فخر داعی گیلانی	از انتشارات کتابفروشی ابن سینا
جامی	» علمی اصغر حکمت
	چاپخانه بانک ملی ایران ۱۳۲۰ شمسی
لباب الالباب	» محمد عوفی
به کوشش سعید نفیسی	از انتشارات کتابفروشی ابن سینا
تذکره الشعراء	» دولت شاه سمرقندی
مجمع الفصحاء	» رضا قلی خان هدایت
به کوشش مظاهر مصفا	از انتشارات مؤسسه امیر کبیر

- آنشکده آذر
 به مقدمه سید جعفر شهیدی
 تذکره میخانه
 به اهتمام احمد گلچین معانی
 ریحانه الادب
 فرهنگ سروری (مجمع الفرس)
 به کوشش محمد دبیر سیاقی
 فرهنگ رشیدی
 تصحیح محمد عباسی
 درهان قاطع
 به اهتمام دکتر محمد معین
 فرهنگ آندراج
 به اهتمام محمد دبیر سیاقی
 غیاث اللغات
 به کوشش محمد دبیر سیاقی
 فهرست کتابهای چاپی
 المعجم فی معانی اشعار العرب
 تصحیح مدرس رضوی
 نفایس القیون وعرایس العیون
 تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی
 وزن شعر فارسی
 دره نحقی
 اندع البدایع
 علم ندیم
- تألیف لطفعلی ملک آذربیکدلی
 از انتشارات مؤسسه نشر کتاب
 » ملا عبدالمسی فخرالزمانی قزوینی
 از انتشارات شرکت نسیمی اقبال
 » محمدعلی میریزی (مدرسی)
 از انتشارات شرکت سهامی طبع کتاب
 » محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی
 از انتشارات کتابفروشی علمی دکتر علمی
 » عبدالرشید بن عبدالعفورالحسین التتوی
 از انتشارات کتابخانه دارانی - تهران
 » محمد حسین بن خلف میریزی متخلص -
 بهرهان
 از انتشارات کتابخانه زوار - تهران
 » محمد بادشاه متخلص به «شاد»
 از انتشارات کتابخانه خیام - تهران
 » غیاث الدین محمد رامپوری
 از انتشارات کانون معرفت - تهران
 » خانما دامشار
 از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
 » شمس و بس رازی
 از انتشارات دانشگاه تهران
 » شمس الدین محمد بن محمود آملی
 از انتشارات کتابفروشی اسلامیه - تهران
 » دکتر پرویز خابلری
 از انتشارات دانشگاه تهران
 » نجفقلی میرزا ملقب به آقاسردار
 چاپ شیراز ۱۳۳۳ قمری
 » شمس الملاح حاج میرزا حسین گرگانی
 چاپ تهران ۱۳۲۸ قمری
 » محمد حسن فروعی (دکاء الملک)
 چاپ تهران

- هجّار گفتار » حاج سید نصر الله تقوی
چاپخانه مجلس - تهران ۱۳۱۷ شمسی
- اساس الاقتباس » خواجه نصیر الدین طوسی
از انتشارات دانشگاه تهران
- التفهیم لاوائل صناعة التنجیم » ابوریحان بیرونی
تصحیح جلال همائی
مفاتیح العلوم » خوارزمی
چاپ مصر
- مجمّل التواریخ والقصص »
تصحیح ملک الشعراء بهار
کشف المحجوب » هجویری
از انتشارات مؤسسه امیر کبیر
- درة التاج لعزة الدباح » قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود
الشیرازی
- تصحیح سید محمد مشکوة
جزاینها اغلب متون کتابهای نظم و نثر فارسی که ذکر آنها در این کتاب آمده
مستقیماً مورد مطالعه قرار گرفته است
- چاپخانه مجلس - تهران